c

4126906

131

Majmūʿa (collection)

(Magic, cabbalistic, interpretation of dreams, etc.).

c

131

Lucknow
22/II/27
W.I.

یا فتاح

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و یسر و تمم بالخیر

هر کس که این اسمای عظام را با عزاز و اعتبار با خود بدارد
و مواظبت بخواند برکت آن عجایب و غرایب صنایع و
بدایع الهی مشاهده نماید و اسرار غیب بروی کشف گردد
چنانکه بر مخلوقات پوشیده مانند و شرح خاصیتهای این نامها
اکثر من ان تعد و تحصی است و طالب این دعوات اجابت

آیات بسیار و فقیه متقی فخر الدین ابو المکارم علیه الرحمة به بیتی
در بغداد مجاور بود و طلب این اسماء میکرد و شرح و خاصیت این
اسما جست بعد از طلب بسیار و امداد انتظار این شرح و اسماء از
حضرت شیخ شهاب الدین یافت و بجانب فارس آورد و شرح
این بوا بود و فقیه فخر الدین ابو المکارم بفارسی کرد تا هر کس از اهل
عجم از آن بهره ور شوند و جمله خلق این اسماء ورد سازند شرح این علیحده
گفته است تا که هر اسم را مخصوص بشرح فرموده تا خوانندهٔ فایده بسیار بینند
و قایل و کاتب و مولف را بدعای خیر یاد آورند که موجب اجابت
و تعظیم و تکریم نگاهدارد تا مراد دو جهانی حاصل گردد خاصیت اسم اول
آنست که چون نزدیک پادشاه رود هفده بار بخواند برابر
در دل آن پادشاه مهر و محبت آنکس بی اختیار پیدا شود و اگر

برنجیده باشد و بهمین سبیل پیش هر بزرگی بکند و اگر این اسم

بسیار بخواند دل وی چنان روشن شود که رازهای غیب کشف

گردد و کارهای مشکل بروی آسان گردد و شرک از دل ببرد و اگر

امیدی یکی دارد بجهت دنیاوی روز یکشنبه که روز آفتاب است

به نیت آن مراد بیست و چهار بار بخواند آن مراد بفضل الهی بیشک برآید

اگر مطلوب سرکشی باشد غسل کند و جامه پاک در پوشد و صد

و بیست یکبار بر چیزی خوردنی خواند و یا بنویسد و بخوردن او

دهد و در خیال وی باشد و مطیع وی شود و باید که درست و بصدق

بخواند تا مراد حاصل شود **اسم اعظم اینست** سُبحانَكَ لا اِلٰهَ

اِلّا اَنتَ یا رَبَّ کُلِّ شَیءٍ وَ وارِثَهُ وَ رازِقَهُ وَ راحِمَهُ سُبحانَك

خاصیت اسم دیگر اینست اگر کسی تنگدست باشد و در نظر خلق حقیر

و بی اعتبار

3

ولی اعتبار باشد تا بیست روز هر روز پانزده بار بخواند و

در نظر مردم عزیز شود و دست فراخ گردد و هر که او را ببیند دوست

وی گردد بفرمان خدای عزوجل اسم دویم اینست یا اِلٰهَ الآلِهَة

الرَّفیعَ جَلالُه خاصیت اسم دویم اینست ویا الله که روز جمعه وقت نماز طهارت

کند و جامه پاک بپوشد و بمسجد جامع رود و بعد از نماز دویست

بار بخواند باخلاص دل اگر خواهد آفتاب برآورد و باد و برق

برانگیزد و زمین بگشاید تواند اعتقاد درست باید اسم سیوم اینست

یا الله المَحمُودُ فی کُلِّ فِعالِه خاصیت اسم چهارم است

که اگر کسی قاهر و تندخوی و متکبر و مردم آزار باشد و خواهد که آن

قهر در وی شکسته شود و رحیم و مهربان گردد و او را از این حال

خبر نباشد باید که این اسم را بر حریر سفید بنویسد بمشک و زعفران

بنام مردی و بنام مادر وی و در مقام وی پنهان بکند جای
پاک که هیچ پلیدی نباشد و اگر همه جا پاک باشد و آن مهر
و نخوت و تکبر در روی شکسته شود و همچنان باز آید چنانکه از
شرم مردم در کسی ننگرد و سخن دشوار گوید و اگر کسی را دوست
میدارد و مطلوب هیچ ملتفت طالب نشود و با وی نمی آمیزد
باید که سه روز روزه دارد و هر روز پانصد بار این اسم بخواند بعد
از سه روز که هر روز پانصد بار خوانده باشد برخیزد و بحمام رود
و بروی لعاب باشد و غسل بکند و چون بیرون آید بر کف دست
راست بنویسد بمشک و زعفران زود باشد که مطلوب از مهر
طالب دیوانه شود و همه عالم بر روی او بتنگ و جهان از برای
او خواهد و اگر این اسم از کف دست خود بشوید هم باشد که از

عشق وی رنجور گردد اسم چهارم اینست یا رحمن کل شی و

راحمه یا رحمن خاصیت اسم پنجم اینست که اگر کسی رنجور و ناتوان باشد

ورنج وی ظاهر نباشد و اطبا از معالجه او عاجز آیند و هیچ در وی

اثر نکند این اسم را بر کاسه چینی نویسد بمشک و زعفران و

نبات و مصری و عرق گل بران رنجور دهد تا بخورد البته شفا یابد

بفرمان عز و جل و دیگر بار رنجور نشود و بسیار خواند بصدق دل

برکت و در عمر پیدا کند اسم پنجم اینست یا حی حین لا حی فی

دیمومة ملکه و بقائه یا حی خاصیت اسم ششم اینست

اگر شخصی را طبیعت نباشد و دلگیر باشد و هیچ یاد نتواند گرفت و

هرچه یاد گرفته باشد فراموش شود چهل روز بست و هفت بار

بعد از نماز صبح بخواند دل او بیدار و منور شود و چیزها یاد کرد اند

از مغیبات کشف کرده بروی و اگر چیزی گم کرده باشد و راه بان
نبرد شب دوشنبه که آفتاب در حمل باشد صد بیت نوبت
برین نیت بخواند و در خواب رود که نشان از آن چیز بوی دهند
که کجاست و اگر چیزی کسی دزدیده باشد اورا بوی نماید و باز یابد
و نیت هر کس که بخواند همین باشد و اگر بخواند و یا دکانه خود
دهد روز دکانه او برود و پای او بسته گردد بفرمان خدای
عز و جل اکثر بیت یا قیوم فلا یفوت شیء من
علمه فلا یؤوده یا قیوم [illegible] اگر کسی را فکر غالب باشد
هر لحظه خیالی در دماغ او آورد و آن را حاصل نباشد و از دست
فکر در زحمت باشد و بیم بود که مالیخولیا اورا پدید آید باید که این
اسم بسیار خواند از آن جهت خلاص یابد و آرام گیرد و اگر کسی را از سلطانی

و باز

5

و یا از دشمنی مخوف باشد و دشمن صاحب حکم باشد وقت نماز پیشین

غسل کند و نماز پیشین بگذارد و چون از نماز فارغ شود بعد از اوراد این

این اسم پنجاه و یکبار بخواند دشمن بر وی رحم کرد بفرمان خدا تعالی و بعد از ان

هیچ دشمنی بر وی ظفر نیابد و جادوی نیز بر وی کار نکند و مار و عقرب و زنبور

بر وی ضرب نرساند و نگزد و از آفت بلا ایمن گردد اسم هفتم اینست

یَا وَاحِدُ الْبَاقِی اَوَّلَ کُلِّ شَیْءٍ وَاٰخِرَهُ یَا وَاحِدُ خاصیت اسم هشتم

آنست اگر کسی در کاری ثابت قدم باشد و عمل او باطل نباشد

سه روز روزه دارد و بافطنه سه صد بار این اسم بخواند بنیت ثابت

و حاجتی که دارد حق تعالی حاجت او را روا کند و در همه امور ثابت قدم

باشد هرگز متزلزل نشود و اگر خواهد که پادشاه یا صاحب حکومت در

حکومت ثابت بماند این اسم را شب بیست و هفتم ماه رمضان بر

نگین انگشتری زرین نقش کند و باید که نقاش و صاحب عمل
هر دو با روزه و طهارت باشند تا نگین کنند چون انگشترین زرین
انگشت کند در حکومت ثابت ماند و تا آن انگشترین در انگشت
وی باشد دشمن بر وی ظفر نیابد بفرمان خدای عز و جل **اسم هشتم**
ربیت یا دایم فلا فناء ولا زوال لملکه یا دایم **خاصیت**
اسم و وقت آن اگر کسی در حرام و زنا و لواطه گرفتار باشد و از آن باز
نتواند گشت این اسم را بدان نیت بخواند و دعوت کند باید که
آن روز نوبت مشتری باشد یعنی روز پنجشنبه روزه دارد
و هزار بار این اسم بخواند و جهد کند که حیوان نخورد و از حرام
یا دینار دنیا گرد و لقمه که از شبهه باشد احتراز کند و آنکس که
دعوت کند همچون آفتاب تابان باشد و دیگر گرد آن فعل نگردد

واکر شب تاریک در راهی کذرد عکس روی او بدیوار افتد و
روشن شود و او بر خلق مبارک باشد باید که احتراز کند از حرام
و زنا و لواطه و اکر در میان شوهر و زن سازکاری نباشد باید که این
اسم را بر کاسهٔ چینی یا بر کاسهٔ زجاجی نویسد بمشک و زعفران و بعرق
کل و نبات بشوید و بدهد تا بخورد یکی از هر دو که صلاح و محبت و موافقت
در میان ایشان افتد و اکر بر پوست آهو نویسد بمشک و زعفران
و در موم کیرد و در کوزهٔ آب اندازد و از آن خورد بار دیکر هرکز خصومت
نکند و حلیم و بردبار شود و عاجز و زبون کردد اکرچه تند و سرکش باشد
اسم نهم اینست یَا صَمَدُ مِنْ غَیْرِ شَبِیهٍ فَلَا شَیْءَ کَمِثْلِهِ یَا
صَمَدُ خاصیت اسم نهم آنست اکر خواهد که زبان خلق بر خود ببندد
و چنانکه در همه حال وی ببدی و دشنام سخن نتوانند کفت باید که لوحی از

از سرب بسازد از ۳ مثقال و این اسم بر آن نقش کنند و در شکم
ماهی نهد و در زمین نمناک دفن کنند و نام خصمان دران نقش کنند
البته زبان ایشان بسته شود و در اندک مدتی همه دشمنان با
وی دوست گردند و باید که قمر در برج آبی باشند تا مراد حاصل شود به
فرمان خدای عز و جل و اگر چهل روز روزه دارد و هر روز چهار صد بار
این اسم بخواند جماعت ارواح بر وی حاضر شوند و هر حاجت
که او را باشد روا کنند اما باید که حیوان نخورد و سخن با خلق کم
گوید و اگر نه از خوف بیم آن باشد که هلاک شود و بگذارد و بگردد
از هیبت این اسم معظم **اسم دوازدهم اینست** یا بارئ فلا شیء کفوه
ولا امکان لوصفه یا بارئ **خاصیت اسم دوازدهم اینست** که اگر بادشاه یا بزرگی که
صاحب عمل باشد و معزول گردد و مرتبه او کم شود و دشمن بر وی
ظفر

نظر باید این اسم را دعوت کند و هفت روز روزه دارد و ترک

حیوانات کند و هر روز هزار بار این اسم بخواند چون هفته تمام شود همه دشمنان

مقهور و تفرقه گردند و هم باشد که یکدیگر بکشند و دولت روی بوی نهند

و باز بمرتبه اول برسد اما باید که در نشست خود ظلم نکند و از بیداد احتراز

کند و اگر تفرقه باز بوی رسد و اگر همه روز خواند هم بدین منوال دولت

از خاندان وی بیرون نرود و اگر قرض بسیار دارد و بدین اسم

مداومت نماید وام گزارده شود و توانگر گردد و آنکس که قرض بوی

داده باشد محتاج وی گردد و صاحب قرار عهد خود شود اما باید که اسرار

خود با کس نگوید تا بمراد رسد بفرمان عز و جل اسم یازدهم اینست

یَا کَبِیرُ اَنْتَ اللهُ الَّذِی الْعُقُولُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهِ یَا کَبِیرُ

خاصیت اسم دوازدهم آنست که اگر کسی مسحور باشد یا از بند

باشد این اسم را بر لوحی از هفت جوش نقش کند و با خود
دارد سحر و جادوی از وی دفع شود و بیمار سخت و برص و جذام
ببرد و کار فراخ روزی کردد اسم دوازدهم اینست ۱۲ یا بارئ
النفوس بلا مثال خلا من غیره یا بارئ خاصیت
اسم سیزدهم ۱۳ آنست اگر کسی روز چهارشنبه غسل کند و جامه
پاک در پوشد و در خانه خالی رود و هزار و پنجاه و یکبار این
اسم بخواند و آن روز قطعاً فکر مناهی و فساد نکند و بصدق دل
بخواند هفت تن ارواح بر وی حاضر شوند و نشان ایشان
آن باشد که جامه سبز پوشیده باشند و کلاه ترکان بر سر نهاده
باشند و روی ایشان بغایت خوب باشد و در مقابل وی
بایستند و سخن بگویند و او نیز سخن بگوید و اسم خواند و باز ازبر

8

کیرد چندانکه ایشان سخن در آیند و بگویند که ای فرزند آدم و

آفریده خدا چه مصلحت است و چه مهم داری و ما را بچه کار رنجه میداری

که بقوت این اسم اعظم ما را از مشرق آوردی باید که جواب گوید

ای آفریدگان خدای تعالی خدا از شما راضی باد چنانکه فرمان این

اسم بجا آوردید و بدعوت حاضر شدید اکنون آرزوی من آنست

که بقوت این اسم هر حال و هر کار که مرا واقع شود از نیک و بد و

از خیر و شر در میان دوست و دشمن مدد من باشید و نظر دوستی از

من باز نگیرید و هر گاهی که مرا حاجتی باشد روا کنید و اگر چنانچه

از هوا النفسانی در خاطر بگذرانند بترسد و لال شود و سخن نتواند

گفتن و مراد ضایع گردد و بیم باشد که هلاک گردد باید که در آن روز

بیش از دعوت اصلا حیوانی نخورد تا قوت وهم و خیال نشود

و بنور عالم روحانی از جمیع ارواح بشر رسد و به ایشان آشنا شود
و ایشان با او انس گیرند و ایشان دعوت اجابت کنند
و دیگر بار دعا بر ایشان و تواضع بسیار نمایند و چون بشنود بر خیزد
و دست بر سینه نهد و بگوید چنانکه مرا عزیز و گرامی کردید خدای تعالی
شما را عزیز و گرامی دارد و اکنون نشان باید میان ما و شما تا وقت
حاجت شما را طلب دارم و آن حاجت که مرا باشد روا کنید
ایشان گویند حاجت به نشان نیست با خود بیائیم او دیگر مبالغت
کند که غرض من نشانی است تا دیگر بار مرا حاجت بدعوت نباشد
ایشان چون نام دعوت بشنوند مهری بوی دهند که رنگ او
چون بیضه مرغ باشد سفید و خطی سبز و سیاه بر آن نوشته باشد
باید که بوسه دهد و بر سر نهد و بر چشم مالد و گوید که این خاطر را بمن

ارزانی

آموزیدان نامهای بوی آموزند شرح وخاصیت آن

بادی گویند حاجت بشان نیست اخود بایم که چون نگاه دارد

و باید که نظر جنب و حایض بران نیفتد پس بگوید که زحمت

کشیدید اکنون بسلامت بروید تا وقتی که شمارا طلب کنم

باید که بوی خوش در آتش نهاده باشد تا دوستی جا و بدیما ند

و وقت حاجت هفت بار این اسم بخواند که ایشان حاضر میشوند

و مراد او بر می آرند باید که صاحب دعوت وقت پاک و صافی

باشد تا در مخلط نیفتد که این اسم بغایت عظیم و معتبر است

والله اعلم اسم سیزدهم اینست یا زاکی الطاهر من کل آفة

بقدسه یا زاکی خاصیت اسم چهاردهم آنست که اگر کسی

امیدی دارد یا در کاری در قضیه فرو ماند و تدبیر آن نتواند

کردن این اسم را ببیند چهل بخواند چون او دران سخن

گوید مراد او بر آید و چنان شود که خاک در دست او زر

شود و در روز قیامت اولیا و انبیا اکرام وی کنند و

در نظر خالق و خلایق عزیز و مکرم باشد در هر کار که صدق پیش

گیرد از خدا تعالی بیابد و اگر علم داند رود و بگوید یا وقت

نیک لطالع سعد و قمر در برج دلو باشد این اسم را بر کاغذ

خطائی به حروف نقش کند و در موم گیرد و در کوزه آب

اندازد و آن آب را در خانه میریزد اما البته باید که لطالع سعد

باشد که اگر بطل رود شنائی بیدا شود نعوذ بالله خدا تعالی اسم

چهاردهم نیست ۱۴ یا کافی الموسع لما خلق من عطایا

فصل یا کافی خاصیت اسم پانزدهم ۱۵ الست که اگر درد گرسنت

ظالمی

ظالمی یا حبسی گرفتار رود در بند شده باشد سخت و هیچ تدبیر نجات
و خلاص ممکن نباشد باید که این اسم را بسیار بخواند چنانکه
از هزار دو هزار باید راند و تسبیح کند این اسم را تسبیح اعظم
خوانند و برکت این اسم از آن بند و زندان ظالم خلاص
یابد و اگر ورد سازد و بسیار خواند آن ظالم هلاک و فنا گردد
و آن زندان خراب شود بفرمان خدا تعالی و شاید که از حال
وی آنکس که او را در زندان کرده باشد البته خبری در دست
وی افتد و هر کس که از بنی آدم و بنات حوا این اسم بسیار
خواند حضرت سید المرسلین یا نبی از انبیا البته در خواب بیند
و در جزا و لیا باید و باید که در خواندن اسم ظاهر با وضو باشد
و نماز در روزه نگاه دارد و شکسته دل نیاورد و این تسبیحها

که گفته شد بار نخواند از راه صدق خود و خویش باشد و قصد خود

میکند و کور خود میکند و اگر بار نخواند نه از صدق خلق بس

گیرد و بمیرد و بعد از رنج رود نعوذ بالله منها این اسم اعظم اینست

یا نَقِیًّا مِن کُلِّ حُوبٍ لَم یُصِرَّ وَلَم یُخالِطْهُ فَعالُهُ یا نَقِیُّ

خاصیت اسم شانزدهم ۱۶ آنست که اگر کسی را دست و چشم

و دل و زبان بسته باشد چنانچه هیچ کار از وی نیاید و فرو ماند

و سرگردان باشد و در چشم مردم حقیر نماید ولی اعتبار در وی

هرچه کند بر نیاید و خواهد که سرانجام کار او نیک شود و مراد

رسد و لیکن از کار وی بر خیزد و مستعد گردد باید که چهل روز دعوت

این اسم نماید و گوشت حیوانی نخورد و اگر چیزی پخته خواهد

برنج بروغن کنجد بپزد و نمک بسیار در آن نکند تا لسان

دران غالب نشود و بغیر از نبات هیچ نخورد و اندک

خورد و جهد کند که بیش از نان نخورد و اگر شیرینی خواهد

بنوشد طالقی با عراقی کمل خورد و این چهل روز اخلاط با

مردم نکند و در جای خالی نشیند و اگر میان مردم باشد سخنی نگوید

و مدام این اسم را بخواند و کل خیال در دل خود با این اسم

دارد و حاضر وقت باشد تا چه پیدا شود که هم در اول هفته

علامت عالم غیب ظاهر شود و این علامت بر هفت وجه است

و ما شرح هر هفت بگوییم تا بداند تا بداند و نترسد و علامت

غلط نشود علامت اول آنست که چون سه روز بگذرد

او در شب و روزی شش هزار بار بخواند چند روز بگذرد

نام اسم بسیار خوانده باشد همه عالم را بچشم او سبز نماید

خود را و جامه خود را سبز ببندد چنانکه برگ درختان باید که

اندیشه نکند و دغدغه بخود راه ندهد و همچنان اسم میخواند و

دل خود را راست دارد و قوی دل کند علامت دویم آنست

که روز هفتم دو تن بوی رسند خواه در خلا و خواه در ملا او را

بگویند ای بنی آدم چه غرض داری و مقصود تو چیست و این

دعوت از بهر چه میکنی برخیز و بکار دنیا مشغول باش و تا خللی

بتو نرسد و از چند گونه ترا نصیحت کنند باید که هیچ جواب نگوید و

این اسم بلندتر خواند که ایشان از چشم تو نهان شوند باید که دل قوی

دارد و نترسد که مضرت بوی نرسد اما اگر بترسد هلاک باشد

علامت سیوم آنست که روز سیزدهم بخانه خالی رود و مشغول

دعوت گردد و مترصد باشد که چه حال واقع گردد ناگاه مرغی

بسر

سفید ملمع که بباید باشند همای و بر سر او نشیند و پر بر روی او
زند و بانگ کنند و نعره زنند و هم از آن جنس مرغ بسیار شوند
اما کوچک‌تر از آن باشند و آن مرغان بانگها عظیم کنند و دهشتی
عظیم در دل وی پیدا شود باید که نترسد و این اسم را با آواز
بلند خواند تا مرغ بر سر او برخیزد و برود و نیز این مرغان کوچک
برود و بانگ عظیم کنند و دهشت عظیم در دل وی پیدا شود باید که
دل قوی دارد که هیچ مضرت بوی نرسد علامت چهارم آنست
که چون روز پنجم هم این اسم را همان طریق میخواند بعد از نماز
عصر در خلوت او شخصی درآید مرقع پوشیده بر شکل درویشان
وامرد باشد و بر روی راست او خالی باشد و مویی بزرگ
وسط دران او نخچه باشد چنانکه دران صورت عجب نماید

چون کسی در آید سلام کند باید که برخیزد و جواب سلام باز دهد
و حرمتش دارد و هیچ سخن دیگر نگوید تا دعوت گسسته
نشود و آن شخص زبانی برابر وی نشیند و سخنها گوید باید او از
دعوت غافل نباشد و هیچ سخن با وی نگوید او نیز برود و اگر
با وی بسخن در آید دلش بهم بر آید و این اسم فراموش کند
او را او در حال بکشد علامت پنجم آنست که او دریابد
و بفهمد هر کس که پیش آید در دعوت آدم پریان و دیوان و ارواح
خبر بداند که از کجا آمده اند و بکجا میروند و ارواح بکجا می باشند
و از برای چه آمده اند و درخواست ایشان چیست اما شرط
آنست که هیچ از این اظهار نکنند تا دعوت تمام گردد و اگر نه
منقطع الدعوت گردد علامت ششم آنست که تا از روز بیست و هشتم

تا روز

13

تا روز چهلم در خانه خلوت بنشیند و خطی مربع کشد و خود در میان
خط بنشیند و این اسم میخواند و چون شب در آید چراغدان سبز
مهیا کند نو با فتیله روغن زیت و روغن یاسمن دران کند تا
میسوزد و باید که هفتصد نوبت محلل اوجی بران فتیله بخواند تا
پنج یا هفت شب چنین بگذرد و میسوزد بعد ازان چهار شخص بیش
خط مربع او پیدا شوند و گویند ای فرزند آدم برخیز دار مندل بیرون
آی و ازین اندیشه فاسد درگذر و بگو که غرض تو ازین دعوت
چیست و چه میخواهی اگر مال میخواهی بدهیم و اگر عاشق معشوق
بیاریم و اگر دشمن داری هلاک کنیم اگر جادوئی کرده باشد باطل
کنیم و آنچه مقصود تست مهیا کنیم و هر شغل و عمل داری علامت کردانیم
و هر چند ازین نوع سخن گفته اند باید که هیچ جواب ندهند تا زمانی

که ایشان نیکو کنند دهند که انچه مراد تست بگو چون نیکو کنند قسم ان نان
عظیم باشند طایفهٔ ارواح بهمان اسم اورا نیکو کنند دهند بعد از آن
بگوی ای آفریدگان خدایتعالی مرا با شما کاریست انچه مقصود منست
خود بیابید و دیگر اسم میخوانند و سخن دیگر بگوید چنانکه گویند برخیز
ازین جا مربع بیرون آمی باید که از جای خود نجنبد و گرنه از جای
خود بجنبد و بیرون آید و در حال اورا بکشند هلاک و کشند
تا روز چهلم ناگاه غلغله در انخانه افتد علامت هفتم آنست که روز
چهلم باشد آن غلبه و غلغله پیدا شود خواه روز خواه شب و
طمطراق در انخانه افتد و بسیار مشعله و چراغ و شمع در انخانه
پیدا شود او و مقدمه لشکر پیدا شود و هر کس بسلاح تمام یکسی
بمرکبی باید که چشم با خود بدارد و این اسم خواند و غافل نشود

اعمام

وحاضر وقت باشد و هیچ سخن نگوید تا زیان نکند و این اسم الصلات

خواند که ناگاه در میان سلطانی پیدا شود سواری بغایت مهیب

باشد بر شیری سوار باشد و ماری عظیم چون تازیانه در دست گرفته

باشد و پریان ماه رویان در حوالی ایستاده باشند و دست سلام

نهاده و طبقهای نثار گرفته باشند او ملک ارواح است و سه هزار

از پریان در حکم او باشند و هر یک از ایشان لشکری و تیغی داشته

باشد چون بداند باعزاز و اکرام صاحب دعوت سلام کنند

باید که برخیزد و دو دست بر سینه نهد و جواب سلام باز دهد و قطعاً

هیچ سخن دیگر نگوید و این اسم همچنان میخواند تا ملک ارواح بسخن

درآید و گوید ای فرزند آدم مقصود تو چیست و چه میخواهی گوید

ای ملک الارواح خدای آسمان و زمین از تو خشنود باد چنانکه

بدعوت من آمدی و زحمت کشیدی اکنون مراد من آنست
که مرا لشکر خود نمائی تا هر کار و هر حال بعد من باشند و نکبت
دگره از کار من بردارند و بیرون برند و مرا اجابت و اطاعت
کنند و تو از خزانهٔ خود بهره دهی و پیوسته خود را من نمائی و از
احوال و کار من غافل نباشند ولی لشکر مرا الصحبت خود راه
دهی چون پادشاه سخن تو قبول کند و ملک فرمانبرداران
تو شود بسیار عجایب از تو در عالم پیدا شود و نام و هیبت دی
در عالم فاش گردد و خلق خدای جمله بوی محتاج شوند چون این
فرصت یافت بگوید تا ملک الازدواج بدست خود بیعت
نامه بنویسید که در وقت حاجت در آید چگونه او را حاضر کنند
و نام امیران و وزیران خود یاد کند و در حکم او کنند نجاحیت

ابی

این اسم اعظم این کار تمام شود و چون عهد و بیعت رفته باشد
15
بادشاه جامه خود تشریف بوی دهد و او را لشکر خود نماید و
از نظر او غایب شود و باید که سوره بخواند و سلامت از میان خط
مربع بیرون آید و هرچه خواهد تواند کردن بقدرت خدای عز و جل
و شرح و خاصیت این اسم بسیار است اما آنرا مختصر کردیم و گفتیم تا
آسان باشد والله اعلم اسم شانزدهم اینست یا حَنَّانُ أَنْتَ
الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ
عِلْمًا يَا حَنَّانُ خاصیت این اسم هفدهم آنست که اگر کسی
را قرض بسیار باشد و هیچ چیزی بوی ندهند چون این اسم بسیار
خواند اعتبار و اعتماد بردی کنند و بی منت احسانهای
وی کنند و در هر کاری که شروع کنند فایده و منفعت یابد و

بهر چه روی کند فرصت او را باشد و نفع و اولاد او زیاده

شود اگر وقتی که آفتاب در مشرق باشد بنویسند حروف این

اسم در کاغذ و با خود دارد هرگز محتاج نشود و نزد خلایق معتبر

باشد و مال فراوان گردد و شکوه و منصب و عمرش بیفزاید

و قوت روح و جسم او زیاده شود و هرگز بیمار نگردد و اگر

کسی در راهی باشد و راه گم کرده باشد نود بار بخواند راه باز آید

و اگر سر و سامان خود گم کرده باشد هر روز نود و نه بار بخواند

سر و سامان باز یابد ان شاء الله تعالی اسم هفدهم اینست

یَا مَنَّانُ ذَا الْاِحْسَانِ قَدْ عَمَّ کُلَّ الْخَلَائِقِ مَنُّهُ

یَا مَنَّانُ خاصیت اسم هجدهم اینست اگر کسی چیزی

بدست کند از در و جواهر و اجناس و ولایتی که خواهد که سلامت

باشد

باشد و دست غیری بدان نرسد و بار بوی رسد باید که
این اسم را بر حریر سفید بمشک و زعفران نویسد و بر سر آن
ودیعت نهد دست بیگانه و دزد بدان نرسد و سلامت
باز بخداوند رسد و اگر بر جامه کعبه نویسد بمشک و زعفران
با میت در قبر نهد برکت این اسم نریزد و نپوسد و اگر
رنج دارد و هیچ تدبیر آن نداند این اسم را با خود دارد سپیدی
از رو ببرد و اگر کسی بسفر میرود و نخواهد که برود این اسم را
نویسد و در دیوار قبیله پنهان کند سفر باطل شود و اگر
کسی بسفر میرود و این اسم را بر پوست آهو نویسد بمشک
و زعفران و در میان رخت نهد از دست دزد و راهزنان
آن رخت امین باشد ببرکت این اسم اعظم و اگر بر کلاب

خواند بیست و یک بار بر روی بالد دوست روی گردد و

ودر نظر خلایق عظیم موثر باشد اسم هجدهم امنیت یا دیان

دَیَّانَ الْعِبَادِ کُلٌّ یَقُومُ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ وَرَغْبَتِهِ

خاصیت اسم نوزدهم آنست که اگر کسی غایب باشد و هیچ

کس نشان او نمیدهد و نمیدانند که او کجاست این اسم را

بیست هزار بار بنیت آنکس بخواند و تسبیح ده رکعت نماز بگذارد

ودر هر رکعت الحمد یکبار و ده بار سوره اخلاص و ده بار آیة الکرسی

و چون سلام بازدهد این اسم را بر پوست آهو نویسد بمشک و

زعفران بدر وقت خواب زیر بالین نهد که در آن شب

غایب را در خواب ببیند و حال خود و سرانجام خود و نجات

بگوید و هم در آن دم عزم کند و باز بوطن خود آید و در هیچ جای آرام

نگیرد

نگردد تا نیرمان خدا تعالی برسد اسم نوزدهم این است یا خالق

مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ يَا خَالِقُ 16

خاصیت اسم نوزدهم آنست اگر کسی خواهد که شخصی را از محبت

خود و عشق خود بیقرار گرداند چنانکه ازو نشکیبد و به

مال و نعمت فریفته نشود و دل آنکس از پرده بیرون رفته

باشد بزعفران و جاودان جایزه او بداند این اسم بر کاغذ

خطائی نویسد بنام وی و بنام خود بمشک و زعفران و

حاجت نام او در آن نباشد و در کناره آب روان هزار بار

بخواند این اسم و آن کاغذ در آب اندازد که آنکس از

مهر او دیوانه شود و از او قرار نگیرد و اگر در بند آهنی بسته باشد

بگسلاند و بیاید و آن آب دریا در هر درخت بکند دیگرست

این اسم ثمره بسیار بپیدا شود و صاحب باغ نداند که از کجاست

و هر کس که از آن آب بخورد ایمان و اهل او تازه گردد و قوت

گیرد و در وقت مرگ با ایمان بمیرد و اگر هر صباح صد و پنج بار بخواند

خلق مطیع و فرمان بردار او شوند و اگر به نیت یک کس بخواند

معین خواند مطیع و مسخر او گردد تسخیر ارواح و ثلث مخلوقات و جمیع

خلایق آسمان زمین و تمام جانوران و ذرات کاینات در این اسم

است و دعوت این اسم چهل و یک روز است هر روز هفت هزار بار

بخواند البته تسخیر ارواح سلاطین بروی آسان گردد و اگر این اسم را

بر پاره دار چینی نویسد و در کوزه آب اندازد و هر کس خرغن و

سودا داشته باشد آب از آن کوزه باز خورد شفا یابد بفرمان

خدا تعالی اسم هشتم این است یا رحیم کل صریخ و مکروب وغیاثه

18

۲۱

وَمُعَادَهُ یا رَحیمُ **خاصیت اسم بیست و یکم آنست** اگر کسی
دعوت این اسم کند بسیار عجایب بیند بفرمان خدای تعالی
و دعوت این اسم چنانست که دوازده روز روزه دارد
و هیچ حیوانی نخورد و در یکروز ده هزار بار این اسم بخواند در روایتی
دو هزار بار و بیست پنج بار این اسم برخواند و در برابر هر پادشاه
و اعیان مملکت و اکابر رود عزیز او باشد و کار بدرجه رسد
هر شغل معظم که رجوع کند بوی باتمام رساند اگر چهل روز هر روز
هفت هزار بار بخواند تسخیر ارواح سلاطین او را حاصل شود
و او بقدرت خدای تعالی و برکت این اسم اعظم انجام رساند
و هر روز که برآید کار او زیاده شود و حاجت برآرد کند و اگر
ترک کند و نخواند همدران باید که او نیز کسب تشویش بفرمان حق

خدا تعالی اسم بیست و یکم اینست یا تامُّ فَلاَ تَصِفُ الالسُنُ

کُلَّ کُنْهِ جلالِ مُلکِهِ یا تامُّ خاصیت اسم بیست و دوم

آنست که اگر کسی را طلب علم و حکمت باشد و هیچ نخوانده باشد

چون هر روز نود و نه بار بخواند این اسم علم و حکمت بداند و علم

و حکمت از بنی آدم در حجاب است بروی منکشف گردد

و ضایع الموجودات واقف گردد از نشان احجار العوارق

ظاهر گردد و حاجت سایلان روا کند و حل مشکلها کند و صاحب

دعوت داند که چه مرتبه و رفعت یافته اسم بیست و سوم ۲۲

اینست یا مبدع البدایع لم تبغ فی انشاءها عونا

من خلقه یا مبدع خاصیت اسم بیست و سیم ۲۳

آنست اگر کسی دعوت این اسم کند بمرتبه صاحب دیوان

۲۱۰

برسد که هر روز هزار یکبار این اسم بخواند دولت روی بوی

او آید و بغایت بزرگ گردد و زیرک طبع شود و هیچ از وی

فوت نشود و صاحب این کتاب شیخ شهاب الدین مقبول

رحمة الله علیه این کتاب را دعوة الاسلام نام نهاده است

در موده که خواننده این اسما را اگرچه دیر بداند بیشتر از همه

کاینات چیزها حفظ میتواند کرد و هیچ از وی فوت نشود

اگر کسی با وی خیانت کند و او بداند مقهور گردد بفرمان

۲۳

خدای تعالی اسم بیست و سیوم بیت یَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ

فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِهِ يَا عَلَّامُ خاصیت اسم بیست

۲۴

و چهارم آنست که اگر کسی صاحب دعوت در خواندن

این اسم محافظت نماید و مداومت کند و بسیار خواند.

هرکس از فرزندان بنی آدم با وی دشمنی و عداوت نورزد

و دعوی مخاصمت با وی نکند و هرچه او گوید شیرین باشد و پسندیده

خلق افتد و تعظیم و حرمت وی در میان خلق فرض گردد و هر چه اراده

و مراد او بود واجب داند و دعوت این اسم دویست هزار

بار می باید خواندن بهر چند زبان و اگر این اسم بر چیزی مشموم

خواند هزار بار و بوی دهد تا بوید در حال آنکس بدو عاشق و

دیوانه شود و اگر غایب را آوردن خواهد هفت هزار بار بنیت

آن بخواند آن غایب روی بوطن خود نماید و باز آید و

اگر بر چیزی خوردنی خواند و بخورد او دهد مهر او از دل

آن شخص برود و اگر بر سیب خواند بهتر بود و اگر مطلوب

از طالب دور باشد و این اسم را بر کاغذ خطائی نویسد

بنام

بنام وی و بنام خود و از جای بلند او بزد او را بیاورد خدای تعالی
25
باید که در برابر مردم ننویسد و در وقت نوشتن بوی خوش
بسوزاند که مجربست و اگر دشوار زاید بنویسد و بر ران چپ
او بندد آسان زاید اسم بیست و چهارم ۲۴ اینست یا حلیم
ذا الاناءةِ فلا یُعادِلُه شیءٌ مِن خَلقِهِ یا حلیم
خاصیت اسم بیست و پنجم ۲۵ آنست که اگر کسی شوریده حال باشد
و سرگردان و از خانمان خود برافتاده باشد و مال و خواست
وی از دست وی رفته باشد و هیچ کار و عمل و شغل نمانده
باشد و از سر خود افتاده باشد و قانون احوال خود
نداند باید که این اسم را هر روز بعد از نماز دیگر سیصد و یکبار
بخواند و اوقات غنیمت داند البته باز سر رشته احوال خود افتد.

واین نوبت در کارها ثابت باشد از اوبال و نعمت بی کدورت
وسعی حاصل شود و کشایش در کارهای او پیدا شود و حق تعالی
جمعیت‌های نیکو دهد و هرچه روی کند آن چیز میسر او شود
هیچ اندیشه نکند و کسی در کار او مدخل نتواند ساخت و از
هیچ کس نترسد و قوت و شکوه زیاده شود و از خاصیت
این اسم نقش او چنان کامل شود که اقبال بدو نگرد و مردم
از شکوه و قدرت او اندیشه کنند و این اسم راعقد الله ان
اعظم نام نهاده اند زبان خلق بروی بسته گردد و هرچه او گوید
بکنند طوعا و کرها بشنوند و پسندیده بود و سهم الغیب در
طالع و زمان او پیدا گردد و باید که این اسم درست خواند و اعتقاد
نیکو دارد و در این اسم اعظم شک نکند که البته بمراد رسد و اگر
شک

سنگ آورد و کافر گردد و هلاک شود اگر صادق باشد

و دعوت این اسم در شرح کبیر صد هزار بار است هر چند بار

که خواهد بخواند که خدای تعالی او را بمراد رساند اسم بیست و پنجم ۲۵

آیت یا معید ما افناه اذا برز الخلائق

لدعوته من مخافته یا معید خاصیت اسم بیست و ششم ۲۶

آنست اگر کسی این اسم بسیار خواند خدا تعالی چندان

مال و نعمت بوی دهد که حساب نتواند کرد و ارباب دولت

و جاه بوی محتاج شوند منت او بر ایشان شود همه بدیدار وی

شوند اما باید که شرک خواندن نکند و ملول نشود و فروگذاشت

نکند اگر فروگذاشت کند در خواندن خوف فاقه شود و

درویش گردد و چون این حال واقع شود اهل دعوت این را

رحمت الاسماء نام نهاده اند و شک نیارد که خدای
عزوجل قادر است بهرچه خواهد هر کس که دایم ملازمت
این اسم باشد و ترک نکند صفا اندرون و صفت اولیا
او را پیدا شود اسم بیست و ششم است یا حَمِیدُ الفِعَالِ ٢٦
ذُو المَنِّ عَلَى جَمِيعِ خَلقِهِ بِلُطْفِهِ يا حمید خاصیت اسم بیست ٢٧
و هفتم آنست که هر کس از بنی آدم این اسم بخواند و این
مهر را در آب روان اندازد هرگز غلیس و درویش نشود
و در توانگری بماند و از عالم غیب درها بروی گشاده شوند
در میان خلق انگشت نما گردد و هیچ بروی تغلب نتواند کرد و
مغلوب نگردد و فرمان او بر خلق نافذ گردد و اگر دشمن
با وی کرده در روز هلاک گردد و اگر این اسم را درست

اعز

خواند با عتقاد و یک نیاز و باید که روزگاری با امارت

و وزارت رسد اما باید که این اسم را بسیار به پیوسته 22

خواند اگر خواننده این اسم درویش باشد چون این اسم را

دعوت کند توانگر گردد دعوت این اسم چنانست که بیست

و پنج روز ترک حیوانی بکند و بخورد و هر روز سه هزار و دویست

نوبت بخواند و کلاه جان و دل خود را بدین اسم اعظم وا دارد

وانچه حاجت باشد از حضرت حق طلب کند چند اسرار

عالم غیب بر او آشکارا شوند و نور در دل وی از حقایق

پیدا شوند و بفرمان خدا تعالی شوکتی بلا وصف در وی پیدا

گردد چنانکه همه کس ظاهر بینند اسم بیست و هفتم ۲۷ آیت

یَا عَزِیزُ الْمَنِیعُ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِهِ فَلَا شَیْءَ یُعَادِلُهُ یَا عَزِیزُ

خاصیت اسم بیست و هشتم الف ۲۸ که دوستی شاید

وهم دشمنی شاید و مشقت و شش عمل از وی شاید کردن
در روی محبت و عداوت و عقد اللسان و قهر و خواب
بند و تقلیب القلوب هر چه خواهد از آن محروم نماند اما درین باب
شرح یک یک نمیتوان گفت که بتطویل انجامد اما بعضی از آن
بطریق اختصار گفته شود تا جوینده این علم از وی بی بهره نباشند
والله اعلم بدانکه این اسم بغایت عظمت و عظمی
این اسم چنانست که آسمان و زمین و سیارات و ملایکه
و ارواح والفرش سماوی و ارضی و انس و جن و وحوش
و طیور و هر چه خدای تبارک و تعالی آفریده است بقدرت
و عظمت و بزرگی این نام آفریده است و نقلست که این

علم

23

اسم ربشانی مهیز غراش نبشته است وقتی که خواهد

که قبض ارواح کند چون بندگان خاص خدا تعالی عظمت

این اسم رامی بشنید دست از جان شیرین بدارند واگر

خواهی که شمه از اسرار این اسم بدانی باید که اول ملازمت تقوی

کنی و دل از شغل دنیا خالی کنی چون این مقدمات معلوم باشند

در عمل کوشی و در عمل آوری و تقوی روحانی حاصل کنی

وا ز دنیا اعراض کنی و اندک چیزی خوری تا توانی با کسی

اختلاط نکنی از گفتن و شنودن و اگر در عالم فتنه باشد و

روی زمین لشکر گیرد و از هم آشوبید غوغا باشد و جوش

و خروش در میان خلق افتاده باشد صاحب این اسم زد

الله سره باید که دل خود پاک دارد و هر دو گوش خود گیرد تا هیچ

آواز نشنود و ازین آفتها ایمن باشد و این اسم هفتاد و یکبار

بخواند و در میان لشکر دمد و بگوید بستم دست و پای شما

باید که هر بار بخواند این بگوید که بفرمان الله دست و پای ایشان

بسته شوند و اگر از ین عدد که گفتم زیاده خواند اصلح انجامد

اگرچه دشمن بغایت بسیار باشند چنان که گفتیم باعیش و

طرب مبدل گردد بفرمان خدای تعالی و اگر کسی خواهد که

کسی را بیمار سازد ملهم هفته صورت آن شخص زرد سازد

و هر روز هزار و یکبار بخواند به نیت آنکس که بیمار شود در هم

در هفته بیمار شود و اگر خواهد که هلاک شود و هیچ نداند بغیر از حق

یک هفته هر روز هزار و یکبار بخواند و صورت او سرخ تصویر کند

هم در هفته هلاک شود و اما باید که در حال تبتر سد و قصد یکبار

نکند

نکند وگرنه اسم راجع شود و بیم آن باشد که خود هلاک گردد و
24 اگر کسی را که خواهد که از کار معزول گرداند بستاند چهل و یک
خسته خرما و به نیت معزولی آن شخص هزار و یکبار بخواند و هر یکبار
این اسم میخواند بگوید معزول کردم فلانکس را از شغل و عمل
چون تمام خوانده باشد خستها در خندق ریزد که آنکس از شغل
و عمل معزول گردد و از میان خلق بر افتد و اگر خواهد کسی را از
محبت خود بیزار گرداند این اسم را بر حریر سفید نویسد بمشک و
زعفران و در زیر تبش بوی خوش مشک یا گلسته عود بسوزاند
و در دیوار قبله آنکس پنهان کند هر روز بیست و پنج بار پنهان
نیت بخواند و باد بجانب وی دمد که از عشق او دیوانه گردد
و اگر بر کاغذ چنین نویسد و در گوشش نهد زبان دشمن بسته گردد

واگر بنویسد و در دهان کلاغ نهد و بدو زود و در جای پاک پنهان
کند دشمن را قوت دهد و شرح این اسم بسیار است باقی بتجربه
معلوم شود اسم بیست و ششم اینست یا قاهرُ ذو البطشِ
الشدیدِ انت الذی لا یطاق انتقامه یا قاهر خاصیت این
اسم آنست اگر کسی را چیزی بدست کسی باشد و باز
نتواند ستدن و سرکشی کند و خواهد که این آن چیز بدو باز دهد که
صاحب این اسم روزه دارد و بصدق دل بر بام بلند برود
چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه و سه بار انا
انزلناه بخواند بلکه سلام چون از نماز فارغ شود صد و بیست
پنج بار این اسم بخواند و بگوید که خدایا بعزت و عظمت این
اسم که تو بدل فلان انداز که این مال بما باز دهد بی زحمت و گفتگوی

می

مین آن چیز بار بوی رسد و ۶۰ مرتبه خواننده این اسم هر روز افزون

شود و اگر بسیار خواند معتبر و بزرگ آن شهر شود و بر همه حکم کند

و از اذیت و خوف ایمن رسد و وزران حکومت و سروری یابد و خلق خدا

ازو خشنود باشد و حشمت یابد و که هر روز بیست و یکبار این اسم

بخواند حق تعالی در بهشت بروی گشاده گرداند ان شاء الله تعالی

اسم بیست و نهم اینست ۲۹ یا رقیب المتعالی فوق کل شیء علو

ارتفاعه یا قریب خاصیت اسم سی ام اینست ۳۰

که اگر کسی خواهد کسی را با خداوند عزیز گرداند یا ذلیل کند

در حق خود و چه در حق دیگران باید که هر روز چندانکه تواند بخواند

و شفیع آرد و بیمار گشته تا مدت یکماه سیصد بار بخواند اگر خواهد

گدائی را با پادشاهی رساند و اگر خواهد پادشاهی را بگدائی اندازد

نغز ان خدای تعالی قادر است بهر چه خواهد باید که اعتقاد دارد
و شک نیارد که در افتد و چنان معتقد گردد از بهر آنچه
دارد و این از صفت خدا باشد که بدان موصوف شده
باشد و طریق شرع و ادب نگاه دارد و اگر چیزی غیر شرع
کند هلاک شود و اسم را خطا کرده باشد و در دنیا و عقبا
با خود خدا او خلق خدا گردد و از شرع اسلام بدر برود اسم ثلاث و ثلثین
یا مذل
آیت یا مذل کل جبار عنید بقهر عزیز سلطانه خاصیت
اسم الحکم انت اگر کسی را بخت بسته باشد و نحوست
در طالع او بود و از میان خلق بیکار و عمل معطل مانده باشد
و هیچ حاصل کار او استوار نشود باید که دل گوسفند سر سیاه بستاند
چنانچه چشم هیچ بنی آدم بران نیفتد و بحرف گل نشوید چنانچه آسمان
نبیند

نه بیند و هفتصد نوبت این اسم بران خواند و هر بار بروان دل

24 دمد و هر بار که این اسم بخواند این دعا نیز بخواند یا رب الارباب

و یا مسبّب الاسباب و یا مفتّح الابواب و یا قاضی الحاجات و یا دلیل

الخیرات کار من بیچاره بساز ای کارساز بنده نواز و بعد از ان

این اسم بمشک و زعفران بنویسد سه لخته و در اندرون نهد و در بالای

در مسجدی که پنج وقت نماز میگذارند پنهان کند و چون هفتصد

نوبت خوانده باشد و بردارد و بریزد پنهان گشتن همچنان اسم میخواند

و یا باز کرد میخواند که اگر آن باشد هم روز روشنائی در کار او پیدا

شود و در رزق و سعادت بروی گشاده شود و کار وی بمراد وی گردد

و آن نحوست بفتح و ظفر مبدل گردد و اگر دختری را شوهر نباشد و

هر چند که عقد کند موافقت نباشد و هم دیگر نه بیوندد و نفقه در

میان ایشان باشد هم آن عمل بکند که مانند خضر آب حیات

روشنائی یافت او نیز هم روشنائی یابد و اگر این اسم ورد

سازد و میخواند حق تعالی از عالم غیب روشنائی در کار وی

و در بخت وی و در دل وی پدید آورد و از عالم غیب بهره مند

گرداند وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا بفرمان خدا تعالی [illegible]

اسم [illegible] و کریم یَا نُورَ کُلِّ شَیْءٍ وَهُدَاهُ أَنْتَ الَّذِي فَلَقَ

الظُّلُمَاتِ نُورُهُ یَا نُورُ خاصیت اسم [illegible] رحیم

آنست که اگر کسی زیردست کسی باشد و خواهد که زبردست

آنکس باشد و بر آنکس غالب گردد و او زبردست صاحب دعوت

گردد باید که روز یکشنبه و چهارشنبه غسل کند و روزه دارد

و جامه پاک در پوشد و بصحرای خالی رود و هزار و یکصد بار این

اسم

اسم به نیت بزرگی مرتبت و رفعت خود بخواند حاجت
از خدا تعالی بخواهد که بر آنکس غالب گردد و او زیر دست
وی باشد باید که شک در دل نگیرد و اعتقاد درست دارد و توفیق
خدا تعالی و اگر دعوت این اسم کند چنان غالب و قوی
گردد که مردمان عجب نمایند بفرمان خدا تعالی و دعوت
این اسم چنانست که هفت روز علی الدوام بخواند و هفت
شب دیگر هم بخواند علی التواتر باید که دل پاک دارد از کین
و حسد و حرص و عداوت و آنچه افعال ذمیمه است باید که پیوسته
با طهارت باشد تا این اسم درست میخواند و حیوانی نخورد
و مال حلال بخورد که شبهه در آن نبود تا مراد حاصل گردد
و اگر در پشت قباله زن نویسد تا مرد سازگار شود. اسم ۳۲

دویم انیست

خاصیت اسم سی و سیوم آنست که مداومت چهل اسم و
شرائطها بجا آورده باشد و دل نور حاصل شده باشد و صاحب
بسیار عجایب بیند و بروی منکشف میشود و چون باین
اسم رسد و میخواند اگر خواهد که بیوقت باران آرند و برف
برانگیزد و در زمین زلزله در اندازد و آفتاب در شب پیدا
آکند و نیم روز در چشم پنهان کند و ماهتاب بکاهد از عظمت
دیگری این اسم اما باید که با طهارت باشد وگرنه در قتل
میکوشد و صاحب دعوت فرموده که غافلان از اسم اعظم
بدان سبب بهره ندارند که شرائطها و طهارت آن و دعوت
آن بدانند و ملازم اعمال شیطانی می شوند و از عالم روحانی

خزنه ۲۱۲

خبر بوارند و اگر در بابی شر الطا معتاد شوند بندگان خدا تعالی باشند

21 و انهمه عجایب و قدرت در دست انسان آسان باشد اما انکس

که خدا تعالی توفیق دهد بمعنی قل الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون و این شرالطاها

باید که یکهزار و تا بمراد برسد اینست اسم سی و سیوم یا قدوس

الطاهر من کل سوء فلا شیء یعادله من جمیع خلقه

یا قدوس خاصیت اسم سی و چهارم آنست که اگر کسی

سفری میرود و کسان او نمیخواهند که آنکس رود این اسم

تکسیر کند به نیت باطل شدن سفر او و در میان مصحف نهد

آن سفر باطل شود اسم سی و چهارم اینست یا قریب المجیب

المنادی دون کل شیء قربه یا قریب خاصیت اسم سی و پنجم آنست

که اگر کسی سخت مریض باشد چنانچه بدرجه مرگ بود و همه خلق

طمع حاجت از او بریده باشند و دل او فنا نهاده باشند و صاحب
این اسم که بشرایط تلاوت چهل اسم بجا آورده باشد و از اسرار
این علم باخبر باشد و تحقیق خاصیت هر اسمی دانسته باشد این
اسم را چندانکه تواند بخواند و نفس بران مریض دمد که بیم مرگ
بود اگرچه رمقی مانده بود در حال صحت یابد چنانکه مردم گمان برند
که مرده زنده گشت و اگر کسی بگناه گناه بربندد و او را بقتل خواهند
کرد و هیچ تدبیر خلاص او نمانده باشد چنانکه گفته شد بشرایط این
اسم را بنیت خلاص آنکس چهل بار بخواند بی‌شک آنکس خلاص
و نجات یابد اگرچه دشمنان غالب و بالقوت باشند بفرمان
خدای عز و جل اما باید که این اسم درست بخواند و قصور در نیکی
خلق خدای کند و باید که صاحب غرض نبود و از برای طمع نخواند
دایره

به نیت پاک بخواند که مرادش حاصل شود بفرمان خدای تعالی

واگر خواهد که بداند که بر کسی سحر کرده اند یا نکرده اند این اسم را بر

کاغذ نویسد و چند نوبت بر پاره شوره بخواند و پاره در آتش

و پاره دران کاغذ کند که این اسم بران نوشته باشد و کاغذ در پیچد

و زیر سر بالین نهد با روز شود اگر شوره پراکنده شده باشد یقین

داند که سحر کرده است و اگر پراکنده نشده باشد یقین داند که سحر

نکرده اند **اسم سی و پنجم اینست** ۳۵ یَا مُبْدِئَ البَرَایَا وَمُعِیْدَهَا بَعْدَ

فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ یَا مُبْدِئُ **خاصیت اسم سی و ششم** ۳۶

آنست که همه کار عالم و عالمیان بدین اسم راست می آید چه دنیا

و عقبی و آنکس که دعوت این اسم بکند و هر چه خواهد از دستش بر آید

و چنان معتقدی کرده که هر چه مراد او باشد بکام او بر آید و حاصل شود

ودل او قابل معلومات غیب گردد و هیچ چه مراد خلق باشد
او برآورده شود آن فعل نشود چنانکه اگر خواهد که از چشم خلق پنهان
شود لیکن بان خدا تعالی و سالکان راه خدا از حال او آگاه
باشند و طالب او شوند و او را جویند و او از خلق نفور باشد
و هیچ کس را مستحق دعوت این اسم نبیند و این اسم شرطها
مخصوص دارد بدانکه دعوت این اسم بدانسان باشد باید که چهل
روز از خلق در خلوت رود در کوه باید صحبت یا جایی که دور
از مردم باشد تا خلوت دست دهد و درین چهل روز با هیچکس
سخن نگوید و هیچ از دست کسی نخورد الا نفسی متقی بود و از حرام
محترز باشد و جنت و غیبت نکند و مردم آزار نشود و با همه
روز که تواند نخواند و خاطر بغیر حق مشغول ندارد و این اسم درست

خواند

30

خواند و هر چیز که حق تع کرده و از عجیبها که دریابد و داند که چه احوال

برو میگذرد و از حال کشف و خلوت باکس نگوید و گاهی بوده

اسرار معلوم کند ثابت و مقرر شود انکه کشف اسرار این اسم بیند آورده

اسم سی و ششم اینست یا جلیل المتکبر عن کل شیء فالعدل

والصدق وعده یا جلیل خاصیت اسم سی و ششم انست صاحب

دعوة این اسم بر خود دارد و یا بخواند پسندیده و ستوده

جمله زبان خلق گردد از مشرق تا مغرب نام و هیبت او برود

و جمله خلق عالم مشتاق لقای او شوند باید که یکماه و نیم درین دعوت

باشد مستفید گردد و وقتی که دعوة اسما را با تمام رسانیده باشد

همه مردمان از علم و عمل وی مستفید گردند و مرادها بیابند و چون

آفتاب مشهور گردد و بر زمین و آسمان آشنا شود باید که شغل او

این باشد که همه روز این اسم میخواند تا مراد بیابد بفرمان خدای تعالی

اینست اسم سی هفتم یا محمود فلا تبلغ الاوهام کل ثنائه

و مجده یا محمود خاصیت اسم سی و هفتم آنست که اگر کسی را

گناه بقدر کوه و ریگ بیابان و کف دریا و ستاره آسمان

و برگ درختان باشد چون این اسم را بخواند به نیت خلاص

و نجات و مداومت نماید آن گناهان او چون برگ ریزند مادام

که بار گناه او زدوده اهل جنت باشد و خداوند تعالی جل جلاله گناهان

وی عفو کند بکرم و عفو خود ببخشد و اگر برای کسب و معیشت

دنیا خواند تا مال و نعمت دنیاوی دهند و اگر بزرگی یا بادشاهی

از کسی در غضب باشد بدان نیت بخواند آن دشمن دوست

شود و اعتبار یابد و اگر بر کسی محبت آورد بدان نیت در کوزه بریزد

و او را

او را عذاب نباشد و سوال منکر و نکیر بر او آسان کذارد و حق

غرفه از بهشت در کور او کشاید اسم سی و هشتم ۳۸ اینست یا کریم 31

الْعَفْوِ ذَا الْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ يَا كَرِيمُ

خاصیت اسم سی و نهم ۳۹ آنست اکر محتاج بزرکی باشد و مال و

نعمت دنیا خواهد این اسم چندانکه خواهد بخواند و اثر این اسم

آنست که در پیش بزرکان عزیز و محترم باشد هرچه بکوید برارد بشنود

و مفخر روزکار شود و بزرک کردد و نام او به همکی برود و فاش

کردد و بزرکی او تبدیل نشود بفرمان خدای عز و جل اینست اسم سی و نهم ۳۹ فلا

يَا عَظِيمُ ذَا الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَذَا الْعِزِّ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ

فَلَا يُذَلُّ عِزُّهُ يَا عَظِيمُ خاصیت اسم چهلم آنست که چو بنده چهل اسم چون

باین اسم رسد باید که باطن او همانند شده باشد و با طهارت باشد

چون این اسم بسیار خوانند هر مرادی که خواهد بیاید زبان دهان

به بدی بروی بسته شود و به نیکی او روان گردد و همه انس و

جن و حیوانات مطیع او شوند که او را ببینند و دوست دارند

و چند عجایب که هیچکس هیچ از ان ندیده باشد بروی کشف

گردند چشمها علم و حکمت بر دل او پیدا شوند و زبان او روان

شود و فصیح گردد بفرمان خدای تعالی اسم چهلم ۴۰ یا عجیب

فَلَا تَنطِقُ الأَلسُنُ بِكُلِّ الآلَاءِ وَثَنائِهِ يَا عَجِيبُ

تمام شد اسما و چهل اسم باری تعالی بتاریخ غره صفر المظفر

اصل و این نقل آن بتاریخ شب نهم رجب روز چهار شنبه سنه ۱۲۱۵

باب فی بیلوتی

ختم قران روز جمعه از سوره فاتحه تا سوره مایده کوار مایده

روز شنبه تا به یونس وازیونس روز یکشنبه تا بنی

اسرائیل واز بنی اسرائیل روز دوشنبه تا شعرا واز شعرا

بوالصافات واز والصافات روز چهارشنبه با

قاف واز قاف روز پنجشنبه تا آخر قران بخواند بهر

حاجت مشروع که اجابت است انشاء الله تعالی

سورة الحشر جهت مهمی که باشد چهل و یکبار هر روز

چهل دیگر روز بخواند واگر چهار رکعت نماز کند و در هر

رکعت یکبار بخواند البته حاجتش روا گردد نون والقلم

جهت برآمدن مهمات هفتاد و پنج بار بخواند سأل سائل جهت

صلح بوقت جنگ یکصد و بیست نوبت بخواند قل اوحی جهة

رفع دیو و پری هفت بار بخواند سورة لیس جهت مهمات چهل

32

دیگر بار بخواند روا گردد والعادیات جهت برکت و فراخی نعمت و

برآمدن جمله مهمات هفت بار بخواند قل هو الله احد جهت خلاصی

از حبس هزار بار بخواند اذا جاء نصر الله جهت فتح و نصرت و ظفر و دفع

و دفع بلاها هر روز هفت بار بخواند لایلاف جهت ایمن شدن

از بلاها هر روز هفت بار بخواند الهیکم التکاثر جهت دفع بلاها سه

بار بخواند در دم رفع شود الم تر کیف جهت دفع دشمن مبارزه سالم

و خفتن در شب جمعه هر روز دو هیچ پنجبار بخواند اذا السماء

انشقت جهت دفع بادها کننده خاصه باد سرخ بخواند سبح اسم جهت سفر

رفتن در آستانه خانه سه بار بخواند هل اتی علی الانسان حین من الدهر جهت

مرادات هر شب و روز بخواند خاصه در شب جمعه البته لا اقسم

سورة القیمه جهت آسانی حساب قبر و از بلاهای دنیا هر شب جمعه سه بار

بخواند

بخواند انا ارسلناک جهت نیت هلاک دشمن هزار بار بخواند سوره الملک

یعنی تبارک در هر مقامی جهت برکت و نعمت بخواند زیاده شود

33

البته والشمس الضحی جهت سلامتی دنیا و آخرت در وقت

طلوع آفتاب هر روز بخواند عم جهت روشنائی چشم هر

روز بعد از نماز عصر یکبار بخواند الم سجده جهت برآمدن مهمات

هفت نوبت بخواند فاطر وقت عرض حاجات بر ملوک و

اکابر دوام هفتاد و پنج بار بخواند حدید جهت کشایش کارها

هفتاد بار بخواند قد سمع الله سه نوبت بر خاک خواند و بر

طرف دشمن ریزد بصلح باز آید ممتحنه بجهت دفع شر سلطان

پنج بار بخواند تغابن جهت حفظ مال از دزدان هفت بار

بخواند یا ایها الذین سوره الحجرات جهت دفع مهمات باید

هفت بار بخواند البته آن مهم روی بدین کس کند قاف

والقرآن جهت کور هر شب جمعه سه بار بخواند البته آن کور بینا

شود بفرمان حق تعالی فضل شود والذاریات جهت

نیکی و تنگی قحط هفتاد بار بخواند البته والطور از حضرت پیغمبر منقولست

که هر که بخواند از عذاب دنیا و از عذاب آخرت در امین باشد

والنجم جهت دفع دشمن هبت دیکبار بخواند بر دشمن غالب

شود البته الرکات هود و یونس جهت هر مهم که داشته باشد سیزده

بار بخواند بان نیت رعد یعنی المر تلک آیات هر که این سوره یازده

بار بخواند چون پیش بزرگان رود مرادش بر آید سورة الحجر

یعنی الر تلک آیات هر که این سوره هفت بار به نیت هر مهم بخواند

البته بر آید سورة ابراهیم الرکات جهت عذاب آخرت لست بار

۷۰

34

باید خواندن الانفال هفت بار به نیت خلاصی از بند زندان

بخواند برائه جهت هر مهمی که با ملوک باشد پانزده بار بخواند

و پوشیده در میان رخت و قماش باشد یوسف الر کتاب

مبین جهت غرق نشدن کشتی هفت بار بخواند الله قد

افلح المؤمنون جهت خالص شدن نماز هفت بار بخواند انا

انزلناه جهت دفع تهمتها بخواند یکبار خلاص شود تبارک

سورة الفرقان صد و هشت بار به نیت هلاک شدن دشمن بخواند

والنازعات جهت دفع دشمن و مکرم بودن پیش پادشاهان

و سلامتی ایمان بیست و یکبار بخواند عبس جهت بینایی روز

قیامت هفت بار بخواند اذا السماء انشقت در حالت درد هفت

بار بخواند و هر که بسیار خواند فرزندان کور نشوند و کور بروی

فراخ شود الم نشرح بوقت بیع و شرا سه نوبت بخواند اذا زلزلت

جهت غایب هفت بار بخواند باز آید اقرا بوقت رفتن نزدیک

ملوک و امرا سه بار بخواند القدر جهت بر آمدن مهمات صد بار

بخواند اذا جاء جهل و یک نوبت بخواند تا آن نیت که حق تعالی

او را از محتاجی نگاه دارد لم یکن جهت قبول طاعت بیست

و یک نوبت بخواند و صاحب یرقان بر خود بندد بهتر شود قل

یا ایها الکافرون جهت نگاه داشتن ایمان هر روز هفت بار

بخواند تبت یدا جهت هلاک شدن دشمن و یهودی و ظالم

و بخیل هفتاد بار بخواند اذا الشمس کورت جهت ماندگی راه بیست

بار بخواند انا اعطینا جهت آب کوثر یافتن هزار بار بخواند حم

والقرآن جهت چشم زخم بنویسند و با خود دارند یا بخوانند سوره البروج

[illegible]

35

تنزیل الکتاب جهت عزت و حرمت میان خلق هفده

بار بخواند با خود دارد سوره المومن یعنی حم تنزیل جهت درماندگی و دردها

صد بار بخواند سوره فصلت یعنی حم تنزیل الرحمن الرحیم جهت رسیدن از بزرگان

هفتاد بار بخواند آن ظالم بر وظلم نکند حم عسق جهت دفع دشمن

چهل و یکبار باید خواندن سورة الدخان یعنی حم والکتاب المبین

جهت رسیدن بمراد هفت بار بخواند الرحمن جهت آسانی جان

کندن و دفع بلاها سه بار بخواند سورة الجاثیه یعنی حم تنزیل

جهت دفع دشمن چهل و یکبار باید خواندن احقاف جهت دفع

باران سیزده بار باید خواندن سوره محمد جهت حاجت چهل بار

بخواند بمراد برسد انا فتحنا جهت عهد و وفا چهل و یکبار باید

خواندن سوره الزخرف از برای برآمدن مهمات سه بار بخواند

انعام از برای بر آمدن تمام حاجات چهل و یکنوبت بخواند

یونس از برای نصرت یافتن بر دشمن بست و یکبار بخواند

والذاریات جهت دفع چشم زخم سه نوبت بخواند طه از برای

ترویج نبات و دفع سحر و نصرت بر اعدا بیست و یکبار بخواند

سوره والتین جهت دفع بدگویان سه بار بخواند واگر صاحب

بواسیر خواند بهتر شود سوره الانبیا از برای دفع اعدا هفتاد و

پنج بار بخواند روم جهت دفع ... بست و یکنوبت بخواند

انا انزلناه صد و بست نوبت بخواند در آن وقت که میان اعدا

تفرقه داشته باشد و اگر بنویسد و با خود دارد اعدا او را مطیع

شوند حم از برای فراخی روزی هفت نوبت بخواند طسم

تلک آیات جهت بنده گریخته هفت بار بخواند طس تلک

آیات

آیات جهت غایب بیست و یکبار بخواند زود بیاید سوره القمر

یعنی اقتربت جهت روز قیامت هر که بخواند فردا روی او چون ماه

36

تابان باشد یسبح لله امیر المومنین علی ع فرماید که این سوره را باید

خواندن که ثواب عظیم دارد قصص جهت آنکه از منزل کم نشود

بیست و هفت بار بخواند الرحمن هر که این سوره بخواند حق تعالی

بر ضعیفی او ببخشد کهف در هر روز جمعه بخواند خدا تعالی تا جمعه دیگر

در پناه خود نگاه دارد الناس جهت غم و اندوه هفده بار

بخواند الواقعه پیوسته بخواند هرگز او را رنج و الم و غم و اندوه نرسد

و هرگز درویش نگردد روایتست از حضرت پیغمبر ص که امیر

المومنین علی ع را وصیت کرد که خدای عز و جل را باین دعا بسیار

یاد کن که تمام دعوات در ضمن این داخلست دعای بیست

اَللّهُمَّ اِنّی اَحمَدُکَ عَلی کُلِّ نِعمَةٍ وَاَسئَلُکَ
مِن کُلِّ خَیرٍ وَاَستَغفِرُکَ مِن کُلِّ ذَنبٍ وَ
اَستَعیذُ بِکَ مِن کُلِّ بَلآءٍ لاحَولَ وَلاقُوَّةَ
اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ روایتیست که حضرت پیغمبر
اصحاب را همچنین وصیت میفرمود که این کلمات را بسیار تکرار کنید
حَسبُنَا اللهُ وَنِعمَ الوَکیلُ نِعمَ المَولی
وَنِعمَ النَّصیرُ دعای مستجاب منقولست از ائمه
معصومین علیهم السلام که این دعا را برای هر مهمی وغمی
که بخوانند مطلوب حاصل گردد ان شاء الله تعالی
و بزرگان دین تجربه بسیار کرده اند و باین طریق باید خواند
هفت بار بگوید لاحَولَ وَلاقُوَّةَ اِلّا

بالله و سه بار بگوید إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

نَسْتَعِينُ و ده بار بگوید اللَّهُمَّ فَرِّجْ بِرَحْمَتِكَ

یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ در تفسیر سامع آورده است

که هر چه که گناهی کرده باشد بعد از ان این دعا را بخواند حق

سبحانه و تعالی گوید یا ملائکه گواه باشید که چون این بنده مرا اغفار

دانست و خود را گناهکار او را بیامرزیدم دعا اینست یَا رَبِّ إِنِّي عَمِلْتُ

ذَنْبًا وَعَلِمْتُ بِأَنَّكَ غَفَّارٌ فَاغْفِرْ لِي

بِرَحْمَتِكَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ روایت

چون کسی سوار شود بر فراز مرکب سه بار بگوید یا عباد الله

اغیثونی تا سوار باشد از کل بلیات در حفظ و امان حق تعالی باشد.

و چون در مجلس پادشاه رود این دعا بخواند با خود دارد عزیز و مکرم و محترم گردد. دعا اینست

يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ
كُرْبَتِي احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ
وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ روایتست از امام جعفر صادق ع که هر که
در پس هر نماز چهل بار و سی بار نیز گفته اند بگوید
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا
اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس از آنکه از جای خود بجنبد دعا کند اگر به
از حضرت حق سبحانه تعالی خواهد حاصل گردد و مراد یابد ان شاء الله تعالی
و هم از آنحضرت ع منقول است که هر که در هر صباح چهار بار بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شکر آن روز
بجا آورده باشد و چون در اول شب بگو
شکر

شکر آنشب بجا آورده باشد حضرت

پیغمبر صلی الله علیه گفت یا علی هرکه در وقت

سختیها و درماندگیها این کلمات بسیار بگوید

فلاح یابد و مراد حاصل گردد یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا لا اِلٰهَ

اِلَّا اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَعِينُ فَاغْفِرْ لِي

وَاَصْلِحْ لِي شَانِي وَفَرِّجْ هَمِّي بِرَحْمَتِكَ

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هذا الدعاء مروی از زین العابدین

عَلَيْهِ السَّلَام ذُنُوبِي مِثْلَ اَعْدَادِ الرِّمَالِ

فَهَبْ لِي تَوْبَةً يَا ذَا الْجَلَالِ شَبَابِي كَالتُّرَابِ

بَدَى وَوَلَّى وَشَيْبِي قَدْ اَتَى ذَنْبُ بِارْتِحَالِ

عَصَيْتُكَ جَاهِلًا يَا ذَا الْمَعَالِي هذا

فَفَرِّجْ مَا تَرَى مِنْ سُوءِ حَالِي اِلَى مَنْ يَشْتَكِي الْمَمْلُوكُ اِلَّا اِلَى مَوْلَاهُ يَا مَوْلَى الْمَوَالِي

الدعاء النبي صلى الله عليه وآله

وسلم رسول صلی الله علیه فرمود که هرکه هر

صباح این دعا بخواند تا شام در امان حق باشد و خیر

برکت بسیار حضرت حق تعالی او را کرامت کند باید بعد از الاخلاص خواند

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إني أسألك من النعمة تمامها

ومن العصمة دوامها ومن الرحمة

شمولها ومن العافية حصولها ومن

العيش أرغده ومن العمر أسعده ومن

الإحسان أتمه ومن الإنعام أعمه

ومن الفضل أعذبه ومن اللطف أنفعه

اللهم

39

اللهم كن لنا ولا تكن علينا اللهم اختم
بالسعادة آجالنا وحقق بالزيادات
اعمالنا واقرن بالعافية غدونا وامالنا
واجعل التقوى زادنا وفي دينك
اجتهادنا عليك توكلنا ثبتنا على
نهج الاستقامة واعذنا من موجبات
الندامة يوم القيامة خفف عنا
ثقل الاوزار وارزقنا عيش الابرار
واكفنا واصرف عنا شر الاشرار و
اعتق رقابنا ورقاب ابائنا وامهاتنا
من النار برحمتك يا عزيز يا غفار

يَا كَرِيمُ يَا سَتَّارُ يَا حَلِيمُ يَا جَبَّارُ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَخْيَارِ الطَّاهِرِينَ الْاَبْرَارِ الدُّعَاءُ
الرَّافِعُ الْهَمِّ وَالْغَمِّ اَشْهَدُ اَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ
دُونِ عَرْشِكَ اِلَى قَرَارِ اَرْضِكَ بَاطِلٌ غَيْرَ
وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَقَدْ تَرَى مَا اَنَا فِيهِ
فَفَرِّجْ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اسناد دعای حرز امام جعفر صادق ع هر که در هر صباح و نماز
شام بخواند از جمیع آفات در امان حق باشد هذا الدعاء بسم الله الرحمن الرحيم
اَسْتَفْتِحُ وَبِسْمِ اللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ
اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ
لِي صُعُوبَةَ اَمْرِي وَيَسِّرْ لِي حُزُونَتَهُ

ابـ

أَمْرِي وَكُلِّ مَؤُونَةٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ • شرح دعای ضمی قریش بدانکه این دعا 45

از مفصلات امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام

و او راد بزرگوار ولست پیوسته در لیل و نهار و اوقات

اسحار و در میان دعای خود خواندی و با عبد الله عباس

این دعا وصیت کرد و فرمود که این دعای کسانی

را بیاموز که ما را امام ندانند و گفت هر که این دعا را

بعد از نماز صبح بخواند چنان باشد که ختم قران کرده باشد

و با دوازده امام موافقت کرده باشد و با صد و بیست و

چهار هزار پیغمبر نماز کرده باشد و هرگز دلتنگ نشود و هر که

این دعا را ورد سازد چنان باشد که بدید امام صاحب

الزمان مشرف شده باشد و با حضرت امام حسین علیه السلام

در کربلا موافقت کرده باشد و شرح و خاصیت این دعا

بسیار است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ

اَلْعَنْ صَنَمَيْ قُرَيْشٍ وَاَنْكَرَا وَحْيَكَ وَجَحَدَا

اِنْعَامَكَ وَعَصَيَا رَسُولَكَ وَقَلَبَا دِينَكَ

وَحَرَّفَا كِتَابَكَ وَعَطَّلَا اَحْكَامَكَ وَاَبْطَلَا

فَرَائِضَكَ وَاَلْحَدَا فِي آيَاتِكَ وَعَادَيَا اَوْلِيَائَكَ

وَاَحَبَّا اَعْدَائَكَ وَخَرَّبَا بِلَادَكَ وَاَفْسَدَا

عِبَادَكَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا وَاَتْبَاعَهُمَا وَاَشْيَاعَهُمَا

وَاَوْلِيَائَهُمَا وَمُحِبِّيهِمَا وَمَوَالِيهِمَا اَللّٰهُمَّ

العنهم

41

العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق
اخفوه ومنبر علوه ومنافق ولوه ومؤمن
ارجوه وولي اذوه وطريد اووه وصادق
طردوه وكافر نصروه وامام قهروه و
فرض غيروه واثر انكروه وشر اثروه ودم
اراقوه وامر بدلوه وحكم قلبوه وكذب
دلسوه وارث غصبوه وفيء اقتطعوه
وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل
اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه
وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه
وامانة خانوه وعهد نقضوه وحلال

حَرَّمُوهُ وَحَرَامٍ اَحَلُّوهُ وَبَطْنٍ فَاتَقُوهُ وَ
ضِلَعٍ دَقُّوهُ وَشَمْلٍ بَدَّدُوهُ وَذَلِيلٍ اَعَزُّوهُ
وَعَزِيزٍ اَذَلُّوهُ وَحَقٍّ مَنَعُوهُ اَللّٰهُمَّ
اَلْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ اٰيَةٍ حَرَّفُوهَا وَفَرِيضَةٍ
تَرَكُوهَا وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا وَاَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا
وَرُسُومٍ قَطَعُوهَا وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا وَ
بَيْعَةٍ نَكَسُوهَا وَشَهَادَةٍ كَتَمُوهَا وَدَعْوَى
اَبْطَلُوهَا وَبَيِّنَةٍ اَنْكَرُوهَا وَعَقَبَةٍ
اَرْتَقُوهَا وَدَبَّابٍ دَحْرَجُوهَا اَللّٰهُمَّ
اَلْعَنْهُمْ فِي مُسْتَتَرِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ
لَعْنًا كَثِيرًا اَبَدًا سَرْمَدًا لَا انْقِطَاعَ لِعَدَدِهِ

42

وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهِ لَعْنًا لَا يَعُودُ أَوَّلُهُ وَلَا
يَنْقَطِعُ آخِرُهُ وَعَلَى أَعْوَانِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ
وَمُحِبِّيهِمْ وَمَوَالِيهِمْ وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ
وَالنَّاهِضِينَ بِأَجْنِحَتِهِمْ وَالْمُعْتَقِدِينَ
بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمُتَصَدِّقِينَ بِإِجَابَتِهِمْ اَللَّهُمَّ
عَذِّبْهُمْ بِعَذَابٍ يَسْتَغِيثُ مِنْهُ أَهْلُ
النَّارِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

روز عاشورا چهار رکعت نماز بخوبی رکوع و سجود بگذارد
در چهار رکعت بعد فاتحه و هر سوره که خواسته باشد بخواند
و بعد سلام رو بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام آرد و بگوید
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلَا

عليك يا امير المؤمنين السلام عليك

يا فاطمة الزهراء السلام عليك

يا حسن المجتبي السلام عليك وعلى

الائمة من بيتك صلوات الله عليك

وعليهم اجمعين ولعنة الله على اعدائهم

اجمعين والحمد لله رب العالمين

از برای تب لرزه و تب ربع و جمیع تبها باید نوشت آیت

بسم الله الرحمن الرحيم مرج

البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا

يبغيان وجعل بينهما برزخا وحجرا

محجورا يا نار كوني بردا وسلاما

على

عَلَى اِبْرَاهِيمَ • اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ 43
الْغَالِبُونَ • وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا
لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ
وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ • وَلَهُ مَا
سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ • يَا اُمَّ مِلْدَمٍ اِنْ كُنْتِ اٰمَنْتِ
بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ • وَرَسُولِهِ
الْكَرِيمِ • فَلَا تَهْشِمِي الْعَظْمَ • وَلَا
تَاْكُلِ اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ اُخْرُجِي
مِنْ حَامِلِ كِتَابِي هٰذَا نام بيمار را بنويسد
واكر زن باشد بهذه بنويسد اِلَى مَنْ لَا يُؤْمِنُ

بِاللهِ الْعَظِيمِ وَرَسُولِهِ الْكَرِيمِ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ اُعِيذُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ مُوسَى
وَاِبْرَاهِيمَ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ مِنَ الْحُمَّى وَالنَّافِضِ وَالْغِبِّ وَ
الْعَتِيقِ وَالرِّبْعِ وَالصُّدَاعِ اللّٰهُمَّ كَمَا
لَمْ تَلِدْ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ غَيْرَ عِيسَى
فَلَا تَذَرْ عَلَى هٰذَا الْاِنْسَانِ مِنْ هٰذِهِ
الْاَوْرَامِ وَالْاَوْجَاعِ وَالْحُمَّى اِلَّا نَزَعْتَهُ
عَنْهُ فَلَا اُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَ
مَا لَا تُبْصِرُونَ اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ
كَرِيمٍ

كريم اقسمت عليك لما تركته
44 ولا تاخذ به بسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله احد الله الصمد لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
بسم الله الرحمن الرحيم
قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق
ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر
شر حاسد
النفاثات في العقد ومن اذا حسد
بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ
برب الناس ملك الناس اله
الناس من شر الوسواس الخناس

اَلَّذِيْ يُوَسْوِسُ فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ ❁
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ❁ بعد از سوره ها اَللّٰهُمَّ
اَسِفْ فلان بن فلان نام بیمار را با نام مادرش بنویسد
مِنْ حُمّٰى يَوْمٍ وَيَوْمَيْنِ وَثَلَاثَةِ
اَيَّامٍ وَحُمّٰى رِبْعٍ فَاِنَّكَ تَفْعَلُ مَا
تُرِيْدُ وَتَحْكُمُ مَا تَشَآءُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ ❁ بِسْمِ اللّٰهِ كَتَبْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ
خَتَمْتُ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ❁ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ ❁ يَا مُنْجِيَ نُوْحٍ
مِنَ الْغَرَقِ وَمُنْجِيَ اِبْرَاهِيْمَ مِنَ النَّارِ

التمره

النمرود ومنجي موسى من اليم ومخلص عيسى
من ايدي اليهود وناصر محمد صلى الله عليه
واله على الاحزاب وناصر عليا ليلة
الهرير صل على محمد واله الطاهرين
سافي حامل كتابي هذا فلان بن فلانة نام بيمار را
ونام مادرش درا ينجا بنويسد من كل مرض وداء وعلة
وبلاء وحمة ووباء برحمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

بذكر الرحمن
يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم
وال ابراهيم وعلى محمد وال محمد
وعلى فلان بن فلان
باذن الله تعالى

هههههه ˇ // ابا ااا ششش ااا ععععع

وهي ص م نوشته بود بخط مبارک حضرت

امام رضا علیه السلام که بنویسند از برای ادمی که تب داشته

باشد سه پارچه کاغذ را و در کاغذ اول بنویسد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ

الرَّحِيْمِ * لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى

روز اول فرو برد و در کاغذ دویم بنویسد * بِسْمِ

اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ * لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ

الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ روز دویم فرو برد و در کاغذ سیوم

بنویسد * بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ

الْعَالَمِيْنَ * روز سیم فرو برد و بر سر هر سه کاغذ

۷۸

بر هر کاغذی سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و فرو برد که از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست از برای کسی که تب داشته
46 باشد و دارد بجانب فلان بن فلان نام بیمار و بنویسد بشکل اسهو لبد

تمت تمام شد

دعائی که روز نوروز باید خواند اینست

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ السَّنَةُ جَدِیْدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ
قَدِیْمٌ * اَسْئَلُكَ خَیْرَهَا وَخَیْرَ مَا فِیْهَا
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِیْهَا
وَاَسْتَكْفِیْكَ مُؤْنَتَهَا وَشُغْلَهَا یَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ * یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ
وَالْاَبْصَارِ * یَا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ * یَا
مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلَی

احسن الحال بسم الله الرحمن الرحيم

وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

العباد ما شاء الله قوة الا بالله ازبرای

مریض هر شنبه تا چهل روز او را خوانده و کبوتر از دست خود بپراند

محبت بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین حسبنا الله

ونعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

این دعا حدیث بسیار دارد ازبرای مریض باید خواند که

ان الله تعالی شفا می یابد الهی بحرمته الحسین

واخیه وجده وابیه وامه وبنیه

وَشِيعَتِهِ وَمَوَالِيهِ * نَجِّنِي مِنَ الْغَمِّ

الَّذِي أَنَا فِيهِ * و در وقت خواندن نجني من الغم

الذي انا فيه صحت خود را و آزار خود را در دل بگذراند

که حق سبحانه عز شانه فرموده است که هر بنده مومنی که در شب جمعه

روایت است از حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند

ده مرتبه این دعا بخواند بیامرزم صغیره و کبیره گناه او را اگر

فردای قیامت او را عذاب کنم پروردگار

او نباشم دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ *

يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ * يَا بَاسِطَ

الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ * يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ

السَّنِيَّةِ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خَيْرَ الْوَرَىٰ * سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَىٰ

فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ * وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ خَيْرِ

خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * زیرا از باید خواند *

پنج وقتی که بسیار محربست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا شَدِيدُ الْقُوَىٰ * يَا شَدِيدُ الْمِحَالُ * يَا

عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ

جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ

يَا مُنْعِمُ يَا مُكْرِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْمِلُ يَا لَا إِلٰهَ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ

نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ * مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی

الباب

السلام که بیست و چهار روز در سالی نحس است که اگر در آن روزها

شروع کند بهر کاری ناتمام بماند و طفلی که متولد شود نزیید و جنگ کننده

فتح نیابد و اگر درخت بنشاند بر او نرسد و آن در ماههای دوازده

است که در این خانها نقش است و آن این است

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی	جمادی الاول	جمادی الثانی
یازدهم	اول	دهم	اول	دهم	اول
چهاردهم	بیستم	بیستم	یازدهم	یازدهم	یازدهم
رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعده	ذی الحجه
یازدهم	چهارم	سیوم	ششم	ششم	هشتم
سیزدهم	بیستم	بیستم	هشتم	دهم	بیستم

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که در سالی

دوازده روز نحس است هر که پرهیز کند از آنها نجات یابد

البته حذر نمود که بسیار خوبست و در ماهی یکروز است

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی	جمادی الاول	جمادی الثانی
بیست ودوم ۲۲	دهم ۱۰	چهارم ۴	بیست وهشتم ۲۸	بیست وهشتم ۲۸	دوازدهم ۱۲
رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذوالقعده	ذوالحجه
دوازدهم ۱۲	بیست وششم ۲۶	بیست وچهارم ۲۴	دوم ۲	بیست وهشتم ۲۸	هشتم ۸

روایت از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم اگر کسی
روز یکشنبه قطع کند رخت خود را غم باد میرسد و مبارک نیست
واگر در روز دوشنبه قطع کند مبارکست واگر روز سه شنبه قطع
کند سوخته شود یا دزدی رود یا غرق شود واگر روز چهارشنبه قطع
کند چهارپایان بسیار نصیب او شود بی ملالش و محنت واگر
روز پنجشنبه قطع کند علم نصیب او شود واگر روز جمعه قطع کند عمرش
دراز شود واگر در روز شنبه قطع کند تا که آن رخت در بدن او باشد
مریض باشد مگر اینکه ببخشد یا بفروشد صدق یا رسول الله صلعم از آن

49

عالم منقولست که کسی که ناخن بگیرد در روز شنبه کله در
ناخن های او پیدا شود و کسی که روز یکشنبه بگیرد برکت ازو برود
و کسی که روز دوشنبه بگیرد حافظ و قاری گردد و کسی که سه شنبه بگیرد بیم
هلاک دارد و کسی که چهارشنبه بگیرد بدخلق میگردد و کسی که روز پنجشنبه
بگیرد از درد دور میشود و داخل شود در بدن او شفا و کسی که روز جمعه
بگیرد عمرش دراز گردد و مالش زیاده شود تمت تمام شد

بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که جامه
نوی ببرد سوره انا انزلناه را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه
که برسد به تنزل الملائکه اندکی آب بردارد و بر جامه بپاشد
با نشیند حسهای پس دو رکعت نماز در ان جامه بکند و دعا کند و از
دعا بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس واواری به عورتی

وصلی صبه تربا وحمد الهی بکشید پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه

کهنه شود **دلبند معتبر** منقولست که چون حضرت امام رضا علیه السلام

جامه نوی می پوشیدند قدحی از آب می طلبیدند و ده مرتبه سوره

انا انزلناه فی لیلة القدر و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده

مرتبه قل یا ایها الکافرون را بر اطراف میخواندند و بعد از آن آب را

بر جامه می پاشیدند و میفرمودند که هر که پیش از پوشیدن جامه چنین کند

پیوسته در فراخی عیش باشد مادام که تاری از آن جامه باقی باشد

من عیون الحیوة از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که

صد مرتبه بگوید یَا رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ در

صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت از حاجتهای دنیا

باشد **دلبند معتبر دیگر** از حضرت صادق علیه السلام منقولست

گناهی که باین نحو صلوات بر محمد و آل محمد فرستند که صلوات
اللهِ وَ صَلَوَاتِ مَلٰئِكَتِهِ وَ اَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ
وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ
از گناهان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون عطسه کنید
بگویید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ و بسند معتبر دیگر منقولست که کسی که صدای عطسه
کسی را بشنود و حمد الهی بکند صلوات بر محمد و اهل بیتش بفرستد
هرگز بدرد دندان و درد چشم گرفتار نشود من عين الحياة
سید ابن طاوس علیه الرحمة بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده است که اگر کسی خواهد که حضرت رسول صلی الله
علیه واله وسلم را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل کند و چهار
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی الحمد یکمرتبه و ایة الکرسی صد مرتبه
بخواند و بعد از آن که از نماز فارغ شود هزار مرتبه صلواة بر محمد و ال محمد
بفرستد و بر جامه پاکی بخوابد که بر روی آن رخت ام حرامی
نکرده باشد و دست راست خود را در زیر رخ خود بگذارد و
صد مرتبه بگوید سُبحَانَ اللهِ وَالحَمدُ للهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ
اللهُ اَکبَرُ وَلَا حَولَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و صد مرتبه ماشاء الله بخواند
ان شاء الله تعالی آنحضرت را در خواب ببیند و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که اگر کسی خواهد که حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه را در خواب ببیند در وقت خواب این دعا
بخواند

بخواند که اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا مَنْ لَهُ لُطْفٌ

خَفِیٌّ وَ اَیادیهِ باسِطَةٌ لا تَنْقَضی اَسْئَلُکَ

بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ الَّذی ما لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلّا 51

کَفی اَنْ تُرِیَنی مَوْلایَ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ

عَلَیْهِ السَّلامُ فی مَنامی و بسند معتبر از

بلقام منقولست که بخدمت موسی بن جعفر علیه السلام عرض

نمودم که دعائی تعلیم من کن که جامع مطالب دنیا و آخرت

من باشد حضرت فرمود که بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بگو

سُبْحانَ اللهِ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ

وَ اَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ بلقام گفت که حال من از همه کس

پریشان تر بود و ببرکت این دعا امروز حال من از همه کس بهتر است

تعقیب که پیش از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

باید خواند لا اله الا الله الها واحدا ونحن له
مسلمون لا اله الا الله الها واحدا ونحن
له مخلصون لا اله الا الله الها واحدا
ونحن له عابدون لا اله الا الله لا نعبد
الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون
لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا
الاولین لا اله الا الله وحده وحده وحده
وانجز وعده ونصر عبده واعز جنده
وهزم الاحزاب وحده فله الملک
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا

یموت

يموت بيده الخير وهو على كل شيء
قدير ۞ استغفر الله الذي لا إله إلا
هو الرحمن الرحيم الحي القيوم ذو الجلال 52
والإكرام ۞ وأتوب إليه ۞ اللهم اهدني
من عندك وأفض علي من فضلك و
انشر علي من رحمتك وأنزل علي من
بركاتك ۞ سبحانك لا إله إلا أنت
اغفر لي ذنوبي كلها جميعا فإنه لا
يغفر الذنوب كلها جميعا إلا أنت
اللهم إني أسألك من كل خير أحاط به
علمك وأعوذ بك من كل شر أحاط

بِهِ عِلْمُكَ ۞ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ

فِي اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ

الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ ۞ وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ

الْكَرِيمِ ۞ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ

الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ

الْاٰخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا وَمِنْ

شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ

رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞ وَلَا حَوْلَ وَلَا

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۞ تَوَكَّلْتُ عَلَى

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ۞ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ

وَلَمْ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بخواند

53

روایت است که رسول خدا شنید مردی را که میگفت

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاَنِّی اَشْهَدُ اَنَّکَ

اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَحَدُ الصَّمَدُ

الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا

اَحَدٌ پس فرمود که بآن خدائی که جان محمد بدست اوست

که بتحقیق این مرد سوال کرد خداوند را بآن اسم اعظم که چون

خدا بآن خوانده شود اجابت مینماید و چون سوال کرده شود عطا مینماید

حاجت [illegible]

وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَیَرْزُقْهُ

مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ

فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل

الله لكل شيء قدرا خاصیت اول اگر کسی قرضدار باشد

دوازده هزار مرتبه بخواند وام داده شود بعون الله تعالی دویم آنست

که کسی در بیابان گرفتار شود یا از تشنگی عاجز شده باشد این آیه بخواند

بمقصود رسد سیوم آنست که اگر کسی را عدوی باشد که در قصد

هلاک او باشد چهل روز هر روز چهل بار بخواند بر خود بدمد

برابر وی رود البته آن دشمن دوست گردد چهارم اگر کسی

را بیماری رو دهد که طبیبان عاجز شوند این آیه نوشته در شربت

حل نموده بمریض دهد اگر اجل رسیده باشد شفا یابد پنجم اگر کسی

تنگدست باشد چله بر آرد روز اول چهل نوبت روز دویم هشتاد

نوبت هر روز چهل مرتبه مزید کند تا روز آخر حق تعالی کار بسته

اورا

دو رایک بایدو احتیاج از دی پرهیز دشم ١٦ اگر کسی را باد شاهی

یا وزارت آرزو باشد چهل روز حیوانی نخورد در روز اول چهل

54

نوبت و همچنین هر روز چهل نوبت اضافه کند تا روز چهلم

تمام کند مراد یابد والسلم الحب بوقت کسوف یعنی گهن آفتاب

یکصد و یکهزار تبه بر برک پان بخواند و خود بخورد عمل می آید بعد ازان

یکصد و یکهزار تبه بالای بیره برک پان خوانده بهر که بخوراند البته

دوستی و عشق او زیاده شود منتر هر اپان دهیلا جو باسو پا

سپاری لبا ها کهیر بات دون هات رس لون منهه دون

سارا تن رس لون جو میری کهنا سی نلی تو کوندی زرک مین

پری سنکت کروکی بهت هماری جهیا چهتی کی دوها چهتی

جهتی کی دوهای دوهای لونا چاری کی جو میری کهنی سی نلی

.... بار نگفتمت که .... یار مکیه

از .... گل از تو .... زنهار مکیه

سر و سر سر سر سر کر ... کین سر سر کن سر از سر سر

.... سال برسر .... همه زا



از .... فلک .... چرخ افتا

.... و ...... و ...... بیا بازم با تو

از بهر  باده

ز سنگ سر به سنگی سینه دل را ∴ که تا بلند نگردد درای کریه با

چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد و در این سه روز حیوانی نخورد

و با کس سخن نگوید و در روز شنبه اول طلوع صبح تا کمر در میان آب

جاری رو بقبله ایستاده و اسم مطلوب با اسم مادر او را بر کف دست

(ال

...ب نوشته بطریق قنوت از دو دست بردارد هزار مرتبه بگوید

یا ارحم الراحمین المستصرخین . چون فارغ شود نماز صبح بجا آورد و در مکانی

55

که اراده دارد که مطلوب در آنجا حاضر شود قدری عود و عنبر بگلاب

تر نموده بخور نماید که حضور مطلوب را رسد بشرط که قصد نامشروع

نداشته باشد لن شاء الله تعالی اگر خواهی که کسی را عاشق خود کنی

بیارد بگیرد و بیاید سفید و سرش را گرد ببرد و میانش را سوراخ

کند و چهل یکدانه فلفل سیاه بیارد و بر هر دانه فلفل سوره فاتحة

الکتاب یکبار بخواند و آنگاه فلفل ها را در میان پیاز بگذارد

و سرش باز بنهد و سه میخ از چوب انار شیرین و سر پیاز بکوبد

و در آتشدانی که آتش بدو رسد دفن کند از عشق بیقرار گردد

مجرب است جهت ظفر و نصرت در روز پنجشنبه دوازدهم ماه رجب

اول ساعت مشتری باید نوشت نقش مبارکه اینست

رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع	رازق	رئوف	رشید	رقیب
رئوف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع	رازق
رافع	رفیع	رازق	رئوف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم
رازق	رئوف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع
رحیم	رافع	رفیع	رازق	رئوف	رشید	رقیب	رب	رحمن
رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفیع	رازق	رئوف	رشید
رفیع	رقیب	رافع	رشید	رحیم	رئوف	رحمن	رازق	رب
رحمن	رازق	رب	رفیع	رقیب	رافع	رشید	رحیم	رئوف
رشید	رحیم	رئوف	رحمن	رازق	رب	رفیع	رجب	رافع

سوره یس از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر چیز را
قلبیست قلب قرآن سوره یس است هر که این سوره را در روز پیش
از سلام بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا
فرماید تا شام و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار
ملک را باو موکل گرداند که او را از شر شیطان مردود و هر آفتی حفظ
نماید و اگر در آن روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او
سی هزار ملک حاضر شوند که استغفار از برای او کنند و مشایعت
او نمایند تا قبرش با استغفار و چون در لحدش گذارند آنملائکه در
میان قبرش ساکن گردند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت
ایشان از او باشد و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند و
او را ایمن گرداند از فشار قبر و پیوسته از قبر او نور ساطع باشد تا اطراف

آسمان تا وقتیکه از قبر بیرون آید پس چون حق تعالی اورا از قبر بیرون

آرد آن سی هزار ملک با او باشند و مشایعت او کنند و با او

سخن گویند و بر روی او خنده کنند و بهر چیز او را بشارت دهند

و اورا از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب بجای بدارند

که هیچ خلق در پیش بیشتر باشد مگر ملایکه مقرب و پیغمبران مرسل و او

با پیغمبران باشند نزد حق تعالی در هنگامیکه مردم اندوه داشته باشند

و او اندوه نداشته باشد و در حالتی که مردم خرخ داشته باشند و او نداشته

باشد پس پروردگار عالم با او خطاب کند که ای بنده مومن هر کرا

خواهی شفاعت کن که شفاعت ترا قبول می‌نمایم هر سوالی که از من خواهی

بکن که سوالت را رد نمی کنم پس او شفاعت کند و خدا قبول

نماید و او سوال کند و خدا عطا کند و دیگر از احباب کند و اورا

حساب نکنند و با دیگران در مقام حسابش ندارند و هر منکرات که
خواهی که در صحرای قیامت باشند باور نشد و هیچ گناهی از گناهان
او را نگیرند پس نامه خود را بگیرد و به بهشت روان شود و مردم تعجب کنند 56
که سبحان الله این بنده را هیچ گناهی نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان
صلی الله علیه و آله و سلم باشد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که در عمر خود یکمرتبه سوره یس را بخواند حق تعالی
بعدد هر خلقی که در دنیاست و هر خلقی که در آخرتست و هر خلقی که در آسمانست
بعدد هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسد و دو
هزار هزار گناه از و محو فرماید و بفقر و قرض خانه بر سرش فرود آمدن
و بتعب و مشقت و دیوانگی و خوره و وساوس و دردهای ضرر
رساننده مبتلا نشود و حق تعالی سکرات و اهوال مرگ را

ازو تحقیق دهد و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او
روزی را و او را شاد گرداند و چندان ثواب باو کرامت فرماید
که او راضی شود و حق تعالی خطاب فرماید بملایکه آسمانها و زمین که
من از فلان بنده راضیم از برای استغفار نماید پس دیگر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام از بواسیر شکایت
نمود حضرت فرمودند که یس را با عسل بنویس و حل کن و بخور
و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از
برای دفع لکهای سفید و برص که در بدن بهم رسد سوره یس را بعسل
بنویس و بخور **سوره الفتح** از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حفظ نمایید اطفال و زنان و بنده های خود را بخواندن سوره انا فتحنا
بدرستی که کسی که بر خواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت
منادی

منادی از جانب رب العزت ندا کند که همه خلایق بشنوند که تو از

بندگان مخلص مائی ای ملایکه او را ملحق گردانید به بندگان شایسته من او را سوره الواقعه

58 اهل بهشت جاوید کنید و از شراب سربمهر بهشت از حضرت صادق منقولست که

هر که در شب جمعه سوره واقعه را که با کافور ممزوجست باو بخوانید که بنده

خاص است آن را بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست

او گرداند و بد حال و فقر و احتیاج نه بیند و هیچ آفتی و بلای مبتلا نشود

و از رفقای امیر المومنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن

حضرت است و بسند معتبر دیگر منقولست که هر که مشتاق بهشت

و وصف آن باشد سوره اذا وقعت الواقعه را بخواند تمت

تمام شد سوره الملک از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که هر که سوره تبارک الذی بیده الملک در شب در نماز واجب

پیش از خواب بخواند پیوسته در امان الهی باشد تا صبح
شود و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود
و باسناد معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سوره الملک
را مانعیست که از عذاب قبر منع میکند و نامش در توریة سوره الملک
است و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکو
کرده است و آن شب او را از عاقلان بنویسند بدرستی که من در
نماز وتیر بعد از نماز خفتن میخوانم و جدم در روز و شب هر دو میخواند
هر که این سوره را بخواند چون نکیر و منکر در قبر او در آیند چون از
جانب پایش در آیند پاهایش با ایشان گویند که شما را
از جانب من راهی نیست زیرا که این بنده هر شب و روز بر پا
می ایستاد و سورة الملک را میخواند و چون از جانب شکمش

بیایند

بیایند شکمش با ایشان خطاب کند که شما را از جانب من

راهی نیست بدرستی که این بنده در من جا داده بود سورة الملک را

59 و چون از جانب زبانش بیایند با ایشان گویند که شما را از جانب

من راهی نیست زیرا که این بنده شب و روز سورة الملک را تلاوت

می‌نمود و بر من جاری می‌ساخت سورة الرحمن بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که سورة الرحمن را مداومت

نمایند و مستحب است که در صبح روز جمعه سورة الرحمن را بخوانند و هر مرتبه

که بگوید فبای آلاء ربکما تکذبان لا بشیء من آلائک رب اکذب اگر

در شب بخواند و در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر در روز بخواند

و در آن روز بمیرد شهید مرده است تمت تمام شد سورة الجمعه

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که واجب و لازم

هر که از شیعه ما باشد در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره جمعه را

بخواند چون چنین کند چنان باشد که بعمل حضرت رسول صلی الله

علیه واله وسلم عمل نموده باشد و ثواب او نزد خدا تعالی بهشت

باشد تمت تمام شد سوره عم یتسائلون از حضرت رسول صلی الله علیه واله

وسلم منقولست که هر که سوره عم یتسائلون را بخواند از دنیا

نرود تا توفیق زیارت کعبه معظمه بیابد تمام شد سورة المزمل

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره مزمل

را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند شب و روز آن سوره

هر سه شاهد و گواه او باشند در قیامت و خدا او را با زندگانی

نیکو زنده دارد و در مردن نیکو بمیراند تمت تمام شد از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم

نبود

فرمود که چون بنده اراده حسنه میکند اگر آن حسنه را نکرد بحق

آن نیت خیر خدا یک حسنه در نامه اعمال او مینویسد اگر بجای آورد

خدا ده حسنه در نامه عملش مینویسد و اگر اراده گناه میکند اگر بجای

نیاورد بر او چیزی نمینویسند و اگر بجای آورد تا هفت ساعت

او را مهلت میدهد ملک دست راست که کاتب و[illegible]

حسنات است بملک دست چپ که کاتب حسنات

میگوید که تعجیل مکن و زود منویسش که حسنه بکند که این

گناه را محو کند زیرا خدا تعالی میفرماید بدرستی که حسنات گناهان

سیئات را برطرف میکند یا شاید که استغفاری بکند که گناهش

آمرزیده شود پس اگر گفت که أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ

الحکیم الغفور الرحیم ذو الجلال و الاکرام و الیه

بروح جزی می نویسند و اگر هفت ساعت گذشت و حسنه و

استغفار نکرد ملک دست راست بدیگری میگوید که

بنویس برین شقی محروم انچه باید نوشت پس بنویسند گناه را

در بیان ایام مولود حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المومنین

و حضرات ایمه معصومین صلواة الله علیهم اجمعین و ایام وفات

ایشان محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف

صلوات الله علیه واله و سلم کنیت ابو القاسم مولود در مکه

واقع شده از روز جمعه نزدیک طلوع فجر هفدهم ماه ربیع الاول

بود موافق قول شیعیان دوازدهم است و در حدیث نیز وارد

شده که هر گاه در حدیث شیعیان مخالف وارد شده باشد

عمل

عمل که مبنی باید کرد که موافق قول سنیان نباشد لهذا اصحاب عمل

نکرده اند والده حضرت آمنه بنت وهب بنت عبد مناف

61 حامله شد از پدر او عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف

در ایام تشریق که آن یازدهم ماه ذی الحجه است خانه ایشان بود یعنی نزدیک بسیمه

وسطی در همین مقام مخفی است و جواب آن نیز در کتب مذکور است و روز

بعثت او برسالت بیست و هفتم ماه رجب است و از سن مبارکش

چهل سال گذشته بود و در شب بیست و هفتم و در روز آن دوازده

رکعت نماز زیارت آنحضرت مستحب است و در بیست و یکم ماه

رمضان آنحضرت را معراج واقع شد و در سال سیزدهم از بعثت

در شب پنجشنبه از مکه هجرت بمدینه کرده و در همین شب حضرت

امیر المومنین بجای آنحضرت بر بستر پیغمبر صلعم خوابیده و نفس خود را فدای آنحضرت

بود تا آنکه در قرآن بدین واسطه مدح آنحضرت وارد شده و در دهم

ربیع الاول حضرت خدیجه مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را

در حباله خویش درآورده و حضرت در آنوقت بیست و پنجساله

بود خدیجه کبرا چهل ساله و در همین روز جد آنحضرت وفات یافت

و در آنوقت جد آنحضرت شصت ساله بود در روز دهم رمضان

از سال دهم از بعثت خدیجه بنت خویلد وفات یافت

آنحضرت روز دوشنبه بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم

هجرت او از مکه بمدینه واقع شده و بعضی از مجتهدین گفته اند

که وفات حضرت هجدهم ربیع الاول بوده و سن ایشان شصت

و سه سال بود در بیان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

اسم مبارکش علی کنیتش ابوالحسن پدرش ابوطالب

برادر

برادر عبدالله پدر پیغمبر مادر او فاطمه بنت اسد بن هاشم بن

امیر المؤمنین برادر اول کس هاشمی اند که متولد شده اند از اولاد هاشم

62

ولادت او در اندرون خانه کعبه سیزدهم ماه رجب و در بعض

روایات هفتم ماه شعبان وارد شده بعد از تولد حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه و آله سی سال روز لقب آنحضرت با امامت مقرر شده

هجدهم ماه ذی الحجه سال دهم از هجرت و در همین روز سال سی

و چهارم از هجرت عثمان بن عفان کشته شد خلق به آنحضرت

بیعت کردند و در همین روز موسی علیه السلام بر ساحران

غالب آمده و در همین روز ابراهیم علیه السلام از آتش

نجات یافت و درین روز موسی وصی خود یوشع و سلیمان

آصف نموده اند و سایر اوصیا و انبیا درین روز تعیین شده اند

ودر بیست و چهارم این ماه حضرت پیغمبر و حضرت امیر المومنین و
حضرت فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم الصلواة والسلام مباهله با
جهودان کرده اند و در بیست روز حضرت امیر المومنین انگشتری
خود تصدق نمود و آیه انما ولیکم در ان باب نازل شده و در بیست
و پنجم این ماه حضرت امیر المومنین و حضرت فاطمه بر مسکین و یتیم
و اسیر تصدق ها نموده اند و قرص های نان خویش با وجود گرسنگی
و احتیاج خویش بخیرات داده اند در ان باب سوره هل اتی
نازل شد و در بیست و ششم ماه مذکور عمر را زخم زده اند و در بیست و نهم
اینماه سال بیست و سیم هجری عمر فوت شد و شهادت آنحضرت
در مسجد کوفه در شب جمعه بیست و یکم شهر رمضان سال
واقع شده در همین شب عیسی علیه السلام را با آسمان بردند

65

شب موسی عمران بجوار رحمت ایزدی پیوست وصی او یوشع بن
نون وفات یافت بدفن او بنجف اشرف کوفه وسن شریفش
شصت وسه سال **در بیان حضرت فاطمه زهرا بنت** حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه واله وسلم مولود در مکه واقع شده بعد از بعثت
به پنج سال اما وفات او بمدینه بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه واله وسلم بصد روز و در مدفون او خلافست اصح انست
که در خانه خود که بود چنانچه مذکور شد بعد از انکه بنی امیه مسجد پیغمبر
را بزرگ ساختند انخانه داخل مسجد شده و در میان منبر و قبر
رسالت پناهی است و در بقیع نزدیک و امام چهارم اختیار زیارت
ایشان باید کرد و در نصف ماه رجب تزویج حضرت فاطمه و
حضرت امیر المومنین علیهما السلام واقع شده در ماه پنجم هجرت حسن حضرت

فاطمه یازده ساله بود و در همین روز سال هجرت قبله تعمیر شده

بکعبه در بیان حضرت امام حسن علیه السلام کنیت او ابو محمد سید شباب

جنة مولود او بمدینه روز سه شنبه نصف ماه رمضان سال دوم

از هجرت و بعضی از مجتهدین سال هشتم مدفنش بقیع یوم

وفات او روز پنجشنبه هفتم صفر سال چهل و نهم از هجرت و بعضی گفته

اند سن شریفش چهل و هشت سال بود و بعضی چهل و هفت

نیز گفته اند در بیان حضرت امام حسین علیه السلام سید شباب اهل جنة کنیت

او ابو عبد الله و مولودش مدینه آخر ماه ربیع الاول سال سیوم

از هجرت و بعضی گفته اند روز پنجشنبه سیزدهم ماه رمضان و بعضی سیوم و پنجم

ماه شعبان سال چهارم از هجرت سن شریفش پنجاه هشت سال

در بیان حضرت امام زین العابدین علیه السلام کنیت او ابو محمد مادرش شهربانو

بنت

بنت شیرویه بن کسری پرویز و بعضی گفته اند دختر یزدجرد و مولودش

مدینه روز یکشنبه پنجم شعبان سال سی و سه از هجرت و بعضی سی و هشت

681 گفته اند مدفنش بقیع پیش عم خویش **در بیان امام حضرت محمد باقر**

علیه السلام کنیت او ابوجعفر والده اش ام عبدالله بنت الحسن بن علی

پس از اعمال علوی است که از دو علوی بوجود آمده مولدش مدینه

روز دوشنبه سیم صفر سال پنجاه و هفت از هجرت و آنچه مذکور شد

علامه شیخ شهید در تحریر و دروس نقل کرده اند و چون وفات

حضرت امام حسین علیه السلام در سال شصت و یک واقع شده

پس روز شهادت آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام چهار ساله داشته

چنانچه صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل کرده مدفنش

در بقیع پهلوی پدر خویش یوم وفاتش روز دوشنبه هفتم ذی حجه صد و

چهارده از هجرت و بعضی شانزده گفته اند سن شریفش پنجاه

و هفت سال در بیان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کنیت او ابو عبد الله

مادرش ام فروه و بعضی گفته اند که اسم مادرش فاطمه است و لقب او

ام فروه است و مولدش مدینه روز دوشنبه هفدهم ربیع الاول

سال هشتاد و سه از هجرت مدفنش در بقیع در پهلوی پدر خویش

و وفاتش نیمه ماه رجب و بعضی شوال گفته اند سال صد و چهل

و هشت از هجرت سن شریفش شصت و پنج سال در بیان حضرت

امام موسی کاظم علیه السلام کنیت او ابو الحسن و ابو ابراهیم و ابو علی

مادرش بربریه مولدش ابواء که منزلیست مابین مکه و مدینه

روز یکشنبه هفتم صفر سال صد و بیست و هشت از هجرت و بعضی

صد و بیست و نه گفته اند مدفنش مقابر قریش به بغداد در روز

بیست وچهارم رجب سال صد وهشتاد ویک گفته اند
سن شریفش پنجاه سال دربیان حضرت امام رضا علیه السلام
کنیتش ابوالحسن مادرش ام ولد مولدش در مدینه روز
پنجشنبه یازدهم ذی قعده وبعضی بیست وسیم گفته اند سال صد
چهل وهشت هجری مدفنش طوس خراسان سال دویست
وسه هجری سن شریفش پنجاه وپنج سال دربیان حضرت
امام محمد تقی علیه السلام کنیتش ابوجعفر پدرش امام رضا
علیه السلام مادرش خیزران ام ولد از اهل بیت ماریه قبطیه
مولدش مدینه در نصف ماه رمضان سال صد ونود وپنج هجری
مدفنش مقابر قریش القرب جدش ببغداد ایام وفاتش
آخر ماه ذی القعده وبعضی گفته اند در روز شنبه یازدهم ماه

ذی قعده سال دویست و بیست هجری سن شریفش بیست و پنج سال

در بیان حضرت امام علی نقی علیه السلام کنیتش ابوالحسن پدرش

محمد جواد مادرش سمانه ولد مولدش مدینه نصف ذی الحجه

و بعضی گفته اند بیست و ششم سال دویست و دوازده هجری مدفنش خانه

خود بسامره روز دوشنبه سال سیم رجب سال دویست و پنجاه

و چهار و بعضی دویم رجب نیز گفته اند سن شریفش چهل و یک سال

و نه ماه در بیان امام حسن عسکری علیه السلام کنیتش ابومحمد پدرش

امام علی نقی علیه السلام مادرش حدیثه ام ولد مولودش مدینه

دهم ربیع الاول و بعضی روز دوشنبه چهارم ماه مذکور گفته اند سال

دویست و سی هجری مدفنش در خانه پدرش در سرمن رای از

یکشنبه و بعضی گفته اند روز جمعه هشتم ربیع الاول سال دویست و شصت

هجری

هجری سستن شرالفیس بت و هشت سال و شیخ مفید علیه الرحمة فرموده

که از بیرون خانه زیارت ایشان باید کرد چه بی اذن داخل خانه آن ای

نمیتوان شد و اصح آنست که جایز است دخول چه ائمه معصومین صلوات

الله علیهم اجمعین مال خود را بشیعه خود حلال کرده اند چنانچه در احادیث

وارد شده **در بیان صاحب الامر** علیه السلام کنیتش ابو القاسم مادرش

صیقل و لقبش نرجس و بعضی مریم بنت زید گفته اند مولدش

سرّمن رای در شب نصف ماه شعبان سال دویست پنجاه و چهار

گفته اند و این آن شخص است که ظهور او متیقن است و پر خواهد کرد این

زمین را از عدل چنانچه از جور پر شده باشد بتاریخ روز پنجشنبه چهاردهم

شهر جمادی الاول در شهر رجب برای زیارت حضرت حوار رفته

و در بیت الله الحرام در روز پنجشنبه بیست و یکم شهر مذکور بزیارت

سنک جای آرنج حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وسنکی
که برانحضرت سلام کرده وخانه حضرت فاطمه علیه السلام وخانه
خدیجه کبرا ومسجد حضرت فاطمه ع وجای تولد وآسیا انحضرت
ودر جنت معلی روضه خدیجه کبرا وروضه ابوطالب وروضه
هاشم وروضه عبد مناف وجای تولد حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم ودر جبل النور رفته مکانیکه حضرت رسول ص را در انجا
نور به سینه مبارکش قرار یافته وو همانجا مکانیست که حضرت
در انجا عبادت میکردند ومکانی که در انجا بلال موذنی می بود دو
رکعت درهر مکانی نماز کرده وزیارت کرده وودر کوه ابو قبیس
رفته جائیکه بلال اذان میداد زیارت کرده وودو رکعت نماز گذارده
وشق القمر را زیارت کرده وودو رکعت نماز گذارده وجائیکه حجاج

سادات

سادات را مقید میساخت بعد از چند روز مکث بطرف دار اورده

و از انجا بخانه ابو طالب آمده زیارت کرده و دو رکعت نماز

گذارده از مکه معظمه روانه مدینه طیبه گردیده و بمکانهای متبرکه مشرفه 67

وارد شده ابتدا در بدر مزار شهدا که در آن زمان حضرت رسالت پناه

با کفار قریش محاربه داشتند قدری دران مکان نشستند ابری

آمد بالای سر مبارک سایه افکند الحال در انجا مسجدیست مشهور

بمسجد غمامه متصل آن احاطه ایست که سیزده تن در رکاب

فیض مآب بدرجه شهادت فایض گردیدند اسامی شهدا

عبیده بن الحارث و عمیر بن وقاص المطرز ذو الشمالین مبشر ابن عبد المنذر

عاقل ابن البکیر صفوان سعد ابن خیثمه حارثه عمیر ابن الحمام السلمی

مهجع مولا عمر ابن الخطاب یزید بن الحارث الحارثی رافع ابن

المعلی الجنبی عوف سعود ابن الحارث ابن رفاع و در همان مکان

کوهیست که شق شده و آفتاب از میان آن دره عبور فرمودند

و سنگیست که حضرت پشت مبارک باین داده بدرگاه مجیب الدعوات

استغاثه نموده‌اند و باجابت مقرون گردیده و در صفر از زیارت

ابا ذر غفاری رحمة الله و داخل مدینه طیبه گردیده باستان بوسی

مرقد مطهر منور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

و حضرت سیدة النسا فاطمة الزهرا صلوات الله علیهما و حضرت

ائمه بقیع اعنی شهید مسموم اسمار زهر جفا حضرت امام حسن المجتبی ع

و حضرت سید الساجدین امام زین العابدین ع و گنجینه علوم

اول و آخر حضرت امام محمد باقر ع و امام بحق ناطق حضرت امام

جعفر صادق ع و طیب الانفاس حضرت عباس عم رسول خدا ع

دوازده

وفرزند رسول کریم حضرت ابراهیم وبنات رسول الله رقیه وام

کلثوم وزینب وحلیمه بنت سعدیه مرضعه نبی الله وحضرت

68 عقیل برادر حضرت امیر وازواج طاهرات آن حضرت ام حبیبه

زینب صفیه سوده ام سلمه میمونه در وادی فاطمه در راه مدینه

وخدیجه در مکه معظمه وعایشه در شام وحفصه در مدینه طیبه واسمعیل

فرزند حضرت امام جعفر صادق ع وپاک طینت طیب الجد

فاطمه بنت اسد والده حضرت علی ابن ابی طالب وازاصحاب

آن حضرت عثمان بن مظعون وجابر بن عبد الله انصاری و

عبد الله ابن مسعود وسایر مساجد چون مسجد قبا ومسجد شمس و

مسجد المصلی ومسجد الکشف ومسجد مبرکین الناقه ومسجد الاجابه

ومسجد حضرت ومسجد حضرت مرتضی علی ومسجد حضرت فاطمه صلوات الله

علیهما و حضرت رسالت پناه خاتم مبارک در وا انداخته که
شیرین گردید و باغ فدک و درخت خرما که خم شده بآنحضرت
سلام کرده و شعره حنین و مکان زانوهای شتر حضرت
امیر علیه و مسجد که شترهای آنحضرت در آنجا می بودند و مسجد الاجابت
و مکانی که در جنگ احد آنجناب زره پوشیدند و زیارت
سید الشهدا و مکانی که دندان مبارک شهید شد و مزار شهدا
که از روی تواریخ معلوم است و جایی که از زن کافره حضرت گرفتند
و آب دهن مبارک در وا انداختند و مسجد ذو قبلتین و مسجد فتح
و مسجد سلمان فارسی مسجد حضرت مرتضی علی علیه و مشربه ام ابراهیم
و جایی که دندان مبارک را غسل دادند در هر مکانی زیارت کرده
و دو رکعت نماز بجا می آورد و بنیابت هر یک از دوست داشتان
خود

بعد الموقف و جای کوه آب خورده بوده

69

خویش و بیگانه فرداً فرداً نام نموده و دعا و زیارت کرده چهارم

شهر شعبان المعظم سوار جهاز الهی یکی از بندر مبارک سورت

شده و غره شهر ذی قعده الحرام در رسید در بندر عدن که

بندر لیست از ملک یمن رسیده بعضی مردم در پنجم شهر مذکور و

بعضی در پانزدهم شهر مذکور از جهاز پائین آمدند و هشت دوم

شهر ربیع الاول از بندر عدن سوار جلده شد تا مخه هشت پهر

آمده از مخه تا حدیده هشت پهر آمده و از حدیده تا کامران شش

پهر آمد در مخه ده روز مقام کرده در حدیده یازده روز مقام کرده در

کامران دو مقام کرده از کامران تا قنفده سه روز آمده استاد دعا

دعای ام الصبیان

ام الصبیان روایت است از حمید که یکی از صحابه حضرت سلیمان ع

که آصف نام شخصی بود و دختری داشت و آن دختر بکر و در حباله نشستی

جهت سرشستن سایه بروی افتاد که نعره بزد و فریاد میکرد و بیطاقت
شده بود آصف دختر را پیش حضرت سلیمان آورد حضرت سلیمان دختر را
پیش خود طلبید و گفت چه نوع صورتی در نظرت در آمد وی گفت
یا حضرت سلیمان جمیع لشکر خود را حاضر گردان تا او را بنمایم
هر چند حاضر میشدند وی میگفت که اینها نیستند تا آنکه ام الصبیان
در رسید چون دختر او را بدید نعره بزد که اینست آن صورت
که من دیده ام سهمناک و هشت پستان دارد و در هر پستان
بچه بند و او را صد سر است و بر هر سری صد دهان و در هر
دهان صد زبان حضرت سلیمان او را پیش خود طلبید
تو کیستی و نام تو چیست وی گفت که من ام الصبیان نام
دارم حضرت سلیمان گفت عمل تو چیست گفت عمل من آنست

[illegible]

که از

که بر فرزندان آدم رنگ می برم و قصد فرزندان بنی آدم

میکنم و هرگاه که زن حامله باشد من سایه خود را به پشت او افکنم

بواسطه بچه او را زیان رسد و اگر بچه تنها باشد من دم خود را 65

باو رسانم آنکه بیمار شود چنانچه سر او بزرگ شود و تن او باریک

شود تا آنکه بمیرد و اگر پستان من بخورد و بگذرد پستان مادر بگیرد و

شکل وی را بدل کنم و فرزند از خوف من ایمن نباشد و اگر

کسی در میان سایه آفتاب در خواب شود من سایه خود را

بروی افکنم وی درد اندام پیدا کند و اگر در خانه تاریک یا

کنار آب روان یا کنار شوره آتش دیگدان بخوابد من سایه خود را

بروی اندازم تا دیوانه شود و ظرفی که سرگشاده باشد و در آنجا

چیز خوردنی باشد من سایه خود را بروی افکنم هرکس که بخورد

مخمها دروی بهم رسد و من از خون می ترسم سلیمان گفت
تا از ان کی بشنند گفت مرا مکشید که از هر قطره خون من صد هزار
همچو من پیدا شود حضرت سلیمان در فکر کار وی باشد که چه
علاج کند از جانب حضرت عزت وحی آمد بحضرت سلیمان که
این دعای عظیم را بفرزندان آدم بیاموز تا با خود دارند تا
از شر جن و شیاطین و از خوف ایمن باشند و هر که این
عزیمت را با خود دارد در امان الله تعالی باشد و کار بروی
آسان گردد و شرح این دعا بسیار است اما مختصر کردیم
چون مقصود دعاست والله اعلم بالصواب بسم الله
الرَّحمٰنِ الرَّحیم بِسمِ اللهِ الاعزّ الا
فی عُلُوّ عِزّهِ عَزازَةٌ حَتّیٰ مَن اَعزّ نَدیمٍ

وَالعِزَّةُ لَهُ العِزَّةُ عِزُّ اللهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

آدَمُ صَفِيُّ اللهِ وَنُوحٌ نَجِيُّ اللهِ وَإِبْرَاهِيمُ

٦١ خَلِيلُ اللهِ وَمُوسَى كَلِيمُ اللهِ وَعِيسَى رُوحُ

اللهِ وَسُلَيْمَانَ بْنُ دَاوُدَ نَبِيُّ اللهِ وَمُحَمَّدُ

الرَّسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

نَبِيَّنَا يَا مَعْشَرَ الجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ وَالغَيْظِ

وَأُمِّ الصِّبْيَانِ وَادْهَمْ وَالرِّيحِ احْضُرُوا

بَارَكَ اللهُ عَلَيْكُمْ بِعِزَّةِ اللهِ وَعَظِيمِ اللهِ وَ

عَظَمَتِهِ وَعَوْنِ اللهِ وَقُوَّةِ اللهِ وَكِتَابِ اللهِ

وَقُدْرَتِ اللهِ وَأَمَانِ اللهِ وَحِرْزِ اللهِ وَ

ضَمَانِ اللهِ وَهَيْبَتِ اللهِ مَا جَرَى بِهِ القَلَمُ

من عبد الله على عبد خلق الله محمد الرسول

الله عزم عليكم بعزائم الاعظم بعزائم

سليمان بن داود ملك الجن والانس

والشياطين والغيلان احضروا بارك

الله عليكم اعيذوا بالله من شد الاكام و

الاجام والعمران وتقدس اسمائه و

عظمة الام به سماؤه واعبدوا بالاول

قبل كل شي واخر بعد كل شي فتبارك

الله احسن الخالقين رب العالمين اخرج

ايها الشيطان الرجيم باذن الله الملك

القديم ان كنتم ازواج المسلمين من ارو

الیهود و النصاری و من ازواج المجوس

فانی اعزم علیکم بتورات موسی و انجیل

72 عیسی و زبور داود و فرقان محمد

المصطفی صلی الله علیه و اله و سلم و

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

برحمتک یا ارحم الراحمین قوله تشبیه

بتجربه رسیده از شیخ بهاء الدین عاملی و علمای دیگر رضوان الله

علیهم منقول است که چون کسی را مهمی دشوار پیش آید چهار

خط یکسر و خط در میان و چهار خط سر و آنرا قبر رسالت حضرت پناه

خیال کند و در جای خلوت با وضو رو بقبله و رو بآن قبر زانو

نموده هزار مرتبه بگوید صلی الله علیک یا رسول الله لله البته

آن مهم بکفایت انجامد که مجرب است ۵۵۵۵ این شکل

متولد و بر زن حامله عرض کند که انگشت بر سر اسم کواکب

سبعه هر کدام که خواهد بگذارد بفرمان حق تعالی اگر انگشت بر

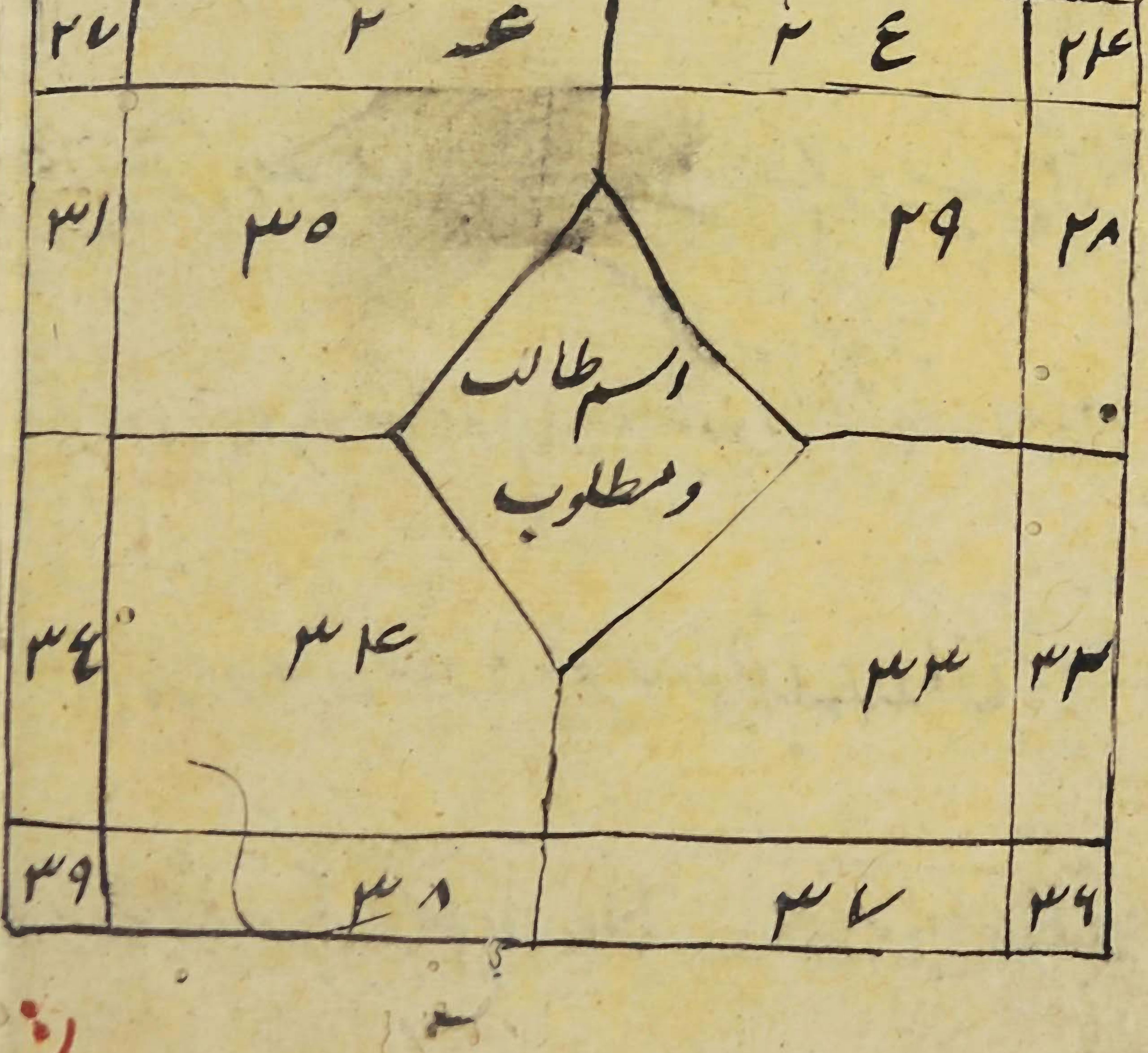
عطارد یا شمس یا قمر گذارد پسر آورد و اگر بر زهره یا مریخ یا مشتری

بیارد دختر زاید شکل اینست

عطارد	شمس	قمر
مریخ	مشتری	زهره

طلسم محبت نام طالب و مطلوب را در میان طلسم نوشته

بوقت نماز شام در زمین دفن کند الفت تمام بهم رسد



شجره دوازده امام علیه السلام حضرت امام حسن ع

در بقیع در کربلا حضرت امام حسین ع و حضرت امام زین العابدین ع

و حضرت امام محمد باقر ع و حضرت امام جعفر صادق ع در بقیع و حضرت 73

امام موسی کاظم ع در بغداد و حضرت امام رضا ع در مشهد مقدس

و حضرت امام محمد تقی در بغداد و حضرت امام علی نقی ع در سامره

و حضرت امام حسن عسکری ع در سامره و حضرت امام محمد مهدی

در حیات و در غار و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه

هجده فرزند بودند فاضل ترین حضرت امام حسن ع و حضرت

امام حسین ع بودند در میان برادران خلافت و ولایت امام

حسن ع و حضرت امام حسین ع را رسید و حضرت

امام حسین ع را سه فرزند بود علی اکبر و علی اصغر و حضرت

امام زین العابدین خلافت حضرت امام زین العابدین ع را

رسید و حضرت امام زین العابدین ع را دو فرزند بود امام

احمد ع و حضرت امام محمد باقر ع خلافت حضرت امام محمد باقر ع

را رسید و حضرت امام محمد باقر ع را دو فرزند بود عبدالله و حضرت

امام جعفر صادق ع خلافت حضرت امام جعفر صادق را رسید

و حضرت امام جعفر صادق را سه فرزند بود امام محمد و امام اسمعیل

و حضرت امام موسی کاظم ع خلافت حضرت امام موسی کاظم را

رسید و حضرت امام موسی کاظم ع را یکفرزند بود حضرت امام رضا ع

خلافت حضرت امام رضا را رسید و حضرت امام رضا ع را

یکفرزند بود حضرت امام محمد تقی ع خلافت باو رسید و حضرت

امام محمد تقی را یکفرزند بود حضرت امام علی نقی خلافت باو رسید

و الحق

و حضرت امام علی النقی ع را سه فرزند بود و خلافت حضرت
امام حسن عسکری ع را رسید و حضرت امام حسن عسکری ع را
76 سه فرزند بود امام ابراهیم امام اسمعیل و امام محمد مهدی ع خلافت
امام محمد مهدی ع را رسید چهارده معصوم پاک محمد اکبر
بن امیر المؤمنین و حضرت امام حسن ع و حضرت امام حسین ع
و لقب او طاهر و مادر حضرت فاطمه زهرا الغرب کشته شد
قبرش در بقیع است و معصوم دویم عبد الله بن امام حسن ع
در هفت سالگی بدست طلحه ابن عام کشته شد قبرش در
بقیع است و معصوم سیوم عبد الله بن امام حسین ع است
در شش سالگی بدست ارزق شامی کشته شد قبرش
در کربلا است و معصوم چهارم قاسم ابن امام حسین ع است

در سه سالگی از تشنگی شهید شد قبرش در کربلاست

۵
و معصوم پنجم حسین ابن امام زین العابدین ع بدو سالگی بدست

منصور بن احمد بن یزید بن معاویه کشته شد و قبرش در

۶
ری است و معصوم ششم صالح ابن امام زین العابدین ع

در سه سالگی بدست احمد کشته شد قبرش در بقیع است

۷
و معصوم هفتم علی اکبر بن امام محمد باقر ع در شش سالگی بدست

احمد بن منصور دمشقی کشته شد قبرش در ساوه است

۸
و معصوم هشتم عبدالله بن امام جعفر صادق ع است در سه سالگی

پیش خلیفه بدست عبدالله بن محمد کوفی کشته شد قبرش

۹
در بغداد است و معصوم نهم یحیی ابن امام جعفر صادق ع است

در سه سالگی بسبب مورچه بدست عربان کشته شد قبرش

در

در بستام معصوم دهم صالح ابن امام موسی کاظم ع است در سالکی
بدست یوسف بن ابراهیم بن احمد دمشقی کشته شد قبرش در ری
است معصوم یازدهم طیب بن امام موسی کاظم ع است در هفت سالگی
بدست عثمان کشته شد در دمشق قبرش در سبزوار است و معصوم
دوازدهم جعفر بن امام محمد تقی ع است در چهار سالگی بدست ابراهیم دمشقی
کشته شد قبرش در قم است معصوم سیزدهم جعفر بن امام
عسکری ع است در یک سالگی بدست احمد بن ناصر بن الجهم
دمشقی کشته شد قبرش در ری است و معصوم چهاردهم قاسم
بن امام محمد مهدی ع است در سه سالگی بدست منصور بن ناصر کشته
شد قبرش در جزیره است خاک ریاگال سر در پس حجل است
او بکردهای خویش شاد و ابع نفر رو سیاه قسطی نمود طریق ختم سوره

ختم آنست که هر روز یکمرتبه بخواند تا چهل دیگر روز باید که در اثنای
ختم با کسی سخن نگوید و در مکان خالی بخواند و از روی توجه تمام مداومت
نماید و با طهارت باشد و روی بقبله نشسته باشد که اثر فتوحات
عظیم ظاهر شود هر کس این ختم را با داب بجای آرد هرگز روی
فقر نه بیند و نزد جمله خلایق عزیز و محترم باشد و جمیع مهمات
دینی و دنیوی او بر آورده گردد و در حفظ و پناه حق سبحانه تعالی
بوده باشد و این ختم از غرایبات و مجربات است و بسیار
تجربه شده اصلا خطا ندارد و باید که پیش از خواندن سوره حشر
سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد انگاه شروع در خواندن
کند و بعد از انکه سوره تمام شود این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ یَا ذَا
لْعَرْشِ الْکَرِیمِ وَ الْعَطَاءِ الْعَظِیمِ وَ الصِّرَاطِ
المستقیم

المستقیم یا مرسل الریاح و یا باعث

الارواح یا ذا الجود و السماح یا الله یا رحمن

یا رحیم اسئلک ان تصلی علی سیدنا و نبینا محمد 68

و آل محمد و ان تنجینی من هذا الغم بحق مطلب بخاطر و بلو برسان

صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

برحمتک یا ارحم الراحمین و طریق ختم سوره مبارک حشر صغیر و

وسیط و کبیر اما صغیر آنست که اول هفتاد نوبت صلواة

بروح مقدس حضرت نبوی ع فرستد و هفتاد مرتبه یا حی یا قیوم

یا احد بگوید و هر روز که ختم تمام کند چیزی از شیرینی تصدق کند

در روز آخر گوسفند بکشد و دعوات سازد و چهل و یک نان

با مقداری حلوا بمومنین اهل طاعت تصدق کند که الله آثار

عجب ظاهر شود تا چهل و یک روز هر روز یکمرتبه بخواند اما وسیط آن است

که هر روز یکی اضافه کند تا چهل و یکبار چهل و یکمرتبه بخواند و از چهل

دیگر فرو آید مرتب نشود بطریق عکس بخواند و تلاوت صحیح

نماید اما بهتر آنست که هر روز چهل و یکمرتبه تا چهل و یکروز بخواند

اما در شش محل اشارت است که مذکور می شود مقصود در خاطر

گذراند و هر نوبت که سوره تمام شود این دعا بخواند و در آن

شش جا نیز اشارت بمطلب کند و شرط آنست که هر روز بقدر

مقدور تصدق کند و در وقتیکه قمر زاید النور باشد شروع

کند دعا اینست اللهم یا ذالعرش الکریم و الملك

القدیم و العطاء العظیم و الصراط المستقیم

و الفضل العظیم یا مرسل الریاح و یا فالق

الاصباح و یا باعث الارواح یا ذالجود و

رحمن
و السماح یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا
یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم ان تصلی علی محمد و
آل محمد و ان تنجینی من هذا الغم برحمتک یا ارحم الراحمین
٦٦ و محل اشارت که اشاره بمطلب میشود اول و لولا
ان کتب الله دویم و ما افاء الله علی رسوله منهم
سیوم الفقراء المهاجرین چهارم و الذین تبوؤ الدار
پنجم لا انتم اشد رهبة ششم لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة
و در دعا این نسخه در وقت اشارت هفت مرتبه
یا حی یا قیوم یا احد باید گفت اما روز جمعه ابتدا کند و چهل
و یکروز بخواند و اصل آنست که با کسی سخن نگوید و درستی
گاه خواند و مطلقا در چهل و یکروز روزی ترک نکند و
اگر احیانا ترک کند باز از سر گیرد و در محل شروع در ابتدا خواند

چهل و یکبار صلوات بر پیغمبر صلعم فرستند و در آخر ده بار و نیز از ان

سر بسجود گذارد و بگوید خدایا این دعوت را خیر گردان

و نفس مرا کبرا و موثر ساز که هر دعائی که بخوانم بهر نیت که

باشد موثر گردد البته نفس او کبرا شود و اگر بعد از اتمام دعوت

بر کوه خواند از جای رود بتوفیق الله تعالی ؋؋؋ در دیدن

جزها در اول ماه و ایام نحس در هر ماه یکروز است

محرم طلار ابا یرو بر ۲۰	صفر [illegible] ۱۰	ربیع الاول ابر اوان ۴	ربیع الآخر [illegible] ۲۱
جمادی الاول نفت ۸	جمادی الآخر ادیبم ۲۸	رجب [illegible] ۲۱	شعبان کیاه بزنان ۲۶
رمضان شنیز ۲۴	شوال [illegible] ۴	ذی القعده نودک ۲۸	ذی الحجه [illegible] ۸

ناخن گرفتن

روز شنبه	روز یکشنبه	روز دوشنبه	روز سه‌شنبه	روز چهارشنبه	روز پنجشنبه	روز جمعه
خوب	نیز خوب	خوب		بیماری بدانست	خوب بود	خوب برا...

برای

78

برای دفع بواسیر از مجربات است پارچه کاغذ را در موم کافوری
گرفته هر روز بار آشنا تا هفت روز بخورد شفا یابد ان شاء الله تعالی این است

جبرئیل

۳	۱۱	۶
۹	۷	۱۴
۸	۲	۱۰

میکائیل — اسرافیل — عزرائیل

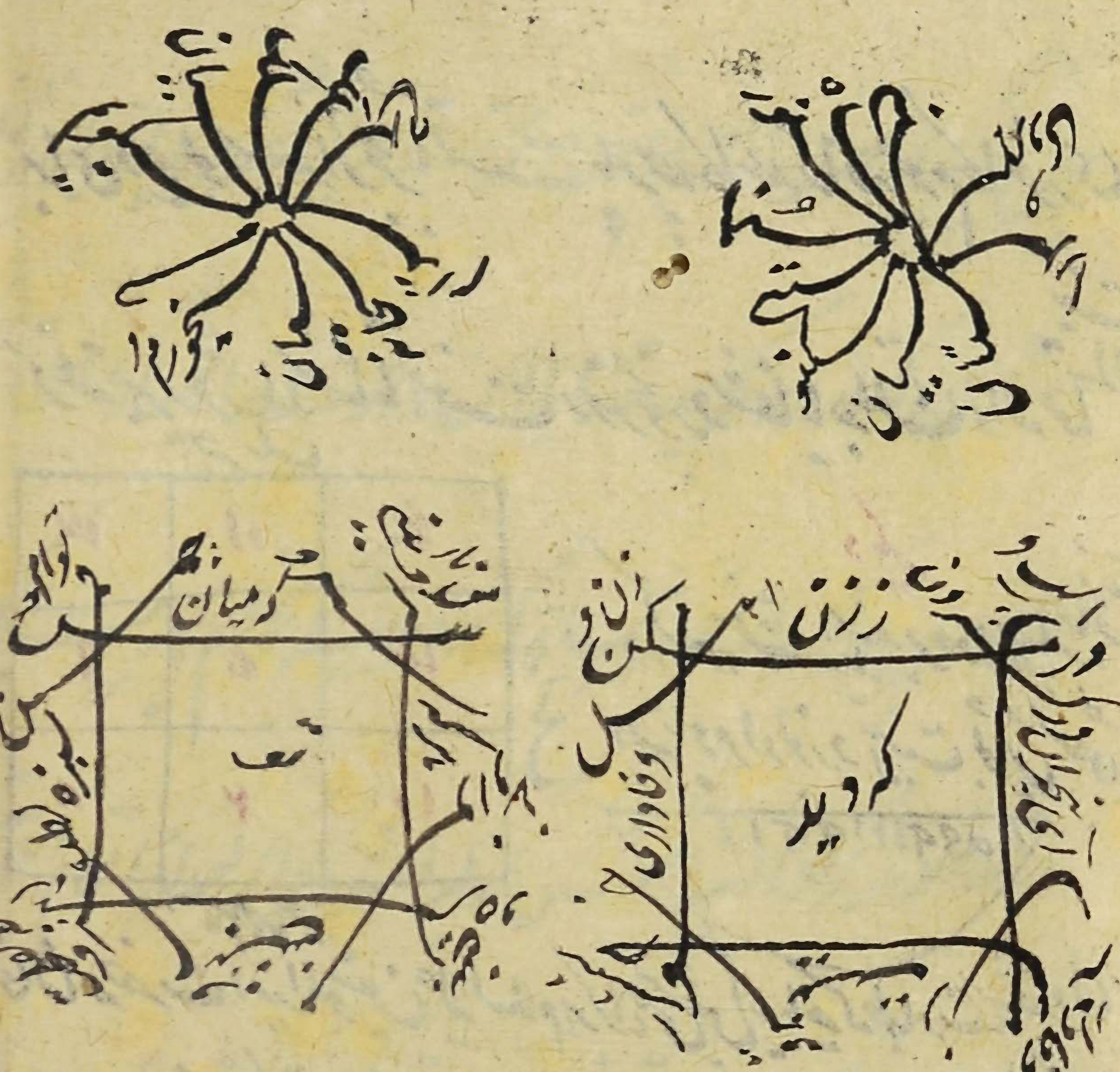
دیگر

در کشتی نشسته باشد بر دول چهار بار زند
البته باد مراد بوزد این است بگوئی کشتی

۱۱۵۹۹۱۱۱۹۹۱۱

فالنامه حضرت امیر المومنین علیه السلام هر کرا مهمی پیش آید باید که طهارت باشد اول
یکنوبت سوره فاتحة الکتاب و سه نوبت سوره قل هو الله احد بخواند بعد از ان نیت کند
وانگشت برین دایره بگذارد و ده ده بشمارد و حرف دهم را بنویسد بمطلب میرسد

ب	ب	ا	ا	ی	ت	ت	ت	ب	ب
س	س	خ	خ	ا	ر	و	و	م	م
ی	ی	ر	ر	ع	ک	ف	ف	ط	ق
ا	ا	ش	ا	ل	ک	ی	ی	ل	ص
ر	ر	خ	ی	ی	ن	ق	ق	ب	و
خ	ب	و	ن	م	ک	ی	ن	م	د
و	د	ب	ب	د	ب	ا	ی	ی	ت
ب	ا	ا	د		د	ف	ا	ر	ر
س	س	س	س	ک	س	ت	ب	س	س
ث	ت	ث	ت	ن	ت	ی	ی	ی	ی



نامهای چهارده معصوم پاک	محمد صلی الله علیه و آله	علی علیه السلام حضرت	حضرت فاطمه علیها السلام	حضرت امام حسن علیه السلام	حضرت امام حسین علیه السلام	حضرت علی علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیتهای ایشان	ابو القاسم	ابو الحسن	ام ابیها	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن	ابو جعفر
لقب هر یک	مصطفی	مرتضی	زهرا	زکی	شهید	سجاد	باقر
جائیکه تولد یافته اند	شعیب ابو طالب	کعبه معظمه	مکه معظمه	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه
روزیکه متولد شده اند	دوشنبه	جمعه	جمعه	سه شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	دوشنبه
ماههائیکه متولد شده اند	هفدهم ربیع الاول	سیزدهم رجب ۱۳	بیستم جمادی الاخر ۲۰	پانزدهم رمضان ۱۵	سیم شعبان ۳	پنجم شعبان	سیم صفر
سالیکه بدنیا آمده اند	سالیکه از قبل محمود بامرا لحرب کرد کعبه اورد	سی سال بعد از عام الفیل	پنج سال بعد از مبعث	سال سیم از هجرت	سال چهارم از هجرت	سال سی و سیم از هجرت	سال پنجاه و هفتم از هجرت
پادشاهان زمان تولد ایشان	انوشیروان	شهریار	یزدجرد	یزدجرد	یزدجرد	امیر المومنین ع	معویه

79

نام مادر ایشان	آمنه دختر وهب	فاطمه بنت اسد	خدیجه دختر خویلد	فاطمه زهرا	فاطمه زهرا	شاه زنان دختر یزدجرد	ام عبدالله دختر حسن
نقش نگین ایشان	اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله	الملك لله الواحد القهار	ان المتوكل لله	العزة لله	ان الله بالغ امره	حسبي الله کل غم	العزة لله جميعا
شمار زنان ایشان	پانزده	دوازده غیر کنیزان	[illegible]	شصت شش زن غیر کنیزان	پنج زن غیر کنیزان	یک زن	دو زن غیر کنیزان
شمار فرزندان ایشان	هشت	بیست و هفت	پنج	پانزده	شش	پانزده فرزند	هفت
عمرهای ایشان	شصت و سه سال	شصت و سه سال	هجده سال	چهل و هشت سال	پنجاه و هفت سال	پنجاه و هفت سال	پنجاه و هفت سال
روز وفات ایشان	دوشنبه	دوشنبه	دوشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	دوشنبه
ماه وفات ایشان	شب بیست و هشتم صفر	بیست و یکم رمضان	سیم جمادی الآخر	هفتم صفر	دهم محرم	بیست و دوم محرم	هفتم ذی الحجه
سال وفات ایشان	سال یازدهم از هجرت	سال چهلم از هجرت	سال یازدهم از هجرت	بعد از پنجاه سال از هجرت	شصت و یک سال از هجرت	سال نود و پنجم از هجرت	سال صد و سیزده از هجرت
جای وفات ایشان	مدینه طیبه	نجف کوفه	مدینه	مدینه	کربلا	مدینه	مدینه
بانچه وفات یافته اند	بیمار شدند و برحمت حق پیوستند	ابن ملجم آنحضرت را ضربت زد	آنحضرت آن بود که بشکمش زدند و فرزند افتاد	جعده آن حضرت را زهر داد	شمر آن حضرت را شهید کرد	هشام پسر عبدالملك زهر داد	هشام زهر داد
جای قبرهای ایشان	مسجد آنحضرت	غری	روضه پیغمبر	بقیع	کربلا	بقیع	بقیع
پادشاه زمان وفات ایشان	هرقل	معویه	ابوبکر	معویه	یزید	ولید پسر عبدالملك	هشام پسر عبدالملك

معتمد و کارداران ایشان	علی ابن ابی طالب علیه السلام	قنبر و سلمان فارسی	فضه کنیزان آنحضرت	سفینه	رشید هجری	ابوخالد کابلی	جابر جعفی
نام ها	جعفر علیه السلام	موسی علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام	علی علیه السلام	حسن علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیت ها	ابوعبدالله	ابوابراهیم	ابوالحسن	ابوجعفر	ابوالحسن	ابومحمد	ابوالقاسم
لقب ها	صادق	کاظم	رضا	جواد	هادی	عسکری	خلف مهدی
جای تولد	مدینه	ابواء که میان مکه و مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	سُرّ من رای
روز تولد	دوشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	جمعه	جمعه	دوشنبه	جمعه
ماه تولد	هفدهم ربیع الاول	هفتم ماه صفر	یازدهم ذیقعده	دهم رجب	دویم رجب	چهارم ربیع الآخر	نیمه شعبان
سال تولد	سال هشتاد سیم از هجرت	سال صد و بیست هشتم از هجرت	سال صد و چهل هشت از هجرت	سال صد و نود پنج از هجرت	سال دویست دوازده از هجرت	سال دویست و سی و دو از هجرت	سال دویست و پنجاه و پنج از هجرت
پادشاه وقت تولد	مروان پسر عبدالملک	ابراهیم پسر ولید	منصور	محمد امین	مأمون	واثق پسر معتصم	معتمد پسر متوکل
نام مادرها	ام فروه دختر ابابکر قاسم پسر محمد	کنیز حمیده نام مادر فرزند	ام البنین مادر فرزند	خیزران مادر فرزند	سمانه مادر فرزند	حدیث مادر فرزند	نرجس مادر فرزند
نقش نگین	الله خالق کل شی	کن من الله علی حذر	ان الله ولی	المهیمن عضدی	حفظ العهود من اخلاق المعبود	انا الله شهید	انا حجة الله فی ارضه و خاصه
شمار زنان	دو زن غیر کنیزان	کنیزان آنحضرت بیرون از شمار	یک زن غیر کنیزان	یک زن غیر کنیزان	یک کنیز	یک کنیزک	یک زن از دختران ابی لهب

80

شمار فرزندان	ده فرزند	سی و هفت فرزند	سه فرزند	چهار فرزند	پنج فرزند	یک پسر یک دختر	فرزندان آنحضرت [illegible] شمار خدا داند
عمرها	شصت و پنج سال	شصت و پنج سال	پنجاه و یک سال	بیست و پنج سال	چهل و یک سال	بیست و هشت سال	در زمان [illegible] شصت و چهل رسیده بود
روز وفات	دوشنبه	جمعه	سه شنبه	سه شنبه	دوشنبه	جمعه	جمعه
ماه وفات	نیمه رجب	ششم رجب	هفدهم صفر	دهم رجب	سیم رجب	هشتم ربیع الاول	خدا داند
سال وفات	سال صد و چهل هشت از هجرت	سال صد و هشتاد و سیم از هجرت	سال دویست و سه	سال دویست و بیست	سال دویست و پنجاه و چهار	سال دویست و شصت	خدا داند
جای وفات	مدینه	فرزندان بشهر بغداد	منزل آنحضرت در طوس است	بغداد	خانه آنحضرت که در سرمن رای است	خانه آنحضرت که در سرمن رای	نزد پیغمبر
بانچه وفات یافته اند	منصور آنحضرت را در انگور زهر داد	رشید آنحضرت را زهر داد	مامون آنحضرت را زهر داد	معتصم آنحضرت را زهر داد	متوکل آنحضرت را زهر داد	معتمد آنحضرت را زهر داد	از خوف غایب شد
جای قبرها	بقیع	مقبرهای قریش	طوس	مقبرهای قریش	سرمن رای	در یک خانه با پدر	جای غیبت در سرداب که در سرمن رای است
پادشاه زمان وفات	رشید	رشید	مامون	معتصم	متوکل	معتمد	از معتمد آن پنهان شد
معتمدان درگاه	مفضل پسر عمر	محمد پسر فضل	محمد پسر فرات	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید

هو الغنی چهار شنبه مس گرفته بدین صورت مهر سازد بوقت

کسوف و خسوف یعنی سورج گهن و چندر گهن در آب روان

ایستاده شده بکند بوقت حاجت همراه تلخه مرغ کرک بانهد

و سندور و لعاب دهن یکجا کرده سه مهر بزند کر خود بد جماع

بکند انزال نگردد بار دیگر جماع نموده انزال کند دیگر با همون عورت

اگر جماع نماید قادر شدن نتواند عقد النسا کرده مجرب است

| اکدع ه ددر |

هو الغنی نقلست از کعب الاخبار رضی الله عنه

که من توریت خوانده ام و دوازده کلمه از ان بیرون کشیده ام و

بنوشتم و در گردن خود آویختم و هر روز دران کلمات نظر میکردم

یعنی هر روز سه بار میخواندم کلمه اول ای فرزند آدم از هیچ پادشاهی

مترس تا آنکه پادشاهی من باقی است و پادشاهی من همیشه باقی

خواهد

خواهد بود کلمهٔ دوم ای فرزند آدم از فوت شدن مال مترس

تا آنگاه که خزانهٔ من باقیست و خزینه های من همیشه باقی ٨١

خواهد بود کلمهٔ سیوم ای فرزند آدم از تو عمل فردائی طلبم و تو

از من روزی فردا مطلب کلمهٔ چهارم ای فرزند آدم در آوردن

آسمان و زمین عاجز نشدم و در رسانیدن یک دو نان که تو

بدان سیر شوی چگونه عاجز شوم کلمهٔ پنجم ای فرزند آدم بحق

آنکه من محبم ترا و تو نیز محب مرا کلمهٔ ششم ای فرزند آدم

موانست با دیگری مکن تا آنکه مونس تو باشم کلمهٔ هفتم

ای فرزند آدم از مکر امین مباش تا آنکه از پل صراط بگذری

کلمهٔ هشتم ای فرزند آدم مرا بر تو فریضه است و ترا بر من

رزق اگر تو در فریضه مخالفت نمائی و کاهلی کنی من در رزق

رسانیدن کاهلی نکنم کلمه نهم ۹ ای فرزند آدم در غضب

میشوی بر من از جهت نفس خویش و غضب نمیکنی بر نفس

خویش از جهت من کلمه دهم ۱۰ ای فرزند آدم هر که ترا

میخواهد از برای خود من ترا میخواهم از برای تو و تو از من میگریزی

و انصاف نمیدهی کلمه یازدهم ۱۱ ای فرزند آدم همه از برای تو

آفریدیم و ترا آفریدیم از برای خود پس خویشتن را خوار مدار

و قدر خود بدان کلمه دوازدهم ۱۲ ای فرزند آدم اگر راضی شوی بدانچه

قسمت کرده ام ترا و دل ترا و تن ترا راحت رسانم

و تو آسوده و اگر راضی نشوی بدانچه قسمت کردم مسلط کنم

بر تو حب دنیا را همچون دویدن وحشیان در بیابان

بعد از آن بعزت و جلال من که خوار گردانم ترا که آن وقت پشیمان

شوی

شوی و سودمند نباید نقلیست که موسی علیه السلام گفت

خداوندا اگر هیچ چیز در دنیا نمی آفریدی چه خوش بودی

82

حکم شد ای موسی کدام هیچ چیز گفت خداوندا چون حیات

آفریدی موت نمی آفریدی و اگر جوانی آفریدی پیری

نمی آفریدی چون سیری دادی گرسنگی نمی بودی و چون

صحت دادی زحمت نبودی اگر بهشت آفریدی دوزخ

نمی آفریدی حق سبحانه گفت ای موسی اگر حیات

بودی و موت نبودی از قهر من هیچکس نترسیدی

و اگر جوانی بودی و پیری نبودی قدرت های من کس

نشناختی و اگر سیری بودی گرسنگی نبودی فرمان مرا

هیچکس بجا نمی آوردی و اگر صحت بودی و زحمت نبودی

مرا همچنین باید میکرد و اگر بهشت بودی و دوزخ نبودی
اعمال نیک کس نکرد این چند کلمه بطریق یادگار
من کلام اکابر سخن باندیشه گو تا تاسف نخوری و کار
باندیشه کن تا پشیمان نشوی و راه باندیشه رو تا در نمانی
و مال باندیشه صرف کن تا محتاج نگردی و در کار عاقبت
غفلت مکن تا از خدا شرمنده نشوی نقلست که جماعتی
از بزرگان بدیدن رابعه آمدند گفتند که آن زن دعوی
بلند مقامی میکند بیائید تا او را بیازمائیم کاغذی گرفته سه
حرف متشابه بیکدیگر نوشتند که محب محب محب و
نقطه نگذاشتند پیش رابعه فرستادند که ای رابعه برخوان
و جوابش بنویس رابعه برخواند و جواب نوشت
که اگر

که هرکه دعوی محبت حق تعالی کند و تن در محنت

ندهد محنت است حکایت آورده اند که مردی در 83

شب پیش حضرت امیر المومنین علی علیه الصلواة

والسلام آمد و سوالی کرد چیزی طلبید آنحضرت چراغ

را نشانید حاضران گفتند یا امیر المومنین چرا چراغ را

نشانیدی آنحضرت فرمودند از بهر آنکه تا ذل سوال

در روی وی نه بینم و وی نیز از من شرم ندارد و او را

انعام و اکرام بیشمار کردند حکایت آورده اند که حضرت

موسی علی نبینا و علیه السلام فرعون را دعای بد کرده

حق تعالی دعای ویرا مستجاب نمیکرد تا روزی بطور سینا

شد و با خدای عز و جل مناجات کرد و گفت بر دشمن تو

دعای بد میکنم چرا دعای مرا باستجابت مقرون نمیداری
خدا تعالی بموسی وحی فرستاد که یا موسی دوست بدارم
که نیست زمین را از جوانمردان تهی کنم و فرعون از جوانمردان است
ویرا چهار خوان بود بر چهار دروازه مصر نهاده و شب و روز
طعام و شراب انجا مهیا بودی تا هر که بیامدی و رفتی از ان
طعام تناول نمودی و چون حق تعالی خواست که ویرا
هلاک کرداند بدل اش افکند تا خوانها را بر گرفت
گویند که هنوز نماز پیشین نشده بود که باب غرق شد
سه کن دیگر بند بکشاید بر تو: فرو بندی فرو بندند
بر تو والسلام دیگر سلطان محمود غزنوی روزی در غضب
بود چنانکه هیچکس مجال آن نداشت که او را خوش وقت
سازد

ساز دو

دلگک گفت من او را خوشوقت میسازم پیش رفت

وگفت بندهٔ آن آستانم میخواهم که معلوم کنم که لقب و نام 96

آنحضرت حبیب سلطان از روی غضب فرمود برخیز و

که محزون دلگک گفت آن لقب باشد نام حبیب سلطان

بخندید و خوشوقت شد دیگر هفت کلمه طیبه از نصیحت

حضرت امیر المؤمنین امام المتقین اسد الله الغالب

حضرت علی ابن ابی طالب اول انکه بزرگی طلب

کردم در خواندن علم یافتم دویم انکه روشنائی طلب کردم

در نماز یافتم سیوم انکه توانگری طلب کردم در درویشی یافتم

چهارم انکه راحت طلب کردم در بی‌طمعی یافتم پنجم انکه سروری

طلب کردم در خاموشی یافتم ششم انکه رضای حق طلب کردم

سلامتی طلب کردم

در ترک معصیت یافتم

در راستی یافتیم اسامی که در حساب ابجد عدد شان

موافق است و باهم ربط دارند از میر حیدر مولوی طباطبائی عزه

حب محمد ایمان	ابوالقاسم ملک یوم الدین	رسول رهنما	علی بحق	حیدر علی ولی الله
شاه نجف شاه عباس	سادات سرور	کعبه آب زمزم	العلی اعلم	آدم هم
یوسف حسن ازل	علم عمل	محبت مودت	شاه قهار	دولت قزلباش
اصفهان قلم زن	دلیری مردی	شجاع صفدر	شمشیر مریخ	عاصی اعمی
معشوقه محب عاشق	محبوب ناز	می گل	شراب بارش	مطلوب دعا
عجب درد	توبه پشیمانی	عالم فانی	کاشان عقوب	ساوجی سگ
سیاده پیس	هندی سبز	خواب راحت	نیشکر شنیدنی	کشمش نخود
عدس باقلا	محتاج بیدولت	عاق عاصی	ارمنی کافر	نمرود کفر
بدنفس ملعون	المنبر قمار	محمودی جهنمی	بنگی ملحد	سفید سیاه

85

صباح صفا	زنده بیجان	رخ بیماری	زبان دهان	دراز بیعقل
صلح مزاح	لعل نگین	دیوانگی آسودگی	نجات سکندر طالع	لا اله الا هو علی
محمد مهدی قایم	طامع نومیدی	هوس یاس	وجود واخذ	عاشقی آفت
بوجهل ابولهب	حباب سهو	صهبا پیاله	میزان حق	شیطان شقی
عجب کفر	الله اکبر جهانگیر	محمد رسول الله نجات	صحابه ملایکه	علی لوای احمدی
اهلبیت ملایکه مقربه	امام اعجاز	صاحبقران ثانی خاقان دوران	شاه شجاع جنید وزین	سخن خلف
خوف گرفت ماه	حلم زیبنده	بندگی نیکو	روستایی قباحت نافهم	مشک لغت
کاکل سودا	دوستی طاعت	منجم وسواس	صبا چمن	قدم دمساز
گل جوانی	جام می عزیز	چنگ شور	شاهد عمر	حیا زیب
خال دوست زیور شاهد	عزازیل عناد	مادر مهر	طفل پاکدامن	دریوزه انفعال

زمانه سمیج	متلوع نفع رسان	دولت نواز دولتمند	حکیم لازم	حاجب حجاب
بدی بیجب	کفایت دشوار	رشوه ملامت	تکلف کلفت	دیوانه آسوده
جاهل وبال	قهوه صبوحی	یکدل نایاب	موکب سپاه	سبزه پامال
سایل نان	درازی عمر ناتمام	نکیر و منکر مستوفی	بحری طایر	احمد کلاب

برای یکشیره بنویسد اینست تریه

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

دیگر بجهت مردیکه بسته باشد بهیچ چیز به نمیشود در طاس نوشته
نهار بخوراند البته مقصود حاصل شود اینست

بهـ۱۱	۱۱۱ی	بهع ۱۱	۲ بر
ن	الهـن	۱۲ اهـا	والسر
۱۱۱ ۹	ی	بمهـ۲	ملع ۱۱

بکسر اسمای اینیت درباب طرف شمال قصد زنش ::

دارد این نقش را بر بازوی خود بسته روان شود اینیت

ح	بحرا	ت ۲	۱۹ی
۱۱۶ی	۱۱ع	بحه ۲	سح
۹	بهـ	۱۶ ل	الـ۱۱ـب

نوع دیگر دفع گفتار بر کاغذ یا بر تخته چوبین این نقش کند ::

بالای در خانه سخت کند در ان گوشه و مجلت گفتار کرد تواند

کرد و همین نقش را بر تخته زرین و یا نقره و یا آهن و یا مس

نقش کند و در گردن کودک بندد گفتار بران بچه هیچ زبان تواند

رساند و طرف او نتواند دید و در مجلسی که کودک باشد گفتار نتواند

نقش اینست بسم الله الرحمن الرحیم

۴	١۴	١٥	١
٩	٧	۶	١٢
٧	١١	١٠	٨
۶	٢	٣	١٣

نوع دیگر هر علت باشد دفع شود این ابجد بسوزد دود و در بینی

کند

کند به شود بکرم الله تعالی این معظم و مکرم شد **اینست**

87

وم	رم	دم	دو	صلح

این برای دفع نا روا مست

قعام	ع ولی	۲ ی	ر ود
ه	حر	هو	۲
بلا	حافظ	والله و	حافظ

نوعدیگر اگر کسی را که [خواهد] در عشق خود گرداند

شبانگه یک ساعت او را نه بیند بیقرار

گردد این را بر شانه گوسفند بنوشته

در آتش انداز د بیقرار شده بر تو آید اینست

دود دود	٢٢٢٦٨ا
٨١١٥٩ محمد ده	و١١١ ٥ عر

دیگر بجهت دوستی زن شوهر این عزیمت را بنویسد

و در شب جمعه در چراغ بسوزد محبت بسیار شود نقش معظم و مکرم اینست

س	ط	د
هـ	٥	ــ
و	دا	ح

نوع دیگر تعویذ تب بر پاره کاغذ بنویسد هر روز یکان

اول روز

باره نهار باب بشوید و بخورد صحبت یابد بسم الله الرحمن الرحیم

88 ولد عیسی از کبریا روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم سافع

عیسی از با کبریا روز سیوم بسم الله الرحمن الرحیم حج عیسی از کبریا

نوع دیگر در عشق خود بیقرار کند چنانکه بی تو قرار و آرام نماند

این عزیمت را در زعفران بوقت پیشین بکوشته بنویسد

نقش

و سخن با کسی نکند و تنها باشد نام یار و نام و نام پدر خود بر بازو خود ببندد

اا ااا٥ا٥ ااا ٧ ااا ا فلان ابن فلان

[illegible]

نوع دیگر برای وقع سرفه نوشته بنوشاند اینست

افحسبتم انما خلقناکم تا کریم برحمتک یا ارحم الراحمین

دیگر استاد نقش معظم و مکرم اینست هر زحمتی و هر علتی که در وجود آدمی باشد نوشته بنهد بخورد صحبت یابد

۲۲۴	۱۲۲۳	۲ ۱۲	۲۵۵۱
٦٥٥	۸۹۷	۲۹۲	۲۵٤
٦ ۱۱۱۲	٤۱۱	٤۱٥۱٥	٥ ۸۹

نوعی دیگر در ان خانه که این نقش باشد هیچ بلای و آفت سحری جادوی در انخانه نرسد

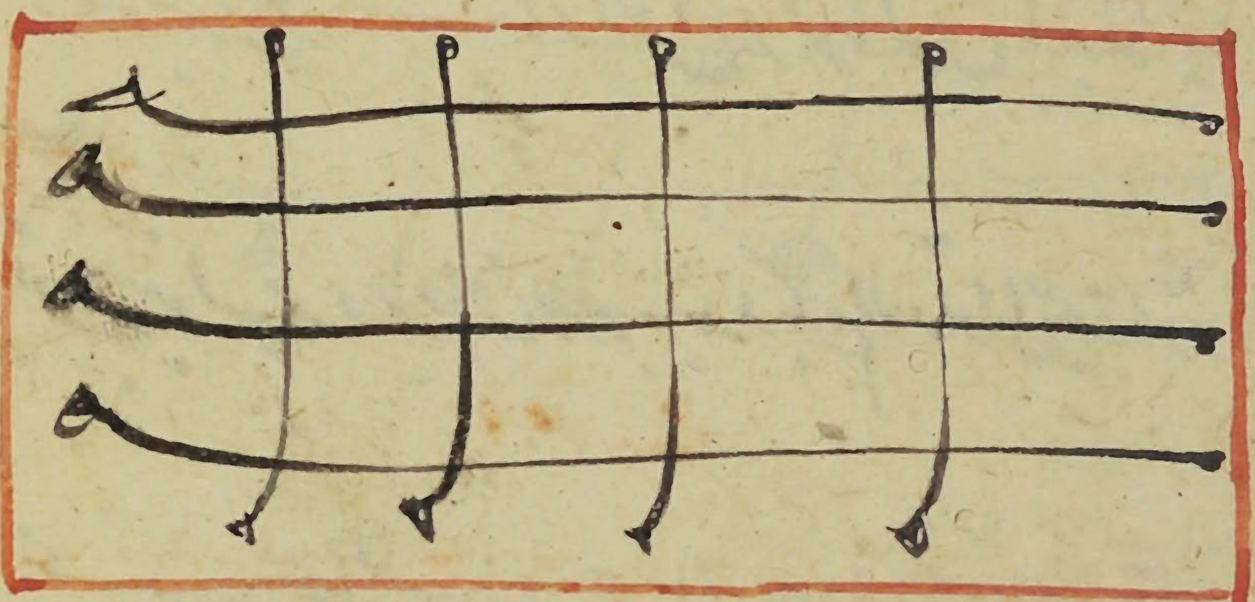
اینست

۷	۲	۱٤	۸
۱۲	۱۱	۳	٦
۱۵	۸	۹	۱۴
۱۳	۱۰	٤	۴

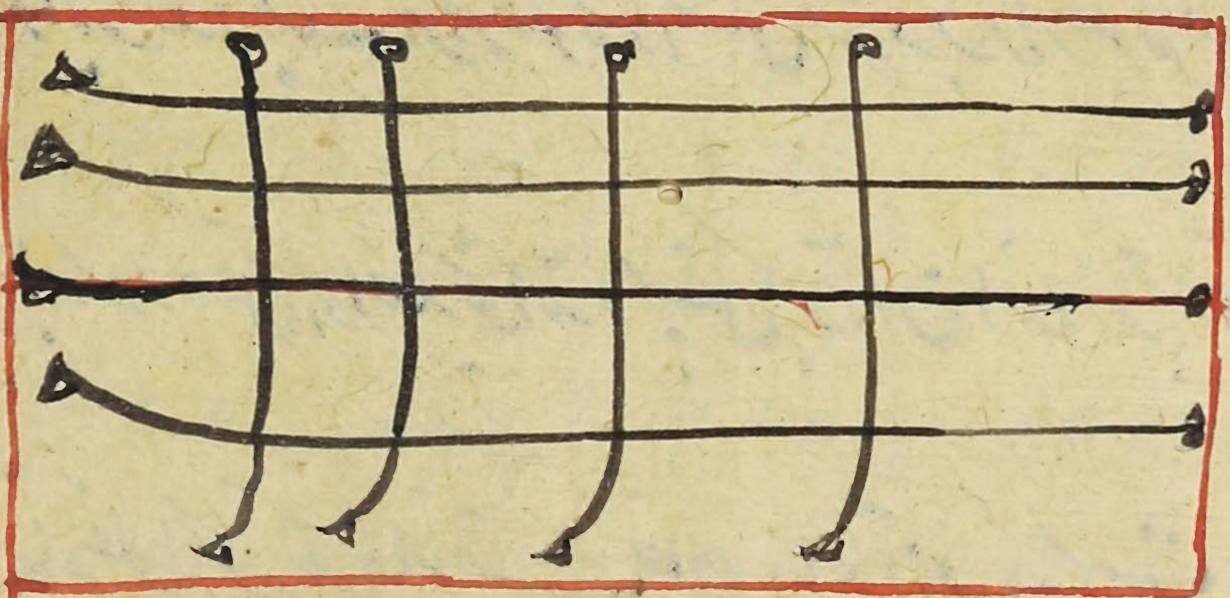
دیگر برای خلاص محبوس باید که بسیار دارد گندم مبلغ ریکو

دام

وخمیر کند و یک هزار غلوله راس کند در هزار غلوله یک
بار سوره قل هو الله بخواند و پیش کبوتران اندازد چون
تمام غلوله بخورند همانوقت خلاص یابد آزموده است



نوع دیگر برای دفع درد سر این را بخواند
و بدمد اینست وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ بالنسک
اگر کسی را تب بیاید این نقش نوشته زیر درخت
رز به بندد و از تار دختر نارسیده بیارد و نه
تار بگیرد و به بندد اینست



نوع دیگر دفع زحمت مار انواع و گوناگون باید که این :

تعویذ بنویسد و بر جای در و به بند و بکرم الله تعالی صحت شود

مجموع العدد ۳۱۲۴ اینست

الـ۵ ااا اا ۵ اا۵ حفظ ۱۹ ۱۳ ۱ ی اا ۱ اا ۱ ع

۹۴۴	۹۴۹	۹۴۴	۹۵۱
۹۶۱	۹۴۹	۹۶۴	۲۴۰
۹۴۰	۹۴۷	۹۶۶	۹۴۳
۹۴۹	۹۴۳	۹۶۱	۹۶۳

اا۵ اااا اا ۵۵ اا ۵ اا ۵ ا ط ا ۹ ااا ی اا ۱ ع

تعویذ درد شکم اینست بسم الله الرحمن الرحیم وننزّل

مِنَ القرآنِ ما هو شفاءٌ ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الّا خسارا

٩٥



امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه این هفت کلمات را پیوسته

در حمایل این کلمات در حضرت غوث شفیع آورد آن مهم کفایت

رسیدی نامهای معظم و مکرم و متبرکه اینست بسم الله الرحمن الرحیم

ه الله حاضری الله ناظری الله حافظی اسکن بعزت الله وبقدرت الله

اسکن بالذی له ما فی السموات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم

برحمتک یا ارحم الراحمین ه ۱۲ برای دفع ظالمی هفت بار بخواند

وَاللّٰهُ اَشَدُّ بَاْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيلًا هر كه اين دعا را هفت

روز هر روز بخواند صد بار بهر نيت كه داشته باشد اگر مقصود

من حاصل نشود بلك عبد الله ابن عباس ام بر من رحمت كند ابيت

بسم الله الرحمن الرحيم • يا قديم يا قديم يا دافي يا وفي يا قايم يا دايم يا فرد

يا احد يا صمد يا وتر يا واجب يا قيوم برحمتك يا ارحم الراحمين •

تعويذ آخر چهار شنبه آيت سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ

الرَّحِيمِ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ سَلَامٌ عَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ سَلَامٌ عَلَىٰ اٰلِ يَاسِينَ

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

• دعاى باران بسم الله الرحمن الرحيم

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ

رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ برای شيطان بليه كند در هر

بلیله فلفل دراز کند درون آرد بلیته سازد و در بینی ببوزد

دود در بینی دهد دور شود **اینست**

91

ملعق علمعا کوتاران

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۴	۴۴۴	۱۵	۳
۱۷	۱۰	۶	۱۰

شرارو و قارون و فرعون و نمرود

آیت باران آمدن اینست

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُو
اوَ يَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ اوَمَنْ
كَانَ مَيْتًا فَاحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا

يمشي به في الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها كذلك زين ... آيه

سبع حروف در سبع مثانی نیامده این حروف اسم اعظم که بطالع دعوت این اسم اعظم بحضرت موسی علیه السلام

میکرد در ربع الاجابت مجرب است تعویذ بنر درد شکم اینست

یا خارا

بسم الله الرحمن الرحیم وننزل من القران

نوع دیگر هر که در روز چهارشنبه صوری که آخرین

چهارشنبه ماه صفر است نوشته در کوزه اندازد

بخورد از جمیع مسلمان که از کوزه آب بخورند جمیع بلاها

ایمن گردد در امان باشد نقش اینست

علیقا علیق لیعلم ماقی قلو بهم علیقا برحمتک یا ارحم الراحمین

هر که این نقش را یکبار بر بندد گناهان هفتاد

سال او را حق تعالی بیامرزد هر که دو بار ببیند گناهان

مادر پدر او بیامرزد نقش معظم و مکرم **اینست**

92

الام	احد	لا اله الا	محمد الله	رسول الله
دوردی	اب	مومن	دارم	ندیدم اب
بحابب	لا اله الا	الله	محمد	رسول الله

نوع دیگر برای دفع شیطان و دیو اگر در خانه فساد کند

و سنگ ساری کند باید که سنگ بگیرد و برای سنگ

دوازده بار درود ده بار علیقا لیلیقا انت تعلم

الکافونی اخملهم روبیا

هاقی فلق بجلم ملیقا انتم یکیس تن کبن و اکبن کبنا اخمهل

رو بد بخواند و کلوخ را بدهد و در مقابل آن به براند

ان شاء الله تعالی بعد از ان فساد آن ظاهر نخواهد شد بر طرف شود

مجربست و برای کشادن بول آدمی و اسب وغیره صحیح

کردد این تعویذ را نوشته سه درود بخواند اینست

	٤	ح	ب	ی
	ج	ک	١٥	ه
	ر	و	و	ط
١	له	٢		ی

و برای هلاک کردن اعدا بسیار عجیب است

باید که یک سبوی آب نارسیده بیارد و بران سبو

سورهٔ یس چهل ویکبار بخواند بروز سه شنبه و بران

دمد و بر در اعدا بزند ان شاء الله تعالی تمام خانهٔ عدو خراب شود و عجیب [illegible]

[illegible]

93

عمده این اعمال خیرات ومطلوب طالب ومطلوب وارم

روز
الاعظم الامر ساعة معمول فیه طالع ساعة

معمول فیه قمر خداوند برج قمر منزل قمر ملک موکل بروز

ملک جان ارضی بعلاوه هر پانزده کعاب راجع نموده

استنطاق فرماید پس ملک عربیجا صنجر را پس امتزاج کند

در جداول مراتب خوامس واستنطاق نماید ملک کبیر

حاصل گردد اقسمت علیکم بحق الملک العرشی کبیر صغیر

ان تحلیوا المال هیسلاوا من کل اف وبحق هذه الاملاک

فلان فلان بحق الملک الوهشی فلان کن عونی طلب المال بعد از بن این تحویز

جهت برطرف شدن قی اطفال شود بسید ودر گلو اطفال

بند ووقتی که برطرف شود از گلو برآورده در بازو بسته نگاهدارد

ونام آن طفل باین مخلف المیاد نیشد بفرمان الله تعالی

اسما سابیکم وطلع شمس مراجعات ملک الملک آکشی کبیر انت مالک الملک اطمان ارضی فلان جوی

شفا یابد تعویذ این است بسم الله الرحمن الرحیم یا من خلق

الانسان في كبد أيحسب أن لن يقدر عليه أحد يا من

جعل الانسان عينين ولسانا وشفتين وهديناه النجدين

۹۹۱ ۵۱۱۱۵۱۱۱۵۸۱۱۱۴

یا الله یا الله یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم

بسم الله الرحمن الرحيم وضربنا على آذانهم في الكهف سنين

عددا وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا

همسا ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا

من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع

الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد حاجت این آیت

بنویسد و بر قطعه جامه اطفال و بر گهواره اطفال و از گریستن

و شرام الصبیان محفوظ ماند این است وله ما سكن في الليل والنهار

دعوا

۹۶

وهو السمیع العلیم اگر بیمار را خواب نیاید این آیت

نوشته بر گردن بیمار ببندد و **اینست** لا اله الا انت سبحانک

انی کنت من الظالمین جهت دفع بوره بیارد و درخت اگاره

با بیخ و برگ او آورده در سبوی نو سوزانیده خاکستر آنرا بخورد

و بالای آن کچلم و روغن بوره دفع شود باذن الله تعالی ۱۲

برای گشادن بخت دختران نوشته در گردن ببندند **اینست**

۴	۲	۴	بحه	۱
مر	عا	مهم	۳	۲
بحه	۱۵	۳	حسم	۲
طعم	۱	۳	نسم	هر
۱	۲	بهد	حو	۴

در حدیث معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

وارد شده در صحت وفساد خوابها در ایام و لیالی ماه

از جهت اختصار جدولی وضع کردیم مشتمل ایام ماه وصدق

وکذب خواب شب بدانکه ظهور تعبیر آنش مبتدا

روز اول شب اول خوابش درست نیست

روز دویم شب دویم	اگر خوب دیده بد گردد واگر بد دیده
روز سیم شب سیم	خوب گردد برعکس دیده بود
روز چهارم شب چهارم	تعبیرش بعد از چند روز یا چند ماه ظاهر شود
روز پنجم شب پنجم	بعد از چند روز یا چند ماه ظاهر بود
روز ششم شب ششم	خوابت بهر نحو دیده باشد
روز هفتم شب هفتم	بهمان نحو که دیده ظاهر شود

روز هشتم

روز هشتم شب هشتم خوب است ثمره اش زود ظاهر شود

روز نهم شب نهم آنکه دیده درست دیده 65

روز دهم شب دهم دروغش ظاهر شود

روز یازدهم شب یازدهم تاویلش بعد از چند سال ظاهر شود

روز دوازدهم شب دوازدهم تعبیرش بعد از چند روز ظاهر شود

روز سیزدهم شب سیزدهم میانه است در خوبی و بدی

روز چهاردهم شب چهاردهم میانه است در بدی و خوبی

روز پانزدهم شب پانزدهم آنچه دیده درست دیده

روز شانزدهم شب شانزدهم تعبیرش بعد از چند ماه ظاهر شود

روز هفدهم شب هفدهم تاویلش بعد از چند سال ظاهر شود

روز هجدهم شب هجدهم درست دیده آنچه دیده

روز نوزدهم شب نوزدهم راست خواهد بود

روز بیستم شب بیستم دروغش ظاهر شود

روز بیست یکم شب بیست یکم انچه دیده غلط دیده

روز بیست دویم شب بیست دویم درست دیده باعث شادیست

روز بیست سیوم شب بیست سیوم برعکس دیده بود

روز بیست چهارم شب بیست چهارم انچه دیده خلافش ظاهر شود

روز بیست پنجم شب بیست پنجم درست ندیده دروغش ظاهر گردد

روز بیست ششم شب بیست ششم درست دیده ثمراتش ظاهر گردد

روز بیست هفتم شب بیست هفتم راست است انچه دید

روز بیست هشتم شب بیست هشتم خواب پریشان است

روز بیست نهم شب بیست نهم راست است انچه دید

روز سیم شب سیم اقسمت علیکم یا آهٍ نفطرٍ غیالٍ
جلیشٍ دمیالٍ هطظمیشٍ و لوهیمٍ زیغة
حذابةٍ طمیالٍ بحق بطرج حادی ن ا ه و
بعد نماز خفتن سیصد و شصت بار بخواند برای کشایش
هر کاری عورت بسته باشند و بهیچ وجه کشاده نمی شود باید که این
دعا را بمشک و زعفران بنویسد در کلوی آن بندد از برکت
این دعای بخت کشاده شود و از غیب خوری بدو برسد
یا محمد خدا تعالی از برکت این دعا همه خیر برقرار بوده است
هر که ننگ آرد کافر گردد نعوذ بالله منها دعاء معظم و مکرم و بزرگوار
اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انصرنا علی کل عدو
صغیرٍ و کبیرٍ و ذکرٍ و انثی و حرٍ و عبدٍ و شاهدٍ و غائبٍ

از برکت این دعا در بستن کشاده شود و ... این دعا را از روی ...
و هرکه ... این دعا را بمشک و زعفران نوشته در کلوی آن بندد

وشریف ووضیع ومسلم وکافر ولا تسلّط علینا

من لا یرحمنا والحقنی من غیرک یا الله یا احد

یا صمد یا ربّ یا غفور یا شکور برحمتک اسعنی

علیک یا هو یا من هو یا الله لا اله الّا هو بسم

الله مجریها و مرسیها انّ ربّی لغفور رحیم وصلّی الله

علی خیر خلقه محمّد واله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین خواص سورهای قران

بسم الله الرحمن الرحیم سوره فاتحة الکتاب جهت شفای

مریض چهل نوبت بخواند درمیان سنت و فریضه نماز صبح

البته آن بیمار شفا یابد و اگر کسی را کلف روی بوده باشد

یا دنبل برآمده باشد هفت مرتبه بخواند و بادوران بدمد

به شود بفرمان خدای تعالی و از برای برآمدن حاجت هر کس

که بخواند

که بخواند مهمات وی باحسن وجهی کفایت گردد انشاء الله

تعالی سورة البقر ازبرای دفع دیو و پری و ازبرای دیوانگی

و صرع هفت نوبت بخواند و باد بر آنکس دمد و لیکن ازان بنویسد

بر گردن مصروع یا دیوانه بندد که شفا یابد انشاء الله تعالی سورة

آل عمران بجهت خلاصی از قرض سیزده نوبت بخواند از قرض

خلاص شود سورة النساء جهت موافقت و محبت بزن و شوهر

هفت مرتبه و وصلاحیت هفت نوبت بخواند دوستی و محبت

زیاده شود انشاء الله تعالی سورة المایده ازبرای قحط و جوع

چهل و یک نوبت بخواند روزی برایشان فراخ گردد به توکل

الله تعالی سورة الانعام بجهت هر حاجت که داشته

باشد بخواند البته حاجت روا شود و اگر بجهت بیمار

بخواند شفا یابد و عمرش دراز شود بفرمان خدا تعالی روایت

کرده اند از عبد الله بن عباس رضوان الله عنه که حضرت

رسالت صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس سوره کریمه

انعام تلاوت کند و در میان خواندن سخن نگوید و در آخر این

دعا بخواند از جابت برخواسته آمرزیده شود و هر مرادی که در

دل داشته باشد از حضرت ذو الجلال بخواهد البته روا شود ان شاء

الله تعالی اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا سریع الحساب

یا شدید العقاب یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء یا فاطر

السموات والارض یا فالق الحب والنوی یا مسبب الاسباب

و یا مفتح الابواب و یا قاضی الحاجات یا مجیب الدعوات

و یا ولی الحسنات یا دافع البلیات و یا محیی الاموات و یا

نور السموات

98

نور السموات والارض یا ذو الجلال والاکرام وصلی الله

علی خیر خلقه محمد واله اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً

کثیراً کثیرا برحمتک یا ارحم الراحمین ٥ یارب اقض حاجتی

واکف مهمات بحق القرآن العظیم اسالک ان تقضی حاجتی و

حاجات جمیع المومنین والمومنات یا قاضی الحاجات ویا ارحم

الراحمین ما سوره اعراف جهت خلاصی از بند و زندان البته

خلاصی یابد بهیچ بلائی دیگر گرفتار نشود و حساب روز قیامت بروی

آسان گردد بفرمان خدا تعالی سورة انفال هر کس که

بنزدیک پادشاهی یا بزرگی بحاجتی رود باید که ده نوبت

بجهت آن حاجت بخواند و باد بر خود دمد البته کام روا گردد

و هرگز خوار و ذلیل نشود و هر مراد که بخواهد حاصل شود بفرمان

خدا تعالی سوره توبه از برای دفع شر ظالمان و عذاب آخرت

هفت نوبت بخواند از جمیع عذاب دنیا و آخرت ایمن گردد

و مستوجب رحمت حق تعالی شود و توبه وی قبول شود سوره

یونس علیه السلام بجهت دفع دیو و از برای فتح و نصرت بر دشمنان

هفت دیگیار بخواند و اگر مشک و زعفران بر پوست آهو نویسد

و با خود دارد از جمیع آفات در امان خدا باشد و بر جای مخوف

که رود نترسد و بهر بلائی که گرفتار شود بزودی نجات یابد

بفرمان خدا تعالی سوره هود علیه السلام هر کرا مهمی عظیم پیش

آید و از آن ترسان باشد سیزده نوبت بخواند بنیت بر آمدن

حاجت خود را آن خواند دیابر خود دمد جمیع مهمات وی

کفایت شود و بمراد رسد و آن دشواری باسانی مبدل شود

سوره

99

سوره یوسف علیه السلام اگر کسی خواهد که پیش پادشاهی

یا بزرگی یا دوستی رود جهت بر آمدن حاجات خویشتن از

ایشان سیزده نوبت یا نوزده نوبت بخواند و یار خود دو تمامی

مهمات وی حاصل شود و هرگز خوار و ذلیل نگردد و اگر بنویسد

در میان دیوار خانه نهد خانه بر وی و فرزندان وی مبارک باشد

و بمقصود برسد ان شاء الله تعالی سوره رعد از برای گرفتن

کودکان بنویسد و بر کودک بندد ساکن شود و از همه بلاها

و آفتها در پناه خدا باشد سوره ابراهیم علیه السلام بجهت

تنگی و هر محنت هفت نوبت بخواند ایمن شود و روزی

فراخ شود و هیچ بلای گرفتار نشود و فرومانده نشود بفرمان

خدای تعالی سوره الحجر در وقت خرید و فروخت هفت نوبت

بخواند آن بیع بروی مبارک شود وجمعیت وروشنائی

یابد وشاد وخرم شود از آن معامله سورة النحل بجهت تفرقه

دشمن صد وهفت نوبت بخواند وباد بر خود دمد وبر جانب

دشمن هم بدمد وبعد از آن بنویسد وبا خود دارد جمیع مسخر وی

گردند ودوست ومحب وی شوند وزبان ایشان بر

وی بسته گردد ان شاء الله تعالی قال رسول الله صلعم که

هرکس سورة کریمه بنی اسرائیل هفت بار بخواند وبمزار

مادر وپدر برسد وبر اروقتی دست دهد حق تعالی

اورا در بهشت دو قنطار زمرد دهد که هر قنطار دویست

اوقیه باشد وهر اوقیه بهتر از دنیا وانچه در دنیاست

واگر کسی کودکی در سخن زبان گرفته شود ومبتلی فرزند از

بود

بنولیسد و بشوید و بخورد او و بهر فصیح زبان شود و صاحب ۱۰۳

طبع شود و از همه بلای ایمن باشد انشاءالله تعالی **سورة الکهف**

هر که در شب جمعه یا روز جمعه یکبار بخواند تا جمعه دیگر آفتی و بلائی

بوی نرسد و اگر هفت نوبت بخواند حاجات دینی و

دنیوی وی کفایت شود و بمراد برسد انشاءالله تعالی

سورة مریم علیها السلام از برای فراخی روزی و حفظ خاطر

هفت نوبت بخواند و اگر مرد دیر آبستن باشد بمشک و

کلاب و زعفران بنولیسد و بشوید و بخورد کشاده شود

و اگر بنولیسد و بر درختی بندد میوه بسیار دهد و از جمله

آفات ایمن شود و اگر هفت روز بنولیسد و بکلاب

بشوید و بناشتا بخورد از جمیع بلاها و علتها و محنت ها

شفا یابد و اگر بنویسد و در اندرون کوزه یا شیشه نهد

و سرش بموم محکم کند و در هر خانه که نهد شیا طین بگریزند

و معیشت بروی فراخ گردد و جهت یابد انشاء الله تعالی

سوره طه بجهت کشادن بخت دختران و تزویج

ایشان بسبت و یکنوبت بخواند کشاید و اگر از برای

دفع سحر و جن و ظفر بر دشمن و نصرت و کشاد در امور

دنیوی بخواند ایمن گردد و جمله آفات احتراز یابد و سلامتی

ایمان از شر شیطان بسبت و یکنوبت بخواند از همه بلاها

احتراز یابد و در امان حق باشد انشاء الله تعالی سورة الانبیاء

بجهت دفع شر دشمن هفتاد و پنجبار بخواند بر دشمنان

ظفر یابد و دشمن مقهور شود بفرمان خدا تعالی

سورة الحج در وقت کشتی نشستن هفت نوبت
بخواند از آفت دریا ایمن شود و بسلامت بیرون آید
ببرکت این سوره کریمه ان شاء الله تعالی سورة المؤمنون
بجهت دفع کاهل نمازی هفت نوبت بخواند بنماز حریص
شود ان شاء الله تعالی سورة النور از برای دفع بهتان
و دروغ هفت بار بخواند هیچکس در حق وی دروغ و
بهتان نتواند گفتن و زبان خصمان بروی بسته گردد بامر
خدای تعالی سورة الفرقان از برای دفع شر دشمن و هلاک
ایشان صد و هفت بار بخواند دشمنان هلاک شوند
یا آواره ببرکت این سوره کریمه ان شاء الله تعالی
سورة الشعرا اگر کسی رانده باشد و ترسد که بگریزد

هفت بار بخواند و باد بر وی دمد و بر پارهٔ جامه سفید نویسد
و بر گردن وی بندد هرگز تب نزد بفرمان خدای تعالی سورة
النمل اگر یک هفته هر روز یکبار بخواند حضرت باری تعالی
جمیع مهمات وی بر آورده خیر گرداند ان شاء الله سورة
القصص هر که هفت بار بخواند بعدد هر موئی که بر اعضای
وی بود یکی در دیوان عمل وی بنویسد بفرمان خدای تعالی
سورة العنکبوت از برای دفع اندوه بخواند هفت بار سورة
الروم از برای شر دشمن است و یکبار بخواند از دشمنان
ایمن شود ان شاء الله تعالی سورة لقمان از جهت دفع علتهای
اندرونی است و یکبار بخواند مقصود دینی و دنیوی وی
محصل گردد ان شاء الله تعالی سورة الاحزاب از برای

از جهت خلاص صعبها خلاص شود سورة السجده از برای بر آمدن حاجات است و یکبار بخواند صح

گشادن بخت دختران چهل و یکبار بخواند مراد حاصل
شود بفرمان خدا تعالی **سوره النسا** جهت دفع بلای
و آفت ها بخواند هفت نوبت ایمن شود **سوره فاطر**
بوقت حاجت عرض داشتن پیش ملوک و امرا هفتاد
بار بخواند حاجت روا گردد و دشمنان دوست وی شوند
و امداد وی کنند به برکت این سوره کریمه ان شاء الله تعالی
سوره یس جهت سلامتی ایمان چهل و یکبار بخواند و اگر به
مشک و زعفران و گلاب بنویسد و بشوید و بخورند قوتی
در دل ایشان پدید آید و اگر بنویسد همچنان جهت حفظ هفت
بامداد و از آن آب ناشتا بخورد قوت حافظه وی زیاده
شود و هرچه حفظ کند دیگر فراموش نکند و اگر مرد را بسته

باشند ازان آب هفت روز بخورد کنده شود
واگر بنویسد در جائی و ظرفی سر سنگ نهند دیو و شیاطین
دران خانه راه نیابند و بجهت کشایش بخواند بغایت
نیکوست واگر کسی را حاجتی و مرادی باشد باید که هفت نوبت
بنام هفت سلطان بخواند اول بنام سلطان بایزید بسطامی
دویم سلطان شیخ ابو سعید ابو الخیر سیوم سلطان ابراهیم ادهم چهارم
سلطان ابراهیم شاه سمنانی پنجم سلطان سنجر ماضی ششم سلطان
محمود غازی هفتم سلطان علی ابن موسی الرضا علیه التحیة
دانشا الله بمقصودی برسد و هر مرادی که داشته باشد حاصل
گردد و منقولست از حضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب
علیه السلام که حضرت رسول صلعم فرمود یا علی این بخواند که

در جواب

در خواندن آن برکتها است اول اگر گرسنه باشد سیر گردد
دوم اگر تشنه سیراب شود سیوم برهنه پوشیده شود چهارم
ترسیده ایمن گردد پنجم دردمند بخواند حق تعالی دستگیری وی
کند ششم بخواند مردم عزیز و محترم گردد هفتم به نیت وام بخواند
ادا گردد هشتم اگر به نیت دشمن بخواند مقهور شود نهم اگر به نیت
آمرزش گناهان بخواند حق تعالی ویرا بیامرزد دهم اگر بیمار بخواند
اگر عمروی باقیست بزودی شفا یابد و اگر رفتنیست بزودی
و آسانی با ایمان برود و شرح و خاصیت این سوره بسیار
است و در وهم و خیال نگنجد اما اینجا شمه ارسال نمودیم و باقی
اختصار کردیم والله اعلم و در حدیث آمده که هر کس شبانروزی
یکبار بخواند خدا تعالی ویرا بیامرزد و هر که در اول روز بخواند

حاجات دنیا و آخرت او بر آورده شود و در حدیث است

که یس دل قرآنست یس خلاصه قرآنست و در شرح این سوره

که بمه حدیث بسیار است اما در اینجا بیشتر ازین نمیگنجد یس

مختصر کردیم سورة الصافات از برای آمدن حاجات و مهمات

و برکت در عمر و در روزی هفت نوبت بخواند سوره ص

جهت چشم زخم مراکب بخواند و باد بروی دمد از چشم حاسدان

ایمن شود سورة الزمر از برای عزت و جاه و حرمت در میان

خلایق هفت بار بخواند سورة المؤمن بجهت مهمات بزرگ و وقت

درماندگی یکبار بخواند و لیل کس نشود سورة السجده بجهت ترس

از پادشاهان و بزرگان و رستن از قهر ایشان صد بار بخواند

قهر ایشان بدل برحم کرد د سورة الشوری بجهت ترس از دشمنان

طالبان

ظالمان سه بار بخواند ایمن گردد سورة الزخرف جهت بر آمدن

مهمات دنیا و آخرت هفت بار بخواند کفایت گردد

سورة الدخان جهت بر آمدن حاجات و ایمنی از دوزخ هر روز

یکبار بخواند ایمن گردد سورة الجاثیة از برای آسانی سکرات

موت که بروی آسان شود و از شر شیطان ایمن گردد سه بار

بخواند سورة الاحقاف بجهت دفع دیو و پری و دفع سحر و جادوی

هفت نوبت بخواند و باید بر خود دمد و از جمیع بلیات شیطانی

ایمن شود سورة محمد صلی الله علیه و سلم بوقت مصاف

از برای ظفر و نصرت بر دشمنان چهل و یکبار بخواند البته ظفر یابد

ببرکت این سوره کریمه سورة الفتح بجهت کشایش کارها

و فتح و نصرت بر دشمنان هفت بار بخواند جمعیت کلی روی

بوی نماید بفرمان خدای تعالی سورة الحجرات بجهت دفع

درد شکم و علتها اندرون هفت بار بخواند و نمک در زعفران

بسولید و بگلاب بشوید و بخورد از همه علتهای آخر الزمان پاک

گردد ان شاء الله تعالی سورة ق جهت دفع غم و اندوه

و شر دشمنان ایمن شود و از برای آسانی جان کندن و آسایش و

روشنائی گور هشت جمعه هر جمعه سه بار بخواند از برکت این سوره

کریمه امان یابد سورة الذاریات بجهت فراخی روزی و

عیش و دفع دست تنگی هفتاد و پنج نوبت بخواند گشاده روزی

و فراخناک شود سورة الطور از برای دفع علت جذام

هر شب جمعه بسیار بخواند شفا یابد سورة النجم بجهة حصول

حاجات و مهمات دنیوی و اخروی هفت و یکبار بخواند

د

جا

جابه محصل کردد سورة القمر بجهت ترس از سلاطین یا
ظالم داشته باشد هفتاد نوبت و باد بر خود و بند و برابروی
روی دشمنان مهربان وی شوند سورة الرحمن بجهت خوشنودی
حضرت رب العالمین در برآمدن حاجات دنیوی و آخرت
هفتاد نوبت بخواند خدا تعالی از وی خشنود شود و مقصود
از وی محصل شود سورة الواقعه از برای دفع شر شیطان
و برکت رزق و روزی و عمر چهل و یکبار بخواند نماز
شود انشاء الله تعالی سورة الحدید جهت کشاد کارهای دنیا و
و آخرت هفتاد بار بخواند مهمات وی برآورده شود و بلی خبر
نشود و بوهان خدا تعالی سورة المجادله اگر سه بار بخواند بر خاک
دمد و بر طرف دشمن و خصمان بریزد دوست و مهربان شوند

وبصلح انجامد سورة الحشر بجهت هر مهمی که داشته باشد چهل

روز هر روز چهل بار بخواند واگر یکروز فوت شود باز از سر بگیرد

چون اتمام رسد بنیاز به برکت سوره کریمه سورة الممتحنه جهت

دفع شر شیطان پنج بار بخواند از شر شیطان ایمن شود

وبا ایمان از دنیا برود بفرمان خدا تعالی سورة الصف

اگر فرزندان مطیع وفرمان بردار نباشد صد هفت بار بخواند

وباد بر ایشان دمد مطیع وفرمان بردار شوند سورة الجمعه

از برای موافقت ومحبت زن وشوهر پنج بار بخواند وباد

بر ایشان دمد مهر ومحبت زیاده شود از جانبین سورة

المنافقون بجهت دفع غمازان ومنافقان وسخن چینان

صد وهشت بار بخواند در امان خدای باشد سورة التغابن

[illegible]

بجهت حفظ مال از حرامی هفت بار بخواند و باد بر آن مالی
که داشته باشد بدمد در حفظ و امان حق تعالی باشد سورة
الطلاق هرکس که سه بار بخواند حق سبحانه تعالی وی را از
جمیع تفرقها ایمن گرداند سورة التحریم از برای مهربان شدن
دشمنان و ایمن گردیدن از شر ایشان و از بلاهای ناگهان
بیست و یکبار بخواند محفوظ گردند سورة الملک بجهت دفع
بلاها چهل و یکبار بخواند از جمله بلاها ایمن گردد و حساب منکر
و نکیر و حساب روز قیامت بروی آسان بگذرد بنوبهای خدا تعالی

و هر کس که هر شب بعد از نماز خفتن بخواند از عذاب گور ایمن گردد

سورة ن برای حصول حاجات و مقصودات و مهمات
دنیا و عقبی هفتاد و پنج بار بخواند مرادات محصل گردد سورة
الحاقه بجهت آسانی سوال منکر و نکیر و آسایش گور هفتاد

پنج بار بخواند از جمله عدا بها ایمن شود سورة المعارج بوقت

جنک خصمان صد و بیست بار بخواند جنک بصلح مبدل شود سوره

نوح علیه السلام به نیت هلاک دشمنان هزار بار بخواند و بعد

ازان این دعا بخواند اللّهم یا ربّ السّماء و یا بحر الماء و یا عالم

الاداء و یا مغیث الضعفاء و یا ملجاء الفقراء اللهم

من کاد لی بسوء فکده و من اراد بی سوء فارده

و یا مفجر الماء من نجوم الارض اللّهم امطر علیهم

ماء عد قادرًا لا یبق منهم دیارًا و لا تذر علی

الارض من الکافرین دیارًا و لا تجعل لهم الانبار

اللّهمّ انت الذی لا شریک لک فی جبروتک و انت

علی کل شیء قدیر یا قادر یا قادر یا قادر یا قاهر

یا قاهر یا قاهر کم من عاصیه و کم من مظلوم و کم من

عبید غلبت علیه سطوتک اللّهمّ اکفنی شر هذا

الظلوم الجهول العبید یا الله یا الله یا الله ما لی سواک

مهرب و لا مقیل فلا ترد الظالمین الا تبارا یا مالک الرقاب

یا شدید العقاب یا الله یا الله برحمتک یا ارحم

الرّاحمین و صلّی الله علی محمّد و آله اجمعین

۲۰۶

سورة الطلاق. بجهت دفع دیو و پری هفت بار بخواند ایمن
شود سورة المزمل. بجهت تمامی مهمات و برآمدن حاجات
هزار بار بخواند از جمیع بلیات ایمن شود سورة المدثر بجهت
برهنگی صد و هشت بار بخواند در دو جهان برهنه و بی ستر نماند
و پریشان خاطر نماند سورة القیمة بجهت حساب قیامت
هر شب جمعه سه بار بخواند حساب قیامت بروی آسان گردد
سورة الانسان بجهت ثواب یافتن در آخرت هفتاد
و پنج بار بخواند ثواب عظیم یابد و از حوض کوثر شراب طهور
وی را بیاشامند سورة المرسلات بجهت یافتن ثواب صد بار
بخواند از ثواب صادقان بهره مند گردد و لنفر بان خدا تعالی
سورة عم. بجهت روشنائی چشم وی زیاده گرداند سورة

النازعات جهت سلامتی ایمان بیست ویکبار بخواند
حق تعالی ایمان ویرا از شر شیطان نگاهدارد وایمان بسلامت
ببرد سوره عبس بجهت دوشانی روز قیامت هفت بار
بخواند از بارکی وکوری روز حشر ایمن گردد سوره التکویر
بجهت دفع بلاها ودر یا بیست ویکبار بخواند در دنیا واخرت
ایمن گردد ودر امان حق تعالی باشد سوره الفطرت
جهت دفع گریستن کودکان هفت بار بخواند وباد برروی
وی دمد آرمیده شود بفرمان خدا تعالی سوره المطففین
اگر عورتی دشوار زاید هفت بار بخواند وباد برروی وی دمد
بآسانی حمل بنهد ببرکت این سوره کریمه سوره الانشقت
از برای زلزله وآفات سماوی وارضی هفتاد بار بخواند
سوره

سورة البروج از برای دفع بدگویان و حاسدان هفت بار ۱۵۸

بخواند از شر ایشان محفوظ گردد بفرمان خدای تعالی سورة الطارق

بجهت دفع دیو و پری و سحر و ساحران و جمله حیله دیگر که در

ساحران و منافقونست یازده بار بخواند ایمن گردد بفرمان

خدای تعالی سورة الاعلی بوقت رفتن در سفر سه بار بخواند

از خطرات سفر در امان خدا باشد سورة الغاشیه بجهت

دفع بادهای گرم که در اندام باشد خصوصاً باد سرخ و سفید بیست

و یک بار بخواند و باد بران دمد دفع شود بفرمان خدای تعالی

سورة الفجر دفع تب و بیماری هفتاد بار بخواند بصحت

مبدل شود ان شاء الله تعالی سورة البلد بوقت در آمدن

بشهر از سفر یک بار بخواند و بجهت دفع فتنه های آخر الزمان

هفتاد بار بخواند در امان حق باشد سورة الشمس بوقت طلوع
آفتاب سه بار بخواند ثواب عظیم و اجر جزیل یابند و آزور
بوی آفتی نرسد سورة اللیل بوقت فرو رفتن آفتاب
یکبار بخواند از ظلمت قیامت در امان باشد و اگر صد
و هشت بار بخواند و بر مال خود دمد از جرای در امان خدا باشد
سورة الضحی از جهت بنده که غایب شده باشد دو هزار
بار بخواند البته حاضر گردد بفرمان خدا تعالی سورة الم نشرح
در وقت بیع یا شرکت سه بار بخواند بروی مبارک شود
و بر منفعت گردد سورة والتین بر نیت غایبی که در سفر
داشته باشد هفت بار بخواند بسلامت باز آید سورة
العلق بوقت رفتن نزدیک ملوک و حکام سه بار
بخواند

بخواند عزو جاه در خود و بند در نظر ایشان عزیز و محترم کردد و

هر حاجتی که از ایشان داشته باشد روا شود **سورة القدر**

هر کس که بعد از نماز عشا یازده بار بخواند بتحقیق شب قدر

دریابد و اکر در شب نیمه شعبان دویست بار بخواند از دنیا

نرود الا که آمرزیده شود بفرمان خدا تعالی **سورة البینة**

بجهت مقبول عبادات خویش بیست و یکبار بخواند

طاعات وی قبول درکاه خدای شود **سورة الزلزلة**

به نیت دفع حصار و وقوع زلزله تو با چهل هزار بار بخواند

از شر همه ایمن شود و هیچ بلای در نماند انشاء الله تعالی

سورة العادیات بجهت دفع چشم زخم و وقوع شر حاسدان

و دشمنان پنج نوبت خواند از همه ایمن شود **سورة القارعة**

بجهت برآمدن حاجات و مهمات صد و بیست بار بخواند مهمات

وی بدلخواه ساخته سورة التکاثر بجهت دفع جمیع بلاها سه بار

بخواند در امان حق باشد سورة والعصر دفع علتهای شکم و درد

اندرون بخواند آرام یابد بفرمان خدا تعالی سورة الهمزه از برای

دفع علتها و مرضها انچه برآید هر روز بخواند شفا یابد و از غم خلاص

گردد سورة الفیل از برای دفع زبان حاسدان و بدگویان و حاسدان

بیست و یکبار بخواند از زبان جمیع بدگویان در امان خدا باشد

سورة القریش جهت هلاک دشمنان در شب جمعه میان

نماز شام و خفتن هزار و دویست بار بخواند بمراد برسد

و دشمنان هلاک شوند یا آواره گردند سورة الماعون بجهت

دفع افلاس اگر کسی چهل و یکبار بخواند حق تعالی ویرا تحفه

نان

[illegible]

نکرده اند در دنیا و آخرت بی نیاز کردد **سورة الکوثر** حضرت
رسول حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که هر کس
این سوره کریمه بخواند یکبار حق تعالی او را روزی کند از
انهارهای بهشت ثوابی دهد و ثواب اعمال او نویسد
سورة الکافرون بجهت حفظ ایمان هر روز هفت بار بخواند
حق تعالی ایمان او را بسلامت نگاه دارد ان شاء الله تعالی
سورة النصر بجهت نصرت یافتن بر دشمن و محفوظ بودن
از کل بلاها هفت نوبت بخواند هر روز در امان ملک
علام باشد **سورة اللهب** از برای هلاک دشمنان هفت
هزار بار بخواند جمیع دشمنان هلاک شوند یا دوست شوند و
حاجت مندوی باشند و اگر چهار بار بخواند و باد بر خود دمد

متفرق شوند ان شاء الله تعالی سورة الاخلاص از برای حفظ

ایمان هر روز هفت بار بخواند با ایمان از دنیا برود و جهت

رستگاری آخرت هزار بار بخواند و اگر کسی را حبس کرده باشند

هزار بار بخواند خلاص یابد بفرمان خدا تعالی سورة الفلق جهت

دفع درد هر روز سه بار بخواند و باد بر اموال خود بدمد در

امان حق باشد سورة الناس مع الفلق سه بار بخواند از جمیع

بلاها و آفتها ایمن گردد و اگر سحری پیش از آن کرده باشند

باطل شود بفرمان خدا تعالی و برکت این سوره های کریم

ان شاء الله تعالی آمین یا رب العالمین هو الفتاح دعای

سیفی فاتحه و آیة الکرسی و نود و نه نام بخواند و این

دعا هم بخواند اینست اللهم یا لطیف اغثنی وادرکنی

بحق لطفك الخفي الهي كفى علمك من المقال وكفى كرمك

111 عن السؤال يا اله العالمين ويا خير الناصرين برحمتك

يا ارحم الراحمين استغيث الهي من ذا الذي دعاك

فلم تجبه ومن ذى الذي استجارك فلم تجره ومن ذى الذي

استغاث بك فلم تغثه واغوثاه واغوثاه واغوثاه اغثني يا غياث المستغيثين

بسم الله الرحمن الرحيم

عبد الله عباس روايت ميكند كه در خدمت حضرت

امير المومنين عليه السلام نشسته بوديم امير المومنين حسن

صلى الله عليه واله در آمد وگفت مردى در آمده است كه

از وى بوى مشك مى آيد ودستورى ميخواهد در آيد امير المومنين

على عليه الصلوة والسلام فرمود كه بگوييد كه تا در آيد رخصت

دادند تا آمد ودر آمد مرد بديدندى مراهو الصورتى بديع زبان

فصیح و بالباس سیاه نه کفت السلام علیک یا امیر المومنین

علی کفت من مردی ام از قضات عرب از شهر یمن و ملکی عظیم

در تصرف منست و مرا دشمنی است قوی با لشکری گران

و سالهاست که با من در هر محلی است و مقاتله و دفع او بهیچ حیلتی

نمیتوانم کرد شب بخواب دیدم که تا مرا میکفت که نزدیک

امیر المومنین علیه السلام رو و از وی درخواست کن تا دعا

که مرا و را حضرت محمد رسول الله تعلیم کرده است تا ترا بیاموزد

که این اسم اعظم دران دعاست تا ببرکت این دعا از

دشمن خلاصی یابی و بر وی ظفر یابی پس شادمان بیدار

شدم و هیچ توقف نکردم و بحضرت تو آمدم و زحمت

بسیار دیدم امید دارم که از کرم تو ای امیر المومنین علیه السلام

112

که مرا باز نگردانی و مرا آن دعا بیاموزی که مرا حواله نموده

اند و من شکرانه آن چهار هزار غلام که با خود آورده ام آزاد

میکردانم در راه خدا تعالی و رسول علیه السلام انگاه امیر المومنین

علیه السلام را فرمود که تا دوات و قلم بیاوردند و این

دعا را نوشت و بدو داد و فرمود که هر روز می باید خواند

که من امید دارم پیش از انکه بولایت خود رسیده باشی

دشمن تو هلاک شده باشد که من چنین شنیده ام از

حضرت رسول صلی الله و سلم که هر که این دعا را به نیت پال

بخواند با خضوع و خشوع بر کوه اشارت کند کوه در حرکت

آید و بر روی آب روان شود پس آن مرد بولایت

خود روان شد بعد از چهل و یک روز دیگر قاصد آمد از طرف

یمن و عرضه اشتی ازان پادشاه بخدمت حضرت
رسالت صلی الله علیه واله وسلم آورد که بتوفیق خدای تعالی
وبهمت آنحضرت صلی الله علیه وبرکت این حرز
چون به نزدیک یمن رسیدم لشکرین بازگشتند و دشمن را
هلاک گردانیدم و مملکت خود بگرفتم و مال و گنج دشمن را
بدست آوردم و بعد ازین از جمله مخلصان صادق رسول الله
پس حضرت علی علیه السلام با صحابه خواص این دعا را ازان حضرت
التماس کردند و رسول صلی الله علیه فرمود که بآن خدای که
جان محمد در ید قدرت اوست که جبرئیل امین این حرز را
بمن آورد و فرمود که امتان او وصیت کن تا بخوانند این حرز
هر که این حرز را بصدق و اخلاص بخواند هر مرادی که از خدای
بخواهد

113

نخواهد روا کرد و بس گفتم یا اخی جبرئیل خواص این دعا را

بگوی فرمود اگر خواص این دعا را بنویسد از صد یکی نتواند

نوشت اما این چهل خاصیت این حرز را بگویم ده درباب

اخرت و سی درباب دنیا تا مسلمانان فایده کلی باشد اول

از ده اخروی انست که خواننده این حرز را حق تعالی بی

ایمان از دنیا نبرد اگرچه در همه عمر خود گناه کرده باشد دوم انکه

خواننده این حرز را وقت نزع این دعا را بصورتی خوب

بروی عرض کند تا عاشق جان را تسلیم کند سیم انکه چون او را

در خاک نهند این دعا را در مقابل بیاید و تا لی و توهی

جواب منکر و نکیر بگوید چهارم انکه بهر طرف که خواننده باشد از این

دعا در بهشت هفتاد هزار حاجات و درجات و حور و رضوان

او را بدهند پنجم آنکه خواننده این حرز او در روز قیامت روی

چون ماه تابان بوده باشد و خلق جمله عرصات در روی نگرند

ششم آنکه حق تعالی او را در زیر عرش خود جای دهد و دیگران

گویند کاشکی بودی که در دنیا ما نیز از این حرز خوانده بودیم هفتم آنکه

چون به پل صراط رسد مرکبی بر آن ظاهر گردد و گوید که ای خواننده

دعای مذکور که حرز بوده باشد بر من نشین و چشم بر هم نه و او

بر نشیند چون برق از پل صراط بگذرد هشتم آنکه

نهم آنکه چون امتان

بزیارت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آیند او بر همه مقدم باشد

دهم آنکه خواننده این حرز بچشم همه قاریان و عموم خلایق عزیز

مکرم و محترم باشند دیگر خواصی که تا به دنیا گفته شود اول آنکه

چون

چون کسی بکار خود فرو مانده باشد و شب آدینه هم شب
برخیزد و طهارت بگیرد و اگر غسل کند بهتر باشد و ده رکعت
نماز گذارد و بهر سلام هر سوره که خواهد بخواند و بر پیغمبر درود فرستد
اگر صادق باشد در روز بمراد رسد والا با دینه دیگر رسد که
بمراد خود برسد دویم آنکه اول کسی در بلایی یا در زندانی گرفتار
باشد یا در دست ظالمی اسیر باشد این حرز را چهل و یکبار
بخواند خدا تعالی او را خلاص دهد و اگر خلاص نشود فردا قیامت
دامن مرا بگیرد که رسولم سیم آنست که بیماری که هیچکس علاج
او را نتواند کرد این حرز را بمشک و زعفران بنویسد در قدحی
پاک بشوید و بآن بیمار دهد که بخورد و در دم شفا یابد چهارم آنکه
اگر کسی غمین باشد چهل روز این حرز را بخواند روز چهلم بنویسد

بمشک و زعفران و بخورد مرادش حاصل شود پنجم

اگر کسی را علت سستی آید چهل و یکبار این حرز را بخواند

انگاه بنویسد و بشوید و بخورد شفا یابد ششم اگر کسی بر

شخصی عاشق باشد و خواهد که بکلالی او را بخواهد و صبر ۱۲ ساعته

باشد و در روزه بگیرد و وقت افطار روی بطرف آنخانه

کند و این حرز را بخواند و بعد از ان حرز را بخواند و بگوید الهی

لَئِنْ یَا قَلْبِ بِهِمْ وَاَنْتَ تَعْلَمُ مَا فِی قَلْبِی وَ بِحَقِّی مِنْ ذَاتِکُم [illegible]

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ هفتم انکه چون سفری که خواهد برود باید که

غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و بخواند این حرز را روانه

شود از ان سفر بسلامت باز آید و از بلاها ایمن گردد و

هشتم انکه اگر کسی را دشمن بزرگ بوده باشد و با او

بخواند

بر خواند آید باید که هفت روز آدینه سوره طه و یکبار این

حرز را بخواند حق سبحانه و تعالی دشمن او را مقهور گرداند ۹ نهم

آنکه اگر کسی را خویشان باشند که با او معاش بد کنند و

با او متابعت نکنند سه روز روزه دارد و درین سه روز

یکبار مدام این حرز را بخواند و دست را بر روی بمالد حق

تعالی آن قوم را مسخر و مطیع او گرداند ۱۰ دهم آنکه اگر کسی

از دزد یا جانوری موذی مثل شیر و گرگ و مار و کژدم

و غیره خوفی داشته باشد در منزل خطرناک رود و یکشب

این حرز را بخواند از شر همه ایمن گردد ۱۱ یازدهم آنکه اگر کسی را

مار گزیده باشد این حرز را بخواند و دست بر آن جای گزیده

نهد زهر مار بروی کار نکند از زهر انجا بدر رود ۱۲ دوازدهم آنکه

اگر کسی را زهر یا داروی داده باشند این حرز را بمشک و زعفران

۱۳
و گلاب بنویسد و بشوید و بخورد زایل گردد سیزدهم

آنکه اگر کسی در شهری یا بلائی افتاده باشد این حرز را

بنویسد و در سقف خانه آویزد و آن خانه از بلا امین باشد

۱۴
چهاردهم آنکه اگر کسی را از پادشاه و یا از غیر خوفی داشته

باشد که بیم کشتن باشد باید که غسل کند و جامه پاک معطر

بپوشد و این حرز را بخواند در برابر وی رود هیچ

۱۵
آفتی بوی نرسد پانزدهم آنکه اگر کسی چیزی از دزدیده

باشد در شب آدینه دو رکعت نماز بگذارد و در

رکعت اول سوره فاتحه و سوره والشمس و در رکعت

دویم فاتحه و سوره والضحی و الم نشرح بخواند

دیوار

وبعد از سلام این حرز را بخواند و با طهارت بخواب

۱۶
رود حق تعالی در خواب دزد را بوی نماید شانزدهم

آنکه اگر کسی درستکی داشته باشد و کت دکار خود

نگذارد در روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد

چهار روز دو رکعت نماز به نیت کند و بگذارد و در رکعت

۱
اول بعد از فاتحه آیت ومن یتق الله برایا

۲
را بخواند و پنجبار سوره اخلاص و در رکعت دوم

هم این طریق بخواند و بعد از نماز ۳ بار این حرز را

بخواند و سخن نگوید با طهارت بخواب رود فتح

۱۷
کار او نماید هفدهم اگر کسی را فرزند بهم نرسد این

حرز را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بشوید

و بزن دهد تا بخورد و مرد به نیت فرزند دو رکعت نماز
بگذارد و این حرز را بخواند و با زن جمع شود حق تعالی او را
فرزند شایسته کرامت کند ١٨ هجدهم در خانه که این حرز
باشد از دزد و بلا و آتش ایمن باشد ١٩ نوزدهم هر که هر
روز این حرز را بخواند و با خود دارد و دست در روی
مالد هیچکس با او بد نتواند کرد و از همه خطر ایمن باشد
اگر چه خلق دشمن او باشد ٢٠ بیستم چون کسی در معرکه
رود دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه یکبار
و سه بار **سوره اخلاص** بخواند و بعد از آن این
حرز را بخواند روانه شود اگر چون باران تیغ با او
ریزند گزندی بوی نرسد و از هیبتی در دل خصمان
افتد

افتد و هر که رو کند از پیش او بگریزد بست و یکم چون
خواهد در کشتی نشیند این حرز را بخواند و باد بر خود دمد
از خوف کشتی ایمن گردد بیست و دوم چون در بیابانی
باشد و بر وی گرسنگی و تشنگی غالب گردد و مر راه را
گم کند بخاک تیمم دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
آیة الکرسی و امن الرسول تا آخر بخواند و در رکعت دوم
فاتحه و شهد الله انه لا اله الا الله را تا آخر آیه و الله نور
السموات و الارض بخواند و بعد از نماز این حرز را بخواند حق تعالی
از عالم غیب طعام و شراب بوی رساند بیست و سیم
اگر بفقر و فاقه و عیال گرفتار باشد چهل و یکبار یکروز بکروز
پیش از نماز غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت

اول چهل ویکبار فاتحه و چهل ویکبار سوره اخلاص بخواند

و در رکعت دویم سه بار فاتحه و سوره اخلاص چهل ویکبار

و بعد از نماز صلواة بسیار بفرستد و این حرز را بخواند بشرط

آنکه در میانه اگر روزی فوت شود باز ابتدا کند تا متوالی چهل ویکروز

تمام حق تعالی بعد از آن فتح روزی کرداند که از احتیاج ایمن کردد

۲۴ بست و چهارم اگر کسی این بهر مال و ملک خود از دشمن بترسد

این حرز را بر پوست آهو بنویسد و در میان مال نهد هیچ مضرت

بمال و ملک وی نرسد ۲۵ بست و پنجم اگر کسی در مصافی رود

این حرز را با انا فتحنا لک فتحاً بنویسد و در موم کیرد و بر علم

به بندد و کار بر خصم بندد لشکر خصم اندوه و انبوه نماید و بجنک

بهزیمت روند ۲۶ بست و ششم اگر خواهد که دیو و پری مسخر

وی کردند روز چهارشنبه بوقت فرو شدن افتاب سرد
تن جامه را بشوید و خود را معطر کرداند و آیت الکرسی و سوره
فلا قل بخواند و باد بر خود دمد و از ابادانی بدر رود جایکه آدمی
نزدیک آن نباشد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن فاتحه
و بعد از فاتحه انچه قرآن داند بخواند و بعد از آن این حرز را
بخواند و دل را قوی دارد و خطی بر گرد خود بکشد و آیة الکرسی
بخواند و اگر آواز صعب شنود باید که خوف نکند که آنگاه
بزرگ ارواح با آواز خوش و ساز خوش بیایند و آواز
کنند که چه میخواهی از ایشان و از ایشان شرطی بستاند
هر وقت که ایشان را طلب کند حاضر شوند و این
٢٧
حرز را میخوانده باشد که مضرتی بوی نرساند ثبت والتعلیم

اگر کسی خواهد که خصم او هلاک شود روز چهارشنبه هفت بار

سوره نوح را بخواند و سخن نگوید و چهل بار این دعا

بخواند بسم الله الرحمن الرحیم

اصبحنا واصبح الملك لله اللهم

انا عبيدك وابناء عبيدك

اللهم احفظنا من حيث

نحتفظ ومن حيث لا نحتفظ

اللهم احرسنا من حيث نحترس

ومن حيث لا نحترس اللهم

استرنا من حيث نستتر ومن

حيث لا نستتر اللهم ارزقنا

العافية

119

الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَارْزُقْنَا
الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
امراة سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ
مِرَّةً وَاحِدَةً اللّٰهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي
وَبَصَرِي وَجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ
مِنِّي وَأَرِنِي ثَارِي فِي عَدُوِّي
ايضا وصيح لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

مِنَ الذِلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ شَتِّتْ وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ

وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ وَخَرِّبْ

بُنْيَانَهُمْ وَقَرِّبْ اٰجَالَهُمْ وَسَوِّدْ

وُجُوهَهُمْ وَبَيِّضْ عُيُونَهُمْ

وَقَطِّعْ اَرْزَاقَهُمْ وَبَدِّلْ اَحْوَالَهُمْ

وَاشْغَلْ اَبْدَانَهُمْ وَحسدهم

وَحدهم احد عزيز مقتدر

يَا قهار و يا جبار انّا امرك اِذَ

اِرادَ شيئا ان يقول له كن فيكون

یا رَبِّ اِنّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِر

120

۲۸
در هفتم بار البته بمراد برسد بیست و هشتم آنکه

اگر کسی را نماز روزه بسیار قضا شده

باشد در شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول یک

بار بخواند الحمد لله و هفت بار آیة

الکرسی و در رکعت دویم فاتحه

و امن الرسول یک بار به خواند

و چون سلام باز دهد این حرز را

بخواند و شفا کند و در حضرت

رب العزت قبول افتد بیست

۲۹
و نهم آنکه اگر کسی از وطن دور

شده باشد و در غربت مانده
باشد و خواهد که بوطن خویش
باز رسد این حرز را هر روز بعد
از نماز صبح بخواند که
اگر حق سبحانه تعالی
او را بوطن خود باز رساند
خواص سی ام آن که اگر
کسی در غمی یا تهمتی
گرفتار شده باشد
چهل روز در وقت
طلوع آفتاب صلوا
بنویسد

بپوشند و این حرز را بخواند حق تعالی او را از غم نجات

121

دهد و روایت است که حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب

علیه السلام فرمود که هر کس که وی را دشمنی سخت

داشته باشند باید که چون این حرز را چهل و یکبار

بخواند و اگر کتابت آن نداشته باشند هفت ... البته

دشمن او هلاک گردد و هم از ان حضرت روایت

است که هر کسی را قرض باشد و به نیت ادای قرض

این حرز را بخواند دین او ادا شود باسانی و خصمان

از وی راضی گردند و هم آنحضرت فرموده که هر کس

این حرز را هفت نوبت بخواند به نیت آنکه چیزی

از وی برده باشند در خواب باو نمایند که دزد آن کیست

و هر کس که در سفر و در حضر این حرز را بخواند از دشمن
و اعدا و قطاع الطریق ایمن گردد و هر کس این حرز
را با خود نگاه دارد الله تعالی او را عزیز گرداند و مقبول
خلق گردد و این حرز را خواص بسیار است و عجب
است و دوازده هزار خواص دارد در وقت قرائت
این حرز را روز جمعه یا روز چهارشنبه و هر کس اراده خواندن
این حرز را دارد اول روز غسل کند و دو رکعت نماز
بگزارد و بعد از فاتحه سوره یس را بخواند و هر کس
اراده قتل دشمن داشته باشد این حرز را القلم باریک
بنویسد و در زیر زبان نهد از دشمن ایمن باشد اگر ارا
قبول خلق داشته باشد این حرز را بنویسد و نادعل
ا

الاحده باید خواند و بر بازوی راست بندد و در

پیش خلق عزیز باشد و خواص این حرز را بسیار است 122

اما باید که رزق حلال باید خورد و از هذیان و مزخرفات

کلمات فتنه انگیز دوری باید کرد و از حرص و حسد

و غیبت و بهتان اجتناب باید کرد و پیش از خواندن

این حرز سه بار نادعلی را الاحده باید خواند و ده بار

صلوات و سه بار آیة الکرسی و یکبار وَإِلَٰهُكُمْ

إِلَٰهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ

و دیگر وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ

وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الم اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ

عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا
لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ
مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَاَنْزَلَ
الْفُرْقَانَ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا
بِاٰيَاتِ اللهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ
وَاللهُ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ اَنَّ اللهَ
لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ
وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِيْ يُصَوِّرُكُمْ
فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

بخواند و بعد از ان اعتصام بخواند و شروع در خواندن
کند بیان از کار که هر روز این حرز باید خواند یوم السبت

الله

لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظلمين

123

ايه من يوم الاحد لا اله الا الله الملك

الحق المبين مائه مرة يوم الاثنين

لا اله الا الله عزيزا جليلة يا عزيزا جليل

مائه من يوم الثلثا اللهم صل على محمد

وال محمد وسلم تسليما كثيرا دايما مائة

من يوم لاربعاء لا اله الا الله خالصا

مخلصا مائه من يوم الخمس لا اله الا الله

خالق كل شئ وهو على كل شئ وكيل

مائه مرة يوم الجمعه سبحان الله والحمد لله

ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة

الّا باللّٰهِ العلیِّ العظیمِ مائه مرة بیان بشارة

اول لا اله الّا اللّٰه انت ربّی وانّی عبدک

ثانی اِنّما امرهٗ اذا اراد شیئًا ان یقول له

کُن فیکون اللّٰهمّ لک الحمد مثل ما حمدت

محل ثالث اللّٰهمّ انّی اسئلک الثبات

فی الامر والعزیمت محل رابع تردیت بالعزّ

الکبریاءِ العلاو تازرت بالعظمهِ

والکبریاءِ اشارت خامس اللّٰهمّ فتمّم

احسانک الیّ فی ما بقی عمری دربشارا

فتح این اسما جواند بحقّ هذه الاسرار

کرمک الخفیّ وبحق الاسم الاعظم

اسما

127

أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِيْ وَتُهْلِكَ
عَدُوِّيْ وَتُوَصِّلَنِيْ مُرَادِيْ وَتَدْفَعَ
عَنِّيْ شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا اَرَدْتَ
شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ودر بشاره
قبل اين اسما بخواند اللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ اُدْعُوْهَا
اَسْتَجِبْ لَكُمْ وَاِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ
اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ هَمِّيْ وَاكْشِفْ غَمِّيْ
وَاَهْلِكْ عَدُوِّيْ وَقْضِ حَاجَتِيْ
وَيَا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ وَارْحَمْنِيْ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وجهت دفع دشمن الحاج كند و نه

نوبت دعای این دعا بخواند از شمال فلان بن فلان اللّهمّ شتّت شملهم

وفوّق جمعهم وزلزل اقدامهم

وقرّب اجالهم واقطع اهلكه

واخذ عزيز مقتدر اسبحان الله

القادر القاهر القوّي العزيز الجبّار

المتكبّر الحىّ القيّوم ياهو عن الصّادق

عليه السّلام من قراء هذا الدعا سبعين مرة الهلاك

العدّو فيهلك البتّه وهو هذا الدعاء

اللّهمّ شتّت شملهم وفوّق جمعهم

وقلّب تدبيرهم وخرّب بنيانهم

وقرّب اجالهم وسوّد وجوههم

وبيض

125

وَبَيِّضْ عُيُونَهُمْ وَقَطِّعْ اَرْزَاقَهُمْ

وَبَدِّلْ اَحْوَالَهُمْ وَشَغِّلْهُمْ بِاَبْدَانِهِمْ

وَحَسَدِهِمْ وَخُذْهُمْ اَخْذَ عَزِيزٍ

مُقْتَدِرٍ يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا

اَرَدْتَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

يَا رَبِّ اِنِّى مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ دُعَائِى

که در وقت رسیدن بابشاره باید خواند هر که

يَا اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ بِحُسْنِى وَبِحَقِّ

الْاِسْمِ الْاَعْظَمِ اَسْئَلُكَ اَنْ تَقْضِى

حَاجَتِى وَتُهْلِكَ عَدُوِّى وَتُصَلِّحَ

مُرَادِى وَتَدْفَعَ عَنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ

يا ارحم الراحمين انما امرك اذا اردت
شيئا ان يقول له كن فيكون

وبعد از دعای سیفی این دعاء بخواند نسبت دعاء

بسم الله الرحمن الرحيم يا حنان
يا ديان سبحان يا حي يا قيوم يا
ذا الجلال والاكرام اشهد ان كل
معبود من دون عرشك الى منتهى
قرار الارضين باطل انت يا غياث
المستغيثين اغثني يا رب ونجني
من سخطك واحرف عني شر
جميع خلقك يا ذا الجلال والاكرام

هذه

126

بسم الله الرحمن الرحيم

از هجر تو ای نگار اندر نارم   هر روز زنیش دردم اما

تا دست بدامن تو اندر نارم   غلطیده بخون چو دانه اندر نارم

126

ر خواهی میان دو کس جدائی افکنی این عظیمت را
ود در شیشه میل این را از آب بساش بر پارچه
رد یا زن بنویسد بر روز در چراغ فتیله نموده بسوزد
لکن مرد یا زن از هر دو یکی آن فتیله را به بیند
افور عداوت پیدا شود عظیمت این است

ک ۷ ۳ ۱۱۱۱ ٦ ٦ ٦ مد

سر الجلیل
ل اهیا الوها الوهسا عت الشاعت
عص نام زن و نام مادران نام مرد و نام پدر
د بنویسد آن را الله تعالی عداوت شود میان [illegible]
لوعدیکرا ابحب
ور بخشم بنویسد بر پارچه روی زیارت خود به بیند و برا
عوبی اباده البحص در قل دار درا و بگوید که اثر آن را در بیند
روزه معلوم شود نقش این است بسم الله الرحمن الرحیم
نصر من الله فتح قریب و بشر المومنین فالله
خیر حافظا و هو ارحم الراحمین

راحال ا و ا ه ا ٨ ا ر ا ر ا ٩ ا رع ع ع ر ا ٨ ا ك ٧ اا اا

اااا بم و اف اا ٨ ٩ ٧ ٨ ااا و ٢ ططى

اا ٥ ٩ ٧ ٨ ااا و ٣٣ ططع ٩ ا ٩ ع ــ لا ا

عام ٨

شرح باطل السحر اینست هذا الشرح

128

باطل السحر اگر کسی سحر کرده باشند یا کنند بنویسند این را

خود دارد و هیچ چیز از هر نوع بر او کار نکنند و دعای طلسم این

دعاء وَلَقَدْ اَوْحَيْنَا اِلَى اُمِّ مُوسَى

اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِى فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا

فِى الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى

فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ

لَا يَشْعُرُونَ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

وَاَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى فَهُمْ

لَا يَفْتَرُونَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ اسم صاحب کار نام هر کس باشد

بسم الله الرحمن الرحیم شرح آیة الکرسی ده وقف است

وَلَا نَوْمٌ

آلم اِلّا هو * القیوم * وما فی الارض * الا باذنه *

وما خلفهم * الا بما شاء * والارض * وحفظهما

العلی العظیم * و در هر وقفی که یک انگشت وقف کند

ابتدا از انگشت خنصر دست راست و ختم بانگشت ابهام دست

چپ و بر گشودن ابتدا از ابهام دست چپ کند و بر خنصر دست

راست ختم کند شرح آیة الکرسی نقلست از بزرگان دین که ده

موضع در آیة الکرسی وقف است هرکه در محل خواندن ملاحظه

نماید و بهر وقف که برسد بابستد و یک انگشت فراهم آورد و به

درگاه بی نیاز بردارد چون آیة الکرسی تمام شود دستها را بر روی

خود بمالد و بر جمیع اعضا بمالد که جمیع امراض و علل در امان خدا تعالی

بلند

129

باشد در آفتها و آشوبها محفوظ بماند و دیگر منقولست که اگر کسی را مهمی

پیش آید که در آن عاجز و معطل باشد و تدارک آن نداند باید که

طهارت لباس زند و به نیت آن مهم واتیه الکرسی را بخواند چون

بمیامن دو عین برسد و عقده آن مهم را بخاطر آرد البته که این حاجت

خاطر خواه او بر آید اگر کسی را دشمنی صعب باشد که بهیچ وجه با او

بر نمی آید به نیت مقهور شدن و مغلوب شدن آن کس

بنیاد خواندن کند چون بمیان دو هم رسد که یعلم ما بین ایدیهم

آن کس را بخاطر بگذراند البته آن شخص مغلوب و مقهور گردد

و خواننده بروی ظفر یابد و این جمله از مجربات است و آزموده است

هر که در وی شک آرد کافر گردد اگر کسی بعد از نماز بامداد و پیش

از طلوع آفتاب الحمد بخواند و هفت بار آیة الکرسی بخواند اول بدست

راست بدمد و بعد از آن دست چپ و بعد از آن به پیش رو و بعد

از آن به پس پشت و بعد از آن بالای سر و بعد از آن زیر قدم و

هفتم بر دست خود و بدمد و بر اعضای خود مالد در امان حق تعالی باشد

و اگر کسی خواهد که در نظر سلاطین و ملوک و دوست و دشمن عزیز

و مکرم باشد و همه بر او مهربان گردند آیة الکرسی را سه بار بخواند

و بر کف دست دمد و در روی مالد در نظر سلاطین و دوست

و دشمن عزیز و مکرم و مهربان گردد و اگر کسی خواهد که در میان زن

و شوهر محبت اندازد چنانچه اگر یک ساعت همدیگر را نه بینند والله

دیوانه گردند در مسجد جمعه شش رکعت نماز بگذارد به یک

سلام و در میان هر رکعتی یکبار الحمد و هفت بار آیة الکرسی

چون از نماز فارغ شود آیة الکرسی را چهل و یکبار بر چهل یکدانه

فلفل

فلفل سفید بخواند و یک یک را در آتش اندازد بنام آنکس 130

که خواهد مجرب آزموده است اگر کسی خواهد که یکی را بعقد

و نکاح خود آورد آیة الکرسی را شش بار بر شش دانه مویز

بخواند و بخورد آنکس دهند مجرب است و اگر کسی آیة الکرسی

را باعتقاد درست در وقت و ساعت زهره و مشتری

بنویسند و با خود نگاه دارد محبوب همه دلها شود اما باید که

آیة الکرسی جهت حرام نکند که کفر است از جهت حلال کند

ثواب بسیار است اگر کسی خواهد که علم آموزد و تیز فهم گردد

باید که آیة الکرسی را بمشک و زعفران و گلاب بنویسند

و به آب قند بشویند و بخورد که مجرب است و صد بار بنش از کوه است

اگر کسی خواهد که یکی را از راه دور بیاورد بی تمام باز گشته زرد و

عود خام و دو خشخاش مریم باهم بیامیزد و بجهل (?) و یکبار آیة الکرسی بر آن

بخواند باسم طالب و مادرش در وقت زوال آفتاب

دود کند که آن شخص بیم آنست که دیوانه گردد و بیقرار شود و همان

از راه آورش (?) گردد بباید از صنوبر سنگ دور باشد اگر کسی

خواهد که زبان کسی را بسته گرداند آیة الکرسی را بنویسد بمشک

و زعفران و در خانه تاریک سرنگون بیاویزد زبان آنکس که

بنام او کرده باشد بسته گردد بفرمان خدای تعالی اگر کسی خواهد که

دزد پیدا کند در آن شب که مال برده باشد بامداد آنکس که

گمان دارد بخاطر گذراند و یک طشت بیاورد و خروس سفید

در زیر آن طشت پنهان کند و آیة الکرسی را هفت بار بخواند

و بر طشت دست زنند (?) کسان را بفرماید تا دست بر آن طشت نهند

اگر کسی

هرکس که وزر و است خروس در زیر او فریاد کند و وزر و بید کرود

بعون الله تعالی اگر کسی خواهد که در میان دو کس دوستی ظاهر کردد 131

بستاند پاره نمک و بخواند آیة الکرسی را هفت بار بر آن

نمک و بجوشاند که آن شخص با همدیگر چنان شود که اگر همدیگر

را یکدم نه بیند که میان دو کس خصومت انداز دوباره صلح کنند

بستاند یک سیب بزرگ و آیة الکرسی را بر آن بخواند و

بخورد او بدهد تا بخورند مشفق یکدیگر گردند اگر کسی خواهد که در

نظر سلاطین و خلایق عزیز گردد و هر روز آیة الکرسی را

مداومت نماید و باد بر خود دمد که بغایت مجرب است

زنهار که این خواص آیة الکرسی را به هر کس نه دهد تا بغداد

گرفتار نشوی و شرح آیة الکرسی بسیار و بی نهایت است

اما مختصر کرده شد اما در محل که جهت مهمی آیة الکرسی را

میخوانند باید که بوی خوش بکار دارد تا فایده تمام بخشد والله اعلم بالصواب

الشرح الباطل السحر والله اعلم

صلوات الحمد قل هو الله صلوات
۳ ۱ ۳ ۳

شرح سورة یس روایت که چون ختم سوره مبارکه متحول

شود روز اول طلب کنند ظرفی پاک و یکبار آیة الکرسی

و سه بار قل هو الله احد و معوذتین هر یک سه نوبت

و یس را یکبار بخواند و به آب بدمد و بعد از آن همان

آب وضو باز دور و بقبله بنشیند و این اعمال

بجای آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند ار دو هر حاجتی

که خواهد مشروع خواندن این سوره ان شاء الله تعالی شود

وقم

بکذر
ونیک ختم چهل یکروز است و تاریخ روز اول را نویسد که

132

مبادا فراموش شود زنهار که به نااهلان ندهند که باعث

فساد شود والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم یس والقرآن

الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط

مستقیم تنزیل العزیز الرحیم لتنذر

قوما ما انذر آباؤهم فهم غافلون لقد

حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون

انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی

الاذقان فهم مقمحون وجعلنا

من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم

سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ *
وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ * إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
وَأَجْرٍ كَرِيمٍ * إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتٰى وَنَكْتُبُ
مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ
فِي إِمَامٍ مُبِينٍ * وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحَوْلِ اللّٰهِ
وَقُوَّتِهِ وَعَوْنِهِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ
الْأَرْوَاحِ الرُّوحَانِيَّةِ بِعِزَّةِ اللّٰهِ * وَنُورِهِ
وَبِحُرْمَةِ أَسْمَاءِ اللّٰهِ وَبِحُرْمَةِ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ *

133

الحمد لله رب العالمين

يا حي يا قيوم يا كافي يا هادي يا لطيف

يا باقي اجب يا روقيائيل انت وخدامك

من الروحانية الارضية وانت يا مذهب

سميعا مطيعا بحرمة الحمد لله رب

العالمين وبحرمة الملك الغالب

عليكم امن ابجد بحرمة الطر

طائل قل جاء الحق وزهق الباطل

ان الباطل كان زهوقا واقسمت

عليكم يا كطف رسيائيل اللهم

سخر لي قلب فلان بن فلان لي محبتي

بحرمة سورة يس وبحرمة اسم العظيم
وبحرمة سيدك كبجع كعحينوش واضرب
لهم مثلاً اصحاب القرية اذ جاءها المرسلون
اذ ارسلنا اليهم اثنين فكذبوهما
فعززنا بثالث فقالوا انا اليكم مرسلون
قالوا ما انتم الا بشر مثلنا وما انزل
الرحمن من شيء ان انتم الا تكذبون
قالوا ربنا يعلم انا اليكم لمرسلون
وما علينا الا البلاغ المبين
الرحمن الرحيم يا رحمن يا رحيم
يا رؤف يا عظيم يا لطوف يا جليل

يا جبّار يا جواد يا جاعل اجب يا جرسيل
انت وخدّامك من الرّوحانيّه والارضيه 136
وانت امره سميعاً مطيعاً بحرمة
الرّحمن الرّحيم وبحرمة الرّؤف
العطوف وبحرمة الملك الغالب
عليكم امره هوّز وبحقّ مهطهطيل
وقدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلنا
هباءً منثوراً واقسمت عليكم
يا بهعفجائل اللّهمّ سخّر لى قلب
فلان بن فلان على حبّى بحرمة اسم
العظيم وبحرمة حوّا وبحرمة

سَبِّيدْكَ يَنَعَ مَصْطَبُوشْ اِنْ نُجِبَا بِالسَّمْعِ
وَالطَّاعَةِ وَنَحْضُرُوا قَالُوا اِنَّا تَطَيَّرْنَا
بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ
مِنَّا عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ
اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝
وَجَاءَ مِنْ اَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى
قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۝ اتَّبِعُوا
مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَهُمْ
مُهْتَدُونَ ۝ وَمَا لِيَ لَا اَعْبُدُ الَّذِي
فَطَرَنِي وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ ءَاَتَّخِذُ
مِنْ دُونِهِ اٰلِهَةً اِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ
١٨

نغن عنى شفاعتهم شيئا ولا ينقذون
130
ن اذا لفي ضلال مبين * مالك
يم الدين * يا مقلب القلوب *
ب يا شمسا ئيل انت وخدامك
ن الروحانية والارضية وانت
انت يا رحمن * يا مالك يوم الدين *
رمت الملك لغالب عليكم
ن حطي وبجرمة فطهطيل فاذا
ءا وعد ربي جعله دكاء وكان
عد ربي حقا واقسمت عليكم
ع فقلتنائيل اللهم سخر لي فلان بن

فلان عَلَى مُحَبَّتِي وَبِحُرْمَةِ سورة يس
اِسْمِ الْعَظِيمِ وَبِحُرْمَةِ سَيِّد اِسْمِ الْعـ
وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ گالْحُ طلحيوثر
اٰمَنْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ
قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَالَيْتَ قَوْمِي
يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَلِي رَبِّي وَجَعَلَنِي
مِنَ الْمُكْرَمِينَ * وَمَا اَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ
مِّنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاۤءِ وَمَا
مُنْزِلِينَ * اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَاِذَا هُمْ خَامِدُونَ * يَا حَسْرَةً عَلَى
الْعِبَادِ مَا يَاْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ

كانوا به يستهزءون ۝ الم يروا كم
اهلكنا قبلهم من القرون انهم 1310
اليهم لا يرجعون ۝ وان كل لما جميع
لدينا محضرون ۝ واية لهم الارض
الميتة احيينها واخرجنا منها
حبا فمنه ياكلون ۝ وجعلنا فيها
جنات من نخيل واعناب وفجرنا
فيها من العيون ۝ لياكلوا من ثمره
وما عملته ايديهم افلا يشكرون ۝
سبحان الذي خلق الازواج كلها
مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما

لا يعلمون ۝ وآية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون ۝ والشمس
تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم
والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون
القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرك
القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك
يسبحون ۝ وآية لهم انا حملنا ذريتهم في
الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم من مثله
ما يركبون ۝ وان نشأ نغرقهم فلا صريخ
لهم ولا هم ينقذون ۝ الا رحمة منا ومتاعا
الى حين ۝ واذا قيل لهم اتقوا ما بين

ايديهم

أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

137 وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا

عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا

مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ

إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِيَّاكَ نَعْبُدُ

وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ يَا سَرِيعُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ

أَجِبْ وَأَنْتَ يَا بُرْهَانُ سَامِعًا بِحُرْمَةِ

إِيَّاكَ نَعْبُدُ يَا مِيكَائِيلُ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝

وَبِحُرْمَةِ سَرِيعُ الْقَرِيبُ الْمَعْبُودُ الْمُسْتَعَانُ

أَنْتَ وَخُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَ

الارضية وبحرمة الملك الغالب عليكم امره
كلمن وبحرمة فهطمطل قال موسى ماجئتم
به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل
المفسدين واقسمت عليكم يامسدع
برائيل اللهم سخر لي قلب فلان بن فلان على محبتي
سورة يس سيدك شنجع وهجيوش ويقولون
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ما
ينظرون الا صيحة واحدة تاخذهم وهم
يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا الى
اهلهم يرجعون ونفخ في الصور فاذا هم
من الاجداث الى ربهم ينسلون قالوا ياويلنا

الى

مِن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَ
صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ
نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝
إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ۝
هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۝
لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا ۝
مِن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ۝ سُبْحَانَ الْمُفَسِّرِ عَن كُلِّ مَدْيُونٍ
سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَن كُلِّ مَحْزُونٍ ۝ سُبْحَانَ
الْمُخَلِّصِ عَن كُلِّ مَسْجُونٍ ۝ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ
مَكْنُونٍ ۝ سُبْحَانَ الَّذِي مُجْرِي الْمَاءِ فِي الْبِحَارِ

وَالعُيُونَ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بِقُدْرَتِهِ

الكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ مَنْ أَرَادَ شَيْئاً أَنْ

يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ

مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ رَبَّنَا

افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

الفَاتِحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ المَلِكُ الغَالِبُ

الحَقُّ المُبِينُ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ اللهِ صَادِقُ

الوَعْدِ الأَمِينُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

اَللَّهُمَّ أَلِّفْ مَحَبَّتِي وَعِشْقِي فِي قَلْبِ فلان

بن فلان لَوْ تَكَلَّمْنِي أَوْ سُوسَتِي أَوْ زِدْ نِيا

لَا قَرَادَ لَهُمْ وَلَا أَكْلَ لَهُمْ وَلَا نَوْمَ لَهُمْ وَلَا حُضُو

139

لهم ولا راحة لهم الا جاء عندي وبحق هذه
الاسماء العظام وبحق محمد م ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم الهي يا صمد من عندك
مددي وعليك معتمدي اياك ناصريا
معين بحق اياك نعبد واياك نستعين اغثني
على كل حال بقوتك وقدرتك يا رحمن
يا رحيم برحمتك يا ارحم الراحمين وامتازوا اليوم
ايها المجرمون الم اعهد اليكم يا بني ادم ان لا
تعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبين
اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر
يا مقدم يا لطيف يا خبير يا خالق يا هادي

اجب يا خرفائيل انت وخدامك من الروحانية
والارضية وانت يا شهروش سامعا مطيعا
بحرمة اهدنا الصراط المستقيم وبحرمة القادر
المقتدر وبحرمة الملك الغالب عليكم امره
سعفص وبحرمة فطهطيل وانه لكتاب
عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه
تنزيل من حكيم حميد واقسمت عليكم
لالاغ شمهيائيل اللهم سخر لي فلان بن فلان على
محبتي وبحرمة سوره يس وبحرمة حوا و
سيدك لاغ زو فاش وان اعبدوني هذا
صراط مستقيم ولقد اضل منكم جبلا كثيرا

افلم تكونوا تعقلون هذه جهنم التي كنتم ١٤٥
توعدون اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون
اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم
وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون
ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا
الصراط فانى يبصرون ولو نشاء
لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا
مضيا ولا يرجعون ومن نعمره ننكسه
في الخلق افلا يعقلون وما علمناه
الشعر وما ينبغي له ان هو الا ذكر و
قران مبين صراط الذين انعمت عليهم

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ وَبِحَقِّ يَا حَكِيمُ يَا عَلِيمُ
يَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا نُورُ يَا عَلِيُّ يَا لَطِيفُ
يَا هَادِي أَجِبْ يَا عَيَائِيلُ أَنْتَ وَ
خُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْأَرْضِيَّةِ
وَأَنْتَ أَبْيَضُ سَامِعًا مُطِيعًا بِحُرْمَةِ
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ وَبِحُرْمَةِ
الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ وَبِحُرْمَةِ جهطهطيل
إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ
الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ
بِجَحْ كَصْطَيَائِيلَ اللَّهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ
فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى مَحَبَّتِي وَبِحُرْمَةِ

وَبِحُرْمَةِ سُورَةِ يس وَبِحُرْمَةِ اسْمِ
الْعَظِيمِ وَبِحُرْمَةِ حَوَّا وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ
مكهيعص لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ
الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا
خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا
فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ
فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ
فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ
يُنْصَرُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ
لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ فَلَا يَحْزُنْكَ

قولهم انا نعلم ما يسرون. وما
يعلنون. أولم ير الانسان أنا خلقنا
من نطفة فاذا هو خصيم مبين
غير المغضوب عليهم ولا الضالين
يا قاهر يا عزيز يا مالك يا مؤمن يا
مهيمن يا ظاهر يا كبير اجب يا كشفا
وانت سامعا مطيعا بحق غير
المغضوب عليهم ولا الضالين
وبحرمة القاهر العزيز الكبير المتعال
وبحق ثخذ صنطغلا وبحرمة طهطه
المقفجيل فوقع الحق وبطل ما كانو
بعد

يعلمون ۝ واقسمت عليكم يابن حكمائل
142 اللهم سخر لي فلان بن فلان على محبتي
وبحرمة حوا وبحرمة سيدك برع
سكطهوش وضرب لنا مثلا و
نسي خلقه قال من يحيي العظام
وهي رميم قل يحييها الذي انشاها
اول مرة وهو بكل خلق عليم الذي
جعل لكم من الشجر الاخضر نارا
فاذا انتم منه توقدون ۝ اوليس
الذي خلق السموات والارض
بقادر على ان يخلق مثلهم بلى و

هو الخلاق العليم انما امره اذا اراد
شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان
الذي بيده ملكوت كل شيء واليه
ترجعون اللهم سخر لي فلان بن فلان كما
سخرت لموسي عليه السلام ولين
لي قلبه كما لينت الحديد لداود عليه
السلام فانه لا ينطق الا باذنك ناصيته
في قبضتك قلبه وفي يدك جل ثناءك
يا ارحم الراحمين اللهم اخذ لي قلب فلان
بن فلان كما يجذب مقناطيس الحديد
واجذب روحه وجسده وجميع

عضائه وبحرمة حقك وبحرمة
نبيائك المرسلين والملائكة
لمقربين وبحرمة يس والقران الحكيم
وبحق الم كهيعص وبحرمة طه وطس
وطسم وحم عسق وحم والكتاب
المبين وبحرمة ص والقران ذي
الذكر بل الذين كفروا وبحرمة ق
والقران المجيد وبحرمة والطور
وكتاب مسطور في رق منشور
والبيت المعمور والسقف المرفوع
والبحر المسجور وبحرمة ن والقلم

وَمَا يَسْطُرُونَ * وَبِحُرْمَةِ سُورَةِ الْفُرْقَانِ
الْعَظِيمِ الْكَرِيمِ الْقَدِيمِ الشَّانِ النُّورِ
الْمُبِينِ * كَمَا قُلْتَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ *
وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ اِلَّا خَسَارًا * وَبِحُرْمَةِ
اَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الْعُظْمَةِ الْمُكَرَّمَةِ
الْمُطَهَّرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُنَوَّرَةِ * وَبِحُرْمَةِ
الْعَرْشِ وَالْكُرْسِيِّ * وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
وَبِحُرْمَةِ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَالْاَرَضِينَ
السَّبْعِ وَالْكَوَاكِبِ السَّبْعَةِ السَّيَّارَةِ
وَبِحُرْمَةِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ * وَالْيَوْمِ

الموعود وشاهد ومشهود و
بحرمة والسماء والطارق ما ادريك
ما الطارق النجم الثاقب وبحرمة والفجر
وليال عشر والشفع والوتر والليل اذا
يسر وبحرمة والتين والزيتون و
طور سينين وهذا البلد الامين
وبحرمة بيت الحرام المقدس وبحرمة
انبيائك واصفيائك وعبادك
الصالحين يا رب العالمين يا خير
الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين
بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي

القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الارض من ذي
الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات
والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي
العظيم لا اكراه في الدين قد تبين الرشد
من الغي فمن يكفر بالطاغوت و
يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة
الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم
الله ولي الذين امنوا يخرجهم

امن

مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ * وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا

اَوْلِيَاءُهُمُ الطَّاغُوْتُ يُخْرِجُوْنَهُمْ

النُّوْرِ اِلَى

مِنَ الظُّلُمٰتِ اُولٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ

هُمْ فِيْهَا خَالِدُوْنَ * اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ

الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَللّٰهُ

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا مَلِكُ يَا قُدُّوْسُ

يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيْزُ

يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ

يَا مُصَوِّرُ يَا غَفَّارُ يَا قَهَّارُ يَا وَهَّابُ

يَا رَزَّاقُ يَا فَتَّاحُ يَا عَلِيْمُ يَا قَابِضُ

يَا بَاسِطُ يَا خَافِضُ يَا رَافِعُ يَا مُعِزُّ

يا مذل يا سميع يا بصير يا حكم يا عدل

يا لطيف يا خبير يا حليم يا عظيم

يا غفور يا شكور يا علي يا كبير

يا حفيظ يا حسيب يا مقيت يا جليل

يا كريم يا رقيب يا مجيب يا واسع

يا حكيم يا ودود يا مجيد يا باعث

يا شهيد يا حق يا وكيل يا قوي يا متين

يا ولي يا حميد يا محصي يا مبدئ

يا معيد يا محيي يا مميت يا حي يا قيوم

يا واجد يا ماجد يا احد يا صمد

يا فرد يا قادر يا مقتدر يا مقدم

٢٩٦

يا مؤخّر يا اوّل يا آخر يا ظاهر يا باطن

يا والی یا متعالی یا برّ یا توّاب یا منعم

یا منتقم یا عفوّ یا رؤف یا مالك

الملك ذو الجلال والاكرام یا ربّ

یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا معطی

یا مانع یا نافع یا مانع یا ضارّ یا نور

یا هادی یا بدیع یا باقی یا وارث

یا رشید یا صبور یا صادق یا ستّار

سورهٔ حشر رسول صلّی الله علیه وسلّم

که هر کس سوره حشر بخواند خدا تعالی گناه متقدم و متأخر

او را بیامرزد و نیز فرمود صلی الله علیه وسلم که هر کس سوره

حشر بخواند عرش و کرسی و بهشت و دوزخ و آسمان‌ها
و زمین‌ها بر وی آفرین کنند و بجهت او استغفار خواهند
و شهید از عالم بیرون رود و فرمود صلی الله علیه و سلم
مر امیر المؤمنین علی را رضی الله عنه که هر شب سوره حشر
بخوان تا شر دنیا و آخرت از تو باز دارند و از امام جعفر صادق
رضی الله عنه منقولست که این سوره بجهت بر آمدن حاجت و
مهمات چهل روز هر روز یکبار بخواند و اگر یک روز فوت
شود از سر گیرد و بعضی از ائمه الله اعجاز فرموده‌اند که بجهت بر آمدن
حاجات وضو کند و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از فاتحه
این سوره بخواند و در رکوع نیز این سوره بخواند بهر حاجتی که نیت
داشته باشد بزودی و آسانی بر آید و اگر این سوره را در جام
بعد

۱۴۶

سفید نولید و با آب باران بشوید و بخورد نسیان از و زایل

شود و قوت حفظ و زیرکی زیادت کرد و در آثار آمده است

که هر کس سوره حشر را چهل روز متوالی هر روز چهل و یکبار بخواند

مستجاب الدعوات گردد و هم مهمات بر وفق مراد او شود قوله

تعالی وَالَّذِينَ تَبَوَّءُو الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ

اِلَى قَوْلِهِ الْمُفْلِحُونَ • این آیات را روز یکشنبه وقت

طلوع آفتاب اول ماه بر خاتم زر نقش کند و بعود و غالیه آنرا بخور

کند هر کس که این خاتم را انگشت کند روزی بروی فراخ گردد

و خیر و برکت بسیار ظاهر آید و اگر این آیه بر پوست آهو نولید و با

خود دارد کینه و حسد و غل و غش از دل بیرون رود قوله تعالی

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِاِخْوَانِهِمْ اِلَى قَوْلِهِ ثُمَّ

لَا يُنْصَرُونَ چون خواهند که کسی بسفر بیرون برود قطعه از

جامه او آورد و این آیه بر آن بنویسد و در راهی که بر آن راه خواهد

رفت زیر کند چون به آن موضع رسد از آن در بتواند گذشت و

ترک سفر کند **قوله** تعالی هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

اِلٰى اٰخِرِ السُّوْرَةِ رسول صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرموده هر کس در صباح بگوید اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيْعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطَانِ

الرَّجِيْمِ * و بعد از آن سه آیه از آخر سوره حشر بخواند هفتاد

هزار فرشته خدا تعالی بر وی موکل کند تا بجهت او آمرزش

میخواهند تا بوقت شام و اگر در شام این دستور عمل کند او را

همین منزلت باشد و اگر بمیرد از جمله شهیدان باشد و منقولست که

که هر کس بجهت شفای مریض بنشیند او آدمی بجهت او فاتحه و چهار آیه

سوره حشر نوشته و قل هو الله احد و معوذتین بر یک کاسه بار نوشتی و بعد ازان بنوشند

اللهم رب الناس اله الناس اذهب
الباس واشف حامل کتابی هذا شفاء
لا یغادر سقما ولا الما بحولك وقوتك
انك علی ما تشاء قدیر وصلی الله علی
سیدنا محمد واله اجمعین وصحبه
وسلم تسلیما کثیرا بعد ازان بران بیمار بدمند

شفا یابد و در آثار آمده است که چهار آیه از آخر سوره حشر هم دردها را
شفاست چون با وضو این آیات را خوانند و در کلام بعضی از اکابر آمده است

آخر سوره حشر شفاست از جمیع دردها مگر مرگ و از ابن عباس رضی الله
عنهما منقولست که هر کس را اول بیماری می آید در اول صباح بر ناشتا هفت بار

بخواند لو انزلنا هذا القرآن علی جبل

لرایته الی آخر السورة شفا یابد و گفته اند اگر

کسی را ورمی باشد این آیات را بر آن ورم خوانند سه روز هر روز

هفت بار و بعد از ان سه روز این آیات را در جام ابگینه نویسد

بزعفران و از آن بشوید باب باران بصاحب ورم دهند شفا یابد

چون خواهند که شروع در خواندن کند پس یکصد و پنجاه نوبت یا

قریب و یا مجیب بگوید و بعد از ان اعتصام بخواند بعد از ان شروع

در اعوذ بالله کند و تسمیه بخواند و هفت بار پس بگفتش بخواند

و قصد بهیچ جهه نه کند و شروع کند

تا اربعین تمام شود اعتصام اینست

اللهم انی اسئلك و اعوذ بك

الل

١٢٩

بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ
الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ
الثَّابِتُ الْوُجُودُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَعْرُوفُ
الْمَعْبُودُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الظَّاهِرُ لَا يُرٰى
يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْبَاطِنُ لَا يَخْفٰى يَا اللّٰهُ
اَنْتَ اللّٰهُ نُورُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا اللّٰهُ
اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ
اللّٰهُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ يَا اللّٰهُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْمُتَوَحِّدُ
بِالصَّمَدِيَّةِ يَا اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَىُّ

القيوم الذي لا يموت * يا الله انت الله
المعروف بلا عرفان * يا الله انت الله
التام الكامل * يا الله انت الغالب
لحسن والجمال * يا الله انت الله الظاهر
الباطن السالم من كل فات * يا الله
انت الله الذي لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد * يا الله انت الله
لا ضد لك ولا ند لك ولا شبيه
يا الله انت الله الذى لك شريك
في الملك * يا الله انت الله الذي لم
يتخذ صاحبة ولا ولدا ليس كمثله
شيء

شيء في السموات والارض وهو
السميع العليم يا الله انت الله اول
بلا غاية يا الله انت الله بلا نهاية
يا الله انت الله المقيم بلا احد يا الله
انت الله الحي الذي لا يموت يا الله
انت الله الحي الذي لا ينسى يا الله
انت الله يا الله انت
الله المحسن المجمل يا الله انت الله ذو الجلال
والاكرام يا الله بحرمت هذه
النورته الشريفة وبحرمة هذه
الدعاء ان تقضي حاجتي وتبلغني

اِلَى مَا هُوَ مَقْصُودِي وَمُرَادِي وَ
تُسَهِّلْ عَلَيَّ كُلَّ عَسِيرٍ وَتُسَخِّرْ لِي خُدَّامَ
هٰذِهِ السُّورَةِ الشَّرِيفَةِ حَتّٰى يَكُونُوا
اِلَيَّ عَوْنًا فِيمَا اُرِيدُ مِمَّا هُوَ مَقْصُودِي
مُرَادِي اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي خَلْقَكَ وَرِزْقَكَ
اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ عَلَى قُلُوبِ عِبَادِكَ
مِنْ كُلِّ ذَكَرٍ وَاُنْثٰى مِنْ حُرٍّ وَعَبْدٍ وَكَبِيرٍ
وَصَغِيرٍ بِالْمَحَبَّتِ وَالْمَوَدَّةِ وَالْعَطُوفَةِ
وَارْزُقْنِي حَظَّ الْحَوَالِ وَافْتَحْ لِي
اَبْوَابَ لُطْفِكَ وَرِزْقِكَ وَقُلُوبَ
عِبَادِكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّافَةِ وَارْزُقْ

رزقا واسعا حلالا طيبا وكن لي

١٥٦

عونا ومعينا وحافظا وناصرا و

امينا يا رب العالمين وصلى الله على

سيدنا واله اجمعين وسلم تسليما

كثيرا برحمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

يس والقران الحكيم انك لمن المرسلين

على صراط مستقيم تنزيل العزيز

الرحيم لتنذر قوما ما انذر اباؤهم

فهم غافلون لقد حق القول على

اكثرهم فهم لا يؤمنون انا جعلنا

عَلَى فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اَغْلَالًا

اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا

مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْ سَدًّا وَمِنْ

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ

لَا يُبْصِرُونَ وَسَوَاۤءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَ

اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ اِنَّمَا تُنْذِرُ

مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ

فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَاَجْرٍ كَرِيمٍ اِنَّا نَحْ

نُحْيِ الْمَوْتٰى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَا

وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنَاهُ فِي اِمَامٍ مُبِينٍ

سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَدْيُو

سبحـ

سبحان المفرج عن كل محزون سبحان
المخلص عن كل مسجون سبحان
العالم بكل مكنون سبحان المجري الماء
في البحار والعيون سبحان من جعل
خزائنه بين الكاف والنون انما امره
اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء
واليه ترجعون بحول الله وقوته وعونه
وعزمت عليكم واقسمت عليكم
يا معشر الارواح الروحانية بعزة
الله وبنور وجه الله وبجلال جلال الله

وبحق اسماء الله بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين الرحمن الرحيم

یا حی یا قیوم اجب یا روقابیل یا عبد الله

مذهیا مطیعا سامعا بحق الحمد لله

رب العالمین وبحق الحی القیوم وبحق

الموکل بقائمة العرش وبحق

اللطهطیل وقل جاء مرویست از امیر المؤمنین

علی رضی الله عنه گویند اگر این استغفار را هیچ گناهی نماند اگر

گناهان او بیش از ریگ بیابان و موج دریا باشد استغفار

اینست لا اله الا انت سبحانك وبحمدك

رب عملت سوءا وظلمت نفسی

فا

فَاغْفِرْ لِي فَاَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِيْنَ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ
عَمِلْتُ سُوْٓءً وَظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَتُبْ
عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ عَمِلْتُ
سُوْٓءً وَظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَارْحَمْنِيْ
فَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ * در خالصة الحقایق

آورده است رسول فرمود صلی الله علیه الصلوٰة والسلام
هر که را نباشد نماز او مثل نماز من آن نماز مردود است بر صاحب
نماز پرسیدند یا رسول الله چگونه کذاریم مثل نماز تو پس رسول
فرمود علیه الصلوات والسلام هر که این استغفار بعد از نماز کند

باشد سه بار بگوید نماز او مثل نماز من باشد گفتند یا رسول الله

آن استغفار کدام است رسول علیه الصلواة والسلام

این استغفار فرموده این را اسناد بسیار است در سحرگاه

و بعد ادای هر پنج وقت نماز سه بار بخواند استغفار اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ

اَذْنَبْتُهُ عَمَدًا اَوْ خَطَاءً سِرًّا اَوْ عَلَانِيَةً

وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِیْ اَعْلَمُ

وَمِنَ الذَّنْبِ الَّذِیْ لَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ

الْعَلَّامُ الْغُيُوْبِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيْمِ از تفسیر مغنی واحیا

علوم در خبر است هر که هر روز هر مومنان را امرزش خواهند بهمت

ولی

و شش بار بهر روز این استغفار بگوید ایزد تعالی همه خصمان

او را خشنود گرداند اگر چه همه روی زمین خصم او باشند ایزد

تعالی همه را خشنود گرداند که او خیر ندارند همه مومنان را در 156

حق او شفاعت کنند استغفار اینست

اللّهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات

و المسلمین و المسلمات احیاهم

و میتهم شاهدهم و غائبهم و صغیرهم

و کبیرهم و ذکرهم و انثیهم انك

تعلم منقلبهم و مثویهم انك

علی کل شیٔ قدیر تسبیح میان

سنت و فریضه نماز صبح چهل و یکبار بخوانند

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعُ
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ
أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا
تسبيح سيدنا ومولانا ونبينا محمد صلى الله عليه
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ
اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ تسبيح امير المومنين
علي عليه السلام سُبْحَانَ اللّٰهِ الْقَاضِي
الْأَكْبَرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْخَالِقِ الْبَارِي
سُبْحَانَ اللّٰهِ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ سُبْحَانَ

اَللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیْمِ

اَلْاَعْظَمِ وَبِحَمْدِهِ تسبیح ادریس علیه السلام

سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْاَعْلٰی سُبْحَانَ مَنْ 255

عَلَا عَلَی الْهَوٰی سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی

تسبیح حضرت فاطمة الزهرا ع این تسبیح هرکه در میان

سنت وفریضه نماز صبح این تسبیح چهل ویکبار بخواند ایمن شود

از زوال ایمان دل دهیرد ثواب بسیار است

یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا

بَدِیْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ یَاذَا الْجَلَالِ

وَالْاِکْرَامِ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تُحْیِیْ قَلْبِیْ

بِنُوْرِ مَعْرِفَتِكَ یَا اللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ

تسبيح نوح نبي الله عليه السلام

سبحان العالي الجليل سبحان الخالق

البارئ سبحان المحسن المجمل سبحان

الرؤف الرحيم سبحان العرش العظيم

تسبيح هود عليه السلام سبحان الرفيع

الأعلى سبحان العظيم الأعظم

سبحان من كان هكذا ولا

يكون هكذا غيره سبحان من

عال يرى سبحانه وتعالى سبوح

قدوس رب الملائكة والروح

سبوح قدوس ربنا الخلق الخلو

الْعَظِيمِ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ
وَبِحَمْدِهِ الْبَاسِطِ سُبْحَانَ الضَّآرِّ
النَّافِعِ سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ ۝ 456
تسبيح ابراهيم خليل الله ع سُبْحَانَ اللّٰهِ مَنْ
مَلَاءَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ سُبْحَانَ مَنْ
يَغْشَى لَابَدَ نُورُهُ سُبْحَانَ مَنْ اَشْرَقَتْ
كُلُّ ظُلْمَةٍ بِنُورِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَابُدَّ
اَنْ لَا يُغَيِّرَ دِينَهُ سُبْحَانَ اَوَّلُهُ عِلْمٌ
لَا يُوصَفُ وَاٰخِرُهُ عِلْمٌ لَا يَنْفَدُ
تسبيح اسماعيل ع سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ
عَلَى جَوَارِحِ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ

مَنْ هُوَ مُحْصِى عَدَدَ الْعُيُوبِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ
فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ سُبْحَانَ
الْوَدُودِ الْغَفُورِ تسبيح يعقوب
عليه السلام سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ الْجَوَادِ
سُبْحَانَ الْكَرِيْمِ الْاَكْرَمِ سُبْحَانَ
الْبَصِيرِ الْحَكِيمِ سُبْحَانَ السَّمِيعِ الْوَاسِعِ
سُبْحَانَ اللّٰهِ عَلَى اِقْبَالِ اللَّيْلِ
سُبْحَانَ عَلَى اَدْبَارِ النَّهَارِ وَلَا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِى اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَلَه
الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظَمَةُ وَ

والكبرياء مع كل نفس وكل طرفة
عين ولمحة سبقت علوه سبحان الله
عدد ذلك سبحان الله رب ذلك
سبحانك عدد علمك سبحانك
عدد خلقك تسبيح يوسف عليه السلام
سبحان من هو دائم لا يسهو
سبحان من هو قائم سبحان من
هو غني لا يفتقر تسبيح خضر عليه السلام
سبوح قدوس رب رحيم سبوح
قدوس رب الحي القيوم سبحان
الحي القيوم سبحان الله الحق الرفيع الحليم

سبحان من هو حليم لا يعجل سبحان من هو جواد لا يبخل
سبحان من هو قائم لا يغفل تسبيح صالح عليه السلام

اسناد دعاء ابلیس علیه اللعنة والعذاب روایت

است که روزی ابلیس لعین بخدمت پیغامبر علیه السلام

آمد رسول فرمود یا لعین چرا چندین نافرمانی کردی و یکی

وخود را مستوجب دوزخ میگردانی ابلیس لعین گفت

یا رسول الله المحفوظ دعا بدم هر روز هزار بار گناه کند

و در چهل و یکبار این دعا بخواند الله به بهشت برود حضرت

گفت این دعا کدام است ابلیس لعین ناپدید

شد حضرت پیغمبر متفکر شد جبرئیل علیه السلام همان ساعت رس

گفت یا رسول الله الله تعالی ترا سلام میرساند و میگوید که ابلیس راست میگوید اگر

قبل از چهار صد هزار سال و ابلیس خواند دعا از دل او فراموش خواهد کرد حضرت

پیغمبر صلعم گفت این دعا کدام است جبرئیل فرمود دعای محفوظ این

بسم ال

بسم الله الرحمن الرحيم سبحان
الله الملك الجبار سبحان الله
الواحد القهار سبحان الله الكبير 158
المتعال سبحان الله خالق الليل وا
لنهار سبحان الذی لم یزل ویکون ولا یزال
شدید المحال سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم وصلی الله
علی خیر خلقه محمد واله اجمعین

اسناد دعا گنج گنج حق آورده اند بروایتی امیر المومنین علی علیه السلام

روزی رسول صلی الله علیه وسلم در مسجد نشسته بود جبرئیل بیامد و ابن

دعای گنج از حضرت رب العالمین بیاورد و گفت یا رسول

الله صلی الله علیه وسلم حق سبحانه و تعالی ترا سلام میگوید و

بعد از سلام تحفه درود میفرستد و میفرماید یا محمد صلعم این پنج گنج را ادا [امیرالمومنین]

علی عم تا توفت مصاف کردن بر کافران در حمایل خود بدارد در وقت

این جنگهای کافران را هزیمت نماید و اسلام آشکار بود جبرئیل علیه السلام

چون فرمان رسید باز گشت محمد رسول الله صلعم علی را طلبید و گفت یا علی

حق سبحانه تعالی بجهت ثواب هدیه فرستاده که هیچکس نفرستاده

مگر تو با حمایل خود بدار دو علی عم این پنج گنج پیوسته در سر نهاده چون

در کافران برفتی و این پنج گنج را در حمایل خود کردی مظفر و منصور گشتی

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت هر کرامت من این پنج گنج را خود بدارد

هر کجا که برود صحت و سلامت در حفظ و امان باز گردد و همه مطیع و فرمان بردار

با کرد

باشند و در میان صفها باهیبت باشد و اگر صد هزار دشمن باشد همه دوست

او شوند و اگر در سفر و حضر رود و سلامت باز گردد با عزت بسیار

نگاه دارد با عظمت برود کار معاینه کند و اگر

شکی باین دعا بیارد کافر گردد و در دوزخ

رود و دعاء پنج گنج اینست گنج اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاُفَوِّضُ

اَمْرِيْ اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ

وَاَسْتَفْتِحُ بِاللّٰهِ مَاشَاءَ اللّٰهُ لَاحَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ

الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ شَهِدَ اللّٰهُ قُلْ هُوَ اللّٰهُ

اَللّٰهُمَّ اَجِرْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِيْ لَا يَنَامُ وَ

ارحمنا بفقد ربك كنج دويم

بسم الله الرحمن الرحيم

وتفضل علينا من فضلك والس

علينا من رحمتك وانزل علينا

من بركاتك واعوذ بك منك

عن جارك وجل ثناؤك ولا ال

غيرك والله ولى التوفيق كنج سيو

بسم الله الرحمن الرحيم

ومن اراد بسوء فرده ومن كاد

بكيد فكده ومن بغى علين

فاهلكه رب تقبل توبتى واغ

حَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي يَا اَمْنَ

الْخَائِفِينَ كَنج چهارم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا عِنْدَكَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا ١٨٥

مِنْ اَيْدِينَا مِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ اَيْمَانِنَا

وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَبَارِنَا مِنْ ظَلَمَنَا

وَانْصُرْنَا عَلَى عِبَادِنَا وَلَا تَخْذُلْنَا

وَتَقِيْنَا وَمَوْلِيْنَا كَثِيرْنَا كَنج پنجم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ شَاهِدْنَا غَيْرُنَا هَدَيْت

يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدِنَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ

يَا خَالِقًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا رَازِقَنَا

غَيْرَ مَرْزُوقٍ وَيَا مَعْبُودُ غَيْر

عَابِدًا وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَة

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای این حفظ

هر که این دعا را بر پاره نان بنویسد و هر صباح به نهاری بخور

بتوفیق حافظه هر چه بخواند یاد گیرد با این ترتیب روز شنبه

فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ روز یکشنبه

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا روز دوشنبه

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى روز سه شنبه اِنَّ

يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى روز چهارشنبه

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِ

ادر

روز پنجشنبه إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

روز جمعه فَاِذَا قَرَأْنَاهُ وپیغمبر فرمود صلی الله علیه وسلم

161 بدرستی که مرکب را نود و نه حرب است و هر حربه بزرگ

تر از نود و نه زخم کردن بشمشیر پس هر که خواهد سلامتی

از آن پس بعد هر فریضه نماز این دعا بگوید دعا اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لِكُلِّ هَمٍّ

وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَلِكُلِّ كَرْبٍ

لَازِمٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلِكُلِّ

ذَنْبٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَلِكُلِّ ضِيقٍ

حسبی الله ولکلّ مصیبةٍ انّا لله

ولکلّ نعمةٍ الحمد لله ما بی من

رحمةٍ فمن الله ولکلّ رخاءٍ

الشکر لله وکلّ عجوبةٍ سبحان الله

ولکلّ قضاءٍ وقدرٍ توکّلت

علی الله ولکلّ طاعةٍ ومعصیةٍ

لا حول ولا قوّة الا بالله واقول

لکلّ رغبةٍ ورهبةٍ اللّهمّ صلّ

علی محمّدٍ وعلی من ولاه

دعای وصیت خواب است نقلست از سلمان فارسی که پیغامبر علیه السلام گفت

که مولانا شیخ الاسلام برهان الدین مرغینانی رحمت الله علیه

در

در شهر سمرقند و سال سنه ثمان و تسعین و خمسمائة

پیغامبر صلعم در خواب دید که می آید و علما در خدمت پیغامبر صلعم

162 دستار خود بسته و متابعت کردی شیخ الاسلام پیش رفت و سلام

بگفت و سوال کرد ای پیغمبر خدای واقعه ازین صعب تر

چیست که هر روز چندین هزار امت من از دنیا بحسرت می آیند

از ایشان کسی ایمان را با خود نمی آرد شیخ الاسلام در پای مهتر

عالم افتاد و گفت تدبیر چیست مهتر عالم گفت تدبیر آنست که اولاد امت

میگویم تا از کسی میان ایشان که این دعا تعبیر بیاموزد تا هر کس این دعا خواند ایمان را بسلامت ببرد و کاغذ

پس شیخ الاسلام چون از خواب بیدار شد بخط سبز نبشته دید دعا وصیت تعبیر خواب آیت

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلك بعزتك یا عزیز

وبقدرتك يا قدير وبحمدك

يا حميد وبحكمتك يا حكيم

وبرحمتك يا رحيم وبعظمتك

يا عظيم وبعفوك يا عفو

وبفضلك يا رحمن وبمنك

يا منان ان تحفظ على الايمان

في آناء الليل واطراف النهار

قائما وقاعدا وراكعا وساجدا

ايقظانا ونائما حيا وميتا وعلى كل

حال برحمتك يا ارحم الراحمين

استغفار كبير * بسم الله الرحمن الرحيم

استغفر

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِىْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَىُّ
الْقَيُّوْمُ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ 103
وَاَتُوْبُ اِلَى اللّٰهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
مِنْ جَمِيْعِ مَا كَرِهَ اللّٰهُ مِنْ قَوْلًا
وَفِعْلًا وَخَاطِرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّىْٓ اَسْتَغْفِرُكَ
لِمَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا
اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ
اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَاَنْتَ
عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْٓ
اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ

الَيكَ ثُمَّ عُدتُ بِهِ وَاستَغفِرُكَ

بِمَا اَرَدتُ بِهِ وَجهَكَ فَخَالَطَه

بِمَا لَيسَ لَكَ فِيهِ رِضًا وَاَستَغفِرُكَ

لِمَا عَدتُكَ بِهِ مِن نَفسِي ثُمَّ

اَخلَفتُكَ وَاستَغفِرُكَ لِمَا دَعَا

اِلَيهِ الهَوٰى مِن قَبُولِ الرُّجسِ مِمَّا

اشتَبَهَ عَلَيَّ وَهُوَ عِندَكَ

حَرَامٌ وَاستَغفِرُكَ مِنَ النِّعَمِ

الَّتِي اَنعَمتَ بِهَا عَلَيَّ فَتَقَوَّيتُ بِهَا

عَلَى مَعَاصِيكَ وَاستَغفِرُكَ

مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَعرِفُهَا

عنر

غيرك ولا يطلع عليها سواك
ولا يسعها الا حلمك لا ينجيني
منها الا عفوك واستغفرك ۱۸۸
لكل يمين سلفت مني فحنثت
فيها عندك وانا ماخوذ بها
واستغفرك لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين
واستغفرك يا عالم الغيب و
الشهادة من كل سوء عملتها في
بياض النهار وسواد الليل وفي
خلاء وملاء وسر وعلانية

وَأَنْتَ نَاظِرٌ اِلَىَّ اِذَا رَكِبْتُهَا وَ
اَتَيْتُ بِهَا مِنَ الْعِصْيَانِ يَا حَكِيمُ
يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ
يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّى
كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِينَ وَاَسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ فَرِيضَةٍ وَجَبَتْ عَلَىَّ
فِى اٰنَاءِ اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ
فَتَرَكْتُهَا عَمْدًا اَوْ خَطَاءً اَوْ نِسْيَانًا
وَاَنَا مَسْئُولٌ بِهَا وَاَسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَنَبِيِّكَ

محمد صلى الله عليه وسلم
تركتها غفلة وسهوا وجهلا و
تهاونا وجرءة وقلة مبالات 165
بها وانا معاقب واستغفرك
لا اله الا انت سبحانك انى كنت
من الظلمين واستغفرك
لا اله الا انت وحدك لا شريك
لك سبحانك رب العلمين
لك الملك ولك الحمد ولك الشكر
وانت حسبنا الله ونعم الوكيل
نعم المولى ونعم النصير غفرانك

ربّنا واليك المصير ولاحول
ولا قوّة الّا بالله العلي العظيم
وصلّى الله على خير خلقه
محمّد وآله اجمعين بعدد
من صلّى عليه من لم يصلّ عل
برحمتك يا ارحم الرّاحمين
دعاء قرثيا بسم الله الرّحمن الرّحيم
قرثيّا جلّا وملّا ديوبيثا
تثوبّا شهويّا ثموثلثيّا ازرطا
ازرطيّا طوطنطا طوطيّا
طوطانيّا اهيّا اشراهيّا قرمهيّا
هلا

هلا مهنا هلملهيا هرجوا هرابيل اطوائيل
حمبطائيل خسروائيل دومنائيل
اشروقيا اشروقرائيل اسنجائيل 166
اهرائيل واغلائيل واكوائيل
طوسوسائيل روقائيل
خموزرعائيل تبقثائيل
قرقائيل مهرائيل بركتائيل
ترتائيل بوريائيل شقتس
رهائيل مدكائيل
ميكائيل سركتائيل
اه واه وايه تمسو اسكو ا

بحر وائل منطو دائل

منظره مشغوده مجزوده

برغا تفر غاماأش

اربلیش اون اره وراید

مشیائل اکنمهائیل

هبائل صودزوائیل

نورائل دردائیل

شهنائل

حمهائل

بطمطائل سخطائل

روحائل

منـ

منظري يزوما

برو ما ازرمائل

انكذي انكذئ

ترمائل انهر ثائل

انها مي

تليثا تبيثا

مكوبتا

شهطرچسا

شهطرثايه

اهلي

ومالي وولدي

بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ
وَبِحُرْمَةِ
لَبَرَّنَ
وَكِرَامُ الْكَاتِبِيْنَ
اَنْ تَقْضِي
حَاجَتِي
يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ
وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِيْنَ
بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ

ابسم

168

بسم الله الرحمن الرحیم هرکه یکصد یازده الف بنویسد

شب جمعه و باخود دارد و در نظر پادشاهان محترم باشد

و دل او روشن گردد و حاجت او روا گردد و در محل

نوشتن این اسم بخواند یا سبحان الله هرکه دوازده ب

بنویسد روز یکشنبه در زیادتی ماه اگر کسی قاهر و متکبر باشد

و مردم از و در آزار باشد و خواهند که رحیم دل شود در مقام

او دفن کند آن صفت ها از و زایل شود اگر بدین نوع

بنویسد و باخود دارد به نیت هرکه دوست او شود اگر

بنویسد در کاسه چینی و بخورد بیمار دهد شفا یابد اما در محل

نوشتن این دو اسم بخواند یا حی یا رحمن هرکه چهارصد

ده ت بنویسد روز چهارشنبه در غروب آفتاب

و بخورد دل کوری را ابر دو حفظ راز یاد کند و هر چه بیاموزد

فراموش نکند اگر با خود نگاه دارد دشمن ایمن باشد

در وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا قیوم یا احد

هر که پانصد و ده ش بنویسد روز سه شنبه وقت زوال

از دیوار خانه رو بقبله بیاویزد در کارها ثابت قدم گردد

اگر زن و شوهر جنگ کرده باشند بر کاسه چینی نوشته

و بخوانند صلح افتد در وقت نوشتن این دو اسم

بخواند یا دایم یا صمد هر که پنجاه ج بنویسد در وقت

طلوع آفتاب زبان بدگویان بسته شود و بر دشمنان

ظفر یابد و حاجتش روا شود اگر از عمل دور افتا

عمل و حرمتش دراز گردد و در وقت نوشت

بخواند یا باری یا کریم هر که هژده ح بنویسد در شب
پنجشنبه که راه طریق باشد و با خود دارد سحر بروی کار نکند
و چشم بد و رنج نه بیند و روزی یابد اگر به مشک و زعفران
بنویسد و در حریر پیچد و در موم سفید گیرد و در زیر دندان نهد
البته ارواح را به بیند در وقت نوشتن این دو اسم بخوانند
یا باری یا زاکی هر که ششصد و ده خ بنویسد و در خانه
خالی روز یکشنبه آخر ماه در خانه خود جای پاک دفن کند
هر مرادی که در دل دارد زود برآید اگر در دست ظالمی گرفتار
باشد خلاص یابد اگر از جای بلند آویزد به بام دشمن آن دشمن
هلاک شود در محل نوشتن این دو اسم بخوانند یا کافی یا تقی
هر که پنج دال بنویسد در جای خالی در نیمه شب چهارشنبه

کر مردم در خواب باشند بمشک و زعفران بنویسد

و با خود نگاه دارد دوست و دل او گشاده شود در نظر

خلایق باحرمت باشد و اعتبار کار روی کنند قرض وی

ادا گردد در محل نوشتن این دو اسم خوانند یا حنان یا منان

هر که هشتصد و شصت و یک ذ بنویسد در روز شنبه

بوقت طلوع آفتاب در مسجدی که نماز میکنند از ند دفن

کند به نیت امانت اگر مال او در دهن اژدها باشد

در حفظ امان خدا تعالی باشد تا وقتی که باز رسد در وقت

نوشتن این دو اسم بخوانند یا دیان یا خالق هر که ست

و یک د بنویسد در شب دوشنبه که ماه روشن با

در بغار بگیرد و با خود نگاهدارد اگر عاشق باید محبوب با

و مراد او زود بر آید و در نظر سلاطین و اکابر عزیز باشد

و از همه بلاها ایمن باشد در وقت نوشتن این دو اسم

بخواند یا رحیم یا رحمان هر که هشتصد و ده ز بنویسد

در وقت غروب آفتاب در گورستان گفته متعارف

محبوب بروی کشف شود و زود بدولت رسد در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا حلیم یا مجید هر کسی

شش شش بنویسد در روز چهارشنبه بحمام رود آن

شستن ها را بشوید و آب آن بر سر ریزد روزی روی

گشاده گردد اما باید پاک باشد در وقت نوشتن

این دو اسم بخواند یا حمید یا عزیز هر که نود و پنج ص بنویسد

در کاسه چینی بمشک و زعفران و [illegible] دهند که او را

بسته باشند در حمام بشویند و بر سر ریزد بخت او گشاده
گردد اگر در میان دو لشکر جنگ بود بنویسد و برابر دشمن
بدارد آن جنگ بصلح بدل گردد و اگر در میان مصحف
نهد به نیت هلاک دشمن آن دشمن هلاک شود
در محل نوشتن این دو اسم بخواند یا قاهر یا قریب
هر که هشتاد و پنج ض بنویسد در شب شنبه و بر چوب
انار بندد و بانند علم در خانه خالی در دیوار مقابل قبله
فرو برد هر چه در پیش مردم داشته باشد باز دهند اگر در میان
مصحف عزیز گردند در وقت نوشتن این دو اسم
بخواند یا مذل یا قوی هر که نوزده ط بنویسد در شب
جمعه بمشک و زعفران در زیر سر نهد عزیز گردد و حضرت رسالت
پناه

۱۶۱ پناه را صلی الله علیه وسلم در خواب ببیند اگر بخورد نور
دل پیدا کند اگر بر بوطی بخورد گشاده گردد اگر بر شمشیر
نقش کند هر جا که زند کار گر آید اگر به نیت دشمن در
میان مصحف نهد دشمن هلاک گردد اگر با خود دارد
در نظر پادشاه عزیز شود در نعمت و روزی بر وی فراخ
گردد و بهر نیت که بنویسد بمراد برسد در وقت نوشتن
این دو اسم بخواند یا عالی یا قدوس هر که نهصد
وده ظ بنویسد در شب جمعه بر کاسه چینی و بخورد
شفا یابد اگر بنویسد با خود دارد بهمه مراد برسد در
وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا محمود یا کریم
هر که سیصد و ع بنویسد روز پنجشنبه با خود دارد

مشهور عالم گردد مانند آفتاب و ایمان کامل روزی

گردد در وقت نوشتن این دو اسم بخوانند یا مُعینُ

یا علی هر که پانزده غ بنویسد روز جمعه و با خود دارد

هرگز محتاج خلق نگردد و زبان بدگویان بر و بسته گردد

در محل نوشتن این دو اسم بخوانند یا عظیم یا عجیب

هر که نود ف بنویسد روز چهارشنبه و با خود دارد

مرادات دنیوی و اخروی او حاصل گردد در وقت

نوشتن این دو اسم بخوانند یا غیاث یا مُغیث

هر که هزده ف بنویسد با خود دارد و جمیع مطالب

برسد و از بند و زندان خلاصی یابد در وقت نوشتن

این دو اسم بخوانند یا ملک یا مُبین هر که یکصد

دیل

162

ویک ک بنویسد و با خود دارد از همه بلاها امین باشد

در فتح بروی کشاده گردد و بهمه مرادها برسد و همه وقت

میتوان نوشت در محل نوشتن این دو اسم بخواند

یا غفور یا شکور هر که نود م بنویسد روز جمعه پیش

از طلوع آفتاب و با خود دارد بهمه مراد برسد اگر در

باغ یا زراعت بیاویزد هیچ آفت نرسد و هر که با خود

دارد در نظر مردم عزیز باشد در محل نوشتن این دو

اسم بخواند یا خالق یا محیط هر که بکصد و شش ن

بنویسد در شب سه‌شنبه و با خود دارد و از همه آفتها

امین گردد و هیچ چیزی بروی پوشیده نماند در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا حلیم یا شکور هر که نود و ده

ه بنویسد با خود دارد همه علمها بروی کشف گردد

و همه مرادها او حاصل گردد در وقت نوشتن این

دو اسم بخواند یا کبیر یا هادی هر که بیست ی بنویسد

و با خود دارد در هر وقت که باشد بهمه مراد برسد در

وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا سلام یا دائم

چون بنای این باب بر وضع این است که اشتهار یافته تا چار مفردات

را در اوائل کلمات نیز ترتیب داد و فایده در ینجا

منظور داشت چنانکه مذکور میگردد و بدانکه حروف

عبارت است از بیست و هشت حرف و یک

حرف خلاف است که لام الف باشد و بعضی آنرا

از حروف مفرد میدانند زیراکه حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه واله وسلم فرمود که بیست ونه حروف از
حرف دعای مستجاب است والا که آنرا از مرکبه شمرده
اند گویند که هر حرفی عددی موضوع است از برای این حرف
بهیچ عدد موضوع نیست وکلمات سبعه ومعانی او ابجد
ابتثج یعنی پاک ومنزه است وخدای احد از زن
وفرزند وخویش وبهو لبد نزاد ونه میرد ضظغ بر همه
پاینده وباقیست غضق بر همه غالب کلمن دانا
وتوانا هلا یا آفریده اشیا این گویا وضع علما است حرف
کثیر هم آمده باشد بر خلاف دایره ابجد که درین خلاف
است بعضی برآنند که ترتیب آن وضع الهی واز آسمان
بدین ترتیب نازل شده وبعضی گفته اند که این وضع را

حکیمی از حکمای یونان ترتیب داد و او را هشت فرزند

داشت موسوم باین هشت کلمه و او را اقدم الهی گویند

بسم الله الرحمن الرحیم **صفت شیر** چنین گویند که شیر از

موش بترسد و دیر بر آید و گروهی گویند که در همه عمر خود

یکبار بیش تر آید و هم باشد که مورچه آنرا بخورد از خوردی

و لطافت که دارد و شیر عالی بود همت اگر در راه باکسی

برابر افتد آنکس از و خواهد بسلامت بگذرد و هیچ آزاری

بوی نرساند گویند اگر شیر با پلنگ جفت بود نر حاصل

شود و پلنگ نیز با شیر ماده جفت شود و پور حاصل شود

مانند اشتر بود شیر از درخت لوس مهر ... شود

شیر نر با سور نهند درست شود اگر بر سوخته نهند به شود

اگر پیه بر خود مالند شیر با او نگیرد و اگر زهره او در چشم کنند در جمیع عمر

چشم درد نکند اگر زهره بخورند دلیر شود و خونخوار شوند اگر زهره

شیر و زهره گرگ با خود دارند بچشم خلایق عزیز و محترم باشند

اگر دندان او با خود دارد دلیر باشد اگر چنگال او از جایی

بیاویزد دد و دام گرد آن خانه نگردد اگر موی او زیر جامه او نهند

تب سه روزه دود کند سود کند و اگر در خانه نهند پشه در آن

نباشد اگر کسی گوشت شیر بخورد دلیر و نامدار گردد اگر بر روی

پوست بنشینند از پشه و کیک ایمن باشد اگر مغز او در

با نیق بگذارند در گوش چکانند کری ببرد اگر سرگین او

در شراب بسرشته بخورد کسی دهند دیگر نام شراب نبرد صفت

فیل جالینوس گوید هر که یک هفته هر روز یک درم پیه

فیل بخورد بغایت فربه شود اگر زهره او خشک کند و ببینند

در چشم کشند سفیدی چشم را ببرد اگر چه کهنه باشد اگر استخوان

او در گردن گاو بندند هیچ دد بگرد او نگردد اگر لحم گوشت آن را

در شراب کشند و بخورد کسی دهند صد ساعت بخواب

رود اگر زنی کف دهان فیل بردارد آبستن نشود اگر

ناخن فیل خداوند باسور زیر خود دود کند سود دارد اگر

سرگین او بر اندام مالند جنده بگریزد اگر در خانه دود کنند

موش و دیگر جانوران بگریزند صفت **پلنگ** بسیار بگیرد

بود اگر جانوری بالای سری خود بیند قصد او کند اگر دریا بیند

البته هلاک کند پلنگ از سایه آدمی ترسد الکوانه خر

لب باید دور گوشت باشند چون پلنگ و تور بخورد

اگر گوشت او بخورند فربه و دلیر شوند اگر گوشت او خشک کنند
باز بهم بزنند در جراحت نهند سود دارد اگر پوست آن بگیر
بندند با هر که مناظره کند ظفر یابد اگر ناف با خود دارند سگ
بران بانگ نکند و چشم زخم بوی نرسد مغز سر او زهر است
خشک کنند و آب غوره بر بهق مالند سود دارد و اگر مغز او
کنده هر که بوی شنید هم هلاک باشد گویند پلنگ را
دو مغز است یکی زهر است یکی سفید آنکه زهر نیست با عطر
بیامیزد و با خود دارد مردمان مطیع او شوند چنان توان داشت
که هر دو نهند بر کدام مگس بران نشیند و ز هر چیز دیگر
است و اگر پیه زهر بود و اگر موی او در خانه دود کنند کژدم
بگریزد و اگر پیه او دود کنند خاصیتها است اگر مغزش در پا بمالند

هرکز نترکند صفت یوز اگر زهره یوز در جای بمالند پر مار از نر
باشد در حال بسته شود درد فرو نشیند اگر کوشت یوز بر بیند
و بخور بند نقرش گوشتش را سود دارد اگر بچه یوز در خانه زیر زمین
دفن کنند موش در ان خانه نرود و موشان تمام
بگریزند اگر دندان او با دندان موش لب بیند نیز بود
سرکین پلنگ ماده را بخوبیند در میان آن حریر بایند
بر مثال عنبر سفید زرد اگر بر سر زبان نهد یوز و دهر که با خود
دارد او را فرزند نشود و خانه نکرد و یوز جانوری نیکو روی
زود باد می خو کیرد بول یوز در کوش چکانند کری ببرد
اگر زنی بول یوز بخورد یا بر دارد آبستن نشود اگر بیضه یوز
دود کنند و بر دست با مالد بر یابد اگر سرکین یوز دود
دوان

176

موشان بگریزند صفت **سیاه گوش** چنین گویند اگر
مغز او با آب گشنیز در چشم مالد کرا عشا بود دست باد
پیدا شود ببرد اگر جگر سیاه گوش بریان کنند و خورد
نباید و بانمک در بن دندان کند کرم بیخ دندان پاک
شود و دندان سخت گردد اگر گوشت او کسی بخورد فربه شود
اگر گوشت او کسی بخورد فربه شود اگر گوشت او کسی با خود دارد
در میان مردم با شکوه باشد و شجاع گردد اگر مغز او بگدازند
و با روغن زیبق در جایگاه مالند که باد گرم باشد به شود اگر استخوان
او خشک کرده با عود زیر کسی که مسخر کرده باشند دود کنند
منفعت کند اگر دل او با شیر بخورد کسی دهند محب وی بکوند
و زبانش نیز همین خاصیت دارد صفت **گرگ** بغایت

مکار باشد چنانکه ده فرسنگ بسوی کوهند رود واز خاک

بترسد چون بیدار باشد اگر زنی بیشاب بروی کمر گرگ

کند دیگر آبستن نشود اگر ستوری پای بر استخوان گرگ

نهد لنگ شود اگر دندان گرگ بر گردن کودک بندد د

از صرع ایمن باشد اگر دندان پیش گرگ در روغن افکنند

تا چهل روز بعد از آن روغن بر قضیب طلا کند عجایب

بیند اگر در خود مالد در میان مردمان باشکوه باشد اگر دندا

گرگ با دندان کودک مالد بید رو برآید اگر با خود دار

سگ بر آن بانگ نکند اگر در پوست شیر دوزد در گردن

اسب بندد از جمله اسبان باشکوه تر و با قوت تر باش

اگر کسی خواهد که کسی از اسب بفتد دندان گرگ ر

از

در زیر زمین خاک کنند چون بدانجا رسد از آب

١٦٦ بیفتد اگر چشم راست گرگ با خود دارد از همه کس

بیم نکند اگر بر گردن کودک بیاویزند شب نترسد

اگر دیده او با آب غوره کوبند و در چشم کشند تاریکی

ببرد و آب رفتن باز دارد اگر گوشت وی بخورد

بسیاردان شود اگر پوست او زه کمان سازند چون

تیر اندازند هر کمان که آنجا حاضر باشند زه بگسلانند اگر از پوست

او کمر سازند و در میان بندند قولنج بگشاید و دلیر شود اگر خون

او بخورند قوی دل و دیوانه شکل شود اگر استخوان گرگ در

گردن گوسفند پیش رو گله بندند گرگ از آن نواحی بگریزد

اگر پیه او در دست و پای مالند سرما باز دارد اگر در دست

مالند و دست و بر سینه زن نهند که در خواب باشد

و گویند که مرا از فلان کار خبردار کن بقدرت خدا تعالی

در سخن آید و بگوید سرگین گرگ خداوند قولنج با آب به

آشامد منفعت یابد و خداوند صرع را نیز سود دارد اگر سرگین

گرگ در پوست باره کنند و با خود دارند از ترس بر

اگر قضیب گرگ خشک کرده در وقت مجامعت

قدری با آب دهن تر کند و بر قضیب مالد و با هر زن که

جمع شود مطیع او گردد و در یک مجلس را نخواهد اگر چنگال گرگ

بر بالین کودک نهند در شب نترسد اگر زهره او خشک

کنند و با گندم لب بندد و بر جراحت نهند سود دارد اگر

او با روغن یاسمین بگدازند و بنام آنکس که خواهند بران مالند

مطیع

178

مطیع و فرمان بردار شوند اگر بر زر کر طلا کند نیز جمع شوند آتش

شود اگر خایه گرگ بگدازند و نمک در آن آمیز باشد هر کرا

درد پهلو باشد مثقال از آن بخورد شفا یابد اگر در روغن

زیت بجوشانند و در قضیب مالد و با زن مجامعت کند

هرگز دیگر کس را نخواهد اگر کعب گرگ بر نیزه بندند بر

دشمن ظفر یابد اگر دم گرگ در دهی دفن کند هیچ گرگ

دران ده نرود اگر زبان گرگ در پوست پاره دوزند

بر کودک بندند صرع برود صفت **خوک** چون خوک زخم

دار شود در آب رود به شود اگر کسی را مار گزیده باشد

پیه و جگر خوک و بدان بخورد صحت یابد و اگر با خاک بدو

عسل بیامیزند و کسی بخورد هرگز بول نگیرد اگر خوک بول کرده باشد

خداوند صرع باخود دارد و نفع کند اگر پیه خوک در خانه کس

مالند دران خانه عداوت پیدا شود و دوشمنی پدید آید اگر در

سم اسپان مالند که سا ئیده بود و به شود اگر در پوست و پای

رما برده مالند به شود اگر سرکین خوک در زیر درخت

بادام تلخ یا زردالو که دانه او تلخ باشد چنانچه بوسه در خت

برسد چون بار دهد از ان شیرین باشد اگر موی خوک

در ورق زر پیچند هرکه با آن باشد در خواب رود و بیدار

نشود اگر استخوان آن در کرباس بندند در گردن خداو

ربع آویزند به شود اگر سر خوک در جائی دفن کنند در ان

مقام هرکه بخواید خوابش نگیرد صفت خرس چنین

گویند که خرس جانوری باشد قوی اگر بر اندام وی

بید اشود و چندان بکاود که بزرگ گردد و خود را هلاک کند

اگر کسی پیه خرس بخورد بغایت فربه شود و اگر خداوند ناسور

و نقرس بر روی پوست بنشیند سود دارد و اگر پشش او

بر دندان کودک مالند بیدرد بر آید اگر کسی دو چشم خرس

بر کتان نهد و در بازوی مالند و ببندد و تب ربع ببرد

اگر دندان خرس که آنرا البحر نسبت کرده اند و آزموده

دارد اگر کسی در شب سازی نوازد بباید و گوش کند

حیوان ناتوان و رنجور شود گوشت یک خورد صحت یابد

از جمله خواص آن آنست اگر کسی پاره گوشت از اندام او

باخود دارد بهر کجا رود گرامی و عزیز باشد و اگر دندان او بر کودک

که در جامه خواب بول کند ببندد سود دارد و اگر دندان راست

[illegible] صفت کفتار [illegible]

آن بانگ شاخ ماهی او در طرف دندان که درد میکند

بیاویزند سود کند اگر با خود دارد سگ بران بانگ نکند

اگر خداوند ناسور بر پوست وی نشینند سود دارد اگر ز

او در چشم کشند در روشنا ند اگر نیم دانگ بخورد زنی

شهوت او برود و طلب مرد نکند اگر بر خود مالد از وی

اندام ببرد اگر سرگین کفتار بکبوتر خانه نهند کبوتر در انجا بسیار

شود و سر کفتار در جائی در زیر خاک کنند هر چهارپای که

او را درد شکم بود چون بدانجا رسد به شود اگر دست راست

او در زندگی ببرند هر که با خود دارد و بستنها که او دغر بر باشد

اگر پیه کفتار با خود دارد از خشم ملک ایمن باشد اگر کسی

را انفعال باشد کفتار را دست ببرد در آن آب تشنه

او

شود کند اگر گوشت کفتار بخورد فربه شود اگر موی
کون کفتار را بسوزند و با روغن زیت خالص در کون مخنث
مالند آن علت برود اگر قضیب کفتار در سایه خشک کنند
و بخورد زن دهند البته آرزوی جماع کند اگر فرج کفتار با
خود دارد البته همه کس آنرا دوست دارند صفت **گوسفند**
اگر دندان گوسفند را بسوزند و با آب شست بیامیزند و انجا
که موی رفته باشد بمالند موی برآید اگر پیه گوسفند با روغن
زیتون بجوشانند و جاییکه افتاده باشد در روی او هر جا که باشد
بر روی مالد پاک شود اگر زهره گوسفند که فربه باشد بر قضیب
طلا کنند در وقت مجامعت لذتی عظیم یابد و زن بر
وی عاشق شود اگر زهره گوسفند با آب آلوی سیاه و نمک

بخورند هر کز و نبال ... بسیار دوا اگر با عسل بیامیزند و بر سر

آعضا مالند همین خاصیت دارد اگر آب در گوش رفته

باشد در گوش چکانند بیرون آید اگر زهره گوسفند و بناله

بادانجان با هم خورد ساید و با اندک شکر معجون و مقداری بخورد

نهار شتابکام بالد چند الی که خواهند قی کند اگر خواهند که بسته

شود آب کاسه و ... که بخورد و بار ایستد اگر زهره گوسفند

خشک کند و ساید و در چشم کشد تاریکی را ببرد اگر جگر گوسفند

بریان کند و بخورد طبع را سخت کند و قوت دهد امیر المومنین

علی علیه السلام فرمود که هر کس چهل روز گوشت گوسفند

متصل بخورد دلش سخت شود و چشمهایش تاریکی پذیرد

خبر کسی بد باشد و مردم گرم مزاج بوقت گرمات ...

بو...

181

پیوسته گوشت خوردن اگر روغن بادام و کرم در بینی
چکاند درد شقیقه برود اگر کسی خواهد که موی ها او بلند شود بریزد
روغن بادام خالص گشنیز خشک گرم بجوشاند بعد در موی مالد
نافع خواهد بود و هر که کچل بود سر او پاک بشوید و کنجد در روغن در
آن مالد یک هفته شوره پاک شود اگر بستر مالد خون مرده از
وی برود و آنگاه روغن بادام خالص و گشنیز خشک کوفته
در سر همی مالد که موی بر آرد اگر کچل کو سفند با روغن در بن ها
بند بندد درد بنشاند اگر کسی را جانوری بگزد کچل با مغز فندق
بکوبد در آن مالد درد ساکن شود اگر چشم گوسفند بسوزند
با روغن زیت رسید بر جراحت ببندد درد ساکن شود
و نافع بود اگر جراحتی باشد که خون باز نماند شکنبه گوسفند

و باحریره ببرد بران جراحت نهد و دست بران نهد خون

بازدارد اگر کسی را قضیب سست شده باشد گوشت

رمه ران گوسفند بادیه و بیارد و بخورد خود گرفته سازد و

چند روز بخورد قوت دهد و شیر گوسفند گرم و نرم است تقیح

دارد و باد شکند اگر خواهد که قضیب او بزرگ شود چند

نوبت شیر بمالد اگر شیر گندیده بود بهتر است اگر شیر میش

با مغز پنبه دانه درهم آغازد و بروغن موز درآمیزد و بر سر کشد

موی سیاه و دراز گردد اگر شیر میش غرغره کند آواز بک

و صاف شود اگر نقرس باشد از پای خون بستاند پس

پنبه میش پزد و آرد میده و سفیده خایه مرغ و روغن گا

درهم آمیزد و بر نقرس بندد به شود اگر شیر میش با نمک

دالقر

بر قضیب مالد بزرگ شود اگر شیر میش بها با شکر طبرزد و

182

کتیرا از هر یک پنج درم بکوبد و با شیر گرم کنند و ناشتا بخورد

سرفه کهن ببرد اگر فربهی خواهد لسان بره خردل چهار درم و در شیر

میش بجوشاند و به روغن و شیره بز ده هر روز چندانکه تواند بخورد

فربه شود و آزموده است صفت **بز سفید** اگر سر بز سفید بسوزانید

در کتان پارچه بندند و در زیر سر خفته نهند تا برندارند بیدار نشود

اگر زنی دشوار زاید سر بز بدست گیرد یا بدندان نگاه دارد

آسان بزاید اگر کف دهان بز دوست باشد بخورد که

دهند از هوش برود اگر ریش بز کهن بر تب ربع

بندند برود اگر شب کور باشد زهره بز بستانند و آب

بر آن زنند تا نم گیرد دار فلفل سوده بر وی افگنند و در چشم کشد

شب کوری ببرد اگر زهره بز با آب پودینه و گلاب بسایند

و در چشم کشد ببرد و زهره کشف با نوشادر بر جای طلا کند

موی ببرد و دیگر موی نروید جگر بز سرخ بر آتش نهند تا آب

از آن بیرون آید و فلفل سوده در آن کشد و در چشم کشد

شب کوری ببرد جگر بز سیاه با پیه بریان کند و بخورد شکم

راندن بازدارد اگر کسی را بردم کند خون بز کشف در بینی

چکاند خون رفتن بازدارد و گوشت بز در هوای گرم

مردم گرم مزاج را سود دارد گوشت بزغاله لاغر همه علت است

اگر کسی جلاب خورده باشد و کار نکند گوشت بزغاله خورد

کار کند و شیر بز و زهره بز و انگبین برابر هم بیامیزد و بزد کر مال

با هر کرجاع کند از و شکیبد اگر شیر بز با روغن بز در هم کند

۱۹۹

داروهای قاتل بروی کار نکند اگر پیه بز خورد طلب آید چنانچه بهم

شود و بچشم بز سیاه بسوزانند و خاکسترش با روغن بیامیزند

دلیل را خون از بینی رود ببندد خون نیاید موی بز سرخ و زهره

مرغ و موی زنان و علک و کندر و مقل هندی در هم آمیزد و فتیله سازد

در چراغدان سبز بر افروزد و بنام هر که خواهند حاضر شود اگر دم

بز سیاه را باید خشک کند تا آب بیامیزد و بر بهق مالد چند نوبت

زایل شود صفت اسب اگر پیه اسب بر دنبل یا ریش

نهند زود نرم شود و ریش بدید آید اگر تیغ را بخون اسب تر

کنند مقابل زهر بود و بهر چه زنند جان نبرد اگر خون او در خمیر

کنند و زن آبستن بخورد بچه افکند اگر خون اسب با دیگ

بر پهلوی صاحب سپرز طلا کند سپرز برود اگر عرق اسب با

183

که در د کتد کشد به شود اگر موی بز در خانه دود کنند بار د

حشرات از آن خانه بگریزد اگر موی خر

شراب بخورد زن آبستن دهد بچه بیفکند گوشت اسب

گرم و نرم است شکم را نرم کند و قوت معده دهد و آب پشت

بیفزاید و زنان آبستن را منفعت دهد ولیکن اسب

جوان و فربه باشد اگر سم زیر خود دود کند خاشاک از دی

بیفتد اگر سم اسب بسوزانند و با روغن زیت بر معده مالند

شکم را نرم کند و براند اگر با سه زیبق مالند ببرد و بر ریش

مالد بهتر باشد اگر سم اسب کمیت را بسوزانند و بکوبند و با

بیامیزند و در موی مالد سیاه گردد و دیر سفید شود اگر سم اسب

تازی در زیر زن حامله دود کند بچه مرده از شکم بیفتد اگر خاکستر

سم مادیان هر روزه در آستانه خانه پنهان کند موشان از

خانه بگریزند اگر شیر اسب تازی با شکر بیامیزد و بزن دهد

بخورد حامله نشود اگر بر مرغ بندند از خانه بیرون نیاید اگر زنی

۱۸۷

بر سینه نهد و بخورد بر گیرد اندامش تنگ شود اگر پیه اسب

با شکر بیامیزند و حب سازند هر زن که با خود دارد آبستن اگر

سرگین اسب تازه بفشارند و آب آن در گوش چکانند

گرانی گوش ببرد اگر بر چشمها بندد سود کند اگر زیر زن

دود کند بچه مرده از شکم بیفتد اگر خون اسب گرم بستانند و بر

کف مالند گندگی ببرد اگر موی دنبال بگیرند و بنام کسی

خواهند هفت گره زنند و برهی بگویند بستم خواب فلان ابن

فلان بدین موی اسب تا آنکه همچون اسب که خوابش نگیرد

اگر موی دنبال اسب در طعام بخورد کسی دهند خسته و نالان

شود اگر دندان اسب بر گردن بندند بی درد با آسانی بر آید

صفت استر چنین گویند که استر در میان حیوانات همچنانست

که یوز در میان بهایم و هشیار باشد بحدی اگر جایی گذشته باشد

چون بدانجا رسد اگر چه شب باشد و مدت بر آمده باشد

راه برد اگر موی سر او با روغن یاسمین حل کند بر هر جا که مالد موی

بر آید اگر زنی دل استر بخورد هرگز آبستن نشود اگر سم او را

بسوزانند خاکستر پس با روغن زیت مرهم کند بر جا که طلا کند

بدو هفته موی بر آید اگر یم گوشت استر در شراب کند

و بخورد کسی دهد مست و بیخبر شود اگر ناف زنی بند

آبستن نشود خون استر با پاره پشم گوسفند بخورد دیر گرد

آبستن نشود صفت حمار گفته اند اگر خر بر باد رود دل

حالت موی دم بکلانند هر که او موبا خود دارد پیوسته تف

قایم باشد اگر زهره کلاغ سیاه بستانند بآن موی بران
نبندند مراد او بر آید اگر مشتی از آن خاک که در آنجا مراغه کرده
باشد بیارند و پنهان در زیر خوانی که مردم از آن طعام میخورند
ناگاه تمام بی اختیار بخندند گفته اند در میان خران بعضی را در
در میان گردن چیزی پیدا شود مثال مهره و آن مهره باز دهد
بزرگ باشد و چاره کردن او آنست که آن خر را بگیرند و
بجایگاه ستبر آنجا که مهره بود بشکافند و آن مهره بیرون آرند
نرم شود و در آب سرد افکند سخت شود و چون سنگ سفید
باشد و میل بزردی زند و آن پازهری باشد سودمند
و منفعت کند زهر و غیره هر که آن مهره با خود دارد در چشم همه
کس عزیز باشد اگر کژدم بگزد دم بگیرد و بگوش خر گوید که مرا کژدم گزیده

درد ساکن شود واگر کسی علتی در انگشت پیدا شود و با کس نه
گوید و انگشت در گوش خر کند به شود واگر سر خر در خانه در زیر
خاک کند کسی در انخانه بخواب نرود واگر مصروع بر پوست
خر نشیند سود دارد واگر پوست خر در خانه دود کند جانوران
بگریزند اگر بر دندان زنند درد ساکن شود اگر زنی با جنود دارد
بار نگیرد اگر سرگین تازه بفشارند و سه قطره در بینی چکانند
که خون رود باز ایستد اگر سرگین خشک بسوزانند با پاره کتان
و سیاهی دیگ نمک با هم بیامیزند و بمالند بر جراحت باشند
به شود اگر زنی را در رحم ریش باشد پنبه پشیر خر تر کنند و بر گیرد
نافع بود جالینوس حکیم گوید هر که جگر خر خشک کند با شیر آب آمیزد و
بدیوانه و مصروع دهند تا بخورد نافع بود اگر مغز سر خر به در خانه

کسی در مالند در آنخانه جنگ و آشوب پیدا شود اگر بخورد
کسی دهند مفلوج شود و کسی را مار گزیده باشد به جراحت نهند سود
دارد اگر ریم گوشت خر با شراب بخورد کسی دهند بیهوش اگر خون
خر بخورانند دلیر شود اگر پیه خر بگدازند و با روغن سندروس
بیامیزند هر جا بمالند ریش اگر سم خر در مقامی دود کنند
مگسان بگریزند اگر از سم خر انگشتری سازند و مصروع بدست کند سود
دارد سم خر خشک کنند و بکوبند و در پوست آهو بندند و با
خود دارند در پیش همه کس عزیز و محترم باشد اگر خر قضیب
بسوزانند و با روغن زیت بر موی کنند دراز شود صفت
گور خر هر که گوشت گور خر بخورد بسیار بادها دفع شود و قولنج
و درد لنبت ببرد اگر کسی مغز او بخورد دست و پایش سست

شود اگر برباد گزیده مالند سود کند اگر مغز گور خر با مغز استخوان

گاو در روغن گل بیامیزد و بر نقرس نهد سود دارد اگر

مغز او با عسل معجون کند و کرفس بیامیزند و بر نقرس

نهد سود دارد اگر بر آتش بجوشانند و بخورد بیمار دهند

ناشتا بخورد خنده گرفت و جماع رود البته به شود اگر زهره او بگیرند

و خشک کنند و با شکر بیامیزد و بخورد آنکس دهد که آنرا ناگوار

باشد اگر پیه او بگدازند و با روغن گل بیامیزند و بلب و گوش

چکانند و چرب کنند خنک بایرد اگر گوشت که در جامه خواب

بول کند بخورد دیگر بول نکند اگر با روغن زیت آمیزند و بر کلف

مالند ببرد اگر سرگین گور ماده خشک کنند و خورد کنند با زهره

بیامیزند و در موی کشند موی سیاه شود صفت گاو چنین

گو

گویند که گاو جانوری زور مند و هیچ رنگ چهار زحرنا کون بهتر و زور مند

186

تر نیست اگر کسی خواهد که شاخ گاو کج باشد راست کند نان گرم چند

روز بشاخ او بندند نرم شود آنگاه چنانکه خواهند راست شود آب

سرد بران ریزند در زمان سخت شود اگر ریق در گوشت گاو

ریزند بمیرد جالینوس گوید گوشت گرانست و دیر گذار و

خشکی دارد و سرد است و هر گاه از خوردن گوشت چاره نباشد

بسرکه و زعفران باید پخت تا زیان نکند اگر خون گاو در جراحتی

مالند از ان خون باز ایستد اگر زنی دشوار زاید سرگین گاو دود

کند در زمان باز نهد اگر سرگین گاو ماده بسوزند خاکستر شش

با روغن زیت بر نقرس نهد سود دارد اگر سرگین گاو خشک

کرده بسایند و خداوند استسقا بیاشامد سود دارد اگر زهره

گاو بر گزیدگان نهند سود دارد اگر زنی از حیض پاک نشود
سرگین او بر آن محل نهند پاک شود اگر کسی را خایه درد کند
زهره گاو بر آن مالد به شود اگر زهره گاو با روغن یاسمن بیامیزند
و زنان بخورند از حیض پاک شود اگر زهره گاو و آب انار در
گوش چکانند درد ساکن شود اگر زهره گاو خشک کرده زنی برگیرد
فرج او تنگ شود اگر زهره گاو بخورند خناق ببرد اگر زهره گاو در
دیوار خانه اندازد گزندگان از آن خانه بگریزند اگر زهره گاو و
قطران و سنگ موی بر سر کل مالند موی بر آرد اگر بر قضیب مالد
بزرگ شود اگر با آب خطمی بزنند و بر آن الشرسند ریگ و سبوس
ببرد اگر زهره گاو ماده و روغن گل و قطران در گوش گران چکانند
گری ببرد اگر بر کلف مالند شود و کتنا اگر زهره گاو و زهره ماهی

دختر تا آبستن نشود
وزن بخورد برگیرد یا بر بسته با سپاه حیض بگشاید
188
بار گیرد اگر زهره گاو ماده با بادام تلخ و سیکل گوسفند به کوبند و لبرکه
تر کنند و بر زمین مالند به شود اگر کعب گاو بسوزانند و در سبز کنند
و بر دندان نهند سود دارد و اگر با سرکه و عسل بخورند سبز را سود دارد
اگر سم گاو بسوزانند و خاکستر او بر جایگاه که ریش باشد پراکنده
کنند به شود اگر زهره گاو با سرکه و عسل بخورند سپرز را سود کند
اگر استخوان گاو ماده بسوزانند و با خون سیاه شان و نمک بر
ریش نهند درست شود خصوص ریش اسپ صفت
گاوزرد چنین گویند گاو زرد خواص آن جداست اگر شیرا او
با روغن گل در گوش کنند درد ببرد اگر مغز استخوان او با
روغن خوک بگدازند و بر دست و پای مالند که خشک شده باشد

بحال آید اگر بول گاو زرد با عسل بیامیزند و در چشم کشند شب

کوری ببرد اگر قضیب گاو زرد بخورد زنی دهند مرد دوست

شود اگر گوشت گاو زرد دارند چو سوده برطلا کنند ورد ساکن

شود صفت **گوساله** نیز خاصیت دیگر دارد اگر زهره او در خانه

بهیزند کیکان همه گرد آیند اگر خایه گوساله بهیزند و بخورند شهوت

زیاده کند اگر بول گوساله در گوش چکانند در گوش

چکانند درد گوش ببرد اگر مغز گوساله بر روی کودک

مالند زیرک شود اگر مغز استخوان گوساله در بینی مالند

خشکی ببرد و خواب آورد صفت **گاو کوهی** چنین گویند

که گاو کوهی با مار دشمن است اگر یکی و اگر هزار به بیند بکشد

اگر سرو ذنب او در آتش نهند جمله گزندگان بگریزند اگر سری

دی

وی لبوهان بسایند و با عسل بیامیزند و بخورند هر کرمی که در شکم
باشد بمیرد اگر سه درم از سر وی و سه درم تخم حماض بسایند
و بخورد آنکس دهند که خون از شکم آید به شود اگر مار گزیده بر پوست
او نشیند سود کند اگر قضیب او خشک کرده نگاه دارد چون کسی را
کمیز گرفته باشد با آب لوبیا بخورند در حال بگشاید اگر خداوند
قولنج بخورد شفا یابد اگر از زهره او چیزی نویسد و بر کاغذ مهره زنند
زر نوشته نماید اگر در چشم کشند شب کوری ببرد اگر مغز او بسوزند
با سکنگبین بیامیزند و بر دندان نهند درد ساکن شود اگر خایه او بریان
کنند بخورد شهوت بیفزاید اگر استخوان خداوند تب با خود
دارد منفعت بیند صفت گوسفند کوهی بغایت زیرک باشد
بحدیکه چون چرا کند یکی در بالا بدارند بدیده بانی اگر کسی پیدا شود

ایشان را خبر کنند در اول روز که سهیل طلوع کند یکجا جمع شوند
و خاصیت هر کدام اول سهیل را ببیند جمله تابع او شوند اگر زهره
او با روغن زیت آمیزند و در دیوار خانه مالند پشه از آن خانه
بگریزند اگر خون او در یاقوت مالند و بر آتش نهند خون بر آن
آورند خون سرنگ شده باشد اگر گوشت او بخورد آن دیوانه دهند
منفعت کند اگر خون او بخورند ریگ مثانه را ببرد و پاک
کند اگر سرگین او بجائی مالند بر جائیکه کژدم گزیده باشد بهتر شود اگر خون
او بخورد دیوانه دهند سود دارد اگر خون او در گوشت مالند هر که
بخورد فربه شود اگر خایه او را بریان کرده بخورند شهوت را قوت
دهد اگر شاخ او با سه درم شکر بیامیزد و بخورد خون از شکم رفتن
باز دارد اگر دنبال بسوزند و با شراب کهن در قضیب مالد قوی
بود

شود اگر استخوان آهو خداوند تب با خود دارد منفعت کند اگر ریهٔ او را
کرم بخورد مار گزیده دهند سود کند اگر بول او زنی بخورد بچه بیفتد از صفت شتر اگر
از دندان اشتر بگیرند و در حوض پر آب کنند هر که از آن بخورد قضیب او
۱۹۸ سست شود اگر بخورد کسی دهند دیوانه شود اگر مغز قلم از او با عسل به
آمیزند و بخورد کسی دهند که او را درد گلو باشد به شود اگر مغز او با روغن
زیتون بیامیزند و بر زخم مار نهند سود کند اگر مغز او با روغن کشد در چشم
کشد تاریکی ببرد اگر شقیقه شتر اندک بخورد کسی دهند هرگز آزار
درد گلو نباشد اگر موی بسوزند خاکستر او بر جراحت نهند نیک
شود اگر در بینی افکنند خون باز ایستد اگر دل او بریان کرده
بخورند دلیر و قوی دل شوند اگر قلم پای او بسایند و در آب
بجوشانند و در سوراخ موش بریزند جمله بمیرند اگر پشکش در بیمار
بمالند زردی ببرد اگر خشک کنند و بسایند خداوند بیضه بخورد

منفعت کند اگر کوهان او با روغن مغز دانه زردآلو یکبار بندود ار

لیهم اندازند و یه با سور نهند سود دارد اگر با پیاز بریان کنند و بخورند

آب پشت بیفزاید اگر اسب یا اشتر از شتر بترسد وروقت جو

توبره او پر از سرگین کنند و زمانی بر سرش کنند و بعد از آن بریزند

جو دهند دو سه روز دیگر نترسد اگر گوشت شتر بسیار خورند چهر

شوند اگر خون او کرم پای در زیر بغل مالند بوی بد برد اگر خون

او و عود میان دو کس با آتش نهند میان ایشان عداوت

پدید آید شود اگر بول او در آماس نهند سود دارد اگر کسی از بیماری

روی زرد شده باشد شیر شتر مالد سرخ شود اگر زهره او

گوش چکانند درد گوش ببرد صفت **آهو** از جانوران

هیچ جانوری از آهو پاکیزه‌تر نیست و خواص بسیار دارد اگر کی

لوز

اگر موی [illegible] در آتش نهند میان ایشان عداوت [illegible]

بسوزند و با روغن شاسپرم بر موی مالند سیاه شود اگر ششش با سداب
191 و روغن زیت در دندان گیرند بید دو برآید اگر سم او بسوزند و در
ریشش پاشند سود کند اگر زهره او و نمک و قطران از هر یک قدری در
آب گرم کند و صاحب سرفه کهن بخورد شفا یابد اگر گوشت آهو و پیه
خرگوش بیامیزند و بپزند و زیره و حلبه و سلیخه و گل سرخ کوفته بر آن
افشانند و در یکدیگر بپزند و گره کنند هر کرا ششش و پهلو درد کند منفعت
کند و ضماد نبهق و خارشش در آب گرم بخورد شفا یابد گوشت
او هر که بخورد مردی او بیفزاید استخوان سینه او را بکوبند و در سرکه بجوشانند
و در سایه خشک کنند و ب بیند در جراحت که بنهد به شود اگر
سر او بسوزند و خاکسترش بر روغن زنبق بیامیزند و بر جای که گوشت
رسیده باشد مالند به شود بفرمان خدای تعالی صفت خرگوش

حکیمان گفته اند که خرگوش یکساله نر است و یکساله ماده اگر خون خرگوش

با روغن گل بیامیزند و در چراغ کنند هر چه دران خانه باشد سیاه نماید

اگر خون او در چشم کشند آب از چشم رفتن باز دارد و اگر بر کودک

مالند تب ازان برود اگر خون او خشک کند با آب غوره

در چشم کشند خارش چشم ببرد اگر خون او و شش او زنی که

آبستن باشد در خود مالد فرزند نرینه آید اگر سرگین او در خورد کسی

با شوربا دهند بی اندازه باد از و جدا نشود اگر استخوان او بر خداو

نقرس بندند سود کند اگر پستان او بخوردن زنی آبستن ند

دیگر آبستن نشود اگر موی او در پای بچه بندند سرما باز دارد و اگر بسوز

دست پای کسی با بره باو دارند به شود اگر زهره او در چشم کش

سفیدی ببرد اگر بر قضیب مالند و با زن جمع شوند آن زن

مح

محب او شود اگر شراب زهره او و آرد جو با یکدیگر بیامیزند

و بر سر طلا کنند درد سر بنشاند اگر زنی بروغن گل با خود بر دارد

192 و مرد با او نخواهد البته حامله شود اگر مغز سر او بخورد کسی که در جامه بول کند

دهند سود کند اگر بر جایگه موی بر کنده باشند بمالند دیگر نروید اگر

مغز او بر گزیده مار نهند سود کند اگر بخورد کودک دهند با کسی

که لرزه بر دست و پایش افتد اگر جگر او خشک کنند و با چندان آب

و شادانه بخورد تب ببرد اگر دل او بر بازو بندد هر تب که بیدارند

راست برود اگر پیه او بر روی کسی مالند که بدرست بود سستی ازان

برود اگر کسی بخورد فربه شود اگر چشم او زیر سر مار زده دود کند

سود کند اگر شش او خشک کنند و نیم درم از شراب کند

و بخورد صاحب تب ربع دهد زود ببرد صفت **روباه**

اگر کسی را درد پشت بود شکنبه روباه بریان بخورد سود

دهد اگر روز یکشنبه بریان کند و بخورد از طعام خوردن سیر شود

اگر سپرز روباه بر دست و پای مالند بر باران کار نکند اگر پیه روباه

بگدازند و در گوش چکانند درد سر و کری ببرد اگر پیه او

و تخم گرگوش بر جای مالند که موی نباشد موی بر آید

اگر پیه او در پیشانی مالند خوالش ببرد اگر بگدازند با

سوسن در پاره پنبه در گوش نهند درد دندان ببرد

اگر زهره او با شیر بزنند و تنگ کند اگر در دزها روا داشته

باشد قدری از آن بمالد سود کند اگر مغز در جایی مالند موی

بر آرد اگر دندان او بر کودک بیاویزند درد گوش ببرد

اگر پوست او باد و شاب بزنند و بر هر جای که درد کند

طلا

هلاک کند به شود اگر قضیب در سر بیاویزند درد سر بنشاند

اگر شش او خشک کنند و با عسل بیامیزند هر که بخورد

193 از طپیدن دل خلاص شود اگر شش او خشک کند و با زهر جوب

در زیر قضیب دود کند قوت گیرد اگر چهار پای او از خداوند

نقرس بیاویزند سود کند صفت **شغال** چنین گویند

که هیچ جانوری از شغال ستیزه کارتر نباشد اگر خداوند ناسور

بر پوست او نشیند سود کند اگر گوشت او بخورند بادهای

زشت ببرد اگر برگ بید با خون شغال بهم بر زنند در سر

مالند درد سر ساکن شود اگر پیه او با روغن گل بگدازند هر کرا باد

سر در گرفته باشد بمالد به شود صفت **میمون** چنین گویند ا

که میمون آدمی بود زشت کردار حق تعالی صورت او

مبدل گردانیده اگر دل او خشک کند اگر دل او خشک کند و با

شراب بخورند درد دل را سود دارد اگر خون او بخورد کسی

دهند گنگ شود صفت گربه چنین گویند که گربه جانوری

باشد غریب دوست چنانکه اگر غریبی بخانه آید و گربه در

آنجا باشد بیاید و در کنار وی نشیند اگر بینی گربه بروغن و خاکستر

چرب کنند دیوانه شود اگر خواهند که گربه مهمان از رحمت ...

پشت دست او بروغن چرب کنند که بدان مشغول شود

اگر شکنبه گربه و شکنبه را سو بریان کنند و بخورد دیوانه دهد

شفا یابد اگر خایه گربه خشک کنند و لب بایند و در وقت مجامعت

بر قضیب طلا کنند با هر زن که جمع شود دیگر هیچ مرد نخواهد

اگر خایه گربه سیاه بر آتش نهند تمام مار و کژدم از آن خانه بگریزند

اگ

اگر خایه گربه سیاه با پیه خرس سرخ بر تابه بریان کند و روغن آن
بر قضیب طلا کند عجایب ببیند اگر دل گربه سیاه و پوست
گرگ بر بازو بندد هیچ دشمن بروی ظفر نیابد اگر پنج قطره خون
از گوش گربه سیاه بگیرد و بغالیه در آمیزند هر که بوی او بشنود
محب شود اگر سرگین گربه سیاه زیر زنی دود کند بچه
مرده از شکم بیفتد اگر سرگین او با روغن با کسی مالند که تب
و لرزه دارد منفعت کند اگر سرگین او با نیم مثقال روغن
زیبق بیامیزند و در بینی کسی کشند که لقوه داشته باشد
به شود اگر پیه او با روغن گل و سداب بکسی مالند دیوانه
شود اگر بر سر با خورده مالند سود کند اگر در حلوا کشند و بخورد
کسی دهند مطیع و فرمان بردار شود صفت دلق جانوریست

هم انگلی گربه اما از گربه بزرگتر باشد و در زمین روم بسیار

باشد و مار از آن بگریزد اگر کسی گوشت آنرا بخورد باد لقوه

را سود دهد اگر پیه او بخورند فربه شوند اگر پوست او در آتش نهند

چندگان وگزندگان همه بگریزند صفت **خارپشت**

دو جنس باشد یکی سفید و یکی سیاه که در هند بسیار باشد

و خارهای دراز دارد اما از جنس سفید همه جا باشد و با مار

دشمن است و در آن خاصیت بسیار است اگر کسی گوشت

او بخورد دسبزر را ببرد اگر خارپشت بسوزانند و بر ریش

ناسور نهند سود دارد اگر خارپشت با روغن بریان کنند

و در جائیکه موی کنده باشد بمالد دیگر نروید اگر گوشت

او بخورد درد جگر و درد پهلو و بادی که از سردی بهم رسیده باشد

بریدا اگر بخورد کودک دهند در جامه خواب بول نکند و جرام

وسیل و بهر را سود دارد اگر شکنبه او بخورد کسی دهند که بول

195

او بسته شود بکشاید اگر زهره او با کافور در بینی خداوند صراع

در زیر ند سود کند اگر چهار دست و پای او از صاحب نقرس

بیاویزند سود کند اگر بر خداوند تب لرزه بندند شفا یابد

اگر مغز او بیند و در زمانه روده ماند به شود اگر پیه او بر پاره

پشم اندازند و در خانه جمله جانوران گردانند صفت موش

اگر موش در جای بسیار باشد خاکستر در خانه او بریزند

جمله بگریزند اگر کسی داء الثعلب بوده باشد موش بسوزانند

و خاکستر او بر روغن چراغ بسرشند و بر آن مالند سود کند اگر کسی

مار گزیده باشد موش را بدو نیم کنند و بر زخم نهند سود کنند

اگر خون او با زاغ سیاه در بینی مالند هق را ببرد اگر خون
موش خشک کنند و بر زخم گاه بندد به شود اگر سرگین او بخور
بر گیرند باد دود کند بگشاید اگر خایه او زن با خود دارد آبستن
نشود اگر جگر او بخورد خداوند صرع دهند شفا یابد دم موش
بر خداوند ورد سر بندند به شود اگر کسی موش را چهار پاره کند
و در چهار حد کشت زار نهند ژاله از آن بگردد اگر خون او
در چشم کودک که از مادر تولد کند کشند آن کودک چنان
شود که هر کجا چیز نهاده باشد ببیند صفت سمندر مرغی
باشد آتش دوست در صحرائی که آتش کرده باشند بردود
و باید درون آتش و بیرون آید اگر زهره دانگی با آب نخود
بجوشند و در شیر آلایند و بمار گزیده دهند سود کند اگر یکی
لاژم

زهر داده باشند البته خون بخورد شفا یابد صفت **شب پره**

گویند بروز طاقت پریدن ندارد بول او از زهر مار زهر

196

قاتلست اگر خشک کند و لب باید و کسی را که بسته باشد

بر ذکر مالد بگشاید اگر بر درخت بیاویزند ملخ دران حوالی نه

نشیند مغز سر او دو رنگ است یکی سفید و یکی سیاه اگر

موی از جای بکنند و سفید بمالند دیگر نروید اگر دل او در کیس بیاویزند

بخواب نرود اگر زهره او بسایند و در چشم کشند شب

کوری برود اگر کسی آنرا با خود دارد در جماع کردن با

قوت باشد و مانده نشود صفت **راسو** اگر استخوان

راسو از زن با خود دارد آبستن نشود اگر گوشت او را

بخورند باد سرد ببرد اگر شکنبه او بخورد دیوانه دهند

شفا یابد اگر بیه او بر دندان کودک مالند بیدرد بر آید اگر
خایه او در پوست شیر گیرند و زن با خود نگاهدارد آبستن
نشود راسو جانور است اگر کس را بگزد گوشت او بر
گزیدگی او نهند در حال درد بنشاند و گزیدگی سگ دیوانه
نهند سود دارد و راسو بسوزند و خاکستر او با موم و روغن گوس
اسما نلون سرشند و بر خنازیر طلا کنند سود دارد و راسو در خانه
نگاهداشتن خانه را از حیوانات زیانکار پاک کند
صفت عقاب شاه مرغانست چنانچه شیر
پادشاه ددان است و بنای او چنانست که ده منزل
ببیند و در شکم او سنگ باشد مثال چشم گاو سیاه و
سفید هر که با خود دارد بچشم خلایق عزیز و محترم باشد اگر

پر او در خانه دود کنند مار بگریزد در مغز او استخوانی باشد

کوچک هر که آنرا نگاه دارد همیشه فیروز باشد اگر چنگال

او در اسب بیاویزند نیک رونده شود صفت **باز**

باز پادشاه مرغانست اگر همه بیمار شود کتمان بخورد

نیک شود اگر سرگین باز بجای گوشت باز سرگین لطف

باشد اندران مرهم که بار کرده شده است و زهره باز در

سیاهیها بکار آید اگر گوشت باز بروغن سوسن و آن

روغن در چشم که آب رود کشند به شود اگر خون او بخورند

خونخوار شود اگر استخوان پای بسوزند و بر سوختگی باشد به شود

اگر مغز او با شکر بخورند معده را قوت دهد اگر چنگال

باز در درخت آویزند مرغی دیگر بر آن درخت ننشیند

اگر چشم با آب سردلب بیند و در چشم کشند روشنائی

افزاید اگر سرگین او با عسل بیامیزند و بر دنبل نهد سود کند

و سر وا کند صفت کرکس با قوت باشد و پیوسته

طلب مردار کند اگر آشیانه او بجویند سنگی بینند سفید

هر که بدهان گیرد و سخن گوید هر که بشنود مطیع او شود اگر گوشت

او بپزند و با انگبین و زیره کرمانی ظرفی کنند نگاهدارد اگر

کسی را مار گزیده باشد پاره از آن بخورد زهر بریزد و بهتر

شود و بهتر آن باشد که بخود آب دهند اگر زهره او با

عسل معجون کنند و در چشم کشند روشنائی زیاده شود

اگر مغز با روغن زیت و قطران بیامیزند در بینی چکانند

موی در کشش پیدا شود اگر استخوان او بر خداوند نقرس

ورد پای ببندند سوده کنند اگر استخوان او بر خداوند نقرس بندبند
راست براست و چپ بچپ البته بهتر شود اگر سوزنی را
198
بچون کرکس آب دهند هر کوش که بدان سوراخ کنند فراهم
نیاید صفت **کلنک** جانوری نادان بود اگر باقلی با
کوکرد بهم بپزند در جای باشند کلنک بخورد بمیرد و اگر زود بسرش
روند افتاده بود توان گرفت اگر خایه او در زیر سرگین کنند
چند روز و بعد از ان بر موی سفید مالند سیاه کردد اگر گوشت
کلنک با سرکه بپزند و بخورند قوت در مجامعت دهد اگر پیه
او در گوش چکانند کری ببرد و اگر زهره او با روغن زنبق
بیامیزند و در بینی خداوند ریزند سه روز درست شود اگر
چشم راست او بخشکند و در چشم کشند خواب دران چشم نیاید

در مقام خرابه سازد یا در کوه اگر سرگین او با خردل بسایند

و در جای کشند موی برده باشد موی بر نیاید اگر خایه او

در دیگی در سر برف نهند تا بجوشد اگر مغز او بشام کس

بخورد کسی دهند آنکس مطیع شود اگر با روغن بنفشه بیامیزند

و در بینی بچکانند درد شقیقه ببرد اگر استخوان های او در جائیکه

شراب خورند در آتش نهند جنگ و عربده پیدا

شود اگر چنگال او در جای دود کند پلسان بگریزند اگر خون

او با خایه خشک کند و با تخم مورد بکوبند و بر دنبل نهند

زود نرم شود اگر با روغن زیت در سر مالند اشک و سوسه

ببرد اگر دل او بیرون آورند و در سینه زنی نهند که در خواب

باشد هر چه کرده باشد بگوید صفت زاغ گویند مرغی

یا

باشد چون عقاب ولیکن موش رباید و مردار دوست

دارد و از بوی سوسن بهرش باشد چنانکه اگر بوی سوسن بشنود

199 بخور شود اگر زهره او زن آبستن قدری بخورد بچه بیفکند اگر

سگ زهره او بخورد دیوانه شود صفت **کلاغ** د

خاصیت بسیار دارد اگر کلاغ بکشند و بسوزند و با روغن

سرشند هر جا که بمالند موی برآورد اگر بکشند و رها کنند تا گندیده شود

و حک کنند و بموی مالد اگر چه سفید بود سیاه شود اگر

زهره او در زهره گربه سیاه با هم بیامیزند و در موی بمالند

تا زنده باشد سفید نشود و اگر زهره کلاغ با روغن یاسمن بر

قضیب مالد با هر زن که جماع کند دوستی عظیم پیدا شود

اگر زهره کلاغ بر پاره کرباس نهند و بر ران بندند هر چند که

خواهد جماع کند اگر خایه کلاغ چهل روز در زیر سرگین کند و بگذارد

تا گنده شود در موی مالد سیاه شود اگر کسی گوشت کلاغ سیاه

خورد باد ها بشکند و جادوئی بر وی کار نکند اگر خون او در سایه

خشک کند و با شکر بیامیزد در باقلا بخورند سرفه کهن ببرد اگر

مغز او بگدازند با آب روغن زنبق در جایگاهی مالند که باد گرم

باشد به شود اگر استخوان او خشک کرده با عود در زیر کسی

دود کند سود دارد اگر دل او با شراب بخورد کسی دهند مطیع

و محب و فرمان بردار شود از بالش همین خاصیت دارد

صفت **تنجه** مرغی باشد بغایت زیبت دوست در زنان

آن اگر بگداوند انگشترین ها بنیم اگر استخوان او با غالیه بر کسی

آن کس شود محب گردد اگر مغز او بجایگه پیکان تیر مانده باشد

بغز

نهد پیکان برآید اگر مغز او با روغن گل بیامیزد و در جای مالد
که باد گرفته باشد به شود اگر شب کور از آن روغن در چشم کند
200 به شود اگر گوشت او بخورند عاقل و زیرک شوند اگر زهره او
بخورند ابله و نادان شوند صفت هدهد و از آن بوی نا
خوش آید و گویند که کمی از دهان او بخیزد اگر کسی
برود و در خانه او را بگیرد پاره سفال و او بیاید و راه نیابد
که با آشیانه رود برود سنگ بیاورد با پاره گل و بر آن سفال
نهد در حال آن بشکند هر که آن سنگ بیابد بر هر در که
بسته که نهد گشاده گردد بفرمان خدا تعالی اگر هدهد
را با روغن یاسمن بجوشانند و از آن در گوش چکانند
کری را ببرد اگر بگیرند و بکشند و زهره و چشم او را در چیزی

پاک بندند و در بازوی چپ خویش بندند بر چشم

همه عزیز باشد اگر در جایی پنهان کنند در آن مقام مجلس

نتواند خواب کرد اگر تاج او بار را با خود دارد سخن او

پیش همه کس قبول باشد اگر سر او بر کودک بندند

تیز فهم شود اگر زبان او با شکر بیامیزند و بخورند حفظ زیاده شود

اگر پیه او در خانه دود کنند هیچ جادویی بر آن خانه کار نکند

اگر پای از بال او با خود دارد همه حاجت او بر آید اگر پر

او و استخوان او در بالش نهد بخواب رود هرچه یاد

کند از خواب بیدار نشود اگر پر او بسوزانند و با روغن کنجد

بخورد دیوانه دهند به شود اگر دل خشک کنند و شراب

بخورند مردی بیفزاید اگر دل او و زبان و زبان ضفدع در

بول

در بازو دارند

پوست کبر بند عجایب ببندند اگر دل او خشک کند بسایند

و در شیشه کند و برابر هر دو میل در چشم کشد و روی آنکس

بیند عاشق آنکس شود که میل در چشم کشیده باشد اگر مغز

او در چشم کسی که سفیدی در چشم او پیدا شده باشد منفعت

کند اگر مغز او با غالیه بیامیزند بنام کسی که خواهند چون آن بوی

کند محب شود اگر زهره او بسایند و با روغن کنجد بخورد زنی

دهند حیض او برود اگر پوست او بر سر نهند درد سر برد اگر

چنگال او خشک کنند و بر کسی بمالند مطیع شود اگر بچه زنان

او و بال او را از زیر او در کیسه ادم نهند هر وقت که جماع

کند آنرا در زانو بندند چندانکه خواهد جماع کند اگر هدهد را بکشند

و پاره پاره کنند در دیگ کنند و آب بر سر آن کنند پاره پاره

که بالا آید آنرا نگاهدارد آنکس محبوب شود اگر استخوان

پای او بسوزند و بسایند در طعام کنند و بخورد کسی دهند حفظ

بیفزاید اگر بخورد کودک دهند حافظ شود اگر استخوان ...

را با گندم بجوشانند و چند روز در سرکه اندازد و بعد از آن ...

کلف مالند به شود اگر با خود دارد بچشم مردم عزیز شوند

اگر منقار او بسوزند و بر ناسور نهند سود کند اگر سر هدهد

با خود دارد بهر مجلس با وی داوری نکنند اگر پای

چپ او با خود دارند کس پشت او بر زمین نرساند

اگر گوشت او بخورند کر شوند اگر ران راست او در برج

کبوتر دود کنند کبوتران از آن برج بروند اگر سرگین او و

سرگین کبوتر و سرگین خروس با روغن بزند و بر ونبل

طلا

طلا کند منفعت دارد صفت کبوتر گویند بار از کبوتر

بگیرند صدای آواز او اگر خانه نهاده باشد خروش بند

پیدا شود تباه شود اگر جواهر رنگ گردانیده باشد در گلوی

202

کبوتر بچه نهند و برون آرد بغایت خوب شده باشد

باید که با آب سرد بشویند اگر کبوتر بچه را ارزیز لکوش کند

و بخورد زود فربه شود اگر خون کبوتر در چشم کشد درد چشم

ببرد اگر به آرد جو قطران بیامیزند در بهق و بهبق مالند به شود

اگر خون کبوتر و موی گربه در جائی بر آتش نهند جنگ و

فتنه پیدا شود اگر در سایه خشک کنند و بسایند در چشم

کشند شب کوری برود اگر با سرکه مرهم کنند و بر جراحت

نهند به شود اگر در بینی چکانند خون باز دارد اگر بمالند بکبا به

جامه برود اگر سرگین با چغندر بکوبند و در موی بندد از
شود اگر گوشت کبوتر بخورد بار ها شکند و روی و آب
از وی زفتن باز دارد و آب پشت بیفزاید اگر استخوان
او در سایه خشک کنند و خورد ریا بند و ها شکر سفید
بخورند سرز را سود کند اگر استخوان های او با باقلا
بسایند و بخورند سرفه را ببرد اگر استخوان سر او بسوزند
و خاکستر ش با آب پیاز بر کلف مالند پاک
شود اگر استخوان او بسایند و بر ریش پاشند به شود
اگر چشم او بخورد کسی دهند شب کوری باز آورد
اگر خایه او زیر سرگین نهند تا بچه برآرد و چند روزی
نگاه دارد و بعد از آن بکشند و خون او و خون آدمی

بخورد هرکسی دهد مفلوج شود صفت **کبک** بر غذیت

نادان و بر بچه کردن حریص است اگر شراب کهن بجای

آب آبزاد هندست شود اگر خون او با شیر بز ابلکه بکر

بیامیزند بر بهق مالند به شود اگر گوشت او بخورند بادها

بشکند اگر زهره او در چشم کشند کوری ببرد اگر پیه او بگدازند

و گاهی که شقیقه درد کند بمالند به شود خاصیت **تیهو**

جانوری رعناست و دران وقت که مست شود

اگر کسی آوازش کند از عقب وی برود و گوشت

تیهو بغایت کم است هر که بسیار خورد باه را قوت

دهد و بادهای سرد بشکند اگر زهره او در چشم کشند

شب کوری دور شود اگر پیه او در بهق مالند به شود

صفت **قمری** هیچ مرغی بیدارتر از قمری نیست و بانگ

او مغز را سود دارد و مار از بانگ او بگریزد و هیچ مرغی

مبارکتر از آن نباشد در خانه او باشد دزد و ساحر

راه نیابد و کشتن او کراهیت دارد و ازین خواص

بسیار گفته شده است صفت **خروس** مرغی باشد

بیدار پنج وقت بانگ گوید اگر سر سفره او چرب

کند بانگ نتواند گفت اگر چنگال او بر زهره گاو

بیالایند تا واز بد بسیار بانگ گوید اگر اسپی

مانده باشد جوجه بکرم در دهان اسپ گذارند ماندگی

ببرد اگر مغز سر او و مغز ساق او در سایه خشک کنند

و لبساید و در چشم کشند هر کس کرو یرا ببیند دوست

وسطبع اوشود اگر مغز او بر گزیدگی مار و کژدم بمالند سود کند اگر

2011

مغز او با روغن یاسمین بر قضیب بمالند قوت پیدا شود و دوستی

افزاید اگر خون او با سیب پاره بمالند و بخورد کسی دهند یا آنکه

بوی کند او را دوست دارد اگر خون او را خشک کند و بیابند

و در طعام کنند و بخورد کسی دهند که بسیار گری باشد کم گری شود

اگر ناخن پای خروس با خود دارند با هر که بکوشند ظفر یابد اگر

خار پای خروس بسوزند و بخورد کسی دهند او را خواب

نیاید اگر استخوان پای او بکوبند و بخورد کسی دهند که از ار یافته

باشد خوش شود اگر خروس جوان بخورد کودک نابالغ

دهند که بکشند پس زهره او بستانند و بر قضیب مالند و زن

را بخواباند چنانکه او سر نگون افتاده باشد یا وی جمع شود ۱۹۰

حال باز گیرد صفت مرغ سیاه چنین گویند اگر مرغ سیاه که

رنگ دیگر نباشد بکشند وانچه در شکم او باشد بیرون آورند

و بسوزند و مقدار فلفل اسود بار بجای او بر کنند و شکمش را

بدوزند و بریند بخورند سه روز قولنج بکشاید اگر خمیر با عسل بیامیزند

و بمرغ دهند خایه او بزرگ شود اگر سرگین او زیر دندان دود

کنند درد بنشاند اگر سرکه و عسل بخورند قولنج بکشاید اگر

پیه او یکبار زند بآب پیاز در گوش چکانند و درد گوش

ساکن شود اگر در قضیب طلا کند با هر زن که جمع شود غیر او

دیگری را نخواهد اگر خایه او گرم بخورند درد کلوه به شود و شهوت

را قوت دهد اگر گوشت وی خورند فربه شود اگر متواتر

بخورند آب پشت بیفزاید اگر استخوان او بسوزند

ال ... اید

205

ولب بیندو بر تو حکه باشند زود نیک شود اگر زهره او با مرداسنگ

بیامیزند و در وقت مجامعت بر قضیب مالند محبت پیدا

شود اگر زهره مرغ سیاه و زبان او با روغن کنجد بیامیزند و

سه روز بخورند پس از آنکه موی سفید شود هر روز از آن یک

مرغ پخته بخورند سفید نشود صفت **بط** مرغی باشد بغایت

ابله واز آب نه شکیبد اگر چشم او در کاسه نهند که خفته بود

هر چه از وی پرسند جواب گوید گوشت او گرم است لیکن

گرانست اگر کسی بسیار خورد فربه شود اگر استخوان او در

سایه خشک کند و لب بیند و بر تو حکه باشند نیک شود

اگر پیه او بر کلف مالند ببرد اگر پیه بط با روغن یاسمن

بگدازند و سه قطرات در گوش چکانند کرمی ببرد صفت

فاخته چنین گویند که فاخته بوقت نوروز بشاد لب بار کند و بچه را

دوست دارد و در همه عمر یک جفت گیرد اگر جفت او کشته

شود هیچ جفت دیگر نگیرد اگر خون او با روغن جوز بر بینی مالند

به شود اگر خاک کند و ب باید و بخورد و کودک دهند در جامه

خواب بول نکند اگر کسی گوشت او خورد به شود اگر با روغن

جوز بریان کند و بخورد درد زهار ببرد و شهوت انگیزد و باه

را قوت دهد صفت تذرو تذرو را بریان کند و با نان

میده فطیر بخورد مجامعت را قوت دهد و گونه زرد را سرخ

کند و گوشت او بهتر باشد از گوشتهاست اگر پیه او

بگدازند و در گوش چکانند در حال درد گوش ساکن

شود اگر پر او بسوزند و خاکسترش بگلاب تر کنند و در

الند

مالند درد سر به شود صفت باشه چنین گویند که باشه

206

چون باز صید کند اگر زهره او با نیم درم آرد جو بخورند باه را قوت

دهد اگر استخوان خشک کرده بکوبند و بر جراحت مالند به شود

اگر گوشت او با پنبه دانه بر بریزند و زیره در آن کنند زن بخورد

از حیض پاک شود اگر چنگال او کودک با خود دارد شب

دلیر شود اگر پر او در زیر نهند خواب خوش آورد صفت

کبوتر چنین گویند کبوتر مرغی مبارک باشد چنین بانگ کند کس

نداند که از کجا بت انار آشیانه در درخت باشد و ریشه چند

بیاویزند و مسکن آن در کوه بود اگر آن که آن پران می نشیند

او را بگیرند هر مرادی که از خدا عز و جل طلب کند بیابند

اگر استخوان او در بازو بندند در چشم خلایق عزیز و محترم باشد

اگر گوشت او بخورد کسی دهند مطیع و فرمان بردار شود اگر بازو
بخورند بگیرند نیک شود اگر مغز او با غالیه بیامیزند هر که بوی او بشنود
مطیع و فرمان بردار شود اگر زهره او در چشم کشند سفیدی و
تاریکی ببرد صفت غواص مرغی گردن و منقار دراز دارد
تازی ماهی کش گویند اگر گوشت او بکسی دهند محب
شود اگر استخوان او بنام کسی سوزند مطیع شود اگر گوشت
او بخورند بادهای زشت دفع کند اگر مغز او با غالیه در دماغ
کسی رسانند محبت پیدا شود اگر چنگال او بسوزند در
سوختگی پاشند سود کند اگر سرگین او با شکر لبانید و بکودک
دهند بهتر شود صفت همای بر سر مرغان از ان شرف
دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد و همای مرغی باشد
دلیل

وسایه فرخنده دارد چنین کویند هر کرا سایه بر سر او افکند

206

در تقیّن عظیم بوی رسد و خورش او استخوان باشد و بر سر او

موی نباشد اگر استخوان او بر تن کسی بندد (خداوندش) سود کند اگر زهره او

در چشم کشند آب دویدن باز دارد اگر نزدیک چشم باد زنند

درد چشم ساکن شود اگر پر او در خانه دود کند مار کژدم بگریزند

صفت شقلق کویند که شقلق خواص بسیار دارد اگر زهره او

بخورد کسی را زهر هلاک شود اگر شکنبه او بر بنهد شفا یابد اگر

گوشت او بریان کند و بخورد معده را قوی کند و شهوت

بیفزاید و گوشت بچه او بهتر باشد اگر خایه او چهل روز زیر

سرگین اسپ نهد و بعد از چهل بردارند و بر موی سفید مالند

سیاه شود صفت عندلیب وقت گل آواز بسیار کند

وباکل موانستی دارد اگر گوشت او خشک کنند و بخورند شهوت

را قوت دهد اگر گوشت او خشک کند و بساید و با روغن

زان برگیرد و بچه بیند از دو اگر زن گوشت او بخورد و حامله و

سلیطه شود اگر خون او بخورند حافظ شوند اگر در سایه خشک

کند و کلاب در بینی چکانند که خون رود و بار السیند اگر خون

او پای او بر کودک بندند از چشم زخم ایمن باشد صفت

گنجشک موانستی تمام دارد و در خانه که آدم نباشد وطن نکند

و عمر دراز دارد اگر گنجشک بروغن گاو بریان کند و بوره ار

انباشد و یکهفته سیر بخورد فربه شود اگر زهره او با عسل بر قضیب

مالد و شراب بیاشامد و با زن مجامعت کند آبستن شود

اگر بچه او پیش از آنکه موی برآرد با روغن بپزند بر پا

208

کند و بخورد آب پشت بفزاید اگر بچه او پاک کند در آشیانه

زنبور بیاویزد تا زنبوران او را نگزند باید که بمیرد در روغن به

جوشاند در وقت مجامعت یکی قطره در کف پای مالد

عجایب ببیند اگر شوربفت گنجشک با شکر بیامیزند و بخورند

آب پشت بفزاید اگر در قضیب مالد سود کند اگر سرگین او

با آب باران ترکند و در چشم کشد شب کوری برود اگر گوشت

او بخورند آب پشت بفزاید اگر استخوان او با خود دارد زخم

بروی کار نکند صفت طوطی اگر پای او در برج کبوتران اندازد

کبوتران جمله بگریزند اگر سرگین او بر جراحت نهد به شود صفت

مار در خوردن مار چهند تمام نماید سر و دم آنرا چهار انگشت

ببرند و پوست پاک کند و نیم پخته کرداند آب آنرا بریزند و در

روغن زیت بریان کند از علتها پاک شود و قوتی عظیم پید

بیدا شود اگر نیش افعی بر خداوند درد دندان بیاویزد به شود

اگر سر افعی در گردن خداوند خوکک بیاویزند منفعت کند اگر

دل افعی از خداوند تب بیاویزند سه روز به شود اگر شوربای

افعی را بخداوند جرام دهند سود دارد و اقراص افعی که در وی تریاق

فاروق افکند خداوند جرام را سود دارد و گوشت افعی را از نیک

افعی نهند درد بنشاند صفت ماهی سقنقور که در خشکی می باشد

اورا بانمک بپرورند باه را قوت دهد اگر گوشت او بخورند

زبه شود و قوتی پیدا شود اگر پیه او بر خداوند لقوه نهند

سود کند اگر بر خداوند ناسور بندند یا دود کنند سود دارد صفت

خرچنگ دو سر دارد دو دهان و زبانی در سینه دارد و پای

پان

209

باشد اگر جایی برند این بگیرند تا باد بران نکند رها نکند اگر خرچنگ را

بآفتاب خشک کنند و بکوبند و با روغن تباه بگوشند پس روغن

صاف کنند از کتان فتیله کنند و در چراغ نو کنند او روشن کنند

بر جا که نهند چنان نماید که هر که دران جا باشد رقص نماید

اگر کسی را مار گزیده باشد خرچنگ زنده را بدو نیم کنند

و بر سر جراحت نهند سود کند اگر پوست چشم او بر جدا و بند تب

بر بازوی بندد تب زایل شود اگر کسی را درد پهلو باشد

خرچنگ را بگیرد بریان کرده بخورد منفعت کند مسمور اگر

خون او در بینی مالند درد ببرد اگر در سایه خشک کنند و باب

بیاورد لکه کلف مالند به شود اگر در هاون کنند و بکوبند

و با روغن بنفشه بیک بمالند و آن روغن با پر مرغ در جایه

وبه مالند به شود اگر زهره بخورد دیوانه دهند منفعت کند

اگر با شکر بخورند سرفه کهنه ببرد اگر کسی پشت او بخورد از علت

پاک شود صفت **غوک** گویند غوک را بدو نیم کنند

نیم در آفتاب و نیم در سایه خشک کنند نیمه سایه با زیره شود

و نیمه که در آفتاب است بسوزانند و خاکستر ش بخورد

زنی دهند انچه کرده باشد در خواب بگوید صفت

سوسمار چنین گویند که سوسمار خانه جای سخت سازد

چون سیر شود موی بر آورد و خاصیت بسیار دارد اگر موی

آن زنی با خود دارد آبستن نشود اگر خون او با روغن

بلسان در چراغ روشن کند مردمان او خانه رنگ دیگر نماید

صفت **کژدم** گویند کژدم را چشم نبود چون زخم زند

210

بکزیدکسی که درخواب باشد نیاز ارد اگر آزاد درخانه بسوزند

همه کژدم های او خانه بر آیند و بعض گویند بکزیدگی کژدم را بکوبند

و بر کزیده کژدم نهند به شود اگر زیتون و آب بادرنج در کژدم چکانند

بمیرد صفت **عنکبوت** هیچ جانوری بحیله گی و مثل عنکبوت

نباشد و شکار نکند اگر مور تازه در خانه او دود کنند بگریزد اگر

عنکبوت بر خداوند تب بندند سود کند اگر عنکبوت در

شراب بجوشانند بر خداوند تب بلغمی بخورد و دهند سود

دارد اگر تار عنکبوت بر جراحت بندند سود کند اگر زنبور در **متورقات**

عسل نهند بمیرد و چون در سرکه نهند زنده شود سایه در خانه

زنبور بیاویزند بگریزند اگر افیون و سرکه بر زخم زنبور نهند به شود

اگر زیتون و نمک بر جای بمالند مگس بر آنجا ننشیند اگر مگس

دران اندازند بمیرد اگر مگس با روغن زیت در جای

کنند تا خشک کند پس بسایند بر موی مالند سیاه شود

اگر قطر زیبق با روغن کنجد حل کند و در سوراخ مورچه ریزند تمام

بمیرند اگر خایه او در حلوا یا چیزی دیگر بخورد کسی دهند بگوزی افتد

اگر پوست ترب بخورد به شود اگر مورچه بروغن زیت

بسرشند و در گوش چکانند درد ساکن شود اگر خایه او

خشک کنند و بساید بهر جا که مالد موی ببرد اگر خایه مورچه و

کف دریا و شکر و زعفران از هر یک برابر بکوبند و در چشم

کشند سفیدی ببرد گوینا اگر در قفس نبرد و دکند بشیر بگزد

اگر بکشاخ زرد زیر روغنی نهند نزدیک نیاید صفت

کیک اگر خواهند کیک رخنه نوارد در میان خانه گودی

کند

211

کند و بر چون کند همه انجا جمع شود اگر بوقت خواب گاه

بهاب کنند و سه نوبت سوره اذا زلزلة بر آن آب خوانند

و بر بالین نهند کیک و پشه که در انخانه باشند خود را در ان

آب اندازند در سر آدمی چون موی سیاه باشد سپس سیاه

باشد بار که انار سرو تن بشوید سپس نباشد صفت

چغانه اگر هفت عدد چغانه یک یک در آب

اندازد و یکساعت رها کند بعد از ان هر کس که گوش

گرفته باشد آن آب را بخورد گشاده گردد اگر با لش بار

در میان گل کاسه نهند بمیرد اگر در میان سرگین نهند باز زنده شود

اگر بالش ما رد در گوش خر کنند بیهوش شود چنانکه گویند مرده

است چون بر ان کشند باز بخود آید صفت خراطین

کرمی باشد سرخ و در زمین نمناک می باشد اگر اورا
خشک کند و خورد بسیار بساید با روغن زنبق چند بوت
بر ذکر بمالد بزرگ شود والعنب داره کرمی باشد سبز در میان
بالیزها باشد اگر آنرا در سرکه و عسل نهند بعد از چند روز بر کلف
مالند ببرد صفت نخل اگر هیچ آهن در درخت خرما فرو
برند درخت خشک شود طبع خرما گرم و نرم است هر که بسیار
خورد قوت کند اما خون سیاه کند و سده جگر و درد سر
آورد و زبان را سیاه کند اگر خرما خرک با کافور بسایند
در بینی کسی کشند که خون آید باز ایستد صفت انگور
هر چند شیرین تر است طبع او گرم تر است از انگورها انگور
طایفی گرانتر بود و باد انگیزد اگر انگور طایفی بسیار خورد

انگو

ناسور پیدا شود اگر خواهند که مضرت نرساند از پوست

بیندازد که مضرت در دانه و پوست است شاخ درزبر

مصروع بیاویزند نفع کند اگر برگ او با سداب و کافور معجون کند

و بخورند هر چند که شراب خورد مست نشود صفت **غوره** سرد و

خشک است صفرا بنشاند و شکم ببندد و اگر انگور را بیدانه

و بی پوست خورند تن فربه شود و آب پشت افزاید غوره

خشک است دل و جگر خوش کند انگور طایفی معده را

قوت دهد و دل را نشاط دهد مویز سیاه از کشمش گرم‌تر است

معده را قوی کند کشمش از همه لطیف‌تر است دل را

قوت دهد جگر را منفعت کند صفت **سیب ترش**

همه زهرها را سود کند هر که سیب ترش زیر سر نهد خواب

آشفته بنید اگر سیب در برگ بخور بنید و در گل گیرند

هر چند که خواهند بماند صفت **انار شیرین** بگرمی میل دارد

و لطیف بود و جگر را قوی کند ولیکن آب پشت

بیفزاید و دماغ تر کند انار ترش سرد است صفرا بشاند

و تپش دل و معده و جگر زایل کند اما قولنج آرد و در ترش

و شیرین در یکدیگر نیک باشد اگر انگبین در آب

بجوشانند در سال سه نوبت در پای انار ترش

ریزند شیرین شود و اگر پوست درخت انار بجوشند

و آب آن بار خورند شکم براند اگر به برگ انار سر و تن بشوید

شپش برود صفت **به** بهر رایی آن را از درخت فرو

گیرند در برگ بپیچند و مغاک بکنند و برگ درانجا کنند

دارا

و برگ نی بپوشند و آنرا در انجا نهند و خاک بر وش کنند
تا بهنگام دیگر تازه بماند به سرد و خشک است و معده و جگر
و دل را نیک است اگر بناشتا بخورند طبع را سخت کند و تشنگی
بنشاند و آب او قی را باز دارد صفت **امرود** انواع باشد
دل و جگر را آب دهد و معده را خنک کند سرد و تر باشد
و بعضی گویند معتدلست دل را قوت دهد و چون بسیار خورد
معده را سست کند برگ او بکوبند و بر جراحت پاشند
به شود و چون امرود بخورند زنجبیل پرورده از عقب
بخورند دفع کند مضرت صفت **شفتالو** چون در
میان کوسن نهند فربه بماند شفتالو سرد و تر است
تشنگی بنشاند و جگر را نیک بود و تپ و بلغم را سود

کنداگر برگ او بکوبند و برجایی که کرم افتاده باشد بریزند
جمله بمیرند اگر در جایی دود کنند ماران بگریزند اگر برگ او بکوبند
با آهک و زرنیخ در تن مالند بیکو شود اگر برگ او در جامه نهند
خراب نشود اگر برگ او خشک کنند و لبابد و سه روز
هر روز دو درم بخورد هر کرم که در شکم باشد بمیرد و اگر شگوفه او
بسوزانند و با سرمه در چشم کشند حرارت چشم را ببرد و اگر
بر ریش نهد ریم بیرون کند صفت زردآلو چون رسیده
باشد طبع شفتالو دارد چون شیرین باشد گرمی دارد و
معده را نیک بود اگر خواهند که زردالو شیرین کند
مغاکی در ان درخت کنند در سالی چهار نوبت هر نوبت
یکمن نمک در آب کنند و در ان مغاک ریزند اگر زردالو

خورند از عقب او سکنجبین خورند نیک بود اگر متواو با

خربزه بخورد نمک دهد تا مادام که بار دهد جوسرشته باشد نمک

بمیرد اگر متواو باز نگار بکوبند و بر مقعده نهد چارشش بیرد و صفت

انجیر گویند درخت انجیر کم بار دهد شاخی از درختی دیگر باو

بندند بار بسیار دهد اگر گاو دیوانه و کرکس باشد در شاخ

انجیر بندند نیک شود اگر سر گاو زیر درخت انجیر دفن

کنند چنانکه به بیخ نرم رسد بیشتر از همه پخته شود طبع انجیر گرم و تر باشد

گرده را سود کند و آب پشت افزاید اگر بسیار خورند حفقه

دارد اگر کسی را پای پاها ترسه روز لیر که بکوبانند و بخورد

منفعت کند اگر بکوبانند و بخورند سرفه کهن ببرد اگر با

شکر که بپزند و بخورند و در دهان نگاهدارد درد دندان ببرد اگر

انجیر خورند با روغن بادام سفید در عقب خورند مضرت

نکند اگر سیاهی در دست و جامه باشد آب غوره بشویند

ببرد اگر خواهند توت سیاه سفید شود سفالی بکنند در پای

درخت و کوزه توت دران ریزند و بپوشند بخاک

صفت **توت سیاه** سرد و تر است اسهال دارد اگر با آب

غرغره کند صاف و درد گلو را سود کند و معده و جگر را ساکن

کند اگر توت خورند از عقب آن ماء العسل خورند تا دفع

مضرت کند اگر خواهند صفت **جوز** بسیار شود مغز او

بنشانند و از مورچه نگاه دارند چون دو سال تمام شود از

انجا بکنند و در جای دیگر بنشانند نیک شود اگر مغز جوز را

خورند زهر را سود دهد اگر جوز تازه با شکر بخورند امید تو ا

دان

215

ست که تا سالی دیگر آنرا درد چشم نباشد اگر جوز تازه

درند آب پشت بیفزاید جوز گرم و خشک است و صفرا

انگیزد و دهن بخوشاند و سرفه آورد صفت نارجیل چنین

گویند که روغن نارجیل در موی مالند سیاه شود زود سفید

شود طبع او گرم است اگر بیخ او در چراغ کند بجای فتیله

سوزد اگر چوب تر است او با عود در مجلس آتش

نهد جماعت مست شوند صفت بادام اگر بادام تلخ و چرب باد

سیاه در آب ترشند بخورد سنگ دهد ببرد و روغن بادام

کوهی بادهای سرد بشکند و بادام شیرین سینه را نرم کند

درود را آلود دارد و دماغ را تری و نرمی دهد اگر با شکر

دند آب پشت بیفزاید و تن را فربه کند و گونه روی

نیکو شود اما در معده گرانی کند و باه برانگیزد اگر روغن بادام

بینی کاو دیوانه کند نرم شود صفت **فندق** هر چند فندق بسیار

شهوت افزون شود اگر شاخ او بر جراحت کژدم بندند

ساکن شود و روغنش برای اسهال سود کند اگر چوب

سفید او بسوزند و خاکسترش بر جائی پاشند که کرم افتاده

باشد سود کند اگر شیر او بخورد کسی دهند زود مست شود

و بیهوش شود صفت **فستق** گرم و خشک است درد پشت

را سود کند و سده بگشاید و آب پشت بیفزاید و صفرا

و خون را برجزاند و باد سرد را سود دارد صفت **چوب گز**

سرد و خشک است در تابستان از و نظاره چیزی فرو چکد

معده را قوی کند و طعام را زود هضم کند اگر برگ او بر آبله

بالند

مالند به شود اگر بیخ او در دندان مالند نیکو بود صفت
قصب را بتازی لفی گویند اگر جائی دود کنند ماران بگریزند
خرگوش چون بیمار شود برگ نی بخورد نیک شود اگر مار را
بوی دهند مست شود صفت خیار بگویند و بار نگار و
نمک و کمیز آدمی بر باسور نهند به شود اگر برگ او در خانه
دود کنند خفاش بگریزد از ان خانه صفت سنجد چنین
گویند که سنجد بتازی   گویند و درختی باشد مبارک
و طبع او گرم و خشک است و خون را تسکین گرداند
و سینه را نرم کند و سرفه که از خون باشد زایل کند و طبع
را نرم کند صفت ترنج حکیمان گفته اند اگر پوست ترنج گرم
و خشک است بسوزانند و بخورند سرفه را سود دارد و دو کرت

اگر در میان شراب خورند مستی نیارد صفت عناب سرد و خشک است ۴

او کرم و ترشی او سرد و خشک و دانه او سرد و تر و پوست

او دل را قوی کند و معده را قوت دهد و نقاط آورد اگر رنگ

بجامه سفید شد بر ترش ترنج بشویند دانه او و بزر نارنج سود کند

صفت **نارنج** صفرا بشکند اما آب پشت ببرد ترشی او

رنگهای سیاه ببرد اگر پوست او با روغن بجوشانند و در

موی مالند قوی کند و سفید نشود صفت **لیمو** سرد و خشک

است خون را تسکین دهد و خون صاف کند و درد سر

ببرد و دهن خوش کند و معده را قوی گرداند صفت

مورد گویند گرم است و خداوند برودت را سود دارد

اگر شاخ مورد همچون در انگشت درد سر و اما س

سر را سود کند آب مورد در شراب هر که خورد زود

ست شود اگر برگ مورد و برگ گل و صندل و مردار

سنگ بکوبند و در بغل مالند بوی ببرد اگر برگ مورد

و برگ گل و صندل چغندر بپزند و سر بدان شویند شپش

از سر ببرد و موی را نیک بود و اگر روغن مورد در موی

مالند موی نگاه دارد اگر مورد در سر مالند درد شقیقه به

برد اگر مورد را بجوشانند و آبش در مقعدی که برون

آید مالند باز بجای خود رود اگر دانه او بجوشند و آبش

بخورند درد سرفه و بلغم سرد را ببرد و خون از شکم باز دارد

صفت سرو از وصف مستغنی است اما شمه گفته شد

اگر کسی بوی سرو را بشنود سرش درد کند اگر برگ او در شراب

بخورد کسی دهند زود مست شود اگر برگ او در خانه دود

کنند بار بکریزند اگر کور سرو در چشم عدا وند درد شقیقه

دود کنند سود دارد و به شود اگر کسی در زمستان هر بامداد آب

گرم در پای درخت گل ریزند در سالی دو نوبت بار

دهد صفت گل سرخ اگر گل سرخ بکبریت دود کنند

سفید شود اگر برگ او کوفته در چشم کشند کور شود

کو نیند قطران ار برخیز چون قطران زنی بخود اگر

آبستن نشود اگر زنی صمغ صنوبر برگیرد در جماع لذت

یابد صفت نرگس هر کس که سداب بسیار خورد خون

بسوزد و شهوت ببرد هر زن که او را حیض بسته باشد

یکدرم آب سداب با یک آثار روغن گل در هم کند

و بخورد هم در ساعت حیض بگشاید اگر کسی را مار زده باشد

سداب و برگ جوز بگیرد و بکوبد و بخورد زهر مار بروی کار
نکند و بجای تریاک باشد اگر کسی را درد مقعد باشد شاخ
سداب بخاید و در مقعد نهد و دردش بنشاند هرگاه که کاسنی
خورد بسیار خون صاف کند و جگر را تازه دارد و حرارت
زهر بنشاند هر کرا جایی اماسیده بود سیاه اسپرغم را بکوبد و
آبش بر جای طلا کند اماس بنشاند و درد ساکن شود
اگر اسپرغم را با روغن تازه بر موی مالند موی را سیاه کند اگر
کسی را سداب بر در سوراخ مورچه ریزد جمله بمیرند اگر برگ
سداب با روغن تازه بجوشاند و بر جوش تن مالند هر گزندگی
در جامه وی نفتد آزموده است اگر کسی تخم کرفس با شکر
بکوبد و بخورد مردی افزاید تخم کرفس و تخم کندر و تخم توت

از هر کدام یک درم قرنفل یک درم مصطکی و پاره عود خام همه را بکو

با سه چندان فانید معجون کند و هر روز سه درم بخورد معده را

قوت دهد و قوی گرداند و بلغم را ببرد و بوی دهان خشک کند

و آب رفتن از دهان باز دارد و سردیها ببرد و کرم اندر شکم

بکشد و بادها بشکند و گرده را قوی گرداند و زهار گرم کند

و زرنگ از میانه ببرد و تخمه و ناگواری طعام را نیکو بود و باد

بواسیر را ببرد و باد مخالف بنشاند و شهوت را بفزاید

و آرزوی طعام آرد اگر خفن باراک سیاه بیامیزد و بر بیسر

طلا کند عسر ببرد و سود لب باز کند اگر کسی را زنو و آب

تا ختن گرفته باشد شکنبه خار پشت بخورد نیکو شود اگر کسی

خورده گردد و باصلاح آید هر که سیر خون بخاید بوی دهان

خوش

خوش کند و تشنگی ببرد و باد سموم ببری کار نکند اگر در
دندان مالند خونی که از دندان آید باز ایستد اگر دندان معیوب
بود عیب از دندان زایل کند اگر کسی را کژدم بگزد طرخان
بخاید و اثر آنجا مالد دردش بنشاند اگر سپندان با روغن
گل بجوشانند و بریان کنند و بخورد زردی را زایل کند و سود دهد
اگر کسی شلغم با گوشت بپزد بخورد شهوت بیفزاید و گرده را قوی
کند و طبع را نرم کند اگر دست و پای سرما زده باشد شلغم پخته در وی
کند نفع بخشد اگر صحبت بسیار کند گرده ضعیف شود و از صحبت
خویش لذت نیابد و مغز را خشک کند و چشم تاریک نماید
و جان و تن را زیان دارد و مصلحش کشنیز که با نان و سرکه خورد
زردی او ببرد و تشنگی نیز فرو نشاند اگر بسیار خورد درد

شقیقه ازان بود و آنچه ازان علتها پیدا شود اگر کسی
کافور در بینی چکاند او را درد شقیقه هم بود و خواب خوش
آرد اگر کسی کاسنی را بکوبد بر آماس نهد اگر از خون
باشد بنشاند اگر شکم مرغ بر کاسنی کند در بریان کند و بخورد
خون از شکم باز دارد اگر تنگ خورد آب از دهان باز
ایستد اگر توت بوقت خفتن بخورد معده را قوی گرداند
و بوی دهان خوش کند خوربی گوید هر که بادروب البالد
خورد کرم اندر شکم بکشد پدید کند هر که آب بادروب
با خون اسب در پهلو مالد سبز زر ابرو نهد که بادروب
با سرگین کبوتر در گرمابه بخویش مالد گر برابر داء البوری
گوید اگر کسی آب بادرنگ دیگ بخ در چشم کند نشت گور

اشتهای خسته چون نشاند هر که او را حقنه کند و دو شیره بادام ... حقنه باشد
هر که او را ...

220

بر دستهر که آب بادرنگ باز زهره خرگوش بجوشاند

واندر گوشش افکند ریم از گوش بازدارد و نیک

شود اگر خواهی که خوک   بزبان نکند جریق سیاه خورد بگوید

دیر آب بباید بزد و گرد برگرد آن طعام پراکنده کند که مجربست

هر زنی که خایه خرگوش خشک کرده بخورد با مرد جمع آید در حال

بارگیرد هر که خایه موش خشک کند و شافه کند و زنی برگیرد

چون با مرد جمع آید آبستن گردد بفرمان خدا تعالی اگر دو چشم

خرگوش خداوند تب با خود دارد تب نشود اگر خرس [پیه]

در هر جا که مالد سر را باز دارد و هیچ کار نتواند کرد اگر خون خرس

در چشم کند موی از چشم بیرد اگر زهره خرس با انگبین

خداوند نواسیر را بر دوا نهد در شکم اندازد گویند هر که

ترب با ناشتا بخورد معده را قوی کند و بلغم ببرد و تخمه را

نیک بود و آواز نیک شاید اگر ترب در بهی مالند

بهی ده ساله را ببرد و تب چهارم را نیک بود اگر

یک قدح آب ترب با یک اثار انگبین در گرمابه بخورد

قی آورد و بلغم پاک کند و تب سه روزه را ببرد و ثابت

ابن مزه گوید اگر دانه سپر با روغن بریان کند و بر خود مالد

و بر کرد خارش معده را بنشاند و منفعت پدید آید و

کرم اندرون بکشد و زایل کند اگر تخم با روغن بریان کند

دماغ گرم بخورد بادی که در زنجابه باشد ببرد و زایل کرداند

ابراهیم گوید که برگ کدو بکوبد و در خویشتن مالد کر را

بر دیسار که پوست کدو پخته و خام ایکار دارد اگر ده کرت داشته

بار

باشد
هم بعد خوشبو کند مهران گویند که تخم شوبت و سیاه گرم
یعنی ریحان بروغن بریان کند هر روز یکمثقال بخورد حمل از
شکم باز دارد اگر برگ ریحان بکوبد زنان ازان شافه بر دارد
نه شب بیمار را بغایت گرم کند هر که تخم ریحان بروغن بریان
کند و در گوش نهد گرانی را ببرد هر که نرگس بسیار بوید
مغزش قوی شود و خوابش خوش شود هر که روغن نرگس
با شبت بر قضیب مالد قضیب را سخت کند و قوت
افزاید هر زن که آبستن نشود نرگس را بکوبند و بنه باب
آن تر کند و بخود بر گیرد و چون با مرد جمع شود آبستن گردد هر که
آب نرگس در چشم کشد کوری ببرد هر که نرگس را بکوبد اندر
دهان نهد تشنگی ببرد هر که زهره خرگوش در روغن یاسمین نهم

بیامیزد بوقت مجامعت در تن مالد و یکی سخت نگاه

دارد آنکس در حال دوست تو گردد و بیقرار شود هر که تخم

کند با تکو بید و بخورد گرمی و حرارت پدید آورد و بسیار منفعت

تن بود اما باد انگیز باشد هر که زهره خار پشت در

چشم افکند سفیدی را ببرد اگر کسی را النوس گرفته باشد

موی سر کودک هفت ساله تر کند و بروی نهد نیک شود

اگر زنی را کودک اندر شکم مرده باشد سیر ثنک بسایند

بوی دهند تا بخورد در ساعت بار نهد اگر کمیرد طعام

بخورد تاریکی از چشم ببرد اگر کسی ترب بپزد و بخورد ریگ

از مثانه بیرون آورد اگر سیر بسیار خورد معده را پاک کند

و ریختن از دست و پای ببرد و لقوه را نیک بود اما صفرا

ابکز

انگیزد و درد شقیقه و خارش اندام پدید آید و خون را بسوزد

اگر تخم ترب و بیار سرخ در بینی مالد بیسر را ببرد هر که را درد دندان

باشد اگر برگ سداب و موی سیاه بکوبد و زیر دندان نهد

در حال دردش بنشاند و راحت و آسایش پدید آید اگر

سداب با سرکه بجوشاند و پاره دیگر با آب تر کند و بر پهلو چپ

بندد درد سپرز را ببرد و بادش بنشاند و درد پهلو بکند و بسیار

منفعت پدید آید اگر کودک را کرم در شکم و زهار باشد در

آب سداب تر کند و بر زهار بندد و اگر و اگر باشد اگر کسی

آب ترب و آب کامه هر دو بهم بیامیزد و بدان غرغره کند

آواز گرفته باشد بگشاید و بلغم ببرد و معده را قوی کند و سرفه را ببرد

هر که ترب با انگبین بیامیزد و بخورد درد ناف ببرد و منفعت

نسیار پدید آید هر که تخم ترب بکوبد با سیر بیامیزد و بر کلف
مالد کلف از روی ببرد اگر سرگین باز زنی بخورد او را فرزند
نیاید ارسطاطالیس گوید اگر کسی نعناع را بجوشاند و بر پهلوی
چپ مرهم کند سپرز را سود دارد اگر نعناع خشک با شکر
بکوبد و بخورد اندوه ببرد و دل را طاقت آورد و در تن ابن سینا گوید اگر
نعناع را با نان بخورد معده را قوت دهد و بلغم را از معده تحلیل
دهد و چون بسیار خورد آب پشت را ببرد و زیان دارد
هر که جمع را بآب دهن تر کند و بر پای ترکیده مالد سود کند
مجربست وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ
لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا
جه

ـبّة فی ظلمات الارض ولا رطب

۲۰ ۸۸ ۱۰ ۳۰۹ ۱۲ ۱ ۳۰۲ ۸۰۰ ۱۳۶ ۲۰ ۹ ۲

ولا یابس الا فی کتاب مبین

۱۳ ۱۰ ۱ ۲ ۹۰ ۱ ۲ ۱ ۸۰ ۱ ۲۰ ۱ ۴ ۱ ۲ ۸۰ ۲ ۱۰ ۵۰

تعبیر خوابنامه از حضرت امام جعفر الصادق علیه الصلوٰة والسلام

بسم الله الرحمن الرحیم از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام نقل است

هر شب از ماه کسی خواب ببیند حکمش هرچه میتواند باشد

شب اول و دویم دروغ است شب سیوم اگر نیک دیده

باشد بد است و اگر بد دیده باشد نیک است شب چهارم

پنجم و ششم بعد از چند روز دیگر یا بعد از چند ماه یا بعد از چند سال

اثر کند شب هفتم و هشتم هرچه ببیند همان شود شب نهم و دهم

دروغ است شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم دروغ است

شب چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم و هفدهم و هجدهم و نوزدهم

۲۱ ۲۰
هرچه بیند همان شود شب بستم و بست یکم در وغست

۲۲ ۲۳
شب بست و دویم هرچه بیند همان شود شب بست سیو

۲۴
و بست چهارم اگر نیک دیده باشد بد و اگر بد دیده باشد

۲۶ ۲۵
نیک است شب بست و پنجم و بست و ششم بعد از چند روز دیگر

۲۷
یا بعد از چند ماه دیگر یا بعد از چند سال دیگر اثر کند شب بست

۳۰ ۲۹ ۲۸
و بست هشتم بیان واقع است شب بست و نهم و سی ام راست

است و تعبیر ندارد والله اعلم بالصواب باب اول

در دیدن فرشتگان و بهشت و ستارگان و کرسی و

آسمان و دوزخ و صراط و پیغمبران و قیامت باب دویم

در دیدن آفتاب و ماهتاب و ستارگان و رعد و برق

برف و باران باب سیوم در دیدن دریا و جا

۱۶۳

وحوض وآب ورود وکشتی باب چهارم در دیدن
روشنائی وتاریکی وشمع وچراغ وقندیل وآتش ومشعل
باب پنجم در دیدن تل وکوه وریگ وبالا و
نشیب وخاک وبیابان وگنج وآهک وخشت پخته
وخانه ودیوار باب ششم در دیدن شهر وشهرستان
وقلعه ومسجد ومنبر ومناره باب هفتم در دیدن سرا
وبستان وگرمابه وکوشک ودوکان وآسیا ونردبان
وناودان باب هشتم در دیدن مشک وعنبر وعود
وکافور وصندل وگلاب وزعفران وروغن ونان
خورشش وهرچیزی که بوی خوش دارد وصورت
نیکو باب نهم در دیدن مرد جوان وپیر وکودک

باب دهم در دیدن غسل کردن و دست و روی شستن

تیمم کردن و بانگ نماز گفتن و اقامت گفتن و رکوع و سجود

و حج و عمره و زکات مال دادن و صدقه دادن و عزت

گزیدن باب یازدهم در دیدن خلیفه و ولایت و قاضی

و نقیب و خطیب و بهانه و نزاع و وکیل باب دوازدهم

در دیدن کراسه و قلم و دوات و لوح و منشور و قباله و نامه

و بلاد باب سیزدهم در دیدن مردمان بسیار و گوشت

و پوست و اندام مردمان و زنان و استخوان و نقصان اندر

تن مرد باب چهاردهم در دیدن کلبه و نردبان و تخت

و کرسی و سراپرده و عماری و کیسه و صندوق و کردان و خم

و ستون و فروش و بالش و حجره و قبه و شادروان و گشادن

دکان

دلبستن و از جای لگاه و تنگ بیرون آمدن باب پانزدهم [15]

در دیدن دیگ و دیگدان و شوربه و شور و دود و خاکستر

باب شانزدهم [16] در دیدن مردم دبر بینه و دهن او را کفته و

ستردن موی و سوی باز کردن باب هفتدهم [17] در دیدن

بریدن و گردن زدن و اماس کردن و زیاده و نقصان

در اندام و پدید آمدن باب هجدهم [18] در دیدن پستی و بلندی

و درازی و کوتاهی و آبله و ورم باب نوزدهم [19] در دیدن

باغبان و سبزه و مرغزار و ریاحین باب بیستم [20] در دیدن

نانخورش و حلوا و انگبین و شکر و نبات و غیر آن باب

بیست یکم [21] در دیدن تره و پیاز و سیر و نمک و غیر آن باب

بیست دوم [22] در دیدن کامه و شراب دار و و فقاع و بهر

و لسان کردن و مسهل خوردن باب بیست سیوم ۲۳ در دیدن

جواهر و یاقوت و مروارید و درم و دینار و مس و نقره و

آب و سنان و سبو و کوزه و آنچه مانند آن باب بیست چهارم ۲۴

در دیدن لباس و انگشتری و جامه و پوشیدن و کلاه

و دستار باب بیست پنجم ۲۵ در دیدن عروسی کردن و بوسه

دادن و صحبت و آنچه بدان ماند باب بیست ششم ۲۶ در دیدن

نل و بند و دام و ریسمان و سوزن و دوختن جامه باب

بیست هفتم ۲۷ در دیدن سلاح و آلت پادشاه و آنچه بدان

باب بیست و هشتم ۲۸ در دیدن ابریشم و سوزنه و انصار و دیبا و مانند

آن باب بیست و نهم ۲۹ در دیدن نابینا و مانند آن باب

سی ام ۳۰ در دیدن لحاظ حجله و زندان و گورستان و مرده

و جنازه

آن باب سی و هشتم ۳۸ در دیدن گوسفند و میش و
بزغاله و موی پشم او و شانه و مانند آن باب سی و نهم ۳۹
در دیدن خرگوش و گورخر و اندامهای ایشان و مانند آن
باب چهلم ۴۰ در دیدن گاو نر و ماده و گوساله و مانند
آن باب چهل و یکم ۴۱ در دیدن فیل و گاومیش و
انواع اندام ایشان باب چهل و دوم ۴۲ در دیدن خوک
و بوزینه و موش و عنکبوت و مانند آن باب چهل
و سیوم ۴۳ در دیدن دد و دام مثل شبر و گرگ و مانند آن
باب چهل و چهارم ۴۴ در دیدن مگس و پشه و مورچه
و زنبور و پشه و مانند آن باب چهل و پنجم ۴۵ در دیدن
ماهی و سنگ و پشت و خرچنگ و مانند آن باب
چهل

وکلیسا باب پنجاه و ششم در دیدن مرغان

باب اول در دیدن فرشتگان و انچه ذکر رفت

هر که فرشتگانرا بخواب بیند در نعمت دو جهان افتد

اگر کسی ملک الموت را بخواب بیند که جان وی

می ستاند یا در خواب بیند بروزندگانی وی دراز گردد

اما ترسی باید اگر کسی در خواب بیند که فرشته بروی

سلام کرد در دو جهان ایمن گردد و بهشت جا وید یابد

اگر کسی پیغمبری را در خواب بیند نعمت و راحت

و رحمت دو جهان یابد کسی بهشت در خواب بیند

علم و زهد و سروری و نعمت و فرح و راحت و ایمنی و

بشارت بود و خیر و برکت یابد اگر کسی ستارگان

228

را در خواب بیند بلندی و رفعت و سلطنت و نعمت

و مرتبه و عزت یابد اگر کسی در خواب بیند که در آسمان

گشوده شد روزی وی فراخ گردد اگر کسی در خواب

بیند که طعام یا میوه میخورد و اناگردد اگر کسی دوزخ را

بخواب بیند خشم خدا بود و نیک نه بود اگر در خواب

بیند که طعام دوزخ را بخورد آنکس طلب معصیت میکند

و او در خواب دیدن زشتی و خطر و بیم گناه باشد

و هول باشد اگر کسی در خواب بیند که ترازو زر آ

کشیده قاضی آن شهر بعدل و انصاف کوشد قیامت

در خواب دیدن هول و بیم و فزع باشد آخر کار خداوند

کار آن کیرد باب دوم در دیدن آفتاب و مهتاب

وانچه ذکر رفته آفتاب درخواب دیدن از پادشاهان

سلطان کردد یا قاضی یا عالم یا امام شود اگر کسی درخواب

بیند ماه را میان قوم خود بهتر کردد اگر کسی درخواب

بیند که ماه درکنار او افتاد یا او درکنار او اگر بیشتر آورد

مهتری بود کار او بالا کردد اگر غایب بود بازبخانه

آید و اگر امید فرزند داشته باشد پسر شود نیکو روی بود

پس ماه درخواب دیدن مرد را زن بود و زن را

شوهر اگر کسی درخواب بیند که ماه کرفته بود آنکس

بدنامی منسوب کردد اما ستارکان درخواب دیدن

بر دوازده وجه بود بر او فرزند و بندکان و شاکردان

و فقها و علما و قضاة و خلفا و خزینه داران و مردان جنکجوی

اک

229

اگر کسی در خواب بیند که ستاره در کنار او افتاد آنکس را
عزت و دولت رسد یا ور الهی آید اگر ستارگان را
داند که کدام است آنچه تعلق بدان ستاره دارد بیاید چنانکه
مشتری در خواب بیند قاضی یا وزیر یا ملک اگر در خواب
بیند که برابر ماه نشسته در همین وقت آنکس پادشاه
شود و اگر سزاوار آن نباشد بمراد رسد باران در
خواب دیدن رحمت و برکت باشد و اگر فاسق بوده
باشد ببلا و قحط و بیماری افتد اگر کسی در خواب باران
آهسته رحمت باشد گرد و باد و تاریکی فتنه و جور سلطان
باشد اگر در خواب آواز رعد بشنود بوقت باران
در آن موضع خیر و برکت پدید آید اگر باران و رعد و برق

بهم است بیم و فرح باشد باد در خواب بشارت و راحت است

واگر کسی در خواب بیند که باد سخت و گرد و خاک پیدا شود

در آن موضع بیماری و لشکر ستمگر پدید آید زاله بخواب دیدن

که بوقت خود نباشد بلا بود برف و یخ بخواب دیدن

معیشت حلال بود قوله تعالی و ینزل من السماء رزقکم و ما توعدون

اگر کسی در خواب بیند که برف و یخ همی خورد میراث حلال

یابد اگر کسی در خواب بیند که باران بهیبت آمد در آن موضع

لشکری با مرگ مفاجات پدید آید شود باب سیوم

در دیدن دریا و چاه و حوض و دریا در خواب دیدن برکت

یابد اگر شایسته آن باشد اگر کسی در خواب بیند که آب خوردی

همچنین اگر در خواب بیند که از چشمه آب خوردی فرح یابد

واگر کسی

و آرامش و شادی بود اگر کسی در خواب بیند که در رود
افتاد در نعمت افتد جیحون در خواب دیدن مردم بزرگ
باشند و نیکنام گردد و غرق شدن اگر کسی در خواب بیند در
حزنی افتد حوض در خواب دیدن با مردم بزرگ و توانگر و کار
افتد اگر در خواب بیند که از حوض آب خورد با مردم پاک
دین و توانگر آمیزد و مال بمقدار بزرگی آب حوض یابد
اگر در خواب بیند که آب صافی خورد عیش خوش
یابد و مال حلال و فرزندگانی دراز یابد اگر در خواب بیند
که در کشتی نشسته یا از کشتی برآمدی کار او بالا گیرد و اگر
سزاوار ولایت بود ولایت یابد اگر از کاری معزول بود
باز در آن کار شروع کند و اگر درویشی در خواب بیند توانگر

ببیند
کرد اگر بنده آزاد شود اگر امید فرزند داشته باشد پسر

آید یا دولت اگر کسی در خواب بیند که خود را در جای

افکندی و نشسته مردی نیک گردد و روزی فراخ شود

اگر کسی در خواب بیند که در آب شنا کردی تدبیر کردن

در کاری بود و اگر آب روشن بود مال و جاه یابد

و اگر آب تیره بیند مال حرام یابد اگر در خواب بیند که از حوض

که غسل کردی از همه غمها بیرون آید و گفته اند کشتی در

خواب دیدن فرزند بود و توانگری و عیش خوش

بیند جاه در خواب دیدن فرزند بود و توانگری و عیش

دروغست بقول دانیال زیرا که اگر در خواب بیند که در

چاه افتاد حذر باید کرد که در عذر دیگر نیفتد اگر کسی در خواب

ببیند

231

...ید که از چاه آب بکشیدی از بزرگی یا حاکمی منفعت یابد

...ر از ان چاه آب خوردی یا در وی نشست از غمها فرج یابد

...اگر از ان چاه چیزی کشیدی و برداشتی و در جای کردی

...مال منفعت یابد و از غمها ایمنی گردد باب چهارم در دیدن

روشنائی و تاریکی و شمع و چراغ و قندیل و مشعل روشنائی

در خواب دیدن اسلام بود و راحت تاریکی در خواب

دیدن کفر و ضلالت آتش در خواب دیدن فتنه و

فساد باشد و مال حرام آتش بی دود در خواب دیدن

از غم رستگاری و سلطنت و بزرگی اگر کسی در خواب

بیند که با آتش چیزی بپختی و همی خوردی سخنان ناخوش

شنود آتش بی دود مال و فرح بود شمع و چراغ در خواب

دیهیند بزرگی بود و توانگری باشد اگر در خواب بیند که در دست

یا در سرا و چراغ بود آنرا اسپر آید و اگر سرا او در ولایت باش

ولایت یابد و اگر در غربت باشد بخانه خود آید اگر ک

در خواب بیند که در شهر یا مجلس او شمع یا چراغ [یا قندیل] بود سلطان

شهر عادل بود یا منصب شود اگر کسی در خواب بیند

که در سرای او شمع یا چراغ بود اگر غریب باشد زن خواه

آورد و اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر بازرگان باش

نفع بسیار بیند و یا کنیزک صاحب جمال نیکو سیرت

نخرد باب پنجم در دیدن کوه و تل و ریگ و بالا

و لبت و خاک و کوه و تل در خواب دیدن ملک

یافتن ظفر بود و ولایت یابد اگر کسی در خواب بیند ک

232

در سر کوه ایستاده است اگر سزاوار ولایت باشد ولایت

یابد والا کار او بالا گیرد و بهتری رسد و اگر در خواب بیند

که از کوه فرود آید میانه بود گاه غم وگاه راحت اگر کسی در

خواب بیند که در بلندیست مال بسیار یابد و درجه بزرگ

شود بیابان در خواب دیدن پر خطر کند کارش اگر کسی

در خواب بیند که از بیابان بیرون رفت از غم بیرون رود

ریگ در خواب دیدن مال حلال بود از بزرگی یا از قبیل

لی اگر در خواب بیند که در ریگ میرفت در رنج و مشقت

بند خاک و سنگ در خواب دیدن مال حلال بود از

طرف سلطان یا از طرف زن فایده یا از طرف بزرگان

و بند دیوار نو در خواب مال باشد دیوار کهنه عمارت

کردن نیک بود اگر دیوار بدیوار رقا ... آنکس از کاری

بکاری شود اگر کسی در خواب بیند که دیوار خانه فرود آمد به

خداوند خانه مصیبتی برسد یا خود بمیرد و نردبان در خواب دیدن

یا بر نردبان پای نهادن سلطنت بود و عزت و کار او

بالا گیرد و خشت پخته در خواب دیدن مکر باشد و سخنان

ناخوش بشنود و کارش دشوار باشد خشت زدن

در خواب دیدن مال جمع کردن بود و گچ و آهک در خواب

دیدن مال و منفعت باشد از قبل زن **باب ششم**

دیدن شهر و شهرستان و قلعه و مسجد و منبر و مناره د

خواب دیدن دین راست باشد و کار بزرگ طا

گردد و بعیش خوش گذراند شهرستان و باره

دیدن آرامش و روشنائی بود اگر کسی در خواب بیند که در
شهری درآمدی دین وی قوی گردد و بر دشمن ظفر
یابد و بیرون آمدن از شهر حرمت باز داشتن اگر کسی
در خواب بیند که باره و قلعه را عمارت میکند کار او بالا
گیرد و اگر کسی در خواب بیند که در مسجدی باشد از سلطان
و قاضی و در پیش نیکوئی بیند اگر در خواب بیند که نماز میگذارد
کاری کند که همه مردم از و خشنود باشند و حقتعالی نیز
از و راضی باشد و بهشت روزی وی شود اگر در خواب
بیند که بر منبر یا بر مناره شدی او را بزرگی و نیکوئی
برسد اگر مسجد جامع در خواب بیند بهتری بود اگر در خواب
بیند که در مسجد جامع شدی او را خیر و برکت باشد و از بلاها

امین باشد اگر در خواب بیند که مسجد جامع آراسته کار نیک
بدست او آید اگر در خواب بیند که در مسجد پشت بمحراب
باز دارد آنکس توکل بر خدا کند و در دنیا و آخرت ایمن گردد
و روزی برای او فراخ گردد و اگر کسی در خواب بیند که بر خدای
تعالی سپاس داری و حمد گفتی مال بسیار و فرزند نیکو بود اگر
در خواب بیند که مناره بشکست و فرود آمد یاران شد
بزرگی بمیرد و اگر در خواب بیند که مناره مسجد جامع افتاد
خطیب یا قاضی بمیرد باب هفتم در دیدن سرا و بستان
و گرمابه و کوشک و دوکان و آسیا اینهمه در خواب دیدن
مرد را توانگری بود و زن را شوهر اگر کسی در خواب بیند
که در سرای او گشاده شد اگر مرد باشد زن کند و اگر زن

بود شوهر کند خدای تعالی اورا پسر دهد اگر کسی در خواب بیند
بوستان را زن صاحب جمال روزی او گردد و زندگانی
در شادی گذراند و کوشک و غرفه در خواب دیدن مهتری
باشد و مال بسیار یابد و بمراد برسد دوکان در خواب
دیدن عیش باشد مردمانرا اگر در خواب بیند که آسیا
خراب گردی طعام تنگ شود و مستراح و مطبخ در خواب
دیدن اگر مرد بود زن بخواهد و اگر زن بود شوهر کند **باب**
هشتم در دیدن مشک و عنبر و عود و صندل و گلاب
و زعفران و روغن و خوشبو و هر چه بوی خوش دارد
باشد یا صورت نیکو این همه بخواب دیدن مال حلال بود
و شادی باشد و سخن خوش شنود و روغن یا

خوش بوی در خواب دیدن زن سلیطه باشد و مرد

فاسق و سخنان ناخوش بشنود و زعفران در خواب بیماری

و فکر بود باب ۹ نهم در دیدن مرد جوان و مرد پیر و زن جوان

و زن پیر در پیر در خواب دیدن دولت و بخت بود و

آسوده گردد و غلام در خواب دیدن بشارت و شادی و

روشنائی باشد کنیزک در خواب دیدن خیر و برکت و ظفر یافتن

بر دشمنان بود و کودک در خواب دیدن چون پسر باشد شادی

و چون دختر باشد غم بود و زن پیر در خواب دیدن غم بود و زن

جوان در خواب دیدن شادی و عیش بود باب ۱۰ دهم

در دیدن غسل کردن و دست و روی شستن و تیمم کردن و

بانگ صلوة و اقامت و رکوع و سجود و عمره و زکوة مال دادن

235

وصدقه دادن وعزت گزیدن غسل در خواب دیدن
ایمنی باشد و نیکوروئی و نعمت وجای یافتن در رکوع وسجود
جاه یافتن بود در رکوع سجود کردن در خواب عدل پادشاهی
وشادی بیند سر و پا برهنه کردن در خواب توبه کردن واز غم
واندوه بیرون آمدن بود اگر کسی در خواب بیند که در کعبه شدی
وبیرون آمدی از همه غمها فرج یابد واز همه فتنه ها ایمن باشد
قوله تعالی ومن دخله کان امنا اگر کسی در خواب بیند که آب
زمزم میخورد از تشنگی قیامت ایمن گردد واگر کسی در خواب
بیند که اقامت گفتی ایمنی بود **باب یازدهم** در دیدن خلیفه
وامام وقاضی ونقیب وفقیه وخطیب ومؤذن ومیانه وترازو
وکیل قاضی را در خواب دیدن امر خدای تعالی بود وقوت دین

باشد پیمانه وکیل و ترازو و کیال در خواب دیدن قاضی

آن شهر را کار راست بود و اگر کسی در خواب بیند که ترازو

وکیل بشکست قاضی آن شهر بمیرد یا از قضا معزول شود

اگر در خواب بیند که قاضی خوش روی بودی دلیل کند که

خدای تعالی از و خشنود بود اگر قاضی ترش روی بیند

دلیل کند که خدای تعالی از و خشنود نبود اگر فقیه را در خواب

یا قاضی یا نقیب یا امام یا عالم یا خطیب یا موذن اگر آن

کس صلاحیت دارد بعزت رسد و اگر صلاحیت آن

ندارد کاری بکند که زیان دارد باب دوازدهم در دیدن ۱۲۰

کراسه و قلم و دوات و لوح و منشور و قباله و نامه و سواد

و قلم بخواب دیدن حکم و ادب بدرجه رسد لوح در

خواب

236

خواب دیدن علم و رایت باشد بر مردان نامه نوشتن در
خواب ولایت باشد و قوت و منفعت یافتن و دیدن
باشد اگر کسی در خواب بیند نامه قاضی را حاجت رواکردد
و قلمدان در خواب دیدن زن کند کراسه و مصحف نوشتن
نیکو کردن و میراث حلال یافتن و امانت و منشور در خواب
دیدن ولایت بود بر قوم حاکم فرمان دادن امراد در
در خواب شادی و عزت و دولت باب سیزدهم ۱۳
مردان و گوشت و پوست و اندام مردان و استخوان
و نقصان اندر تن مردمان یا جامهای بسیار دیدن آرامش
و شادی و مال بود اگر کسی در خواب بیند که سر از تن جدا
کردن میان او و بزرگان جدای افتد اگر کسی در خواب بیند

که گوشت مردم داشتی زن نیکوروی بود و خبر خوش بشنود

چشم در خواب دیدن نور بصر بود و مال بود پستان مرد

زن در خواب دیدن برادر و خواهر و شوهر باشد پای مردم در

خواب دیدن سعی کردن در طلب مال حلال بود و پشت مردم در

خواب دیدن برادر و یار و دوست بود پوست و استخوان

نیز در خواب نیکو بود دهن مردم در خواب دیدن میراث

و اگر کسی در خواب بیند که دندان پیشین وی افتاد مصیبت

رسد وی را یا نیکو کند در زر و آب دهن و بلغم انداختن

فرج یافتن از غم بود و گفته اند که شادی بسیار نیز بود و اگر

کسی در خواب بیند که دهان وی خشک شدی روزی بر وی

تنگ شود پوست و شکم و استخوان و آنچه بدان ماند در طلب

ایزان

دیدن عزت و جاه و مرتبه باشد موی مردم در خواب دیدن راحت
جان بود و اما آنکس و گره و آبله و دنبل و خبرهای اگر زیاده بیند
بود در خواب دیدن مال و عزت و جاه و فرزند خادمان را در
خواب دیدن دولت و عزت و خیر بود **باب چهاردهم** [14] **در**
دیدن کلیدان و نردبان و تخت و کرسی و سراپرده و عماری و
کیسه و محل و صندوق و کردن و خیمه و ستون و فرش و چتر و
تیبه و دشادروان و بستن و گشادن و از جایگاه تنگ بیرون
آمدن از این همه خوب است چوب راست در خواب دیدن
نیک بود اگر از برای سوختن بود و اگر کسی در خواب بیند
که از جایگاه تنگ بیرون آمدی از غم ها برهد و راحت یابد
اگر در خواب بیند که قفل کرا و اگر د کارهای بسته او همه از قفل

اگم گشده شود و در بسته گشادن همین حکم دارد زین و پالان

در خواب دیدن بلندی بود اگر کسی در خواب ببیند که بر گرد دل

نشسته باشد عزت و دولت یابد کیسه و محمل و خیمه و چتر

و سراپرده در خواب دیدن آن بزرگی بود اگر خداوند خواب

مستور و اگر نا مستور بود دیدن زندان غم و اندوه بود شکوه

در خواب دیدن مردم محتشم بود نیک بود باب پانزدهم ۱۵

در دیدن دیگ و دیگدان و تنور و خاکستر و دیگ در تحتیا

در خواب زن باشد مرد و اگر او شوهر باشد و زنبار زاد دیگدان

در خواب دیدن کنیزک صاحب جمال بود تنور در خواب

دیدن مال حرام باشد باب شانزدهم ۱۶ در دیدن مردم برهنه

دامن او را گرفته باشد و سیاح و داشتن چون انها که گفته شد

در خواب

288

اگر خواب بیند که او را زمین یا دشمن بگرفت یا آتش او را
بسوخت از جهت زن غم خورد و او را مصیبت رسد از قبل مال خویش
را لعل کند یا گناه بزرگ کند توبه باید **باب هفتدهم** ۱۷ در دیدن
رگ زدن و حجامت کردن و موی ستردن و بازی کردن موی
و ریش بریدن و در اندام افتادن و آماس کردن و زیاده و نقصان
در تن پدید آمدن رگ زدن اگر خداوند خواب در هلاک حیث
باشد فرج بود و چون بصلاح شود خداوند خواب شکر کند اگر در
خواب بیند که تمام خون وی بریخت و هیچ خون در وی دیدن
وی نماید اجلش نزدیک باشد توبه باید حجام پیر بود در خواب
دیدن بهتر از حجام جوان بود و گویند حجامت در خواب کردن
امانت گذاردن بود و دست بغیر بجای آوردن اگر کسی قدر

خواب بیند که حجامت کردی و هیچ نشان حجامت بردی نماند

مُهر بر قباله کند و در دیوان قضا بر دی بعدل گواهی دهند اگر حجام

جوان بود گواهی دروغ دهند اگر کسی در خواب بیند موی سر بازمی

کردی فرج یابد و اگر در خواب بیند که ریش او را بینده یال

بسیار برو جمع شود و نیکنامی یابد اگر کسی در خواب بیند

که رگ از اندام افتاده شغل از قبل زن باشد اگر کسی در خواب

بیند که رشته از تن بر آید مال و منفعت یابد و اگر کسی در تن

زیادتی مال و جاه و مراد بود و لاغری و بیماری در خواب دیدن

زن برتی باشد باب هجدهم در دیدن درازی و کوتاهی

و ورم جدت و مزاج رگین در خواب دیدن بر تن مال بسیار

جمع شود و منفعت یابد که اگر بخواب دیدن نیز مال بود در رگین

در خواب

239

در خواب دیدن مال حرام بود دستراح و بلندی مال بسیار بود اگر

مردی یا زنی بخواب ببیند که از فرج او مار بیرون آمد او را فرزند آید

اگر مردی بخواب ببیند که او را فرج شده چون زنان یا خود را الی ذکر ببیند

یا خصیه ببیند بنشینی بریده شود و اگر زن ببیند که او را ذکر شده

یا ریش برشده همچون مردان هر که او را فرزند شود باب

نوزدهم 19 در دیدن درختان میوه دار و سبزه و ریاحین و مرغزار

درخت در خواب دیدن منفعت بود و بزرگی باشد درخت میوه دار

در خواب دیدن عزت و قدرت خداوند خواب را بود

سبزی بر درخت مال بود در خواب دیدن تر یا خشک در وقت

یا غیر وقت خود سیاه یا سفید مال و منفعت بود و روزی حلال بود و دار درخت یا در

تود نار شیرین در خواب دیدن هزار ترش اما در زمستان دورغ ملال بود

و در آن وقت که برگ درخت بریزد بخواب دیدن از درخت

بود و منفعت نبود اگر در خواب توت سیاه و سفید بوقت

خود ببیند مال و منفعت باشد کشمش در خواب دیدن مال

بود خربزه در خواب دیدن اگر شیرین است مال باشد

و اگر ترش است اندوه باشد انجیر در خواب دیدن توانگری

بود سیب در خواب دیدن فرزند و کنیزک و مال حلال بود

سیب ترش در خواب دیدن پسر باشد شفتالو در خواب دیدن

پسر و کنیزک باشد اگر شیرین بود نیک و اگر ترش بود غم و اندوه

بود چلغوزه در خواب دیدن نافند در خواب دیدن مرد را نیک

بود مال یابد اگر کسی در خواب بیند که در سرا یا بوستان او درخت

برآنده او را راحت و آرامش و شادی بود نرگس در خواب دیدن

بادام

با مردم نیکوروی بود اگر کسی در خواب بیند کاو اشش با باقلا بال

240

حلال بهم رساند و بمراد رسد نارنج و ترنج چون خشک باشد فرزند و

زندگانی دراز یابد و چون نارسیده بود خصومت باشد باب

بیستم [20] در دیدن نان خورش و حلوا و انگبین و شکر و نان همه این

در خواب دیدن روزی حلال باشد اگر پادشاه زاده در خواب

بیند ولایت او زیاده گردد اگر کسی دیگر در خواب بیند که نان بخشیدی

برنج و غله ارزان شود شکر و انگبین و شیرینیها در خواب دیدن

منفعت و عزت و مراد یافتن باشد تلخ و شور در خواب دیدن

سخنهای خوش شنود باب بیست یکم [21] در دیدن تره و پیاز

و نمک اینهمه در خواب دیدن سخنهای ناخوش شنود

و اگر کسی در خواب بیند که نمک خورد بیماری و غم بود بیمار

در خواب مال حلال بود باب بیست دویم ۲۲ در دیدن کامیز و سراب

ودوار و فقاع و نشر و قی کردن نشر در خواب دیدن و

خوردن مال حرام بود اگر کسی در خواب بیند که مست

در کار دنیا حریص کردد ودوار در خواب خوردن توبه نصوح

بود شیر در خواب دیدن روزی حلال بود شیر در خواب

دوشیدن مال حلال باشد دوغ در خواب دیدن پشیمانی بود

شیر آهو و خر کوش دیدن و خوردن مال حلال از قبل زن

شراب در خواب دیدن و خوردن مال و سلطنت و ولایت

بود شیر و شکر در خواب دیدن و خوردن با آب دوغ مال حرام بود

شیر و رد باده و بنگ در خواب دیدن دشمنی باشد

قی کردن در خواب توبه بود از گناه و از غم فرج یابد و بارسا

گوهر و بقولی اندک مال تلف کرد و گلاب گل و شکر
2 41
وانچه بدین مانند اگر در خواب بیند دین پاک و علم و ادب
و عمر دراز و مال حلال و عیش خوش و ثنای نیکو بود
شکر اگر کسی در خواب بیند مال و تندرستی بود باب بیست سیوم ۲۳
در دیدن جواهر مثل مروارید و یاقوت و دینار و درم و مس
و نقره و شمع و چراغدان جواهر در خواب دیدن مال حلال
بود و میراث و فرزندان چون ناسفته بود زن و کنیزک و دختر بود
یاقوت در خواب دیدن مال و کنیزک و علم و ادب بود
اگر کسی در خواب مروارید بیند کار رفته باز آید و اگر قران فراموش
کرده باشد یاد گیرد نقره در خواب دیدن مال حلال بود و نیکوی
و دولت اما زن را خواری و ذلت باشد درم درست بیند

ال حلال بود و علام و تزویج و از زایل شدن زنهار بود ... اگر در ... بیند

... قدر که باشد باید و اگر در تیره ماه بود همان قدر که دیده باشد

بیابد سیم طلای شکسته در خواب دیدن غم و اندوه و الم

و ناخوشی بود ولیکن در آخر مراد حاصل آید دینار در خواب

دیدن دین پاک و علم نافع و مال بسیار بود اگر کسی در خواب

بیند که دینار بکسی داد یا کسی از وی بخرید از غم فرج یابد یک

دینار در خواب دیدن زن و کنیزک بود و حس در خواب

دیدن و آنچه بدان ماند کارها که خیانه کند و از آن و از آن

غم و اندوه بوی رسد طشت و آفتابه و چراغدان و سبو

و آب دستان و کوزه و خم و طغار زنان را نشوی بود و مردان

زنان و زر بسیار در خواب دیدن که بکسی دادن یا جای

...

242

بدن

یا بخشیدن یا دزد دیدن از غم فرج یابد و از بیماری صحت یابد

ان شاء الله تعالی باب بیست و چهارم در دیدن لباس و انگشترین

و جامه پوشیدن و کلاه و دستار در خواب دیدن سلطنت

و مرتبت و شرف و ولایت و دولت بود حلقه در خواب

دیدن مال و ظفر بود و چون جواهر بود قرآن حفظ کند انگشترین

در خواب دیدن اگر پادشاه است او را عدل بود جامه

سیاه پوشیدن در دین و دولت و سلطنت بود اگر جامه

پوشیدن عادت ندارد و پیراهن بود و جامه سبز در خواب

پوشیدن بیماری و علت بود جامه کبود بد است فیروزه

در خواب دیدن سروری و خرمی بود موزه در خواب

دیدن و پوشیدن ملک نه بود چیزی حذقه باید ابریشم

[illegible]

در خواب دیدن قوت و ولایت بود جامه در خواب دیدن

و پوشیدن روزی حلال بود و خیر و برکت و ولایت و نعمت

بود گردن بند زنان را پسر و مردان را که خدای و دختر انگشترین

با نگین هر دو را رید مردان ازانکه است **باب بیست و پنجم ۲۵** در دیدن

عروسی در کنار گرفتن و بوسه دادن و صحبت کردن اگر کسی

در خواب بیند که زنی را با خود گرفته بود زندگانی او دراز

گردد و بوسه دادن حاجت روا کردن از لطائف بیند که دختر

دوشیزه را بستد مراد خویش بتمامی بیابد **باب بیست و ششم ۲۶**

در دیدن غل و بند و دام و ریسمان و دوختن جامه و دوک

غل در خواب دیدن کفر و میل بناحق کردن اگر کسی در خواب

بیند که پای وی در دام افتاد در مکر و حیله افتد سوزن و جامه دوختن

بدلمان

243

فهم لسیمان در خواب دیدن مال حلال بود و درود و گدائی یعنی
چرخه دیدن زن مستور باشد **باب بیست و هفتم** ۲۷ در دیدن
سلاح و الت پادشاهان و مهتران و کوکنداست و دروغ
خوردن سلاح بخواب دیدن قوت باشد و منفعت باشد
و مال و فرزند و مراد یافتن بود کمان در خواب دیدن سفر
کردن بود و پیغام فرستادن کارد و خنجر در خواب دیدن عمر
دراز باشد منجنیق در خواب دیدن خبر دروغ شنیدن
بود طبل و شنیدن میانه بود باران و سیل حرب و فتنه
باشد اگر در خواب بیند که غارت میکردند غم و اندوه
باشد چوگان و گوی زدن در خواب پادشاه و امرا را
غنیمت یافتن بود اگر کسی آینه را در خواب بیند بسیر

[illegible]

باشد واز آتش وشادی اگر آینه سیمین باشد مکروهی برسد

اگر خداوند سلطنت بود عدل کند بر خلق اگر کسی در خواب

بیند که پادشاه در مجلست ظلم وجور میرود واگر کسی در خواب

بیند که سوگندی خورد توبه نصوح باید کرد واگر کسی در خواب

بیند که سوگند دروغ خورد توبه نصوح باید کرد یا سوگند طلاق

خورد او را غم واندوه رسد باب بیست وهشتم ۲۸ در دیدن خز و

دابریشم ونقاد برابن جمله در خواب دیدن مال ومنفعت

بود وعزت ومرتبت چنانچه پیشتر یاد کرده شد در

اول کتاب ابریشم ومشو در خواب دیدن همه حال

نیک بود نقاد بر وجامه اصحاب سلطان را در دین

کرامت بود ومرد صالح را نیز نیک بود ابریشم در خواب

ابن

244

دیدن آن عامه را میانه بود و بقولی که گفته اند قضا و بر مردمان را

نیک بود باب بیست و نهم ۲۹ در دیدن نابینا و مانند آن

اگر کسی در خواب بیند که از این علتها یکی نالیدی دلیل

کند که بقضای خدای تعالی راضی نیست لنگ و گنگ در خواب

دیدن خصومت و زیان کاری باشد اگر بخواب بیند

که عصا بدست گرفته بود قوت و مراد یابد اگر خداوند خواب

صاحب علت و درد است کار وی با بروی گشاده گردد

انچه آرزو بود بیاید باب سی ام ۳۰ در دیدن لباط و

حجله و زندان و گورستان گور بخواب دیدن بند باشد

و بیم باشد اگر کسی در خواب بیند که از گور بیرون آمدی

فرح و راحت و شفا یابد مرده تازه در خواب دیدن

مراد یافتن بود از کاری که طمع بریده باشد اگر کسی در خواب

بیند که مرده هست زنده گردد اما از سرای او فتنه و ویرانی

پدید آید اگر کسی در خواب بیند که مرده در آغوش گرفتی

میان او و خویشان خصومت افتد اگر در خواب بیند

که گوری کندی سرائی بنا کند و اگر کسی در خواب بیند

که مرده با و چیزی دادی آن چیز در دنیا فاخر گردد و او را

رونقی پدید آید و شاد گردد و اگر کسی در خواب بیند که

مرده با وی سخن گفتی آن سخن وی حق و راست

بود اگر کسی در خواب بیند که چیزی مرده دادی یا از

مرده خوردی یا از مرده خواستی آن چیز در دنیا گران

گردد لباط و شادروان در خواب بیند چون نو بود

دادی

[illegible]

و نهر گ نیک بود که عزت و مال یابد و اگر کهنه و
دریده بود صدقه باید داد و حجله در خواب بیند نیکوئی و
خوش طبعی و توانگری و پاک دینی بود قفس در خواب
دیدن زندان بود و غم اگر کسی در خواب بیند تازه او
مرده را آخرت آن مرده نیکو بود و اگر کسی در خواب بیند که
او را یا دیگری را بر جنازه نهاده اند و مردم بسیار از عقب
آنکس میروند از عز و مهتری یابد اگر کسی در خواب
بیند که از جنازه بیفتاد از عمل که دارد معزول شود اگر کسی
در خواب بیند که جنازه برداشتی خدمت سلطان کند
کفن مرده را در خواب بیند معصیت بود نماز گذاردن
بر مرده در خواب سنت رسول الله صلی الله بود اگر کسی

در خواب بیند که پدرش را بر جنازه نهاده اند اگر کسی
را امید فرزند بود پسر آید و علتهای رفته بدست آید اگر کسی
در خواب بیند که با مردگان کافر همی رفت آتش پرستی
افتد باب سی و یکم در دیدن تازیانه زدن و کردن
زدن و دست و پای بریدن و پاره کردن مردم اگر کسی را
در خواب بیند که کسی را کردن زدنی بر آنکس ظلم
کنند اگر در خواب بیند که کسی را انگشتی بر چشم خود فرو باید
اگر کسی در خواب بیند که کسی را تازیانه زدی بهر تازیانه
درمی باید اگر کسی در خواب بیند که تازیانه خون بر آمدی
از زخم زدن هر بار که خون بر آید بر آنکس دروغ گویند
اگر کسی در خواب بیند که دست و زبان آن و پای می
جدا

چه اگر دید قوت ایمان باید و عمر وی دراز گردد باب

2۴6

سی و دوم ۳۲ در دیدن نای زدن و سرود گفتن و بازی کردن

و شطرنج باختن و چنگ زدن و نرد باختن و سرود گفتن و

شنیدن در خواب چون رودی که بود گویند غم بود و سخنان

ناخوش بشنوند و کار باطل کنند و زحمت رسد نای زدن

و رقص کردن بهر حال اندوه بود و دف زدن و ارغنون و

شادی و زحمت زنان و خبری مشهور بود اما آواز مردم در خواب

دیدن از خانه او باز سرای و بازی چنگ و ناچیز بود بار بربط

زدی و آواز او شنیدی اگر کسی در خواب بیند که از

عشق یا به سرور تی نواز نی زدن حکمت بود اگر در خواب

بیند که آواز نای می شنود حیات خوش باید و شطرنج

و نرد باختن در خواب کار باطل کند اگر غالب باشد بر دشمن

ظفر یابد اما نرد باختن در خواب علامت شدن از خدا تعالی باشد

و از پیغمبر صلی الله و سلم اگر کسی در خواب بیند که پل از خشت پخته بود

پل محکم در دین او بود و شانه کردن در خواب میان مردمان الفت

افکندن بود و نیکو بود باب سی و سوم در دیدن خرید و فروخت

بهای نرخ ارزان کردن اگر کسی در خواب بیند که جوال ریخته آن

آنچیز ارزان شود و اگر طلب میکردی آن چیز عزیز گردد و اگر کسی

در خواب بیند که آتش در بازار افتادی از سلطان با اهل بازار

آفتی برسد اگر کسی در خواب بیند که چیزی خواستی صدقه باید داد

تا ثواب او بدو رسد و از غم رها اگر کسی در خواب بیند مرده

با مردمان سخن کردی و دادی چیزی را آنچیز ارزان گردد باب

سی

چیز ارزان شود و اگر کسی در وقت [illegible] گران [illegible] چیز ارزان [illegible] و اگر [illegible]

باب سی و چهارم ۳۴ در دیدن پریدن در هوا و از هوا فرود آمدن اگر کسی
در خواب بیند که از جائی بپرید آن از اهل نبود زیرا که غلبه صفرا بود
اگر کسی در خواب بیند که در هوا بپرید روی سفر کند اگر در خواب بیند
که در آسمان گشاده شدی و باز بیامدی توبه باید کرد که دلیل کس
بود اگر کسی در خواب بیند که از آسمان بیفتادی زن را طلاق
دهد و زنی دیگر کند اگر در خواب بیند که در آسمان گشاده شد
و فرشتگان را دید آنکس حج کند و روزی بر وی فراخ گردد اگر
در خواب بیند که تسبیح همی کردی آنکس از جمله زاهدان گردد و
اگر کسی در خواب بیند که از بام ببام یا از دیواری بدیواری
بپرید سفر کند یا از کاری بکاری بگردد یا از شهری بشهری
رود اگر کسی در خواب بیند که از سرای خود بسرای دیگری بپرید توبه بکار

اگر کسی در خواب بیند [illegible]

باید کرد اگر کسی در خواب بیند که بر آسمان شدی کار او بالا

گیرد اگر در خواب بیند که در هوا خانه گرفتی از گل و خشت

در کار دنیا درنفقه شود **باب سی و پنجم** ۳۵ در دیدن [illegible]

و بهایم و سخن گفتن با مرغان هر چه از بهایم که با وی در خواب

بیند و سخن گوید او را کار عجایب پدید آید و از آنچه که طمع کرده

است بوی رسد چنانکه از آن عجایب بماند و اگر ایضا علم و ادب

حاصل کند و در میان مردمان عزیز و مکرم و معروف بود اگر کسی

در خواب بیند که زاغ یا کلاغ بانگ میکرد نیکو نباشد صدقه

باید داد **باب سی و ششم** ۳۶ در دیدن بیم و فزع و گریختن از دشمنان

و سباع و گریستن و منازعت کردن در خواب همه حال

شادی باشد دیگر آنکه بیانگ سخت گوید که فرح باشد

از آن

2118

در رسیدن ایمنی باشد از خصم اگر در خواب بیند که از سباع
او را رنجی رسید یا از بهایم یا از خویشان زیان رسد اگر کسی
در خواب بیند که از چیزهای دیگر بگریخت اگر دشمن آنچه را باشد
ایمن گردد اگر آن چیز از وی همی گریزد و آن چیز را مقابله بیند
غم و اندوه بود اما منازعت کردن با حیوان یا سباع یا چیزی
بخواب بیند که بروی دست یابد اگر او را غلبه کند ظفر باشد
او را بر دشمن اگر کسی در خواب بیند که با کسی کشتی گرفتی یا
با سباع یا بهایم و آن چیز او را بیفکندی دلیل کند که آن چیز
بروی ظفر یابد اگر بخواب بیند که بکشتند از کشنده او را منفعت
رسد اگر کسی در خواب بیند که او کسی را بکشت بیدادگر
بود و باغی و علامت مخذول شود از بهر آنکه نزد خدای تعالی باغی

مشهور است باب سی و هفتم ۳۷ در دیدن قصاب و کشتن

حیوان و پوست کندن معروف در خواب دیدن ظالم بود

و دباغ و لعنت کند اگر کسی در خواب بیند که سر گلوی

کسی برید بر آنکس جور کشند یا مال او ببرند اگر کسی در

خواب بیند که گوشت خام میخوردی بر مردمان دروغ و تهمت

بندد باب سی و هشتم ۳۸ در دیدن گوسفند و میش و بزغاله

و موی و پشم ایشان اینها همه در خواب دیدن خوب

است افزونی رزق و دولت و اقبال یابد و راحت

و دوام دولت خواهد بود و اگر کسی در خواب بیند که گاو

یا حیوان دیگر را قربانی کردی مراد خویش بتمامی بیابد اگر

کسی در خواب بیند که از میش شیر خوردی مال حلال یابد

ارنا

ورنا کند اگر در خواب بیند که پوست از میش کشیدی
او را الپه آید اگر کسی در خواب بیند که بزغاله را کشته برای
گوشت او را منفعتی رسد از جهت فرزند اگر کسی در خواب
بیند که سر گوسفند یا سر گاو یا سر حیوان دیگر را پوست و گوشت
باز میکردی و همی خوردی پادشاه باید بقدر خویش اگر درو
ترسبت بربایت و مهتری برسد اگر آنکس مهتر باشد
مال حلال زیاده گردد او را اگر در خواب بیند که شراب خورد
شادی باید باب سی و نهم ۳۹ در دیدن خرگوش و گور خر
و انداختهای ایشان اگر کسی در خواب بیند که صید خری
کردی و بخوردی مال باید و اگر کسی در خواب بیند در
گور خر نشسته و او را مطیع شدی بر معصیت دلیر گردد

ومبارک کسی درخواب بیند که از کوه خربیفتاد و اندام او بشکست

در قرع المفتد اگر کسی درخواب بیند که گلوی آهو ببرید

او را دختر آید یا پسر اما دولت مند و مبارک قدم باشد

باب چهلم در دیدن اسب اسب درخواب دیدن

بسیار خوب است اگر بر پشت اسب سوار شود و مال

مراد است مراد خود حسب المدعا خواهد یافت و اگر شد

همین اسب را دید اگر درویش و بی خبر است توانگر خواهد

شد و اگر دولت مند است جاه و مرتبه و اقبال زیاده

خواهد شد بهر طریق دیدن اسب خوب است و مراد

یافتنها است گاو و شتر و ماده گاو و گوساله اگر کسی درخواب

بیند گاو دو شاخ یا بر و نشسته ولایت در یابد و غنت

اما

و مرتبه یابد اگر کسی در خواب بیند که در میان گاوان گاو فربه

بود از ارزانی غله بود و گرانی گوشت گاو در خواب بیند

ملک و پادشاهی بود و آنچه شکم باشد بخواب دیدن

مال حلال بود و اگر کسی در خواب بیند که گاو در امید و شیر دوشید

اگر بیمار باشد صحت یابد و اگر وام دار بود قرض او ادا گردد

و اگر بنده باشد آزاد گردد باب چهل و یکم در دیدن فیل

و گاومیش و انواع آنها و اندام ایشان اگر کسی در

خواب بیند که بر فیل نشسته بود پادشاهی یابد اگر

سزاوار آن نباشد از مقربان پادشاه شود و اگر کسی در خواب

بیند که گوشت فیل یا سر فیل میخورد مال عظیم یابد و

گوشت و پوست و استخوان فیل در خواب دیدن پادشاهی

ظفر یافتن بر دشمنان بود اگر کسی در خواب بیند که فیل
دیوانگی بدست پادشاه هلاک شود اگر کسی در خواب
بیند که فیل درشتی او را فوت رسد گاومیش بر صفت
فیل است اگر در خواب بیند که جزوی از اندام گاومیش
درشتی بر بهم مهتر کرد و کار او بالا گیرد بمرتبه تمام باب
۴۲ چهل و دوم در دیدن خرس و خوک و بوزنه و موش
و عنکبوت اگر در خواب بیند که با خوک الفت
داشتی دوستی کند برای مصلحت اگر کسی در خواب
بیند که گوشت خوک میخورد مال حرام بخورد و در فراغی
خدای تعالی گمراه کند شیر خوک در خواب خوردن
مال حرام بود اگر کسی در خواب بیند که بر خوک نشستی
سلطنت

سلطنت یابد و کار او بالا گیرد و موش در خواب دیدن

مرد فاسق بود اگر در خواب بیند که از عورت او موش

بیرون آمد او را فرزند آید اگر در خواب بیند که از دهن او

موش بیرون آمد او را فرزند آید اگر کسی در خواب حرس باشد

زنی نکاح کند و هیچ یاری و دوستی نبود از بد خوئی و بد خبری که از آن حرس

بیند مال حرام یابد بود نه در خواب دیدن مردم بلند باشد باب چهل و سیوم ۴۳

در دیدن دد و انواع او اگر کسی در خواب بیند که بر شیر نشسته بود کار او

بالا گیرد و سخن نافذ با بهایم و نشستن در خواب آن شدن کار مشکل باشد اگر کسی

در خواب بیند که شیر با وی سخن گفتی کار بزرگ او را پیش آید و بر دشمنان ظفر یابد اگر کسی

با یک نشست با مردم بد صحبت افتد اگر در خواب بیند که پلنگ روی بوی آورد دشمن

او را طعنه زند بود در خواب این کار دشمن عظیم بود دیگر کسی در خواب دیدن دلیل باشد بر ظلم

پادشاه بر رعیت اگر در خواب بیند که او باده بخوردی بیم و ترس باشد گربه در خواب

دیدن مهتری بود **باب چهل و چهارم** در دیدن مگس و شپش و زنبور و پشه و مانند آن

اگر کسی در خواب بیند که زنبور را گرفتی مال حلال بود زنبور در خواب مردی ضعیف و

نادان کیک و شپش مردم زحمت لشکر باشد و مال و فرح از غم بود مگس و پشه در خواب

دیدن همین حکم دارد اگر در خواب بیند که ملخ میخورد از بزرگی مال و میراث

یابد اگر در خواب بیند که ملخ در بر بدین است لشکریان آن زمین را همی نمایند

باب چهل و پنجم در دیدن ماهی و کاسه پشت و صفدع و نهنگ

در خواب ماهی دیدن دشمن بزرگ باشد اگر کسی در خواب بیند

که نهنگ کشتی تو به باید کرد که اجلش نزدیک باشد صفدع

در خواب دیدن مرد بزرگوار مقهور شود و خرچنگ

در خواب دیدن با مردم بدخو معامله بود اما روزی نیکو و حلال

پیدا شود **باب چهل و ششم** ۴۶ در دیدن مار و کژدم و نیش مار سفید

در خواب دیدن دشمن ضعیف بود مار سیاه دشمن قوی

252 بود اگر در خواب بیند که گوشت مار را خوردی بر دشمن ظفر یابد

و مال بدست آورد اگر کسی در خواب بیند که مار با وی سخن گفتی

دشمن بروی غلبه کند و کار بزرگ او را پیش آید اگر در خواب

بیند که مار را بگرفتی یا مار بروی بپیچیدی یا مار در آستین مال بسیار یابد

اگر در خواب بیند که از مار بگریختی شادی بود اگر در خواب بیند

که اژدها یا مار خوردی مال عظیم یابد در آید کژدم در خواب دشمن ضعیف

بود اگر کسی در خواب بیند که کژدم را بخورد دشمن مال را بخورد

باب چهل و هفتم ۴۷ در دیدن ابلیس و شیاطین و دجال و جن جادوان

اینهمه دشمن بود اگر کسی در خواب بیند که از ایشان یکی را

بکشتن دشمن را ناخبر کند و بال بسیار آورد پری در خواب
دیدن خبر دروغ باشد و مردمان را از خواب راه می برد در حال
در خواب دیدن فتنه بود و اندران موضع اگر کسی در خواب بیند
که پشه را انگشت بزند ظفر یابد و مراد خود بگیرد **باب چهل و هشتم** ٤٨
در دیدن پیشه کاران و اجناس ایشان اگر کسی در خواب
بیند که آهنگر قربان پادشاه کرد و صیقل در خواب دیدن از مقربان
ملوک شود و از او شوکت و منفعت و نعمت بدو رسد کیال فراز
اگر در خواب بیند از نزدیکان قاضی شهر گردد و جوشن اگر در
خواب بیند موزون و فصیح و عاقل زبانع پیدا شود سراج و
پالان گوزر اگر در خواب بیند نیکو باشد صدقه باید داد و کاتب در خواب
دیدن راحت و منفعت باید نعلبند در خواب دیدن کسی باشد که مردم را

ارا او

راو راحت برسد زرگر در خواب دیدن با مردم

دروغ گو و خاین و فتنه انگیز [کار افتد] [زر] در خواب دیدن

253

با مردم پاک دین کار افتد عالم و فقیه در خواب

دیدن همه گناهش عفو شود کوزه گر در خواب

بز

دیدن راحت بیند و آسوده گردد جولاگر در خواب

دیدن خوشحالی بود طباخ در خواب دیدن

مردم حریص و ناصبور باشد و صراف در خواب

دیدن با مردم هرزه گو صحبت کند صیاد

در خواب دیدن با مردم زبان کار صحبت

کند حجام و رگ زن در خواب دیدن

با مردم بد الفت افتد باغبان

درخواب دیدن مال و فرزند بود باب

۴۹ بیست و نهم در دیدن آنچه دلیل بود بر درازی عمر

و نیکوکاری و نحس و سعد ابو ابراهیم عبدالله

بن جابر رضی الله عنه از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله و اهل بیته سوال کرد که کدام خواب است

که دلالت کند بر درازی عمر و نیکوکاری

و سعد و نحس ملوک کند حضرت فرمود که سلطان

یا امیر هر که دریا یا جوی در خواب دید که آب می

خوردند یا حلوا یا شکر یا خرما یا عسل یا دوشاب

یا چیزی شیرین می خوردند این هم

دلیل است بر درازی عمر پادشاه و عیش

خوش

257

خوشی و رحمت باب پنجاهم در دیدن

عبادت کردن و قران خواندن و نماز گذاردن و روزه داشتن
و شکر و استغفار و حمد و ثنا اگر کسی در خواب بیند که قران
میخواند عزت و دولت دو جهانی باشد اگر در خواب بیند
که سوره فاتحة الکتاب میخواند دلیل است بر اجابت دعا
اگر پس از خواب دعا نکرده باشد که منتظر اجابت
او باشد بعد از خواب دعا کند که اجابت خواهد شد
اگر کسی در خواب بیند که سوره البقره و آل عمران میخواند عمر
دراز گردد اگر در خواب بیند که نماز جماعت گذاردی
هر حاجت که دارد روا گردد و ایمن گردد و مرتبه بلند یابد اگر در
خواب بیند که نماز میکند دلیل بود بر خیر و برکت و عزت

و شادی و شرف و کشاد پیغمبر علیه السلام باب پنجاه و یکم ۵۱

در دیدن زلزله و آب و آتش و افتادن زلزله بخواب

دیدن بلا و شر باشد اگر در خواب بیند که در چاهی افتادی

اگر در آن چاه آب باشد نفع و نیکویی باشد اگر چاه خشک

باشد در غدر و مکر افتد اگر بخواب بیند که در آب افتادی

اگر روشن بود مال حلال بود اگر تیره بکدر باشد اگر تیره باشد مفلق

افتد آتش بادود در خواب دیدن از غم و ستمکاری

و سلطنت و بزرگی باشد اگر دود داشته باشد و بر کسی نخورد

صدقه بدهد کس رفع بد شود باب پنجاه و دوم ۵۲ در دیدن احود

و گبر و ترسا و کنشت و کلیسا در خواب دیدن کعبه

بدارد و لقای بر دشمن دست بیابد و منصور و مظفر

اگر دو

گردد و ترسا در خواب دیدن بر دشمنان ظفر یابد و بر مال
حریص شود اگر کسی در خواب بیند که در کنشت یا در کلیسا
255
نماز گذارد توبه باید کرد **باب پنجاه و سیوم** در دیدن مرغان
اگر کسی در خواب بیند کرکس را مالک ولایت شود
و زندگانیش دراز گردد و بعضی از ائمه اگر کسی بیند بزرگی
مال و ولایت باشد اگر کسی در خواب بیند که بر کرکسی
نشسته سفر کند در عمر و دولت بیفزاید عقاب در
خواب دیدن پادشاه باید و جنگ و چرغ در خواب
دیدن ولایت و مال بود باز سفید سلطنت و مال و پسر باشد
اگر پادشاه در خواب بیند که باز داشت و از دست وی
بپرید و شکار بند در دست وی نماند پادشاه از دست او برود

واگر طاوس در خواب ببیند زنی صاحب جمال و با هنر تمام
بدست آید اگر کسی در خواب بیند که طاوس داشتی مال
و منفعت یابد کلنگ در خواب دیدن کاری کند که خالق
و مخلوق خشنود باشند و منفعت باشد اگر کسی در خواب
بیند که کبوتران در خانه داشتی دولت بود کبوتر در دست
بخواب دیدن ایمنی بود و مال حلال یابد دراج در خواب
دیدن زن نیکوخوی بود هزاردستان در خواب دیدن
مردم خوش‌گوی او را دوست گیرند شیرنج در خواب
دیدن به پایان بود و آخر مراد رسد کبک در خواب دیدن
او را ظهیری بود و خود را در خرمی و شادی بیند بط در خواب
دیدن مهتری بود در میان قوم اگر مردی در خواب بیند که کبک

ماده از دست او بدین را طلاق بدهد و فاخته دیدن همای

در خواب دیدن فراخی روزی و دولت بود هدهد در خواب

256

دیدن بدان مردان را زن بود و زنان را شوهر باشد تمت الکتاب.

بعون الملک شرح دعای جوشن صغیر اینست والله اعلم

میگوید کاتب الحروف الی الله ابو طالب بن وهب

که یافتم دعای جوشن و خبر او و فضل او در اوراد کتاب از کتابهای

جد سعید خودم که او تقی الدین حسن ابن داود است رحمة الله علیه

که این مضمون در کتاب مهج الدعوات و غیر آن از کتاب

معتبره بود پس دوست داشتم آنرا درین مکان یادداشته بود

فضل دعای بزرگوار و آن چیز که بر خواننده و نگاهدارنده است

از ثواب روایت میکند از مولای متقیان امام موسی بن جعفر ع

از پدرش باقر بن جعفر ع از پدرش امام زین العابدین ع از پدرش

حسین ابن علی ابن ابی طالب ع که آنحضرت فرمود که مرا پدرم

امیر المومنین ع که ای پسر من انا نعلیم بکنم نور اسری از اسرار خدا

که تعلیم کرده است مرا رسول صلعم و مطلع نیست بر او احدی گفتم

بلی یا ابا جانم فدای تو باد گفت نازل شد جبرئیل علیه السلام

نزد رسول الله صلعم در روز احد و خیبر بود که روزی هولناکی

بود که پای سخت بود و در بر رسول خدا جوشن بود که گرم شده بود

پس آنحضرت رو بسوی آسمان برداشت و خدای را باسم اعظم

خواند پس حضرت میفرماید که دیدم درهای آسمان گشاده شد

حضرت جبرئیل علیه السلام نازل شد و مرا گفت که السلام

علیکم یا رسول الله گفتم علیک السلام ای برادر من پس جبرئیل

گفت

گفت خدا تعالی تورا سلام میرساند و میگوید که بکن جوشن
را و بخوان این دعا را پس هرکاه که این دعا را بخواندی
یا با خود داشتی مثل جوشن است بر جسد تو پس گفتم یا
اخی جبرئیل این دعا خاصه منست از برای من و امتان
من گفت یا رسول الله این هدیه ایست از خدا تعالی بتو
و امتان تو پس گفتم ای اخی جبرئیل ثواب این دعا چیست
گفت یا نبی الله ثواب این دعا را کس نداند و نمیداند
غیر خدا تعالی هر کس که بخواند این دعا را نزد هر آن آمدن
از منزل خود و وقت صبح صادق لاحق گرداند با عمال صالح
او مانند کسیکه خوانده باشد توریت و انجیل و زبور و فرقان
صحف ابراهیم گفتم یا اخی جبرئیل هر که بخواند این دعا را عطا کند

خدا تعالی برای او خواهد در بهشت و بدهد برای او ثواب

معبد و توریت و انجیل و زبور و فرقان گفتم هم ثواب مراورا است

که بخواند این دعا را گفت یا رسول الله بحق آنکسیکه ترا

براستی برانگیخته بدرستی که عطا کند اورا ثواب ابراهیم خلیل الله

و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد حبیب الله صلعم گفتم

هم ثواب مر صاحب این دعا راست گفت بلی یا رسول الله

هر که بخواند این دعا را و با خود دارد او را ثواب زیاده

از آنچه گفته شد داشته باشد بحق آن کسی که ترا به پیغمبری

فرستاد بدرستی که در عقب مغرب زمینی هست سفید

و دیگر خلق کرده است خدا تعالی بندگان را اگر عبادت

میکنند او را و عصیان نکرده اند بدرستی که گوشت روی

ایشان

ایشان فرو ریخته از گریه بسیار پس وحی کرد خدای تعالی
با ایشان که چرا گریه میکنید و حال آنکه شما یک چشم برهم زدن
بر من عاصی نشده اید گفتند گریه ما از خوف خدای تعالی است
که بر ما غضب نکند پس درین حال امیر المومنین علیه السلام
گفت یا رسول الله صلعم در آنجا شیطان نیست گفت
نمیدانند ایشان که خدای تعالی آدمی آفریده است یا شیطان
و عدد آن جماعت را غیر از خدا کس نمیداند و فرو رفتن آفتاب
در بلاد ایشان است خدا تعالی صاحب این دعا را بعدد
ایشان ثواب بدهد و بعد بهشتی که بیت المعمور در آسمان
چهارم است داخل می شوند در هر روز هفتاد هزار ملک و بیرون
می آیند از آن هفتاد هزار که نوبت ایشان نیست تا روز

قیامت داخل شوند خطاو باید خدای تعالی بعدد ملائکه

ثواب و بعدد مومنین و مومنات جن و انس تا نفخ صور د

گفت هر که بنویسد این دعا را در ظرف پاکیزه به آب باران

و زعفران بس بشوید و بخورد وانچه تواند عافیت دهد

او را خدای تعالی از بیماری که در جسد اوست از جمیع بیماری

گفتم یا اخی جبرئیل فضل و ثواب صاحب این دعا

را گفت بحق آن کسی که ترا بحق به پیغمبری فرستاده هر که

بخواند این دعا را بمیرد مانند مردی شهید گفتم شهید

را چه گفت بدهد او را ثواب هفتصد هزار شهید

بدهد او را ثواب جمیع آنچه خدای تعالی آفریده است

از جن و انس و دد و دام و دفع کند از شر شیاطین

الکد

وگبدالسان را گفتم یا اخی جبرئیل زیاده کن گفت

ثواب اسرافیل گفت بدرستی که خدای عزوجل میفرماید

که بعزت جلال من که هر که ایمان دارد بمن و تصدیق کند

رسول مرا و تصدیق کند این دعا را میدهم او را ملک عظیم

دیگر دادم بهشت را جانب او و بدهم تمام حاجات را بهیچ

از بندگان مومن خود از خزانه من چیزی کم نمی شود یا محمد

اگر بنده از بندگان من بصدق دل این دعا را هفتاد

نوبت بخواند از جمیع بلاها مثل برص و جذام و

جنون و یا از بلائی که اطبا از علاج او عاجز باشند

عافیت دهم او را از آن امراض وای بر آن کسی

که انکار کند این دعا را ای محمد صلی الله علیه واله وسلم

اگر بنویسد این دعا را بجای مشک و زعفران و کافور و

بشوید و بیاشامد بر کسی نبست نازل گرداند خدا تعالی

بر قبر او صد هزار ملک با نور و دفع کند از او هول منکر

و نکیر را و ایمن گرداند از عذاب قبر و برانگیزاند در قبر او

هفتاد هزار ملک با هر ملک طبقی از نور نثار کند برود

گشاده و گردانند قبر او را چندانکه چشم کار کند و

بخوابد به بهشت مثل عروس حجله از برکت و حرمت

این دعا باشد جبرئیل گفت یا محمد رسول الله صلی الله

علیه واله وسلم از حق تعالی شنیدم که این دعا بر

سرادقات عرش نوشته است پیش از آفریدن

دنیا به پنجهزار سال و هر بنده مومن و مومنه که با اعتقاد

درست بخواند وشکی در وی نباشد در اول ماه رمضان المبارک
بخواند عطا کند خدا تعالی او را ثواب شب قدر و بیافریند
در هر آسمان هفتاد هزار ملک و هر ملکی بیست هزار سر باشد
و بر هر سری بیست هزار دهان و بر هر دهانی بیست هزار زبان
و هر زبان تسبیح کنند خدا تعالی ثواب آنها را با آن بنده
عطا فرماید که این دعا را خوانده میان او و حضرت باری تعالی
نماند و بر انگیزاند خدا تعالی نزدیک بیرون آمدن او از قبر
هفتاد هزار ملک و در دست هر ملکی علمی از نور و هفتاد
هزار غلام و در دست هر غلام زمام اسپی که لگام او از نور
و پشت از زبرجد و پای او از یاقوت و بر پشت هر
اسپی قبه از نور که هر قبه را چهار صد در باشد و بر هر

دری چهار صد فرش گسترده باشد از سندس و
استبرق و بر هر فرش چهار صد حوری و هر حوری را چهار صد
کنیز باشد و هر کنیز را چهار صد گیسو باشد از مشک و بر سر هر حوری
تاجی از طلا باشد و ذکر خدا تعالی کنند و ثواب آن همه
از دارنده این دعا باشد و بعد از ان هفتاد هزار ملک و با
هر ملکی جامی باشد از لولو سفید که در آن جامها باشد از بن
آب صاف و شیر و خمر و عسل طبقه که خدا تعالی در کلام
مجید خود در سوره محمد صلی الله علیه واله وسلم فرموده و بر سر
طبقه دستاری و برو نوشته باشد که لا اله الا الله وحده
لا شریک له و در تحت آن نوشته باشد که این بزرگ است
از خدا تعالی از برای آن کسی که این دعا را خوانده یا رسول الله

یا ابوه

هر بنده که این دعا را بخواند ملایکه در عقب آن باشند از برای

او ثواب نویسند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که هر

بنده مومن و مومنه که این دعا را در ماه مبارک رمضان

سه نوبت بخواند و اگر نتواند یک نوبت بخواند بدرستی

که حرام گشند خدا بر او آتش واجب گرداند و او را بهشت

و موکل گرداند بر او دو ملک که محافظت کنند او را از

معاصی مادام که زنده باشد و چون وفات کند اماده کرداند

خدا تعالی برای انچه وصف کرده شد پس گفت جبرئیل

یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیاموز این دعا را مگر مومنی

که مستحق او باشد که چون بخواند به نیت خالص و آگاه

دارد و با طهارت باشد و گفت امام حسین ابن علی

صلوات الله علیه که وصیت کرد مرا پدرم امیر المومنین علی

ابن ابی طالب ع بمحافظت این دعا و فرمود که بنویسی

کفن من این دعا را الیس کردم انچه مامور بودم تا بن واین دعا

سریع الاجابت است و نجیبست از گنجهای خدا تعالی وصیت میکنم ترا

ای بنده مومن که بخوانی این دعا را به نیت صادق و نیت این دعا

مگر بمومنی که صلاحیت آن داشته باشد اگر بدهی بغیر مستحق بسپاری

گرداند لعنت را المغفرت و حرام می شود بر تو ثواب این دعا و رسول الله مرد

بحضرت علی ابن ابی طالب ع که یا علی تعلیم کن این دعا را با اهل و الد و حبیب زمان

ایشان را بخواندن این دعا که جبرئیل ع نقل این دعا را خیدان کمی تحریف

کردکه ها و نیست کسی که شمردن آن مگر خدا تعالی و ثواب این دعا را گنواری است

اما مختصر کردیم تا خواننده و نویسنده را ملال نشود هرکه در این دعا شک آرد کافر گردد والله

بسم الر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

هذا الدعاء جوشن صغير است

262

إِلٰهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضىٰ عَلَيَّ سَيْفَ

عَدَاوَتِهِ وَشَحَذَ لِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ

وَأَرْهَفَ لِي شَاحِدِهِ وَدَافَ

لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ نَحْوِي

صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَلَمْ تَنَمْ عَنِّي عَيْنُ

حِرَاسَتِهِ وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي

الْمَكْرُوهَ وَيُجَرِّعَنِي ذُعَافَ

مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ يَا إِلٰهِي إِلَىٰ ضَعْفِي

عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَعَجْزِي عَنِ

مُلِمَّاتِ الحوائج وقصوري عن
الانتصار ممّن بمحاربته ووحدتي
في كثير من ناواني وارصادهم
لي فيما لم اعمل فيه فكري في الارصاد لهم
بمثله فايّدتني بقوّتك وشددت
ازري بنصرك وفللت لي شبا حدّه
وخذلته بعد جمع عديده وحشده
واعليت كعبي عليه ووجّهت
ما سدّد الَيَّ من مكائده
اليه ورددته ولم يشف عليه
ولم تبرد حزازات غيظه وقد

عض

عَضَّ عَلَى أَنَامِلِهِ وَأَدْبَرَ مُوَلِّيًا
قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلٰهِي
وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ
وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ وَوَكَّلَ
بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ وَأَضْبَأَ إِلَيَّ
إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا
لِانْتِهَازِ الْفُرْصَةِ وَهُوَ يُظْهِرُ لِي

بشاشة الملق ويبسط لي وجها
غير طلق فلما رايت دغل سريرته
وقبح ما انطوى عليه لشريكه
في ملبسه واصبح مجلبا الي في
بغيه اركسته لام راسه وابنيت
بنيانه من اساسه فصرعته في
زبيته وارديته في مهوى
حفيرته وجعلت خده طبقا
لتراب رجله وشغلته في بدنه
ورزقه ورميته بجلده وخفقت
بوتره وذكيته بمشاقصه

ولكن

244

وكبيته لمنخره ورددت
كيده في نحره وثقته بندامته
وفتنته بحسرته فاستخذ لك او
اوقضاءك بعد نخوته و
انقمع بعد استطالته ذليلا
ماسورا في ربق حبائله التي
كان يؤمل ان يراني فيها يوم
سطوته وقد كدت يا رب
لولا رحمتك يحل بي ما حل
بساحته فلك الحمد يا رب
من مقتدر لا يغلب وذي

اناة لا يعجل صل على محمد وال
محمد واجعلنى لانعمائك من
الشاكرين ولالائك من الذاكرين
الهى وكم من حاسد شرق بحسده
وعدو شجى بغيظه وسلقنى
بحد لسانه ووخزانى بموق
عينه وجعل عرضى غرضا
لمراميه وقلدنى خلالا لم يزل فيه
فناديتك يارب مستجيرا بك
واثقا بسرعة اجابتك متوكلا
على ما لم ازل اعرفه من حسن

دِفاعك عالماً انّه لم يُضطهد

مَن اٰوی اِلی ظلّ كنفك

265

واَن لا تقرع الفوادح مَن لجا الی

معقل الانتصار بك فخصّلتني

مِن بأسه بقدرتك فلك الحمد

يا ربّ مِن مقتدر لا يغلب و

ذي اناة لا يعجل صلّ علی محمّد

واٰل محمّد واجعلني لانعمك

من الشّاكرين ولالائك من الذاكرين

الهي وكم من سحائب مكروه

جلّيتها وسماء نعمة امطرتها

وَجَداوِلَ كرامَةٍ جَرَيْتَها
اَمْطَرْتَهُما وَاَعْيُنِ اَحْداثٍ
طَمَسْتَها وَناشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَها
وَجُنَّةِ عافِيَةٍ اَلْبَسْتَها وَغَوامِرِ
كُرُباتٍ كَشَفْتَها وَاُمُورٍ جارِيَةٍ
قَدَّرْتَها لَمْ تُعْجِزْكَ اِذْ طَلَبْتَها
وَلَمْ تَمْتَنِعْ عَلَيْكَ اِذا اَرَدْتَها فَلَكَ
الْحَمْدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ
وَذي اَناةٍ لا يَعْجَلُ صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني
لاَنْعُمِكَ مِنَ الشّاكِرينَ وَلِالائِكَ

امن

مِنَ الذّاكرين الهي وكم مِن
ظنٍّ حسنٍ حقّقتَ ومن عدم
266 إملاقٍ جبرتَ ومن مسكنةٍ
فادحةٍ حوّلتَ ومن صرعةٍ
مهلكةٍ انعشتَ ومن مشقّةٍ
ارحتَ لا تُسئل يا سيّدي
عمّا تفعلُ وهم يُسئلون ولا
ينقُصُك ما انفقتَ ولقد سُئلتَ
فاعطيتَ ولم تُسئل فابتدأتَ
واستميح باب فضلك فما اكديتَ
ابيتَ الّا انعاماً وامتناناً والّا

تطوّلا يا ربّ واحسانا وابيت
يا ربّ الا انتهاك حرماتك
والاجتراء على معاصيك وتعدّيا
لحدودك وغفلة عن وعيدك
وطاعة لعدوّي وعدوّك
لم يمنعك يا الهي وناصري
اخلالي بالشكر لك عن اتمام
احسانك ولا حجزني ذلك عن
ارتكاب مساخطك اللّهمّ
وهذا مقام عبد ذليل اعترف
لك بالتوحيد واقرّ على نفسه

بالتقصير في اداء حقك و
شهد لك بسبوغ نعمتك عليه
وجميل عاداتك عنده واحسانك
اليه فهب لي يا الهي وسيدي
من فضلك ما اريده الى رحمتك
واتخذه سلما اعرج فيه الى
مرضاتك وآمن به من سخطك
بعزتك وطولك وبحق نبيك
محمد والائمة صلوات الله
وسلامه عليه وعليهم
اجمعين فلك الحمد يا رب من

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَائِكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
إِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ
فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ
الصُّدُورِ وَالنَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
الْجُلُودُ وَتَفْزَعُ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ
وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ
فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

صَلِّ

268

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
اَمْسَىٰ وَاَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجِعًا
مُدْنِفًا فِي اَنِينٍ وَعَوِيلٍ يَتَقَلَّبُ فِي
غَمِّهِ وَلَا يَجِدُ مَحِيصًا وَلَا يُسِيغُ
طَعَامًا وَلَا يَسْتَعْذِبُ شَرَابًا
لَا يَسْتَطِيعُ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا
وَفِي حَسْرَةٍ وَنَدَامَةٍ وَاَنَا فِي
صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ وَسَلَامَةٍ مِنَ
الْعَيْشِ كُلُّ ذٰلِكَ بِفَضْلِكَ وَ

عافية من ذلك كله فلك الحمد
يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد
واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولالائك من الذاكرين
الهي وكم من عبد امسى واصبح
خائفا مرعوبا مسهدا مشفقا
وحيدا وحيدا هاربا طريدا
او منجحرا في مضيق او مخباة من
المخابي وقد ضاقت عليه الارض
برحبها ولا يجد حيلة ولا منجا ولا
ماوى

مَاوىً وَلا مهرباً وَاَنا في امانٍ وَ
وَطُمانينةٍ وَعافيةٍ مِنْ ذٰلكَ كُلِّهِ
فَلَكَ الحمدُ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغلبُ
وَذي اَناةٍ لا يَعجَلُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجعلني لِاَنعُمِكَ مِنَ
الشّاكِرينَ وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرينَ
اِلٰهي وَكَمْ مِنْ عَبدٍ اَمسىٰ وَاَصبَحَ
مَغلُولاً مُكَبَّلاً بِالحَديدِ بِاَيدِي
العُداةِ لا يَرحَمُونَهُ فَقيداً مِنْ اَهلِهِ
وَوَلَدِهِ مُنقَطِعاً عَنْ اِخوانِهِ وَ
بَلَدِهِ يَتَوَقَّعُ كُلَّ ساعةٍ بِاَيَّةِ

قتلة يقتل وبأي مثلة يمثل به

وأنا في عافية من ذلك كله فلك الحمد

يا رب من مقتدر لا يغلب وذي

أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد و

اجعلني لأنعمك من الشاكرين

ولآلائك من الذاكرين إلهي سيد وكم

من عبد وأمسى وأصبح يقاسي

الحرب ومباشرة القتال بنفسه ق

غشيته الأعداء من كل جانب و

السيوف والرماح وآلة الحرب

يتقعقع في الحديد مبلغ مجهوده

واله

وَلَا يَعرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهتَدِي سَبِيلًا
275
وَلَا يَجِدُ مَهرَبًا قَد اُدنِفَ بِالجِرَاحَاتِ
اَو مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ تَحتَ السَّنَابِكِ
وَالاَرجُلِ يَتَمَنّٰى شَربَةً مِن مَآءٍ اَو نَظرَةً
اِلٰى اَهلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقدِرُ عَلَيهَا وَ
وَاَنَا فِي عَافِيَةٍ مِن ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ
الحَمدُ يَا رَبِّ مِن مُقتَدِرٍ لَا يُغلَبُ
وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجعَلنِي لِاَنعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي
وَكَم مِن عَبدٍ اَمسٰى وَاَصبَحَ فِي ظُلُمَاتِ

البحار وعواصف الرياح والاهوال
والامواج بتوقع الغرق والهلاك
لا يقدر على حيلة او مبتلا بصاعقة
او هدم او غرق او شرق او حرق
او خسف او مسخ او قذف وانا في
عافية من ذلك كله فلك الحمد
يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد واجعلني
لانعمك من الشاكرين ولالائك
من الذاكرين الهي سيدي وكم من عبد
وامسى واصبح مسافرا شاخطا

عن

عَنْ أَهْلِهِ وَوَطَنِهِ وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّرًا
فِي الْمَفَاوِزِ تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ
وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ وَحِيدًا فَرِيدًا
لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا
أَوْ مُتَأَذِّيًا بِبَرْدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ
أَوْ عَطَشٍ أَوْ عُرْيٍ أَوْ غَيْرِهِ مِنَ
الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خِلْوٌ وَأَنَا
فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

ولا لك من الذاكر بن الهي وسيدي
كم من عبد امسى واصبح فقيرا
عائلا عاريا مملقا مخفقا مجهودا
خائفا جائعا ظمانا من ينتظر من
يعود اليه بفضل او عبد وجيه
هو اوجه مني عندك او اشد
عبادة لك مغلولا مقهورا قد
حمل ثقلا من تعب العناء وشدة
العبودية وكلفة الرق وثقل
الضريبة او مبتلا ببلاء شديد
لا قبل له الا بمنك عليه وانا

المجلد ٩

المجد وهو المنعم المعافي المكرم
في عافية مما هو فيه فلك الحمد الله
يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وال
محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولالائك من الذاكرين الهي سيدي
وكم من عبد امسى واصبح طريدا
شريدا حيرانا متحيرا مستجيرا
خائفا جائعا خاسرا في الصحاري
والبراري قد احرقه الحر والبرد
وهو في ضر من العيش وضنك

من الحبوات وذل من المقام بنظ
الى نفسه حتى لا يقدر لها على
ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك كله
بجودك وكرمك فلا اله الا انت
سبحانك من مقتدر لا يغلب
وذى اناة لا يعجل صل على محمد وال
محمد
واجعلنى لك من العابدين
لا نعمك من الشاكرين ولالائك
من الذاكرين وارحمنى برحمتك
يا ارحم الراحمين الهى مولاى
وسيدى وكم من عبد امسى
واصبح

وَاَصْبَحَ عَلِيلاً مَرِيضًا سَقِيمًا
مُدْنِفًا عَلٰى فِرَاشِ الْعِلَّةِ وَفِى
لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَشِمَالاً لَايَعْرِفُ
شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ
الشَّرَابِ يَنْظُرُ اِلٰى نَفْسِهٖ حَسْرَةً
لَايَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا
وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهٖ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَايُغْلَبُ وَذِى اَنَاةٍ
لَايَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِى لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ لَكَ

لانعمك من الشاكرين ولالائك
من الذاكرين وارحمنى برحمتك
يا مالك الراحمين الهى مولاى و
سيدى وكم من عبد امسى و
واصبح قد دنا يومه من حتفه
وقد احدق به ملك الموت فى
اعوانه يعالج سكرات الموت
وحياضه وتدور عيناه يمينا
وشمالا ينظر الى احبائه واودائه
واخلائه قد منع من الكلام
وحجب عن الخطاب ينظر الى

نفسه

نفسه حسنة لا يستطيع لها ضرًّا
ولا نفعًا وأنا خلو من ذلك
كلّه بجودك وكرمك فلا إله
إلّا أنت سبحانك من مقتدر
لا يغلب وذي أناة لا يعجل
صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني
لك من العابدين لأنعمك من
الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
وارحمني برحمتك يا مالك
الراحمين الهي مولاي وسيّدي
وكم من عبد أمسى وأصبح في

مَضَايِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ
وَكَرْبِهَا وَذُلِّهَا وَحَلَّ يَدِهَا بِيَدِهَا
وَلَهُ اَعْوَانُهَا وَزَبَانِيَتِهَا فَلَا يَدْرِي
اَيُّ حَالٍ يُفْعَلُ بِهِ وَاَيُّ مِثْلِهِ
يُمَثَّلُ بِهِ فَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ
وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيوٰةِ يَنْظُرُ اِلَى نَفْسِهِ
حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا
نَفْعًا وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

اصل

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَكَ مِنَ العَابِدِينَ لَأَنْعُمِكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ وَإِلٰهِي مَوْلَايَ
وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى
قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ القَضَاءُ وَاحَلَّ
بِهِ البَلَاءُ وَفَارَقَ أَوِدَّاءَهُ
أَحِبَّائَهُ وَأَخِلَّاءَهُ وَأَمْسَى حَقِيرًا
أَسِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الكُفَّارِ
وَالأَعْدَاءِ يَتَدَاوَلُونَهُ يَمِينًا

وَ نَسَمًا الاَ قَدْ جُعِلَ فِي الْمَطَامِيْنِ وَ
ثُقِّلَ بِالْحَدِيْدِ لَا يَرٰى شَيْئًا مِّنْ
ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رُوْحِهَا
يَنْظُرُ اِلٰى نَفْسِهٖ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيْعُ
لَهَا ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَّاَنَا خِلْوٌ مِّنْ
ذٰلِكَ كُلِّهٖ بِجُوْدِكَ وَكَرَمِكَ
فَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ
مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِيْ اَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِيْ لَكَ مِنَ الْعَابِدِيْنَ وَ
لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ وَلِاٰلَائِكَ

وَعلى

مِنَ الذّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا مَالِكَ الرّاحِمِينَ اِلٰهِي مَوْلَائِي
وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسىٰ
وَاَصْبَحَ قَدِ اشْتَاقَ اِلَى الدُّنْيَا
لِلرَّغْبَةِ فِيهَا اِلَى اَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ
وَمَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا
وَقَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِرَتْ
بِهِ فَهُوَ فِي اَفَاقِ الْبِحَارِ وَظُلَمِهَا
يَنْظُرُ اِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا
عَلَى نَصْرٍ وَلَا نَفْعٍ وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ
ذٰلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

فلا اله الا انت سبحانك من
مقتدرٍ لا يغلب وذي اناةٍ
لا يعجل صلّ على محمدٍ وآل محمدٍ
واجعلني لك من العابدين
ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين وارحمني برحمتك
يا مالك الراحمين الهي مولاي
وسيدي وكم من عبدٍ امسى
واصبح قد استتم عليه القضاء
واحدق به البلاء والكفار
والاعداء واخذته الرماح
وا

277

وَالسُّيُوفُ وَالسِّهَامُ وَجَدِّلْ صَرِيعًا
وَقَدْ شَرِبَتِ الْاَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَاَكَلَتِ
السِّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَاَنَا
خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّى يَا لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يُغْلَبُ وَذِى اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى
لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ وَلِاٰلَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِيْنَ وَارْحَمْ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَعِزَّتِكَ

يا كريم لا تطلبن بما لدي منك ولا لحن
عليك ولا لجئن اليك ولا مدن
يدي نحوك مع جرمها اليك
فبمن اعوذ يا رب وبمن الوذ لا اجد لي
الا انت اقترد بي وانت معولي
وعليك متوكلي اسئلك
باسمك الذي وضعته على
السماء فاستقلت وعلى الارض
فاستقرت وعلى الجبال فرست
وعلى الليل فاظلم وعلى النهار
فاستنار ان تصلي على محمد وال
محمد

278

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِىَ لِى جَمِيعَ حَوَائِجِى

وَتَغْفِرَ لِى ذُنُوبِى كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا

وَتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِنَ الرِّزْقِ وَمَا تُبَلِّغُنِى

بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ مَوْلَاىَ بِكَ اَسْتَغِيثُ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَغِثْنِى

وَبِكَ اَسْتَجِيرُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرْنِى وَاَغْنِنِى بِطَاعَتِكَ

عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ وَبِمَسْئَلَتِكَ

عَنْ مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ وَانْقُلْنِى

مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ اِلَى عِزِّ الْغِنَى

ومن ذُلِّ المعاصي الى عِزِّ الطاعة
فقد فضلتني على كثيرٍ من
خلقك جوداً منك وكرماً
لا باستحقاقٍ مني الهي فلك الحمد
على ذلك كلّه يا ربِّ من مقتدرٍ
لا يُغلب وذي أناةٍ لا يعجل صلِّ على
محمدٍ وآل محمدٍ واجعلني لانعمك
من الشاكرين ولآلائك من
الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم
الراحمين يا ربِّ

اگر کسی را مشکلی یا غمی یا مصیبتی سخت پیش آید سر
بسوی آسمان کند رو بقبله بنشیند و سوره یس و سوره
واقعه را بخوانند و سوره اخلاص نیز بخوانند و صد بار بگوید
وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ پس چهار رکعت نماز بگذارد
در رکعت اول فاتحه یکبار و صد بار بگوید
وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ
بِالْعِبَادِ و در رکعت دویم فاتحه یکبار و صد بار بگوید

اِنَّمَا اَمْرُهُ تا کُنْ فَیَکُونُ بخواند و چون

سلام باز دهد صد بار بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

و صد بار بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و صد بار

صَلَوٰة بر پیغمبر فرستد از ان غم و مصیبت

نجات یابد ان شاء الله تعالی اَیْضًا دیگر هر کس این

دعا بعدد اسم خود ورد نماید تا چهل روز هر روز پیش از

طلوع آفتاب و اولا آنست که دو ساعت تا آفتاب مانده یازده

مرتبه آیة الکرسی را تمام بخواند و بعد از ان بعدد اسم خود این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَنَا اَبْوَابَ الْفَضْلِ

الْفَیْضِ وَالرَّحْمَةِ وَالدَّوْلَةِ

وَالسَّعَادَةِ وَالْخَیْرِ وَالْبَرَکَةِ

سیپارہ سیزدہم ۱۳ وما ابرئ نفسی ان النفس لامارة بالسوء [illegible]

الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم ۵ سورة رعد قبل [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

المر تلک آیات الکتاب والذی انزل الیک من ربک الحق [illegible]

ولکن اکثر الناس لا یؤمنون ۵

ماکہ جب
قال
الف
امد
بعد
برقشت
ورق
براعہ حمل

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اجعل قلبي بارًّا وعيشي قارًّا وعملي سارًّا
ورزقي دارًّا وأولادي أبرارًا واجعل لي عند
قبر رسولك محمد صلى الله عليه وآله مستقرًّا
وقرارًا برحمتك يا أرحم الراحمين ٥

وَالنُّصْرَةِ وَالْاَمْنِ وَالْاَمَانِ

وَالْاِيمَانِ وَالتَّوْفِيقِ لِلدِّينِ وَالدُّنْيَا

وَالْاٰخِرَةِ آخر روز جمعه آفتاب زردی بخواند ثواب

عظیم دارد خصوص بجهت جمیع مهمات و حوایجات دنیوی مجربست

و آزموده اند هذا الدعاء الثمانیات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَبِهٖ نَسْتَعِينُ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي

اِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلٰى مَغَالِقِ اَبْوَابِ

السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ

واذا دعيت به على مضائق
ابواب الارض للفرج انفرجت
واذا دعيت به على العسر لليسر
تيسرت واذا دعيت به على
الاموات للنشور انتشرت و
اذا دعيت به على كشف
البأساء والضراء انكشفت وبجلال
وجهك الكريم اكرم الوجوه واعز
الوجوه الذى عنت له الوجوه
وخضعت له الرقاب وخشعت
له الاصوات ووجلت له

281

الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ
الَّتِي تُمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى
الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَتُمْسِكُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا
وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُوْنَ
وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهِ السَّمٰوٰتُ
وَالْاَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ
بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا
الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا وَجَعَلْتَ
اللَّيْلَ سَكَنًا مَسْكَنًا وَخَلَقْتَ
بِهَا النُّوْرَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ

النهار نشورا مبصرا وخلقت
بها الشمس ضياء وجعلت
الشمس وخلقت بها القمر و
جعلت القمر نورا وخلقت بها
الكواكب وجعلتها نجوما
وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما
وجعلت لها مشارق ومغارب
وجعلت لها مطالع ومجاري
وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها
في السماء منازل فاحسنت
تقديرها وصورتها فاحسنت
تصو

282

تَصْوِيرِهَا وَاَحْصَيْتَهَا بِاَسْمَائِكَ
اِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ
تَدْبِيْرًا وَاَحْسَنْتَ تَدْبِيْرَهَا
وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ
النَّهَارِ وَالسَّاعَةِ وَعَدَدِ السِّنِيْنَ
وَالْحِسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا
لِجَمِيْعِ النَّاسِ مَرْئًى وَّاحِدًا وَاَسْئَلُكَ
اَللّٰهُمَّ بِحَمْدِكَ بِمَجْدِكَ الَّذِىْ كَلَّمْتَ
بِهٖ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ مُوْسٰى
ابْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى
الْمُقَدَّسِيْنَ فَوْقَ اِحْسَاسِ

الكروبين فوق عمائم النور فوق
طابوت الشهادة في عمود
النار في طور سيناء وفي جبل
حوريث في الواد المقدس في
البقعة المباركة من جانب
الطور الايمن من الشجرة وفي
الارض مصر بتسع ايات بينات
ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر
وفي المنبجسات التي صنعت
بها العجائب في بحر سوف وعقد
ماء البحر في قلب القمر كالحجارة

و

وَجَاوَزْتَ بِبَنِى اِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ
وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا 283
صَبَرُوا وَاَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْاَرْضِ
وَمَغَارِبَهَا الَّتِى بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ
وَاَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ جُنُودَهُ مَرَاكِبَهُ
فِى الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ
الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ
الَّذِى تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى طُورِ سَيْنَاءَ
وَلِاِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مِنْ قَبْلُ فِى مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلِاِسْحٰقَ

صفيك عليه السلام في بئر شيع
و ليعقوب نبيك عليه السلا
بميثاقك ولاسحق بحلفك
وليعقوب بشهادتك وللمؤمنين
بوعدك وللداعين باسمائك
فاجبت وبمجدك الذي
لموسى ابن عمران عليه السلام
على قبة الزمان وبآياتك التي وقعت
على الارض مصر بمجد العزة والغلب
بآيات عزيزة وبسلطان القوة و
بعزة القدرة وبشأن الكلم

وبيت ايل وقت لابرهيم عليه السلام

التا

التامة وبكلماتك التي تفضلت
بها على اهل السموات والارض
واهل الدنيا والاخرة برحمتك
التي مننت بها على جميع خلقك
وباستطاعتك التي اقمت بها
العالمون وبنورك التي العلمين
الذي قد خر من فزعه طور سيناء
وبعلمك وعظمتك وجلالك
وكبريائك وعزتك وجبروتك
التي لم تستقلها الارض وانخفضت
لها السموات وازجرلها العموق

الاكبر وركدت لها البحار والانهار
وخضعت لها الجبال وسكنت
لها الارض بمناكبها واستسلمت
لها الخلايق كلها وخفقت لها
الرياح في جريانها وخمدت لها
النيران في اوطانها بسلطانك
الذي عرفت لك بها الغلبة
دهر الدهور وحمدت به في
السموات والارضين وبكلمتك
كلمة الصدق وسبقت لابينا
ادم وذريته بالرحمة واسئلك
بكل

بكلمتك التى غلبت كل شئ وبنور
وجهك الذى تجليت به للجبل
فجعله دكا وخر موسى صعقا و
بمجدك الذي ظهر على طور سيناء
فكلمه به عبدك ورسولك موسى
ابن عمران عليه السلام وبطلعتك
فى ساعير وظهورك فى جبل
فاران بربوات المقدسين وجنود
ملائكتك الصافين وخشوع
الملائكة المسبحين وببركاتك
التى باركت فيها على ابراهيم خليلك

عَلَيهِ السَّلامُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

اللهُ عَلَيهِ وَالِهِ وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ

صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ عِيسَى عَلَيهِ السَّلامُ

وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ اسْرَائِيلِكَ

عَلَيهِ السَّلامُ فِي أُمَّةِ مُوسَى

عَلَيهِ السَّلامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَالِهِ فِي عِتْرَتِهِ

فِي ذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ اللَّهُمَّ وَكَمَا غِبْنَا

عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ

نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ 286
وَتَرَحَّمْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ
اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ
وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ قَدِيرٌ
يَا اَللّٰهُ حاجت طلبيد يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ
يَا بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ
الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا
غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل
بي ما انا اهله وانتقم لي ممن
يؤذيني يا ارحم الراحمين
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم مالك
يوم الدين اياك نعبد واياك
نستعين اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين انعمت عليهم غير
المغضوب عليهم ولا الضالين
بسم الله الرحمن الرحيم
لو انزلنا هذا القران على جبل
لرايته خاشعا متصدعا من

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

خشية

خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي
287 لَا اِلٰهَ هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
اَلسَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ
لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هفت مرتبه صلوة بر محمد بفرستد باین طریق

اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد

وسلّم بعدد ما کان فی علم الله

برحمتک یا ارحم الراحمین

وحاجت خود طلب نماید البته باید با وضو باشد و پیش از آفتاب شروع کند

البته مراد حاصل خواهد شد اللّهم بلّغ بروح

محمّد و ازواج آل محمّد صلّی

الله علیه من الف صلوات

برحمتک یا ارحم الراحمین یا دائمة

بغیر فناء ولا زوال لملکه و بقائه

هر که صبح بعد از نماز هفت مرتبه بخواند در روز حشر ری النبی ر

والسلام

و سلامت بمنزل خود باز آیند و آزموده اند   و بعد از نماز صبح پیش از آنکه

با کسی سخن گفته یکبار بخوانند اگر خدا نخواسته حضرت امام حسن علیه السلام باشد عجبها از او را بشنود انشاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک بکلماتک و

معاقد عرشک و سکان سمواتک

وارضک وانبیائک ورسلک

ان تستجیب لی فقد رهقنی من

امری عسر فاسئلک ان تصلی

علی محمد وال محمد وان تجعل

لی من امری یسرا از برای شده سر زمین

گذاشته بخوانند هذا الدعاء یا مذل

كُلِّ جَبَّارٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَحَقِّكَ

بَلَغَ مَجْهُودِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي هفت روز هر روز هفت

مرتبه بر موی سیاه بخواند رناشتا بخورد البته حفظ او

زیاده شود هذا الدعاء اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ قَلْبِي

وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَاَطْلِقْ بِهِ

لِسَانِي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

شرح سوره یس باین طریق هر کس بخواند

بجمیع مرادات دنیوی واخروی محصل گردد روایت میکند

از امام ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام از رسول الله

صلی الله

صلی الله علیه وآله وسلم که هر که هفت بار سوره یس بخواند
بر سنگ آسیا بود آن سنگ آسیا بایستد بفرمان خدای تعالی
اگر کسی بر آب روان بخواند این سوره و بدان طهارت
کند و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره یس بخواند
اگر عالم را آب بگیرد و نو بر روی آب باشد آن آب بنو
المی نرساند بفرمان خدای عز وجل اگر این سوره هفت بار
بخواند در باد دمد و بگوید که فلان سلطان را بیش
من بیاورد در حال بقدرت الله تعالی آن سلطان حاضر
گردد و اگر این سوره را هفت بار بخواند و بعد از آن کاغذ
پاکیزه با طهارت بنویسد و روی بقبله کند و با اعتقاد درست
بنوشته هفت نوبت دیگر بخواند آنگاه آن کاغذ را بکردن

بندد تا عجایب ها ببند که صفت راست نباید اگر کسی

این سوره را بنویسد و بموم گیرد و بر بازوی راست خود بندد

او دوست و دشمن و جمله خلایق مسخر وی گردند اگر خواهی که

محبت کسی بر بندی باید که از دو گور کهنه خاک برگیری و این

سوره را یکبار بر وی بخوانی و باد بر آن خاک دمی و

آن خاک را گل سازی و بدیوار خانه آنکس زنی

که محبت آنکس بسته شود که دیگر شاد نگردد و این

معنی را باید که بهر کس تعلیم نکند که مجربست دیگر اگر خواهی کسی

را از عشق خود دیوانه سازی چنانکه از عشق تو یکدم قرار

نیابد باید که بر چهار پاره سنگریزه این سوره را چهار بار بخواند

و بر آن سنگ سوره را چهار بار بخواند و بر آن سنگریزه ها

بدمد وآن سنگریزه را بجزه کند وهر جزه بموم بگیرد ودر آتش خانه [حمام]
نهد و با آتش اندک برسم و باید که شب بگذارد که برون آورد
و سنگریزه ها برون کشند دفنه آن کند که هلاک شود از عشق
واین مجربست واگر خواهی که در بخت و دولت و عزت
بر او گشاده گردد دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی یکبار سوره
فاتحه و یکبار سوره یس بخواند و این نماز روز سه شنبه و یا پنجشنبه
و یا آدینه بگذارد که در بخت و دولت بروی گشاده گردد و
این مجربست دیگر اگر خواهی که میان دو کس دشمنی شود آنگه
بر دو صلهٔ نان این سوره هفت بار بخواند و بر سگ دهد را
بخورد که هرگز یکدیگر نه بیند و این مجربست واگر خواهی که کسی را
هلاک کنی بیارد یک خشت خام و در پیش خود نهد و حمد و یکبار

این سوره بخواند و هر بار که سوره تمام کند یک جنازه چوبین

بسازد و این دعا بر آن جنازه نهد و بر دی بماند جنازه کذارد

بنداه آن خشت را در یک حوض آب بیندازد و چون آن

خشت باطل شود دشمن هلاک شود بفرمان خدای عز و جل

اگر این سوره بجهت غایب ببست و یکبار بخواند غایب

دران زودی حاضر شود بفرمان خدای عز و جل اگر این

سوره بکاغذ بنویسد و بموم اندر کرد و بر بازوی راست

بندد عجایب ها ببیند اگر خواهی زود بر عمل کند پیش از

نوشتن یکبار بخواند در حال آن غایب حاضر شود

واثر عظیم دارد و اگر این سوره را در شبانروزی هفتاد

بار بخواند یا هفت بار بخواند چنان بود که هفتاد بار ختم قران

کرده

291

کرده باشد و در حفظ و امان حق تعالی باشد اگر خواهند که عقد اللسان
کند در کرد ابریشم و هفت گره بزند و بر هر گرهی یکبار بخواند و
در پیش در خانه خود و یا در پیش در خانه او دفن کند البته زبان
دشمن بسته گردد بفرمان خدای عز و جل و اگر خواهی که کسی را
مهربان خود کنی چهل و یک سنگریزه بگیرد و چهل و یک نوبت
این سوره را بروی بخواند هر نوبت که میخواند باید بر یک سنگریزه
بدمد و همچنین تا چهل و یک سنگریزه آخر شود و بعد از آن سنگریزها
را در جره کند و سر جره را بموم استوار کند و در گرمابه پنهان
کند عجایب بیند بیم آن بود که رسوا شود و باید که زود بیرون
آرد اگر خواهی که کسی را مطیع خود گردانی بیار نوشادر
هفت بار این سوره را بروی بخوان و در خانه آنکس نهند

آنکس مطیع تو گردد و حیران شود که بی تو آرام نگیرد و بی تو
آب نتواند خوردن اگر خواهی که کسی را مطیع خود کنی این سوره
را چهل و یکبار بخواند بر هفت پاره ریسمان و در جامه آن
کس در پیچد و بموم مهر کند و در خانه تاریک نهد آن کس
مطیع تو گردد و این مهم مجربست اگر خواهی که مردی کسی بندی
بیارد و کوزه خاک و بر وی یکبار این سوره بخواند و آن
خاک را گل کند و در دیوار خانه آنکس نهد یا زیر درخت
پنهان کند هرگز گشاده نگردد و این نیز مجربست اگر خواهی
که خلق را در خصومت اندازی بخوان بر تخم قمی و باد بردی
و بدو نام آن مرد را ببرد و آن تخم قمی را در میان مردم اندازد
آشوب عظیم افتد و این آیه را هفت بار بخواند در حالت
انداختن

اندا خش اگر این آیه بخواند شاید لَقَدْ كَانَ لِسَبَاءٍ
فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ
يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ
وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ

اگر کسی این سوره را هفت بار بخواند روزی بروی فراخ شود

اگر کسی را کالای فروختنی در خانه باشد و خریدار نباشد این

سوره چهل و یکبار بخواند و باد بروی دمد بازارش نیکو شود

و خریدار نیکو بسیار پیدا شود و سود بسیار در دست آید

اگر خواهی که زنی را در نکاح خود در آری بستان تو دو دانه بادام

و این سوره بران بادام بخوان و باد بران دمد و بر سیمان ابریشم

در پیچد بر درخت سیب سفید شیرین یا امرود شیرین بیاویزد

دهرنهای خویش در زیر آن درخت بسوزد و بینک براد
بر بسد و آن زن بنکاح آورد اگر خواهی که کسی را عاشق
مبتلای خود گردانی بر گیر از هفت گور کهنه خاک و هفت بار
این سوره بران بخوان و در طعامی که یک مثقال از آن خاک
بینداز و بر آن کس که دل تو خواهد بدهی تا بخورد از عشق
تو دیوانه گردد محب اگر خواهی که عقد اللسان کسی
کنی بیار یک خشت در پیش خود بنه و بیت و یکبار این
سوره یس بخوان و بآب سخن مگو و هر بار که میخوانی یک
خط بر روی آن خشت بکشد چون تمام شود بعد از آن خاک
که بر روی خشت گرد آمده باشد بگیرد تمام را کل کند و بر روی
همان خشت مالد و بعد از آن خشت را بگیرد و در زیر بغل
نگاه

نهد و از خانه بیرون آید و با کس سخن نگوید و بگورستان
رود و آن خشت را در گور کشته اندازد و بیاید که مجربست اگر
هزار سخن در عقب تو بگویند چون نزدیک تو آید همه فراموش
کنند و خواهی که نیک تو بگویند هر که این معنی را شک آرد کافر
گردد و اگر مردی را بسته باشد و به هیچگونه گشاده نشود و
چون هفت روز این سوره را بر گلاب و زعفران بنویسد
و بخورد در ساعت گشاده گردد و هر علتی که در اندرون
رفع شود و اگر کسی را دست تنگ باشد باید که در شب
آدینه بعد از نماز خفتن چهل و یکبار این سوره بخواند و بعد
صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بفرستد
حق تعالی روزی او فراخ گرداند و اگر این سوره را بر قدری

نان بخواند و به سگ دهد تا بخورد آن زبان نیست که فلان
کس را از فلان کس جدائی شود البته از یکدیگر
جدا شوند اگر خواهی که میان دو کس دشمنی افکنی
بیاور سنگی که یک من و ده سیر باشد و چهل و
یک بار این سوره را بخواند و بران دمد و آن سنگ
را ببرد و در زیر بخدان اندازد در حال میان ایشان
جدائی افتد اگر خواهی که کسی را عاشق خود بکنی بخوان
این سوره را بنمک طبرزد در روز یکشنبه پیش از نماز
بامداد پنجاه نوبت بخواند و در آتش بنهد از دو
بنام وی و مادر وی و بنام خود و مادر خود چنان شود که
اگر یک ساعت ترا نه بیند دیوانه گردد و داشته این نیست
و

آیت اینت وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِیَ
خَلْقَهُ قَالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظَامَ
وَهِیَ رَمِیمٌ قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی
اَنْشَاهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِکُلِّ
خَلْقٍ عَلِیمٌ دل و جان فلان بنت
فلان اِیَّاکَ نَعْبُدُ
وَاِیَّاکَ نَسْتَعِینُ

واگر مهمی پیش تو آید چهل و یکبار این سوره بخواند
البته این مهم وی کفایت شود واگر کسی این سوره
را بزعفران وگلاب هفتاد بار بنویسد و بخورد دل
وی قوی گردد و هرچه بشنود و هرچه بخواند یاد گیرد و فراموش

نکنند و اگر این سوره را بنویسد و بر درختی بندد و آن

درخت میان باغ باشد هرگز آفت بر آن باغ

نرسد و در خانه این سوره باشد هیچ دیو و پری گزندی

بآن خانه و صاحب خانه نرساند بفرمان خدا تعالی هر کرا فرزند

نباشد این سوره را بزعفران و گلاب بنویسد و در موم

گیرد در آب اندازد و از آن آب بخورد و آنگاه بر بازوی

وی بندد و چون بشوی جمع شود فرزند پیدا شود بفرمان

خدا تعالی ان شاء الله تعالی وحده العزیز بدانکه سوره یس

بسیار خاصیتی دارد از جمله خواصی چند مذکور میشود او

هر کرا مهمی پیش آید مداومت نماید که مراد حاصل شود

باید که شک نیاورد و باعتقاد درست بخواند و ساعت

لعمر

سعد اختیار کند که بمراد برسد و اگر خواهی که کسی را مطیع
خود گردانی بعد از نماز دوشنبه بامداد چهل و یکبار بر چهل و یک
فلفل سفید بخواند و هر یک در میان مویزی نهد و هر روز
یکی بسوزاند و باید که یک روز خطا نکند و اگر یکبار بسوزاند آن
کس دیوانه و بیقرار گردد بفرمان خدای تعالی و اگر هفت
میخ آهن بمقدار یک انگشت و هر میخی یکبار بخواند و در
آتش بیندازد تا سرخ شود آنکس بیقرار گردد و اگر خوا[هی]
زبان کسی با جماعتی ببندی بیار پاره پنیر و چهل یکبار الم تر و
یکبار این سوره بخواند و در آید و آن اندازد و زبان آن
کس بسته گردد چنان بسته شود که هیچکس باز نتواند
کرد بفرمان خدای تعالی دیگر اگر خواهی کسی را محب خود

ستاری چهل ویک دانه نوشادر و چهل ویکبار
سوره یس بران بخواند و در خانه آن کس پنهان کند
در خانه تاریک باشد بخواند و در خانه آن کس عجب
وقربان بر دار روی کرد و بفرمان خدای عزوجل و اگر
خواهی که کسی را دوست خود گردانی بیار چهل و یک جوز
و چهل ویکبار این سوره بخوان بروی و در آتش نهند
که بسوزد آن کس آرام نگیرد تا پیش وی بیاید بفرمان
خدای عزوجل و اگر خواهی که کسی را عاشق خود گردانی بیار
چهل و یک دانه سنگریزه سرخ و بر هر سنگ یکبار این
سوره بخواند و سنگها در خمره سبز نهد و سر خمره بموم محکم
کند و در جای گرم پنهان کند عجایب باشند اگر خواهی که

[illegible]

عفه الله

عقد اللسان کتی بیار پاره ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد

و سه بار این سوره بران بخوان و سه گره بر بندد و در خانه

دشمن پنهان کند زبان دشمنان بسته شود و اگر

خواهی که محکم بسته شود چهل و یکبار بخوانند و گره

بر بندد عجایب ببیند اگر خواهند که مار و کژدم گزیده را

به شود هفت بار بر آب خواند و بخورد مار گزیده بدهد

تا شفا یابد و اگر مار گزیده حاضر نباشد همان کس که خبر آورده

باشد بدهد که شفا یابد بفرمان خدای عز و جل و اگر کسی نتواند خواند

بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارد که اگر خونی کرده باشد

هیچ کس با وی دشمنی نتواند کرد و اگر همه عالم دشمن وی

باشند ببرکت این سوره کریمه هیچ گزندی بوی نتواند رسانید

واگر خواهی که دشمنی یکبی کنی بیار خاک چهار راه واین سوره

را بران بخوان وباد بران دید بنام آنکس که خواهد ودر خانه

آنکس ریزد سه شنبه درساعت مریخ یا زحل زیرا که از

همدیگر جدا شود چنانچه هرگز بهم نرسند هفت پاره سنگ

درروز پنجشنبه درساعت زهره یا مشتری هفت بار

بر سنگ خواند وبدانکس دهد تا بخورد ودرد وسینه چنان

شود که آرام نگیرد لفرمان خدای عزوجل اگر خواهی که کسی را

مطیع خود سازی بیاور پاره خالص چهل ویکپاره کند

ویک نوبت این سوره بخواند ویک در آتش اندازد

که یکساعت ارام نگیرد لفرمان خدا تعالی اگر خواهی زبان

کسی را بربندی از دو گور کهنه خاک برگیرد ویکبار این سوره

بران

بران بخواند و کل کند و بدیوار خانه انکس زند یا بیاورد

انکس بسته شود و دیگر بیاورد پاره کرده کو سفند و هفت

299

بار این سوره بخواند و باد بران دمد به نیت وشی و به نمک

سیاه دهد تا بخورد سکت دیگر لوی نتواند رسید دیگر بیار خری

خوردنی و هفت بار این سوره بخواند و باد بران دمد تا

اگر کشاده باشد بار ازرسن بیدا انشا الله تعالی

دعای روز نوروز باید خواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ السَّنَةَ

جَدِيدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ

اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا

وَاَسْتَكْفِيكَ مَؤُنَتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَا

وَالْاِکْرَامِ یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَ
الْاَبْصَارِ یَا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ
یَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا
اِلٰی اَحْسَنِ الْحَالِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ
بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

از برای مریض هر شنبه تا چهل روز او را خوانده کبوتر از دست
خود براند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ حَسْبُنَا
اللّٰهُ نِعْمَ الْوَکِیْلُ تَبَارَکَ اللّٰهُ اَحْسَنُ
الْخَالِقِیْنَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

بِاللّٰهِ

بالله العلی العظیم این دعا را حدیث بسیار
دار دار برای مریض باید خواند ایضاً دعای دیگر
298
بحرمة الحسین واخیه وجده
وابیه وامه وبنیه وشیعته و
موالیه نجنی من الغم الذی انا فیه
در وقت خواندن نجنی من الغم الذی
انا فیه حاجت خود را از در دل
خود بگذارید یا رب روایت از
ائمه معصومین صلوات الله علیهم که رسول صلی الله فرمودند که حق
سبحانه تعالی عز شانه فرموده است هر بنده مومنی که در
شب جمعه ده مرتبه این دعا را بخواند بیامرزم گناهان صغیره و کبیره

اورا واگر فردا قیامت عذاب کنم پروردگارا و نباشم این است دعا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ

الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ

السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا

يَا ذَا الْعُلَى فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ وَصَلَّى

اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

أَجْمَعِينَ از برای آزار باید خواند پنج

وقت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا شَدِيدُ الْقُوَى يَا شَدِيدُ الْمِحَالِ

یا ع

يا عزيز يا عزيز يا عزيز ذلّت
بعزّتك جميع خلقك فاكفني
شرّ خلقك يا محسن يا منعم يا مكرم
يا مفضل يا مجمل يا لا اله الّا انت
سبحانك انّي كنت من الظّالمين
فاستجبنا له ونجّيناه من الغمّ
وكذلك ننجي المؤمنين

روایتست از حضرت رسول صلی الله علیه واله اگر کسی
قطع کند رخت را روز یکشنبه میرسد بار غم ونامبارک
باشد واگر قطع کند دوشنبه مبارک هم باشد واگر قطع
کند روز سه‌شنبه سوخته شود آن رخت یا ببرد دزدی رود یا

غرق شود و اگر قطع کند روز چهارشنبه چهار پایان بسیار
نصیب او شود لی بلاکش ولی بخت و اگر قطع
کند روز پنجشنبه علم نصیب او شود و اگر قطع کند روز
جمعه عمرش دراز شود و اگر قطع کند روز شنبه مریض
باشد تا که آن رخت بر بدن او بود مگر آنکه بغروشد
یا به بخشد صدق رسول الله و هم از سرور عالم علیه الصلوة والسلام
منقولست که کسی ناخن بگیرد روز شنبه اکله در ناخن
های او پیدا شود و کسی که روز یکشنبه بگیرد برکت از و
برود و کسی روز دوشنبه بگیرد حافظ و کاتب و قاری
شود و کسی روز سه شنبه بگیرد بیم هلاک دارد و کسی
روز چهارشنبه بگیرد میگردد بد خلق و کسی روز پنجشنبه

بگردد دور می شود از نو داد و داخل می شود در بدن او

شفا و کسی بگیرد روز جمعه عمرش زیاده شود و مال نیز

زیاده شود اسناد سوره اخلاص اگر خواهی که کسی را

در عشق خود بیقرار گردانی بگیر هفت دانه فلفل سیاه

و بر هر یکی هفت مرتبه سوره مذکور را بخواند و بروز دم

و بعد از ان یک پیاز سفید بیاور و میان آن

را خالی کن و فلفل را در ان میان بنه و در زیر

آتش پنهان کن آن کس دیوانه و بیقرار حاضر

شود نوع دیگر بگیر هفت پاره نمک و هفت فلفل

سیاه و بر هر یک هفت مرتبه سوره مذکور را بخواند

و در زیر آتش پنهان کن آنکس بیقرار شود

از عشق تو این عمل چنانست که اگر آتش بگردد
اگر صد فرسنگ باشد حاضر شود وآزموده است
وهیچ شک نیست نوع دیگر اگر خواهی که کسی را
از راه دور بیاوری یا بر خود بیقرار گردانی بگیر از راه
گذر آنکس که تو خواهی هفت پاره ریگ یا هفت
پاره سنگ و بر هر یک هفت بار سوره مذکور را بخوان
و در آتش انداز ند یا در شیب آتش و دان خاک
کنند بنام مطلوب و نام خود و نام مادر خود دیوانه شود
واز صد فرسنگ راه بیاید و حاضر شود نوع دیگر بیار یک
پیاز سرخ و خالی کن و بیار هفت دانه خرما سیاه
از هر دانه هفت بار سوره مذکور را بخوان و در میان پیاز

د نور بند دست بیار بلا محکم کن و بار لسیمان تار سیده

301

ز پیچ و در آتش بسوزان و در وقت سوختن بگو

لمو تا تمام بسوزد آن کس در عشق تو بیقرار گردد و نزد تو

حاضر شود و آزموده است و هیچ شک نیست والله اعلم بالصواب

صیغه متاع در صورتیکه زن بلفظ خود صیغه گوید و مرد

بلفظ خود گوید و مهر معلوم شده باشد زن بعربی گوید

مَتَّعْتُكَ نَفْسِي بِالْمُدَّةِ الْمَعْلُومِ وَ

بِالْمَبْلَغِ الْمَعْلُومِ و بلا فاصله بگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِي

فی الحال صح

و اگر زن وکیل تعیین کند مرد خود بگوید بعد از آنکه مدت

و مهر تعیین شده باشد اول وکیل زن گوید مَتَّعْتُكَ

نَفْسَ مُوَكِّلَتِي بِالْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ وَبِالْمَبْلَغِ

المعلوم فی الحال مرد بلا فاصله گوید قبلت لنفسی

واگر مردی وکیل شود بجهت هر دو یعنی خود و زن صیغه گو

بدین طریق از برای زن گوید متعت نفس موکلتی

من نفسی بالمدة المعلومة وبالمبلغ المعلوم

از جهت خود بلا فاصله گوید قبلت در ایام در بند نیها

وشدائد بکر باید خواند الهی بحرمت الحسین واخیه و

وجده وابیه وامه وبنیه وتسعة وصاحبة دموالیه

نجنی انا نحن فیه واگر برای جمعی باشند و بخواند نجنی را

نجنا بخواند البته مراد حاصل است از برای جانوران

گزنده در شب سه مرتبه بخواند و سه دست بر دست یکد

زنند در حفظ الهی می ماند آمنیت اعوذ بکلمات الله

التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر
من شر ما ذرع ومن شر ما برع و
من شر كل دابة هو اخذ بنا
صيتها ان ربي على صراط مستقيم

در اوقات ورد بايد كه ما بر كه كوزه پاك و پاكيزه را آب
پاك و پاكيزه كرده او ابلسه بسته بالای سر بگذارد هر وقت
از شب كه بيدار شود اولا سه جرعه از ان آب بخورد و
بعد از ان از همان آب وضو كرده دو ركعت نماز بكند
بهر سوره كه ميخواهد در ركوع بيست و پنج مرتبه يا غياث
المستغيثين بگويد بعد از سر از ركوع بر داشتن نيز بيست
و پنج مرتبه بگويد و در سجده اولی نيز بيست و پنج مرتبه بگويد

سر از سجده برداشته بیست و پنج مرتبه و در سجده دوم نیز سر از سجده

برداشته نیز بیست و پنج مرتبه که مجموع یکصد و پنجاه مرتبه گفته

شود و در رکعت دویم بدستور بگیم و زیاد چون از نماز فارغ

شود سر سوی آسمان نموده سی مرتبه بگوید من العبد الذلیل

الی المولی الجلیل بعد از ان هرچه میخواهد از مطالب جهد و عرض

والتماس نماید ان شاء الله تعالی که باجابت مقرون میگردد

واین از اسرار است اخوند ملا عبد الکریم دعای بسته بر کاغذ

زرد نوشته در جائیکه زر میگذارند بگذارد که مجربست هفتم

هر ماه از سر تو بنویسد و اندک نقره در میان آن بگذارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا کریم یا رحیم یا رازق

ب ا م ن ی

لل ل ل ل ل ل ل

یا ذو الطول یا ذو الطول

یا فتاح

یا امان

لل ل ل لل ل ل ل

یا ذو الطول یا ذو الطول

یا ذو الطول یا ذو الطول

۹ ۹ ۹ ۹۹ ۹۹۹۹

یا حی

یا رحمن کل شئ و راحمه

اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک

هو الغنی الکریم

بسم الله الرحمن الرحیم

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل
ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

یا ذوالطول یا ذوالطول یا ذوالطول
یا ذوالطول یا ذوالطول یا ذوالطول

ان الله علی کل شیء قدیر

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل
ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول

۹۹۹۹۹۹۹۹۹

مروی عن الصادق ع طریقه استخاره ذات الرقاع آنکه بر سه

رقعه کاغذ بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم من الله العزیز الحکیم

و بر سه رقعه دیگر همین مضمون را که مجموع شش رقعه باشد

و در پایین هر رقعه بنویسد لفلان ابن فلان افعله یعنی نام

خود و مادر خود را بنویسد و در سه رقعه افعله بنویسد و در

سه رقعه لا تفعله و بعد از ان شش رقعه را در زیر مصلی
بگذارد و دو رکعت نماز بکند چون سلام دهد صد مرتبه
بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بعد از ان درست
بنشیند و بگوید که اللهم خر لی واختر لی فی جمیع اموری
فی یسر منک و عافیة بعد از ان دست بزند و رقعها را
مشوش کند پنج در هم کند و یکی یکی بیرون آرد اگر سه
افعله پی در پی برآید خوبست و اگر سه لا تفعله برآید بدست
و اگر مختلف برآید همچنان بیرون آورد تا پنج رقعه عمل با
کثر کند طریق نماز میتا نیت نیت چنین کند که دو
رکعت نماز هدیه میت فلان میگذارم از برای رضای
خدا قربة الی الله در رکعت اول بعد از حمد یک

ایه

ایة الکرسی بخواند و برکوع و سجود رود و دو رکعت

دویم بعد از حمد ده انا انزلناه بخواند و قنوت خوانده به

رکوع و سجود رود و سلام دهد و صواب نماز را ببیت

قربت کند و اگر ایة الکرسی نداند بعد از حمد دوازده قل

هو الله احد بخواند **طریق** نماز کسوف و خسوف

و زلزله و آیات نیت چنین کند که دو رکعت نماز کسوف

بادهای مختلف

یا زلزله یا غیره میکنم واجب تقرب بخدا بعد از احرام نماز

بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و برکوع رود تا پنج مرتبه

مرتبه پنجم بسجود رود و باز برخاسته بهمان قسم بعد از حمد هر

سوره که خواهد بخواند تا مرتبه پنجم قنوت خواند و برکوع و

سجود رود و سلام دهد و اگر نماز زلزله باشد بعد از حمد سوره

افزار نیز له خواندن لازم است دعای سر تراشیدن چهارشنبه
سوره القول اصح آنست که اول وضو سازد بعد از آن
غسل کند و دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از
حمد سوره توحید بخواند و سلام دهد و صد مرتبه تسبیح
اربعه بخواند و روبروی قبله نشیند و این دعا که نوشته
میشود بخواند بعد از آن اذا جاء نصر الله و الفتح بخواند و شروع
در سر تراشیدن نماز و در اثنای سر تراشیدن نیز این دعا
بخواند اگر در طلوع آفتاب سر را تراشد و این دعا بخواند
بهتر خواهد بود و از برای روزی و ترقی دولت مجرب
بود دو سر را بمشک و زعفران و گلاب تر کرده بتراشد
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم لا

الحجی

تخرجني الى اشرار الناس وارزقني
مالا كثيرا وعمرا طويلا وبدنا صحيحا
لا وبال فيه بحق التورية والانجيل
والزبور والقران العظيم وبحق جميع
الملائكة المقربين والانبياء
المرسلين اللهم اعطني بكل شعر
تخلق من راسي نورا يوم القيمة
وزيني بالتقوى وجنبني عن الردى
وارزقني الحج والعمرة يا ارحم الراحمين

بعد از نماز صبح دست برداشته بخواند و بر رو مالد و مواظبت
نماید وسعت عظیم بهم رسد و محبوب دلها گردد و بهر کار که

اقدام نماید ایشان کرد و کسی را مجال معاینه او نماند

دعا اینست اَلْبَاسِطُ الَّذِیْ یَبْسُطُ الرِّزْقَ

لِمَنْ یَشَآءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَبْسُطَ رِزْقِیْ وَتُغْنِیَنِیْ

عَنْ مَخْلُوْقٍ فَاِنَّكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهٖ

بدانکه در روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان این حرز را

باید نوشت و با خود باید داشت هر که این حرز را با خود

با خود دارد تا مبارک رمضان آینده در امان خدا

باشد و وقت نوشتن این حرز بعد از نماز جمعه است

تا غروب شدن آفتاب و حرز معظم و مکرم اینست

بسم الله الرحمن الرحیم لا الاء الا الاء ارك یا الله یا محیط

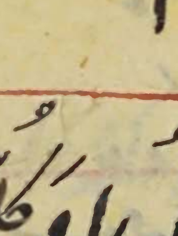
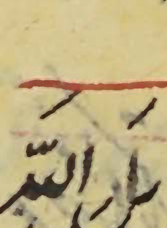
به علمك كـ ع ل ح م ه ون بالحق انزلناه و

بالحق نزل ارسلناك الا رحمة كهيعص حمعسق والله

خیرا حافظا و هو ارحم الراحمین تحخ قیصور نوجه حنیث سبت

فانك الله محمد علی فاطمه الحسن الحسین علی محمد جعفر موسی علی

محمد علی الحسن مهدی الخط قطوت روح ابا تراب ابا تراب

ابا تراب ه اام لا ۱۱۱۱ ه ه  ااا  

ااا ه ه بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرانا سیرت

به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل الله

الامر جمیعا ه اام  ۱۱۱ ه ه اما باید که این حرز در یک

سطر نوشته شود جهت توسعه رزق و گشایش کارها

بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الرقیب الرؤف الرحمن الرحیم

یا الله الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب

افتح لی العبد الذلیل فلان نام آن شخص را بنویسد ابواب

فضلک والواب رحمتک والواب رزقک و

والواب خیرک والواب کرامتک والواب نعمتک

والواب سعادتک والواب سلامتک والواب

عظمتک والواب رفعتک والواب برکاتک و

الواب منتک والواب احسانک والواب

رضاتک والواب قناعتک والواب الجنة

اللهم تکفل برزق کل دابة انت اخذ بناصیتها ان

ربی علی صراط مستقیم وما افضل من اعطی وما خیر

من ادعی اللهم انی اسئلک بمحمد وآله وجمیع المؤمنین

والمؤمنات

والمومنات برحمتک یا ارحم الراحمین اما باید که بر کاغذ زرد
نوشت و با خود نگاهداشت این دعا را هر روز ده بار بخواند بوسیه
کارهای او گشاده گردد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله حسبی الله
توکلت علی الله امنت بالله واعتصمت بالله وفوضت
امری الی الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از نماز
صبح چهار صد مرتبه بچهار طرف خود یعنی مشرق و مغرب و جنوب
و شمال هر طرف صد مرتبه یا رزاق بخواند فتح شود ۱۲ وجهت
مهمات کلا دوازده هزار مرتبه بیک مجلس بخواند هم در آن
هفته مقصود حاصل شود و در بعضی نسخه هزار و دو صد مرتبه
نیز گفته اند أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ
از برای کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع دشمنان

این کلمه نهصد و هفتاد و پنجبار بخواند کهیعص و اگر تواند کلمه

حمعسق را بر وضم کند هر دو کلمه را دو هزار پنجاه مرتبه بیک

مجلس بخواند مرادات بزودی برآید ان شاء الله تعالی

جهته مال و نعمت هر که بعد از نماز عصر این نامهای بزرگوار

را صد نوبت بخواند حق سبحانه و تعالی او را چندان مال

بخشد که حساب آن نداند و هر روز زیاده شود اسمای

معظم و مکرم اینست یا الله یا فتاح یا وهاب یا قادر

یا رزاق یا غنی یا عزیز یا الله از مرشدان بسیار به بنده

تاکید شده است باید هر گاه تنگی بهم رسد بقصد زیارت

آمدن در مقامی که بدبیا مشغول نشوند و خلوت باشند

بنشینند و صد مرتبه صلوات بخوانند و صد مرتبه آیة الکرسی را

بخوانند

308

بخواند اول و آخر تا خالدون و باقی تا العلی العظیم و آخر هم صلوٰة

سه مرتبه بخواند که البته در بین خواندن وسعت بهم رسد و

بعد ازین اگر همیشه مداومت باین نحو نشود هرگز در ماندگی

نمی باید ختم تا چهل روز است نقل من خط حکیم عبد الغفور

خاصیت اسم اول

خاصیت اسم دویم ۲ اگر خواهند که دشمن را هلاک کنند باید که او را

یکشنبه اندکی موم گرفته این اسم را دوصد و بیست پنج بار

بر ان موم بخواند وآن موم را صورتی لسازد و در میان طشت

بدارد یک سیخ از جاروب بگیرد واین اسم دوصد و بیست

و پنج بار بران موم که صورت ساخته وآن سیخ جاروب بخواند

در میان طشت بگذارد و سیخ جاروب را نیز کمان ساخته

و نصف آن سیخ را تیر ساخته و پیکان آن تیر را نیز ساخته

و بر تیر یکصد و نه مرتبه اسم را خواند و بصورت دهد و تیر را

بزند اگر خواهند او دهمیرد در میان شکم او زند یک ساعت

نگذرد که بمیرد و اگر خواهد که تصدیع بمیرد بر پا بر داشت او بزند

و باید که این صورت واقعه نیز ملکوش خود نگاه دارد

اسم دویم اینست نیل الضالو موکل این اسم

ایا

309

یا قادر یا اشر افیل هفت بار و هفت بار سوره

سکاثر بخواند خاصیت اسم سیوم اگر خواهد که چهار علم

حاصل کند کیمیا و صیمیا و لیمیا و اسمیا بخواند تا چهل روز

تا غه نکند همه روز چهار آدمی بیایند و بگویند که ما ازین چهار

علم موکلیم هر کرا ازین چهار علم خواهی یقین نما اول

اسم کیمیا تعین کرده اند و سه اسامی را بر سیمیا و غیره

تعین نموده اند و بعد از چهل روز یکی ازین اسامی را بخواند

تا همان اسم را یاد کند آن صورت آدمیان که رفته اند

بیایند و بگویند که حاجت تو چیست بگو تا فرق بردار تو

با شم مجلیع او هفت بار اول هفت بار آخر سوره

تکاثر بخواند خاصیت اسم هفتم چیزی تماشا به بیند روز

جمعه غسل کند و جامه پاک پوشد و میان گورستا

رود و در میان دو قبر کهنه بنشیند و اسم هفتم را هفتا

چهار بار بخوانند و بر خود دمد تا حصار او شود و هیچ بلا و

باو نرسد مسخر و مطیع او باشد و بعد از خواندن یک جو

پیدا شود بصورت آفتاب و مهتاب بیاید و بگو

مقصود تو چیست مقصود را بگوید مهم بکفایت رسد

عن ان یذل الله یا ذریب یا اثنا ثیل هفت بار او

و هفت بار آخر سوره مکاثر بخوانند خواص اسم هشت

هشت روز هفتصد مرتبه هر روز بخواند هشتم روز یک

کس پیدا شود بصورت عورت هفتاد ساله و با او

کن که ای مرد از خدای تعالی چه میخواهی در حال او از

هم خواص خود را احضار کند بعد روز عمل بزانو نهد جن حاضر شود بخوانم

و با او سخن بکن بکار خود مشغول باشد بعد یک ساعت
آن صورت رفته بصورت طعام شده باز بگوید بخواه چه میخواهی
بعد از آن بگوید هر مطلب که دارد باز بگوید و بگوید که خدای همه چیز
آگاه است چیزی دیگر بخواه که طلب صورت گرفته مشاهده
محمدی برساند و طالب بمطلوب رسد اسم هشتم اینست
طارص مهیت یا اسرافیل یا اناییل هفت بار اول و هفت
آخر سورة التکاثر بخواند و انا انزلناه بخواند نیز خواص اسم نهم آنچه در
چشم پیدا شود معلوم کن این اسم را صد مرتبه بخواند یکمردی
پیدا شود و هیبت ناک باید که خود را حصار بکن و از وی
نترسد دل قوی دارد و آن سخن در آید بگوید که ای مرد
هر وقت که ترا مشکل پیدا شود مرا یاد کن و اسم را بخواند

تا همان وقت بیایم و هر چه مدعای تو باشد حاضر کنم اسم

اینست شمحل طارص یا الله یا مرائیل و سوره انا

انزلناه در اول و آخر چهارده مرتبه بخوانند خواص اسم دهم

اگر کسی ده مرتبه بخواند انچه طلسمات باشد بروی عیان

شود بفرمان خدا تعالی اسم اینست یا دمه آن یا

سرتائیل هفتاد بار اول و آخر سوره انا انزلناه بخوانند

خواصیت اسم یازدهم اگر خواهد که خود بخود تماشا ببیند

چنانچه هست باید که هفت روز روزه بدارد و هر چه قلیل

گیر باشد اختیار نکند یعنی انچه از آتش پخته شود افطار

نکند بعد به جزیره دور روی نشسته این اسم را پانصد مرتبه بخواند

بفرمان خدا تعالی شاهده نماید از دریا بیرون آید هفت

صلوا

311

صورت پیش دست بسته ایستاده شود و قرار بگیرد
تا آنکه زنده باشد از نظر او دور نشود و هر مشکل و مهمی که پیش آید
بآن صورت عرض کن آن صورت آخر رساند یا اگر فهم
علم نباشد هر روز دو مرتبه بخواند بفرمان خدا تعالی آنچه یاد گرفته
باشد هرگز فراموش نکند و اگر مرد غیری باشد هرگز بر عورت
او قادر نشود و این اسم را نوشته در موم کرده در وقت جماع
در برگ تنبولی به پیچد و مرد در دهن گیرد تا آنکه بیرون نکشد
انزال نشود باز هر که این اسم را چهل بار مدام بخواند پیش از بر
آمدن آفتاب هر که او را بیند دوست دارد و در نظر مردم با هیبت
باشد و اگر شمشیر گیرد مجلس با او برابر نتواند شد و از دیدن
او بگریزند و اگر خواهند که دشمن را هلاک کند روز یکشنبه وقت

برآمدن آفتاب اندک آرد گندم بگیرد یعنی میده در شیر

انداخته خمیر کند و صورت آدمی سازد و میان طبق

سیخ

سفالی آنرا اندازد و یک سیخ جاروب بگیرد و آن همان

تیر کمان راست کند و پیکان تیر نیز سازد اگر خواهد در زود

آیه

هلاک شود بر جگر وی زند فی الحال هلاک شود تمانیل

الضالو م هيلع بضغملك ريغم هيلع

تمن انيذل الاطارص مى قتسمل طارص

الاندِ هانو عتس كاياء و دبعن كاياء

نيدل مى كليم ميح الرنمح الرنملا عل

بر هلالِ دمح حل رفع سرعت انزال یا رجع

کاغذ بنویسد و در دهان نگاه دارد مادام که بیرون نیارد

انزال

ازال نشود ع٩١١ط طحـ ع٤٩١١ططو جهت

312

دفع محبت هفت عدد بونا کرده بخوانند و بدمد بکوله تو کند

مطیع شود بسم الله الرحمن الرحیم

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ

كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ٢١ اسنادبیت

ویکنام بار تعالی جل جلاله وعم نواله هرکه خواهد بخواند یا با خود

دارد ازبیست وخیرامین باشد اول آنکه بهر درد بخوانند نیکو شود

٢ دویم آنکه بر دیوانه بخوانند به شود ٣ سیوم آنکه بر رده بخوانند نیکو شود

٤ چهارم آنکه بر زن حامله بخوانند زودی خلاص شود ٥ پنجم آنکه اگر

زنی را شیر کم شده باشد این نامها را بشوید بخورد شیرش زیاده

٦ شود ششم هرکه در وقت حرب بخواند یا با خود دارد هیچ خبر کشته

نشود ۷ هفتم آنکه اگر پیاده بر پای خود بندد و هر چند که راه رود مانده

نشود ۸ هشتم هر که بر بازو بندد و خطا نکند تیر او ۹ نهم بجهت

سبز زاین نامها نوشته در کوزه آب اندازد و بر بام نهد

تا ستارگان بر وی بگذرد و چون روز شود چهل و یکبار سورهٔ اخلاص

بر او بخواند و بر روی بیمار دمد و آن آب را بخورد و از آن موضع سبز شود

بماند بحکم خدا تعالی او سبز رنگ بگذارد بفرمان عز و جل ۱۰ دهم

اگر با مشک و زعفران نوشته و بشوید و کنک بخورد زبان

گویا شود ۱۱ اگر بر سرمه خوانند و در چشم کشند کوری دور کند

۱۲ اگر بر زبان هدهد بخوانند و زبان را بر پشت بندد هر چند

جماع کند مانده نشود ۱۳ اگر بر تاج هدهد بخوانند و با خود دارد

همجلیس بر او ظفر نیابد ۱۴ اگر چشم راست هدهد خوا

و با خود دارد در دل همه کس عزیز
و محترم باشد ۱۵ اگر بر پنجال
هدهد به خواند و در قبیله دشمن
افکند میان ایشان عداوت
افتد ۱۶ اگر بر کف هدهد بخواند جادوی بروی
کار نکند ۱۷ اگر بر ناخن هدهد بخواند زنانی را که فرزند نشود
بخود بر گیرد و چون مرد با وی مجامعت کند حمل گیرد ۱۸ اگر بر پر هدهد
بخواند و بسوزاند و خاکستر او در آب اندازد و از آن آب هر کس
بخورد عاشق او شود ۱۹ چون کسی را حاجت باشد این نامها را
بنام او بخواند و بر خود دمد و از وی حاجت خواهد البته
روا گردد ۲۰ اگر کسی را چیزی گم شده باشد یابنده گر بخته باشد

۲۱

این اسما را به نیتی که شده بخوانند بی‌شک بر آید و اگر بنام بیماری بنگ و در عنوان
در کلاب نوشته بشوید و بخورد به بیمار دهد ان شاء الله بیمار به شود بعون الله تعالی

بِسمِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ یَا اِلٰهَ الاَوَّلِینَ وَالآخِرِینَ
یَا اللهُ یَا رَحمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا خَالِقُ
یَا رَبُّ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا هُوَ یَا مَن هُوَ هُوَ
اِلَّا هُوَ یَا مَن یَعلَمُ اَحَدٌ کَیفَ هُوَ اِلَّا هُوَ
یَا مَن لَا یَدرِی اَحَدٌ کَیفَ هُوَ یَا مَن
لَا هُوَ اِلَّا هُوَ یَا هُوَ وَلَا هُوَ اِلَّا هُوَ یَا مَن لَا هُوَ
کَمَا هُوَ اِلَّا هُوَ یَا مَن لَا یُدَبِّرُ الاَمرَ اِلَّا هُوَ
یَا مَن لَا یَعلَمُ الغَیبَ اِلَّا هُوَ هُوَ اللهُ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ آ

الله

317

الله لا اله الا هو الحی القیوم وعنت الوجوه
للحی القیوم والهکم اله واحد لا اله الا هو الحی
القیوم یا رحمن یا رحیم یا من هو یا هو
ولا هو ولا یعلم احد کیف هو الا هو یا من امره
بین الکاف والنون انما اذا اراد شیئا ان
یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت
کل شی والیه ترجعون یا هو یا من هو
الا هو لا اله الا انت ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه
محمد واله اجمعین یا غفور یا غفور
یا غفور یا کریم یا ذا الفضل العظیم برحمتك وکرمك

يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العلمين

جهت برآمدن مطلب شب جمعه وجهت برآمدن حاجات

مشروعه هزار و یک مرتبه بخوانند جمیع مطالب او حاصل گردد

اللهم یا لطیف ادرکنی بلطفك الخفی انا

محتاج ذلیل وانت غنی عزیز

بسم الله الرحمن الرحیم یا قاهر ذا البطش

الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه

خاصیت اسم یا قاهر اینست واسطه محبت و واسطه

نغض و کینه و واسطه زبان بندی خواه مرد و خواه عورت

و کسی را دوست خود کردن و این اسم بسیار اعظم است

و ازین اسم ستاره ها و ملائک ها و هفت کوکب و ارواح

الجن

الجن والانس وحیوان همه از برکت این اسم اند
واین نوشته بر پیشانی ملک الموت پیدا شده اگر خواهی که
تجربه کنی از خدا بترس وروزه بگیرد و باکسی سخن نگوید و بسیار
بخواند واین اسم را در دل بخواند این اسم که خدا تعالی دولت
وسعادت وسرانجام دولت از برکت اسم اگر خواهی بخوانی
در جای پاک وخلوت باشد هر دو انگشت در هر دو گوش
بکن وهفتاد بار بخوان این اسم را بخوان باواز بلند وقتی که
تمام شود بر دشمن بد بد بگوید و بخواند عَقَدْتُ اَیْدِیکُمْ
وَاَرْجُلَکُمْ بِاِذْنِ اللهِ تَعَالَی و دشمن بی پا شود و
خراب شود واگر خواهی میان دو کس اصلاح باشد بخواند
اَصْلَحْتُ بَیْنَکُمْ بِاِذْنِ اللهِ تَعَالَی وفا بصلح میشود

اگر خواهی ظالمی را هلاک بکنی هفت روز هر روز هفت
هزار مرتبه بخواند این اسم را در خانهٔ خالی و صورت آن ظالم
را بکش بسرخی و بزن آن صورت را السیاهی بعد هفت
روز آن ظالم هلاک شود اگر خواهی که آن ظالم به آزار باشد
نقش صورت بزردی بکش و بزن السیاهی آن ظالم
را مرض پیدا شود اگر خواهی کسی را دوست خود گردانی این
اسم را بمشک و زعفران در ساعت سعد و در نوشتن بنویسد
بخور بسوزد و دفن بکند در خانهٔ خود و این اسم بخوانی هر روز
بیست و پنج مرتبه اگر حاضر باشد پیدا او اگر غایب باشد نیز
پیدا طرف خانهٔ او محبت عظیم پیدا شود اگر خواهی برای
زبان بندی بنویسد بر کاغذ خطائی یا حریری نوشته در گوش

۶۳۶

خود بگذارد و زبان جمیع خلق بسته شود اگر خواهی این اسم نوشته

بر کاغذ و در دهن کلاغ و کلاغ را دفن کند در زمین نمناک دشمن

از جمیع تفرقه هلاک شود جهت محبت بستانند تخم مرغ سیاه

و این طلسم را بر او نویسد و بگل گیرد و در آتش اندازد

از برای هر که خواهد آزموده است و طلسم اینست

ی ااا ط ه و اا ه ااااا آ ۱۲ ط ام اا ط ط ه ه ع

اا ی م ط م ۹ م اا و ام ط ه ع ع

هاتف ملک سرهما ه اه اه اه اه اه هیج هیج الساعه الساعه

العجل العجل الوحا الوحا فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان

این طلسم را بر کف دست راست نویسد بمشک و زعفران

امه خالی بنشیند چهار ملک بیایند و بگویند چه میخواهی

هرچه میخواهی برهمند طلسم اینست طوسل طوسل طماحل

حماص ص ص ص صلوه و سعدت و اسطام اعجلو

خاصیت اسم اعظم آنست که اگر کسی چهل روز هر روز مرتبه بخواند

و حیوانی نخورد جماعتی از ارواح بیایند و هر حاجتی داشته باشند

روا کنند و اگر خواهند که بر جماعت دشمن بیاز باید لوحی بسازد

از دو نیم مثقال سرب و نام خصمان را بر آن لوح نقش کند

و دعا را بر نقش کند و در شکم ماهی نهد و در زمین نمناک

دفن کنیم باید که روزی همه دشمنان دوست شوند دعائی معظم

اینست یا بارز فلا کل شئ کفوه یدا نبله

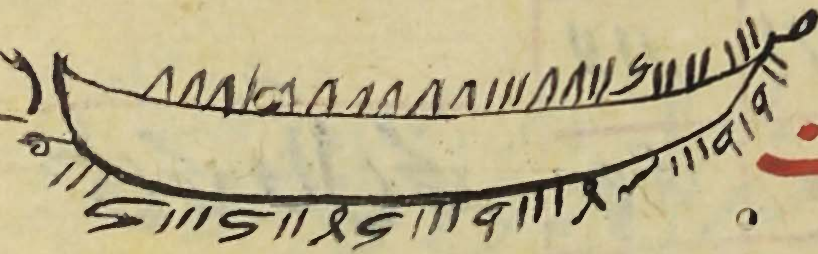
و لا ان کان یوصفه الحب بنوکیس ربعل

اسب بود در آتش انداز مطلوب بیقرار گردد طلسم معظم

اینست

اینست این عزیمت را بنویسد بر طلا یا نقره نقش کند

نقش منقط اینست



بسم الله الرحمن الرحیم اوراد هفته ماثوره از حضرت امام
محمد باقر منقولست که هر که این اسامی را در عرض یک
هفته بخواند جمیع مرادات مشروعه حاصل گردد و در هیچ
بلیه گرفتار نشود و از روز شنبه شروع کند همین نوع روز
شنبه هزار مرتبه بخواند یا رب العالمین روز یکشنبه
هزار مرتبه بخواند یا ذوالجلال والاکرام روز دوشنبه هزار
مرتبه بخواند یا قاضی الحاجات روز سه شنبه هزار مرتبه
بخواند یا ارحم الراحمین روز چهارشنبه هزار مرتبه بخواند
لا اله الا الله الملک الحق المبین روز پنجشنبه هزار مرتبه

بخواند یا حی یا قیوم روز جمعه هزار مرتبه بخواند اللهم صل

رسول الله	محمد	الا الله	لا اله
٣٢٢	٣١٢	٤٢	٩٢
٣١١٤	٣٢٣	٩و	ولالا
٣ح٣	لاالر	راالا	درسرا
١٤١	سرح ١	٣	٣ع٣

علی محمد و آل محمد

یا جبرئیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل یا جبرئیل این

اسمها را بر ناخنهای دست راست بنویسد و سوره والشمس

را در مشترکه رو بقبله بخواند بسم الله الرحمن الرحیم

وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا

وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَسُلَيْمٰنَ

وَاَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسٰى وَهَارُونَ

وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيٰى

وَعِيسٰى وَاِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصّٰلِحِينَ وَاِسْمٰعِيلَ

وَالْيَسَ

۳۲۸

وَالْیَسَعَ وَیُونُسَ وَلُوطًا وَکُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعٰلَمِیْنَ

وَمِنْ اٰبَائِهِمْ وَذُرِّیّٰتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَیْنَاهُمْ وَ

هَدَیْنَاهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ یَا قَوِیُّ یَا وَفِیُّ یَا مَلِیُّ یَا غَنِیُّ

این آیه کریمه را یک مجلس دوازده هزار مرتبه بخوانند

برای مطلب بسرعیه ان شاء الله تعالی مدعا حاصل شود

آیه اجابت اَمَّنْ یُجِیْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَیَکْشِفُ

السُّوْٓءَ بسند صحیح منقولست از برای مهمی یا کسی در قید

حاکم ظالم محبوس باشد و بهیچ نوع خلاصی نباشد باید که این

دعا را با وضو هزار بار بخواند و هر مرتبه که بخواند یک خط بدست

خود بر زمین بکشد تا که هزار مرتبه تمام شود بعد از آن دست

بر خطها کشیده کار بمدعا برسد دعای اغیث اول اللهم الله

بخوانند اللّهمّ سهّل بفضلك یا وهّاب از حضرت

ائمه علیهم السلام منقولست که هرکه این دعا را در سجده شکر

سه نوبت بخواند البته هرگز محتاج نشود اللّهمّ احفظ

لسانی من السّؤال عن غیرک کما حفظت وجهی

من السّجود لغیرک منقولست که هرگاه کسی

شب خواب ببیند خواه بد و خواه نیک صبح که بیدار شود قبل

از انکه آن خواب بکسی گوید این دعا بخوانند که اگر بد باشد

بخیر مبدل گردد و بعد از ان اگر بکسی گوید نقص

بسم الله الرّحمن الرّحیم اعوذ بر

وابراهیم الّذی وفّی و بمحمّد المص

من شرّ هذه الرّؤیا و شرّ ما فیه

من خیرها و خیر ما فیها برحمتك یا ارحم الراحمین

تسخیر اسم یا اله الالهه بدین طریق است که اسرافیل

بحق یا شمو طیتا یا اله الالهة الرفیع

جل له یا اله

در شب جمعه شروع کند یکهزار و یکصد و یازده بار بخواند و از

حیوانات پرهیز کند همچنین تا چهل شب و اگر تواند از حرام پرهیز

کند این قدر مال و دنیا بهم رساند که نهایت نداشته باشد

همه کس او را دوست دارند اگر کسی را سگ دیوانه گزیده

باشد سرگین موش بندد فی الحال زهر فرود آید کور موش

بسوزد و زخم مار گزیده مالد در زمان بهتر شود نوعدیگر پنج کندی

آتش کند با شیر گاو میش گزیده را بدهد بهتر شود چوب

بید انجیر را در وقت که سگ با سگ قفل بند شده باشد

بر بردو نمک بزند بعده سوزانده خاکستر وی را با بتاشس

خود خمیر کرده حب سازد و نگهدارد شسته بوقتی یکی را برتن مطلوب

زند محب کردد الحب مجرب و صحیح است باید که عدد

طالب بر مطلوب مع ها درین و عدد موکل حرف طالب

مطلوب و عدد برج ها و عدد موکل برج ها و عدد ستاره و عدد

موکل ستاره و عدد فراج و عدد موکل فراج و عدد طرف

بروج و عدد روز و عدد حرف ۳ کان که بهر برج مقرر

است همه را جمع کرده یکصد و بیست طرح بدهد باقی را چهار

حصه نماید در مربع برکشد از خانه محبت تعویذ در شیشه

نهد و لب به یکدانه مروارید ناسفته و بیست یکدانه برنج

سیاه و بست و یکدانه برگ زرد بر هر دانه ثبت و یکبار

320

بخواند یا مقلب القلوب والابصار اهیا شراهیا

در شیشه کرده بران شهد داخل نموده زیر آتش هیزم دفن

کند محبت پیدا شود لاکن دهن از گل سفید نموده و مهر طالب

کرده دفن کرده و چهار پنج انگشت گل بالا باشد که از آتش بگست

نشود و آتش محکم همه وقت سوزان باشد نقش اینست

٩	١٦	٢	٧
٦	٣	١٣	١٢
١٥	١٠	٨	١
٤	٥	١١	١٤

اسناد اداره کردن عدو و ادای قرض و شفای

بار وحصول حوایج کلی وطلب بزرگی وتوانگری ۳۳۳۲

بار بخواند اگر تواند بیک مجلس خواند والا بانچه تواند

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ⊕ تعویذ امساک

باید که در وقت برج کهن که تمام شود در میان اب روان که از

ناف بالا باشد استاده شده رخ خود طرف آفتاب کرده از مشک

وزعفران وگلاب وسیاهی در یک نفس بر جلد آهو که از ناف باشد

ذهولته کرده موم جامه نموده در چرم زری دوخته در ریسمان موی

از دم شتر بچه که کاهی بتر اشنیده نشده باشد دوخته بر کمر در میان

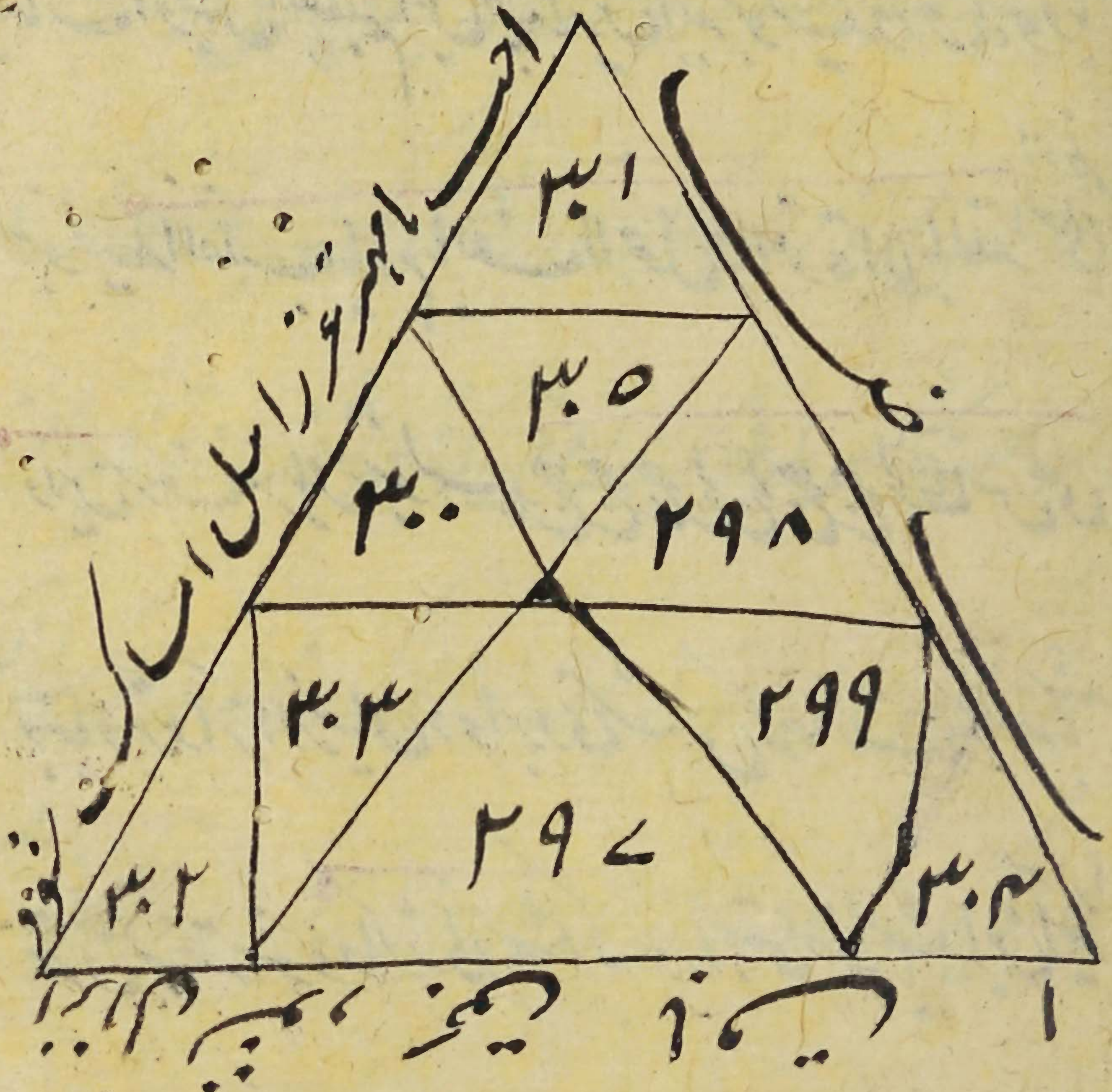
هر دو جانب بندد تا که جدا نکند انزال نشود اما جنب نشت بلکه بانزده

هزار چهار صد نه مرتبه احب یا مهر عزرائیل بحق یا قابض الروح پرهیز

حیوانی ترک کرده هر روز میخوانده باشد تا آفتاب تمام شود

بعده

٣٢٤ بعده وظیفه نهصد و سه بار تعویذ این است



٢٢٥	٦٠٣	٧٥
١٥٠	٣٠٠	٤٥٣
٥٢٨	احب یا مهیمن عزرائیل ای اک شود	٣٧٥

انترال لشود لجی باق اب ص

قوله تعالی وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ اَفَاِنْ

مَاتَ اَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ این چند از این آیه بنویسد ورق آهو و بان

بنویسد انقلب بادم بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

و این حرف نیز بان بنویسد هج هج لح لح هج هج لحطاس هی

و بیاویزد آنرا از میان دو ابروی کسی که عارف داشته باشد

خون بسته شود و اگر زنی باشد که او را استحاضه باشد این آیه را

در رقعه نویسد یکی بر دامن او بیاویزد از جانب پس و دیگری بر

جامه او از جانب پس و دیگر چنان شود که زیر ناف آن باشد

آن خون باز ایستد باذن الله تعالی و اگر آیه را تمام بنویسد

و تمام او اینست کلمة انقلبتم علی اعقابکم و من

ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین و اسما چهار فرشته

نور

322 مقرب یعنی اسرافیل و جبرئیل و میکائیل و عزرائیل بر اطراف
آن بنویسید هر کس آنرا با خود دارد مقبول القول گردد از شر جن
و انس محفوظ باشد اگر این آیه را نقش کنند بر خاتمی از آهن در
ساعت شمس از دوشنبه بوقتی که قمر در شرف و قمر زاید النور
بود هر کس این خاتم را در انگشت مصروعی که در او مغلته دفینه طلسم باشد و آن
طلسم باطل گردد و تاثیر نکند و اگر بآن اشارت بمصروعی کنند بهوش باز آید و اگر آن خاتم را بر موم
زنند آن موم را بخور کنند در زیر دامن مستحاضه آن مرض زایل شود و اگر این آیه را بر جماعتی بنویسید
که مشغول اند بسحر ایشان کار نکند اگر این آیه را بر دیوار خانه بنویسند مار و کژدم در آن خانه نیاید
قوله تعالی ثم انزل علیکم من بعد الغم امنة نعاسا یغشی طائفة منکم و طائفة قد اهمتهم تا الخاتمه
علیم بذات الصدور اگر کسی را مهمی صعب پیش آید چهل روز هر روز چهل نوبت این آیه را
بخواند آن مهم کفایت شود و اگر بسته به روز هر روز نوزده بار بخواند از همه علتها خلاص شود و اگر به

نیت توانگری هر روز ده بار بخواند توانگر گردد و اگر بجهت نفس اهل و عیال هر روز پنج بار بخواند مطلوب حاصل

شود و اگر در مقابل دشمن بخواند مقهور گردد هر چند دشمن قوی بود و اگر بجهت دفع دزد هفت بار بخواند نباشد

و اگر بشوید و بر گرد این آب بندد که او را احتلام باشد زایل گردد و قضای حوائج طریق خواندن

سوره الحمد دستوری که مذکور می‌شود برای هر مطلبی که بخواند بفضل الهی مطلب حاصل

می‌شود روز یکشنبه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین پانصد و هشت مرتبه

روز دوشنبه الرحمن الرحیم پانصد و پنجاه و شش مرتبه روز سه‌شنبه مالک یوم الدین دو صد و یازده

مرتبه روز چهارشنبه ایاک نعبد و ایاک نستعین هشتصد و سی و شش مرتبه روز پنجشنبه اهدنا الصراط المستقیم

یکهزار و چهل مرتبه روز جمعه صراط الذین انعمت علیهم یکهزار و هشتصد و سی و شش مرتبه روز شنبه غیر المغضوب علیهم و لا الضالین ... مرتبه

طریق ختم سوره فاتحة الکتاب لحصول المطالب و هو من المجربات فالک یوم صبح ثم یکی تلا طاهر و جلد ... عصری
۲۳ ۲۲ ۲۱

و دوک ... هزار و عشر عقبت عشا ... پنجم و دادی برای دفع ... از مجربات ... نوشته پارچه کاغذ را

در موم کافوری ... هر روز ... تا ... روز بخورد شفا یابد لک بر الله تعالی ... آیه

۱۱۵۰۵ ط ع ۱۱ ا ط ۱۱ در کسی که ... نشسته باشد و باد نباشد نوشته

... ادول

بر دو دل جهان بیاویزد و باد مراد بوزد **ابیت** بوی بن سستض

مرویست از امام محق ناطق حضرت امام جعفر صادق ع

جهت طول عمر در عقب هر نماز باید خواند و اول صلوات

بر محمد و آل محمد باید فرستاد و بعد از آن اینه دعا را باید خواند دعا

اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ

الْاَمِینَ الْمُتَصَدِّقَ وَصَلَوَاتُكَ

عَلَیْهِ وَعَلیٰ آلِهِ قَالَ اِنَّكَ قُلْتَ

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَیْتَ مَا تَرَدَّدْتُ

فِی شَیْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِی فِی قَبْضِ

رُوحِ عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ یَكْرَهُ الْمَوْتَ

وَاَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِوَلِیِّكَ

الفرج والنصر والعافية والمعافا

فی الدين والدنيا والاخرة ولا

تسوئنی فی نفسی واهلی وولدی

ولا فی احد من احبتی وصلی الله

علی محمد واله الطاهرين

دعای عدیله بسم الله الرحمن الرحيم

شهد الله انه لا اله الا هو و

الملئكة واولوا العلم قائما

بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

ان الدين عند الله الاسلام

وانا العبد الضعيف المذنب

العاصی

العاصي الفقير الحقير المحتاج
اشهد وانا على ذلك من الشاهدين
لمنعمي ورازقي وخالقي ومكرمي
كما شهد لذاته وشهدت له
الملئكة واولوا العلم من عباده
بانه لا اله الا هو ذو النعم
والاحسان والكرم والامتنان
قادر ازلي عالم ابدي حي احد
موجود سرمدي سميع بصير مريد
كاره مدرك صمدي يستحق
هذه الصفات وهو على

ما هو عليه في عز صفاته كان
قويا قبل وجود القوة والقدرة
وكان عليما قبل ايجاد العلم والعلة
لم يزل سلطانا اذ لا مملكة
ولا مال ولم يزل سبحانا على جميع
الاحوال وجوده قبل القبل في ازل
الازال وبقاؤه بعد البعد من غير
انتقال ولا زوال غني في الاول والاخر
مستغن في الظاهر والباطن لا جور
في قضيته ولا ميل في مشيته ولا
ظلم في تقديره ولا مهرب من حكومته

وله

وَلَا مَلجَأَ مِن سَطوَتِهِ وَلَا مَنجىً
مِن نِقمَتِهِ سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ
وَلَا يَفُوتُهُ اَحَدٌ اِذَا طَلَبَهُ اَزَاحَ
العِلَلَ فِي التَّكلِيفِ وَسَوَّى
التَّوفِيقَ بَينَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ
مَكَّنَ اَدَاءَ المَامُورِ وَسَهَّلَ سَبِيلَ
اِجتِنَابِ المَحظُورِ لَم يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ
اِلَّا دُونَ الوُسعِ وَالطَّاقَةِ سُبحَانَ
مَا اَبيَنَ كَرَمَهُ وَاَعلَى شَانَهُ
سُبحَانَ مَا اَجَلَّ نَيلَهُ وَاَعظَمَ
اِحسَانَهُ بَعَثَ الاَنبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدلَهُ

وَنَصَبَ الأوصياءَ ليظهر طوله
وفضله وجعلنا من أمّة سيّد
الانبياء وخير الأولياء وأفضل
الأصفياء وأعلى الأزكياء
محمّدٍ صلّى الله عليه وآله أمنا به
وبما دعانا إليه وبالقرآن الذي
أنزله عليه وبوصيّه الذي
نصبه يوم الغدير وأشار إليه
بقوله هذا عليّ أليه وأشهد أنّ
الائمة الأبرار والخلفاء الأخيار
بعد الرسول المختار عليّ قامع

الكُفّارِ وَمِن بَعدِهِ سَبِّيدُ اَوْلادِهِ 326

الحَسَنُ ابنُ عَلّی ثُمَّ اَخُوهُ السِّبطُ

التّابِعُ لِمَرضاتِ اللهِ الحُسَینِ

ثُمَّ العابِدُ عَلّیٌ ثُمَّ الباقِرُ مُحَمَّدٌ

ثُمَّ الصّادِقُ جَعفَرٌ ثُمَّ الکاظِمُ

مُوسیٰ ثُمَّ الرِّضا عَلّیٌ ثُمَّ التَّقی

مُحَمَّدٌ ثُمَّ النَّقی عَلّیٌ ثُمَّ الزَّکِیُّ

العَسکَرِیُّ الحَسَنُ ثُمَّ الخَلَفُ

الحُجَّةُ القائِمُ المُنتَظَرُ المَهدِیُّ المُرجیٰ

الَّذی بِبَقائِهِ بَقِیَتِ الدُّنیا وَ

بِیُمنِهِ رُزِقَ الوَریٰ وَبِوُجُودِهِ

ثبتت الارض والسماء به يملأ الله
الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت
ظلما وجورا واشهد ان اقوالهم
حجة وامتثالهم فريضة وطاعتهم
مفروضة ومودتهم لازمة
مقضية والاقتداء بهم منجية
ومخالفتهم مردية وهم سادة
اهل الجنة اجمعين وشفعاء
يوم الدين وائمة اهل الارض
على اليقين وافضل الاوصياء
المرضيين واشهد ان الموت

حق

327

حقٌّ والقبرحقٌّ ومسائلة منكرٍ
ونكيرٍ فی القبرحقٌّ والبعث حقٌّ
والنشور حقٌّ والصراط حقٌّ و
المیزان حقٌّ والحساب حقٌّ
والكتاب حقٌّ والجنة حقٌّ
والنار حقٌّ وانّ الساعة اٰتیة
لاریب فیها وانّ الله یبعث من فی
القبور علی ذلك احیٰ وعلیه
اموت وعلیه ابعث انشاء الله
اللهم فضلك رجائی وكرمك
ورحمتك وعفوك املی

لا عَمَلَ لي اَستحِقُّ بِهِ الجَنَّةَ وَلاطاعة
لي استوجِبُ بِها الرِّضوانَ الّا انّي
اعتقَدْتُ تَوحيدَكَ وعدلك
وارتجيتُ احسانَكَ وفضلك
وَتشفعتُ اليكَ بالنَّبيّ وَالِهِ مَن
اَحببتَ وانتَ اكرمُ الاكرمينَ ✱
وارحمُ الرّاحمينَ ✱ اللّهمّ انّي اُودعك
يقيني هذا وثباتَ ديني وانت
خيرُ مستودَعٍ وقد امرتنا بِحفظ
الوَدائع وَرَدِّها الى صاحبها
فَرُدَّها علىّ وقت حضورِ موتي

328

برحمتك يا ارحم الراحمين ويكون
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان
محمدا رسول الله واشهد ان عليا
ولي الله رضيت بالله ربا وبمحمد
صلى الله عليه واله نبيا وبالاسلام
دينا وبالقران كتابا * وبالكعبة
قبلة وبعلي اماما * وبالحسن *
والحسين * وعلي بن الحسين *
ومحمد الباقر * وجعفر الصادق *
وموسى الكاظم * وعلي بن
موسى الرضا * محمد الجواد *

وعلى الهادي والحسن العسكري
والحجة القائم المنتظر بن الحسن
صاحب الزمان صلوات الله
عليه وعليهم اجمعين هم
هذا يقين صادق وصفاء
خاطر بالله يا ارحم الراحمين
اللهم اني اودعتك هذا الاقرار
بك وبالنبي وبالائمة عليهم
السلام وانت خير مستودع
وقد امرتنا بحفظ الودائع فرده
علي في القبر مسائلة منكر ونكير

اعني بهم الولي ومن اعدائهم اجمعين بالله يا ارحم الراحمين

برحمتك

329

برحمتك يا ارحم الراحمين و

صلى الله على محمد واله اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

رب الحق احمد سيدنا المقدم

مقترب مقرب منتجب وخاتم

ذي شرف مشرف ذي خطر

مخطر ذي ظفر مظفر ذي

كرم مكرم ثم بشحنة النجف عارف

سر من عرف قايل قول لو كشف

قاتل كل ظالم حيدر لغضنفر

صاحب حوض كوثر شافع

يوم محشر ثم بمظهر فاطمه

الحسنين اولا ثم علی ثانيا ثم

بباقر كذا صادقهم وكاظم

ثم علی الرضا ثم بمعدن التقی

ثم نقاوة النقی بالحسن المراسـ

قدوة عسكر الشرف بخل مظهر

السلف ثم بحجة الخلف وارثهم

وقائم انت تحمل البلاء انت تقبل

الدعا انت ترحم الخطايا الكرم

المكارم انت محسن النعم انك

واجب الكرم فاعف لنا الاثم

یا صمدی و راحمی از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که هر که از ماه هر روز این چهار حمد را بخواند
خدا تعالی او را سه چیز کرامت فرماید اول عمر طبیعی دویم مال و جمعیت بسیار
سیوم با ایمان از دنیا رفته بی حساب
به بهشت رود و حمد این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی نَفْسَهُ
وَلَمْ يَتْرُكْنِی عُمْيَانَ الْقَلْبِ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنِی مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
اَلَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدِهِ وَلَمْ

يجعله رزقي في ايدي الناس

الحمد لله الذي جعل ستر عوراتي

ولم يفضحني بين الناس

بسم الله الرحمن الرحيم

روى عن امير المؤمنين علي عليه السلام انه من قرا
هذا الدعاء في كل صباح بعد اداء الفريضه لكل حاجة يصير
مقرونا بالاجابه ولو كان العالم مملوا من البلاء لا يصل
اليه وكان قاريه في نظر الخلائق مكرما معظما والعدو لا
يغلب عليه ولو وجد شخص ان يفعل به السيئه
لعوذ اليه يقبل الله تعالى من قاريه الف الف حسنة ويمحو
عنه الف الف سيئه ويسلم من الوباء والطاعون وموت

الفجاه

الفجاة ويصل اليه رزق من حيث لا يحتسب ويخرج من
الدنيا بالايمان واذا خرج عن القبر يوم القيمة جاء ملك
فوق راسه قايما مع البراق ويقعده عليه ويوصله الى الجنة وهذا
دعاء علي رسول الله صلى الله عليه وآله وكان يدعو به كل صباح

بسم الله الرحمن الرحيم

يا من دلع لسان الصباح بنطق
تبلجه وسرح قطع الليل المظلم
بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك
الدوار في مقادير تبرجه وشعشع
ضياء الشمس بنور تاججه يا من
دل على ذاته بذاته وتنزه عن

مجانسة مخلوقاته وجل عن ملا
مة كيفياته يا من قرب من
خواطر الظنون وبعد عن
ملاحظة العيون وعلم بما كان
قبل ان يكون يا من ارقد
في مهاد امنه وامانه وايقظني
الى ما منحني به من مننه واحس
وكف السوء عني بيد
وسلطانه صل اللهم على الدليل
اليك في الليل الاليل والماسك
من اسبابك بحبل الشرف الاطول

332

وَالنَّاصِعِ الحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ الكَاهِلِ
الأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ القَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا
فِي الزَّمَنِ الأَوَّلِ وَعَلَى آلِهِ الأَخْيَارِ المُصْطَفَيْنَ
الأَبْرَارِ وَافْتَحِ اللّٰهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ
بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالفَلَاحِ وَالْبِسْنِي اللّٰهُمَّ
مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَاغْرِسِ
اللّٰهُمَّ لِعَظَمَتِكَ فِي شِرْبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ
الخُشُوعِ وَأَجْرِ اللّٰهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ آمَاقِي
زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ وَأَدِّبِ اللّٰهُمَّ نَزَقَ الخُرْقِ
مِنِّي بِأَزِمَّةِ القُنُوعِ إِلٰهِي لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ
مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنِ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ

فی واضح الطریق وان اسلمتنی اناتك
لقائد الامل والمنی فمن المقیل عثراتی
من کبوات الهوی وان خذلنی نصرك
عند محاربة النفس والشیطان فقد
وکلنی خذلانك الی حیث النصب
والحرمان الهی اترانی اتیتك الا من حیث
الامال ام علقت باطراف حبالك الا حین
باعدتنی ذنوبی عن دار الوصال فبئس
المطیة التی امتطات نفسی من هواها
فواها لما سولت لها ظنونها ومنیها وتبا
لجرأتها علی سیدها ومولاها الهی قرعت

بابَ رحمتِكَ بيدِ رجائي وهربتُ اليكَ
لاجئاً من فرطِ اهوائي وعلقتُ باطرافِ
حبالِكَ انامِلَ ولائي فاصفحِ اللّهمّ عمّا
اجرمتُهُ من زللي وخطائي واقِلني
اللّهُمّ من صرعةِ ردائي فانّكَ سيّدي
ومولاي ومعتمدي ورجائي وانتَ
غايةُ مطلوبي ومنائي في منقلبي
ومثواي الهي كيفَ تطردُ مسكيناً
التجأ اليكَ من الذّنوبِ هارباً ام كيفَ
تخيّبُ مسترشداً قصدَ الى جنابكَ
ساعياً ام كيفَ تطردُ ظمآناً وردَ الى

جناضك شاربا كلا وحياضك مترعة
في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب
والوغول وانت غاية السؤل ونهاية
المامول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي
درأتها برحمتك وهذه اهوائي المضلة
وكلتها الى جناب لطفك فاجعل اللهم
صباحي هذا نازلا على بضياء الهدى و
والسلامة في الدنيا ومسائي جنة
من كيد العدى ووقاية من مرديات
الهوى انك قادر على ما تشاء تؤتي

الملك

الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شئ قدير تولج الليل
فى النهار وتولج النهار فى الليل
وتخرج الحى من الميت وتخرج الميت من الحى
وترزق من تشا بغير حساب لا اله الا انت
سبحانك اللهم وبحمدك من ذا يعلم
قدرتك فلا يخافك ومن ذا يعلم
ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك
الفرق وفلقت برحمتك الفلق وانرت
بكرمك دياجى الغسق وانهرت

الْمِيَاهِ مِنَ الصُّمِّ الصِّبَاحِيدِ غَدَاناً وَاجَاجاً

وَاَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجاً وَجَعَلْتَ

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجاً مِنْ غَيْرِ اَنْ

تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَاْتَ بِهِ لُغُوباً وَلَا عِلَاجاً

فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهَرَ

عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ وَاسْتَمِعْ بِدَائِى

وَاسْتَجِبْ دُعَائِى وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ اَمَلِى

وَرَجَائِى يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَ

الْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ اَنْزَلْتُ حَاجَتِى

فَلَا تَرُدُّنِى مِنْ سَنِىِّ مَوَاهِبِكَ خَائِباً يَا كَرِيمُ

يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَاِذَا

وصلّی الله علی سیّدنا محمّدٍ وآله الطّاهرین

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که بقصد سفر
از منزل خود اراده بیرون آمدن کند این دعا بخواند بسلامت باز آید
و در راه از جمیع بلیات محفوظ باشد و دعاء معظّم اینست

اللّهمّ اسعدنا بهذه الحرکة وامددنا
بالیمن والبرکة وقنا سوء القدر واکفنا
مهمّات السّفر وقرّب لنا البعد والنّائی
وسهّل علینا السّیر والسّری ووفّقنا
لطیّ المراحل وانزلنا خیر المنازل واحفظ
مخلّفنا واجمع بیننا وبینهم باحسن
آمالنا وامانینا سالمین غانمین تائبین.

آمین آمین برحمتك یا ارحم الراحمین

شیخ طوسی و دیگران از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

روایت کرده اند که هرگاه من این دعا را بخوانم پروا ندارم اگر

جمیع جنیان و آدمیان برای ضرر من جمع شوند و علما این دعا را از دعای حاج و سا... شمرده اند

بسم الله و بالله و من الله و الی الله

و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت

نفسی و الیک وجهت وجهی و الیک

فوضت امری و الیک الجأت ظهری

فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی

و من خلفی و عن یمینی و عن

و من فوقی و من تحتی و ما

وَادْفَعْ عَنِّی بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَاِنَّهُ

لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ

حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هرکه در صبح این دعا بخواند در آن روز بدی و آفتی

نرسد و هر کس این دعا را خواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ

مَاشَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ یَشَاْ لَمْ یَكُنْ اَعْلَمُ

اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَاَنَّ اللّٰهَ

قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ

مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی

صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ

پیش از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بخوا اند

سبحان الله کلما سبح الله شیء وکما یحب الله

ان یسبح وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم

وجهه وعز جلاله والحمد لله کلما حمد

الله شیء وکما یحب الله ان یحمد وکما هو اهله

وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله ولا

اله الا الله کلما هلل الله شیء وکما یحب الله

ان یهلل وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم

وجهه وعز جلاله والله اکبر کلما کبر الله

شیء وکما یحب الله ان یکبر وکما هو

اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز

جلاله

جَلَالِهٖ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا

339

اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ عَلٰى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِهَا عَلَىَّ

وَعَلٰى كُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهٖ مِمَّنْ كَانَ اَوْ يَكُوْنُ

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّٖىٓ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا اَرْجُوْ

وَخَيْرَ مَا لَا اَرْجُوْ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا

اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا اَحْذَرُ بسند صحیح در

قرب الاسناد وغیر آن از کتب معتبره روایت کرده اند

که بزنطی بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که با دراستیم صلوات

بر حضرت رسالت صلی الله علیه واله را بعد از هر نماز پس

نفر باشد که سلام بر آن حضرت چگونه باید کرد حضرت

نرمود که حنین بکو السلام علیک یا رسول
الله و رحمة الله و برکاته السلام علیک
یا محمد بن عبد الله السلام علیک یا خیرة
الله السلام علیک یا حبیب الله
السلام علیک یا صفوة الله السلام
علیک یا امین الله اشهد انک رسول
الله و اشهد انک محمد بن عبد الله و
اشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت
فی سبیل ربک و عبدته حتی اتاک
الیقین فجزاک الله یا رسول الله
افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل

338

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ افضَلَ مَا صَلَّيتَ
عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ
مَجِيدٌ ابن بابویه و شیخ طوسی و غیره بسندهای معتبر روایت
کرده اند از حضرت امیر المؤمنین که فرمود که مرا تعلیم کرد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و امر کرد که تعلیم نمایم بحسن و حسین صلوات الله علیهما دعا
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ
الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَاهِبَ
الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْاُسَارَى يَا فَكَّاكَ
الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

وَاَن تُخرِجنی مِنَ الدُّنیا سالِماً وَ تُدخِلَنی

الجَنَّةَ اٰمِناً وَاَن تَجعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ صَلاحاً

وَاَوسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ فَلاحاً اِنَّکَ اَنتَ

عَلّامُ الغُیُوبِ سید ابن طاوس و دیگران از سلمان

فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت حضرت فاطمه

علیها السلام رطبی بمن داد که دانه نداشت و فرمود که این از درختی

است که حق تعالی برای من در بهشت غرس کرده بسبب کلماتی

چند که پدرم مرا تعلیم کرده است و هر بامداد و پسین آنها را

می خوانم سلمان گفت و تعلیم نما آن کلمات را ای سیده

من فرمود اگر خواهی که هرگز به تب مبتلا نشوی تا زنده باشی

بدین دعا مداومت نما سلمان رضی الله عنه گفت

339

که حضرت آن دعا را این تعلیم فرموده من تعلیم کردم زیاده
از هزار نفس از اهل مدینه و مکه که به تب
مبتلا شده بودند دادم وهمه بتوفیق
خدا تعالی شفا یافتند به برکت این دعا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ
النُّوْرِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ بِسْمِ اللّٰهِ
الَّذِیْ هُوَ مُدَبِّرُ الْاُمُوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ
خَلَقَ النُّوْرَ مِنَ النُّوْرِ وَاَنْزَلَ النُّوْرَ
عَلَی الطُّوْرِ فِیْ کِتَابٍ مَسْطُوْرٍ فِیْ
رَقٍّ مَنْشُوْرٍ بِقَدَرٍ مَقْدُوْرٍ عَلَی النَّبِیِّ
مَحْبُوْرٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هُوَ بِالْعِزِّ

مَذکُورٌ وَبِالْفَجْرِ مشهودٌ وَعَلَی السَّرّاءِ

وَالضَّرّاءِ مَشکُورٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی سَیِّدِنا

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ از حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که روزی جنازه مردی را

نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله آوردند حضرت بمجرد اینک

نظر کیمیا اثرش بران جنازه افتاد بجلدی تمام از جای برجسته پا

برهنه روان شدند و تا قبر همراه رفته بدست مبارک میت را

دفن فرموده برگشتند اصحاب التماس نمودند که یا حضرت

این مردی بود فاسق که مدت العمر ارتکاب فسق و فجور کرد

و هرگز عمل صالحی نکرده بود این مرتبه از کجا یافت حضرت

فرمود که چون دیدم اینهمه فرشته با جنازه بودند که جای پا گ

نبود لهذا پای برهنه رفتیم که مبادا پایم بر فرشته آید بیا گفتند تا
بخانه این شخص برویم و حقیقت عملش را از اهلش بپرسیم
چون بخانه اش رفتند و از زنش سوال کردند گفت شوهر من
هرگز عمل صالحی در مدت العمر نکرده و در بجا آوردن فسق و فجور از صغیره و
کبیره تهاون ننموده بود لیکن هرگاه بر تخت خواب در می آمد
بهر صورت که بود خواه مست و خواه مخمور وضوی ساخت
و دعای خوانده بخواب میرفت و این هرگز از و ترک نشد
حضرت فرمودند که این دعا را یاد گرفته گفت بلی و خواند و اصحاب
نقل نموده حضرت نوشتند چون حضرت مراجعت فرمودند جبرئیل ع
نازل شد و گفت حضرت علی اعلی سلام میرسانند و میفرمایند که هر که این
دعا را در مدت العمر خود یکبار بخواند جمله گناهانش محو گردد و هر که هر شب بخواند چنین باشد

که گویا از مادر متولد شده یعنی گناهی بر او نمانده باشد حضرت نبی صلی الله علیه واله

بحضرت ولی صلوات الله وسلامه علیه فرمودند که یا علی هر شب این دعا را بخوان

تا بی‌حساب به بهشت روی هر کس از امتان من بخواند هرگز محتاج نشود و هیچ گناه بروی نرسد اگر

جمیع دریاها مداد و اوراق اشجار کاغذ و ملایکه کتابت کنند از عهده نوشتن ثواب این دعا نتوانند برآمد دعای معظم

اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ جَمِیعِ مَا کَرِهَ اللّٰهُ اَللّٰهُمَّ

اِنِّی اَسْتَغْفِرُكَ عَلٰی مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ

وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ مِنْ مَعْصِیَتِكَ

وَاَسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِی لَا یَغْفِرُهَا

غیر

غَيْرُكَ وَمَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ وَلَا
يَسَعُهَا اِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنَجِّي مِنْهَا اِلَّا عَفْوُكَ
وَاسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ يَمِينٍ سَلَفَتْ مِنِّي
فَحَنِثْتُ فِيهَا عِنْدَكَ وَاَنَا مُؤَاخَذٌ
وَاسْتَغْفِرُكَ بِلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَاسْتَغْفِرُكَ
يَا عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ مِنْ كُلِّ
سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا مِنْ بَيَاضِ النَّهَارِ وَ
سَوَادِ اللَّيْلِ وَمَلَأٍ وَخَلَاءٍ وَسِرٍّ
وَعَلَانِيَةٍ وَاَنْتَ نَاظِرٌ اِلَيَّ اِذِ ارْتَكَبْتُهَا
وَاَتَيْتُ بِهَا مِنَ الْعِصْيَانِ يَا حَلِيمُ

يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ وَاسْتَغْفِرُكَ
يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ
سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ
النَّبِيِّينَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَالِهِ تَرَكْتُهَا عَمْدًا اَوْ سَهْوًا وَجَهْلًا
اَوْ تَهَاوُنًا اَوْ قِلَّةَ مُبَالَاةٍ بِهَا وَاَنَا
مُعَاقَبٌ بِهَا وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ
فَرِيضَةٍ وَجَبَتْ عَلَيَّ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ
وَاَطْرَافِ النَّهَارِ فَتَرَكْتُهَا عَمْدًا وَخَطَ
اَوْ سَهْوًا اَوْ تَهَاوُنًا اَوْ قِلَّةَ مُبَالَاةٍ
مُعَا

مُعَاقِبٌ بِهَا وَاسْتَغْفِرُكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ سُبْحَانَكَ رَبِّ
الْعٰلَمِيْنَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمُلْكُ اَنْتَ حَسْبُنَا
وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ غُفْرَانَكَ
رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ بِعَدَدِ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ
وَبِعَدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ
وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى
اَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي
الصَّلٰوةُ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا اَمَرْتَنَا
بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ

خلقه محمد و آله اجمعین وسلم
تسلیماً کثیراً کثیراً مرویست که چون کسی را حاجت
بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه باشد پناه برده این عریضه
را نوشته بر قبر یکی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
اندازد یا بحیده گرش مختوم ساخته در گلی پاک گرفته
در چاه یا نهر یا آب بسیاری اندازد که البته به
عرض حضرت صاحب الزمان صلواة الله
علیه میرسد و آن حضرت خود متوجه
قضای حاجت او میشود
بسم الله الرحمن الرحیم
کتبت یا مولای صلوات الله علیک
مس

مُسْتَغِيثًا وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا

بِاللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ اَمْرٍ قَدْ

هَمَّنِي وَاَشْغَلَ قَلْبِي وَاَطَالَ فِكْرِي

وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ

اللّٰهِ عِنْدِ وَاسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ وُ

رُودِهِ الْخَايِلَ وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي

اِقْبَالِهِ اِلَي الْحَمِيمِ وَعَجَزَتْ عَنْ دِفَاعِهِ حِيلَتِي

وَخَانَنِي فِي تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَجَأْتُ فِيهِ

اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلّٰهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ

عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا

بِمَكَانِكَ مِنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِيِّ

التدبير ومالك الامور واثقابك في
المسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه
في امري متقينا لاجابته تبارك وتعالى
اياك يا عطائي سؤلي وانت يا مولاي
جدير بتحقيق ظني وتصديق املي فيك
في امري كذا وكذا يعني حاجت خود را بنويسد
وبعد ازان بنويسد فيما لا طاقة لي بحمله ولا
صبري عليه وان كنت مستحقا ولا
ضعافه بقبيح افعالي وتفريطي في
الواجبات التي على الله تعالى فاغثني
يا مولائي صلوات الله عليك عند
اللهم

اللهف وقدم المسئلة لله عز وجل 3442

فی امری قبل حلول التلف وشماتة

الاعداء فبك بسطت النعمة علی

واسال الله جل جلاله لی نصیرا

عزیزا وفتحا قریبا فیه ببلوغ الامال

وخیر المبادی وخواتم الاعمال والامن

من المخاوف کلها فی کل حال انه

جل ثناؤه لما یشاء فعال وهو حسبی

ونعم الوکیل فی المبداء والمال

دو روقت اند احتی عریضه بیکی از بابیان آن حضرت

صلواة الله علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند

که عثمان بن سعید عمری یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح

یا علی بن محمد باشند متوسل شده بگوید یا فلان بن فلان

سَلاَمٌ عَلَیکَ اَشهد اَنَّ وَفاتَکَ

فی سَبیلِ اللهِ وَاَنَّکَ حَیٌّ عِندَ اللهِ

مَرزُوقٌ وَقَدْ خاطَبتُکَ فی حَیاتِکَ

عِندَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهٰذِهِ رُقعَتی

وَحاجَتی اِلی مَولانا عَلَیهِ السَّلاَمُ

فَسَلِّمها اِلَیهِ فَاَنتَ الثِّقَةُ الاَمینُ

بعد از آن عریضه را در آب افکند که ان شاء الله تعالی مطل

برآورده می شود و آن حضرت خود متوجه

حوایج ادمی شود بعون الله تعالی و از حضرت صاد

علیه

علیه السلام مرویست که چون خواهی برای مطلبی و

حاجتی یک رقعه یا نامه نویسی اول با قلم بی مداد بر رقعه و یا نامه بنویسد

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله وعد الصابرین المخرج مما

یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون

جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف

علیهم ولا هم یحزنون راوی گوید

بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز از برای مطلب نامه

و رقعه ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون گشت

فال نامه حضرت امیر المومنین صلوات الله و سلامه علیه

اول باید که ده مرتبه درود فرستد بعد از آن نیت کرده

انگشت براین حروفها گذارد بر حرفی که انگشت بیاید آن حرف

گذاشته و حرف پیش آنرا شمار کند تا ده عدد حرف هم

را بر کاغذ بنویسید و هم چنین تا آخر و حرفی که از آخر بماند از

بالای آن حروفها که نوشته بنویسید تا حرفی که انگشت گذاشته

بعد از آن بخواند هر چه مراد باشد در نظم خواهد بر آن عمل نماید حروفها بیت

ب ب اا ی ت ت ث ب ب س س

خ خ ا ر و د م م ی ی ر ر ك ع ع

ف ف ط ق اا ش ال ك ی ی ل

ص ز ز خ ی ی ن ق ق ب و خ ب

ن م ث ی ان م د د ب ب د ب ا ی

ت ب اا د د ف ا ر س س س لب

س

س ت ب س س ت ت ت ن ت ی ی ی

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین

والصلوات والسلام علی خیر خلقه محمد واله اجمعین این نسخه ایست

که هر کس که خواهد حال خیر و شر خود را بداند سوره فاتحه و ایة الکرسی

یکبار بخواند و بعد ازین این ایه وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الغَیبِ لَا یَعلَمُهَا

اِلّا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة

فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

و نیت بدل کند و اعتقاد درست و یک انگشت برین نقش نهد

که نام پیغمبران علیهم السلام و بر نام هر پیغمبری که انگشت نهاده باشد ورقها

بگشاید که این نام دران اوراق ثبت است و انچه بر امده باشد بران

عمل کند و دیگر نیارد که ازموده است و شرط این است که صاحب

فال اگر خواننده باشد چشم برهم کند و انگشت خود را برین نقشها

نهد و احوال تا بر دانند و نام پیغمبران بدین طریق است که طهارت

داشته باشد و یقین درست و اعتقاد تمام بدان نیت کرد

است نگاه دارد و بدین عنوان است

فعل آدم	فعل شیث	فعل صالح	فعل نوح	فعل هود	فعل داود
فعل سلیمان	فعل زکریا	فعل یحیی	فعل هارون	فعل موسی	فعل شعیب
فعل ادریس	فعل عیسی	فعل محمد	فعل ابراهیم	فعل اسمعیل	فعل خضر
فعل الیاس	فعل هابیل	فعل ایوب	فعل یونس	فعل یعقوب	فعل یوسف

آدم علیه السلام قال الله تعالی و علم آدم الاسماء کلها ای خداو

فال این نیت که کرده بغایت مبارک آمده بدانکه همه کس

دوست دارند و تو مهربان و مشفق و خوش خو گردی ولیکن در
غایت اندیشه و فکر بودی و بسیار غم و اندوه کشیدی نزدیک است
که شادمان شوی و روشنائی در کارت پیدا شود و بعد ازین
دولت خواهی یافت پیش ازین غم و اندوه از قبل دشمنان
بتو رسیده بود و متفکر بودی و مدتی ازین جهت تدبیر می‌نمودی
راست نیامد اما بتوفیق حق سبحانه تعالی همه کارها راست شود
و مادر و پدر ترا خدا تعالی نگاه دارد و قومی که بر تو غمازی و
تهمت بسته بودند آنها مقهور شوند و خدا تعالی ترا بصحت و سلامت
نگاه داشت و از غم فرح داد و از مردم اکابر بسیار بتو جمعیت
و راحت خواهد رسید و از غایب خبر خوش بشنوی و غایب
خود را نیز بسلامت یابی و مرادی که در دل داری حاصل شود اما

ترا از همه سال بهتر خواهد بود در روز شنبه و پنجشنبه بر تو مبارک

باشد و هر مرادی که داری بزودی بر آید بمراد رسی بکوان ان

فصل شیث وقال الله تعالی وهو القاهر فوق عباده

ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه ای خداوند فال بدان

که شخصی ترا بدگرفته بود در روز و شب بدگوئی میکند اما از روی

ظفر یابی و قوی دست شود و کار ترا بالا گیرد و از گناهان

و از گناهان گذشته توبه کن و دل بخدا تعالی قوی دار که

ستاره راست تو از برج نحس بیرون آید و کار تو بمراد دل

گردد و چند کس با تو دوستی میکنند و بزبان دوست

و در دل دشمنی می باید که راز خود با کسی نگوئی و در

چند روز با کسی جنگ و خصومت نکنی و ترا فرزندی

دول

دولت خواهد شد که قدم او مبارک باشد و سخن مرد
بزرگ را رد مکن که طالع از ایشان بسیار خوبست و
جمعیت و راحت خواهی یافت خاطر خود را جمعدار و رنجی
رسیده بود اما انچه گذشت و نشانی بر اندام داری دلیل کند
بر زندگانی دراز و زیادتی مال با انچه عمر شادکانی یابی میباید که
در نماز کاهلی نکنی تا بمقصود رسی بکوات والله تعالی **فصل صالح**

قال الله تعالی وینصرک الله نصرا عزیزا ای خداوند فال
بدان و آگاه باش که در کار تو خواهد بود و در کار حیران مانده
میگوئی که آیا چگونه باشد و قومی با تو ستم میکنند و
دشمن تو اند اما خدای تعالی ترا آگاه میدارد و چیزی صدقه
باید داد که ترا فرصت و نصرت باشد و کارهای بسته بگشاید

وازغم اندوه خلاصی یابی وبمراد برسی تا دو روز دیگر کن

دیگر هیچ غم بخود راه مده که مرتبه عالی خواهی یافت خدا تعالی ترا

که بسیار جمعیت وراحت یابی اما تو شخص تندخوی با همه کس نرمی

ومدارا کنی تا از بلاها ایمن باشی ودر سینه و پا داغ نشانی داری آن

نشان دولت است هم در دنیا وآخرت اما باید که راز خود با کسی نگوی

وجنگ وخصومت نکنی تا یکهفته دیگر ستاره طالع تو در خانه آید ور

در کار تو پیدا خواهد شد چون باد توبه بینی لطف راست خود نگا

کنی تا بر تو مبارک باشد ومقصود که در دل داری باد برسی پهلوان

فصل نوح قال الله تعالی قلنا یاد اثر یا ای خداوند فال ش

باد ترا که خدا تعالی از همه رنجها خلاصی داد و خود بمراد رسی وچنا

مینماید که امسال بسیار رنج ومشقت کشیدی ونیت که د

داری بر وی حاصل شود و غم مخور اما ترا سفری در پیش
می آید و از آن سفر بسیار جمعیت و راحت یابی و خزانه تو پر
شود و بر قومی مهتر گردی و زبان ده شوی که ستاره تو زود بسعادت
آرد و هیچ غم مخور که عمر دراز باشد و می باید که پیوسته در طاعت
و خیرات خدای تعالی باشی تا حرمت و دولت بیابی و برادر
و هر چند که با مردمان نیکی میکنی بدی می بینی و غایبی که داری
زود بسلامت یابی و آرزوی که در دل داری حاصل شود و
هیچ خیانت در دل تو نیست و با همه کس یکدل و جهت باش
و چون ماه نو شود راحتی بتو خواهد رسید و در روزی بر تو گشاده
می شود و حسودان برنج خواهند بود شکر خدای تعالی بجای آر تا بر دشمن
ظفر یابی و بمقصود رسی بکوانت الله تعالی فصل هود قال الله تعالی

و لیصنع الفلک ای خداوند فال بدان و آگاه باش که شخص

ترا نیک خواه است و تو قومی را نصیحت میکنی و فرمان تو

نمیکنند و سخن تو قبول ندارند و در میان ایشان چنان هستی که

نوح علیه السلام در میان قوم خود بود و سخن او قبول نمیکردند

تا همه در بلاها شدند ولیکن بر دشمنان ظفر خواهی یافت و خواطر

خود جمع دار بشارت باد مر ترا که عمرت دراز گردد و جمعیت کا

بتو رسد و بدبخت تو در آید و شخصی بسیار با تو بدی میکند و از تو

با و راحت میرسد و ترا غمی اندک خواهد رسید حذر کن و از خو

با کسی نکو تا سلامت باشی و ترا سفری در پیش است و در

سفر راحت و جمعیت یابی و آنکه بر تو دشمنی میکند و کار ترا تباه ک

و با تو دوستی میکند از ایشان حذر کن و زیانی بتو افتاده است

جزای

خدا تعالی عوض آن بتو خواهد داد خواطر جمع دار که ترا امیدی
هست و از جائی طمع داری باید که راز خود با کس نگوئی
تا سلامت باشی و کفاره سوگند بر تو هست قضای آن باید
کرد که کارت بدلخواه بر آید روز شنبه و جمعه بر تو مبارک
است و مقصود یابی که بر دشمن ظفر یابی نیکو آنست ان شاء الله تعالی

فال ذکریا قال الله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا ای
خداوند فالی بدان و آگاه باش که در کارها شتاب نکنی
اگر شتاب کنی عاقبت پشیمان باشی اما بشارت باد
مر ترا که راحت و دولت بتو رسد و از جهت فرزند صاحب
دولت بسیار شادمان خواهی شد و قدم آن فرزند بر تو مبارک
باشد و در عزم بر خود راه مده که بکسی که پیوند و عهد کرده راست

نیاید امازودی کارت بمراد خواهد رسید خواطر خود را

جمع دار و با کسی دل گران داری و لیکن ترا دشمن و کینه در

دل نیست و آنچه مراد تست میسر خواهد شد و بمقصود خود

خواهی رسید اما شخصی در اندیشه توی باشد و قوی بر تو حسد

میبرد از دست ایشان هیچ بر نمی آید و تشویش بخود راه

مده که کارها همه بمراد تو گردد و اگر غایب در سفر داری زود

بیاید با خبر خوش از آمدن آن غایب بتو رسد شادمان

شوی و امسال بر تو مبارک خواهد بود و سفری در پیش

آید اگر بروی جمعیت بسیار بینی روز چهارشنبه و جمعه

هر مرادی که داری بخواه که بدعای خود رسی بکوات

فال یحیی قال الله تعالی یا یحیی خذ الکتاب بقوة

خداو

351

خداوند فال بدان و آگاه باش که بشارت باد مر ترا

که بر قومی مهتر خواهی بود چنانکه همه ایشان در و نان تو باشند

و از آن بزرگی و نعمت و راحت یابی و کارت بتو رسد و

و خبر خوش بشنوی و از آن خبر شادمان و خورم خواهی شد

و چشم تو روشن شود در روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک

باشد و روز جمعه از جنگ و خصومت بپرهیز که ستاره تو از

تاریکی بروشنائی می آید و کارهای تو جمله بمراد رسد و امال

بر تو مبارک خواهد گذشت نیکو انشاء الله تعالی فال داود

قال الله تعالی یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که چنان مینماید که بر

سر قومی مهتر خواهی بود که جمله خلایق در فرمان تو باشند

وازغم واندوه خلاص نشوی اما عقب تو شخصی بر اندیشه

میکند و ترا هرچه بر زبان است در دل همانست امثال ترا

رنج رسیده بود و خدای تعالی ترا نگاه داشت یکی برای تو

جادوئی کرده بود امارست نیاید واز تو بخبر در گذشت می

باید که راز خود بکس نگوی اما بعد از چندروز راحت کلی

بتو رسد و نعمت و جمعیت از صاحب دولت ترا نصیب

خواهد بود و از هر راهی که خواهی یافت باید که در نماز کاهلی نکنی

تا بمراد خود رسی بکوانت الله تعالی فال سلیمان

ولسلیمان الریح غدوها شهرا ای خداوند فال بدان

واگاه باش چنان مینماید که تو در غم فرو ماندی و در

فرزندی باشی خدای تعالی از این غم برهاند و فرزند

خواهد بود غم مخور یکبار بر تو جادوئی کرده بودند و خدای تعالی
ترا از آن رنج راحتی داد و از سنگ و از آهن ترا جراحتی
رسیده است و نشان مانده است و آن نشان ها نشان
بدرازی عمر باشد و بسیار خوابهای آشفته می بینی و فراموش
میکنی و در دل تو هیچ کینه نیست باید که در کارهای خیر کنی و بطاعت
خدای تعالی مشغول باشی قوتی از همه بستگی گشاید و نعمت
بیقیاس بدست تو آید و توانگی که در دل تو هیچ کینه نیست
و اعتقاد تو پاک است و خدای با تو عنایت دارد و همه کسان
ترا دوست دارند و صورت تو در دل همه کس شیرین است
و در بازار مناسب پیدا خواهد شد که بسیار منفعت یابی و مال
حرام ترا نسازد و اگر یک دینار حرام بدست تو آید عوض آن

ده و بیار از دست برود زنهار گرد مال حرام نگردی که بر تو ناسازگار

نیست و از غایب چشم تو روشن گردد و تو در دل

اندیشی که بسته وار ان نیست و دو له مینمایی باید که اندیشه

بخود راه مده که بمقصود برسی بکولئت و الله تعالی فعل هارون

علیه السلام قال الله تعالی یا هارون ما منعک ای جواد

فال بدان و آگاه باش چنان نماید که در فکر دشمن فرو مانده

و نمیدانی که چون خواهد شد و دست هیچ جز بساکن نیست

و آرام بداری غم مخور و دل تنگ مباش که مرادت حاصل

می شود زود بکیست که یک ستاره تو بنیز و یک آید

بروشنایی او عجایب ها بینی و در امید است که از بالای

است و خدا تعالی عوض آن تو باز خواهد داد و خاطر جمع

383 و تشویش و تفرقه راه ندهی که کارت نفع و زودی بر
آید و دولت بکاری مشغول است باکسی عهدی و پیوندی
که داری بکن که بسیار نیک خواهد بود و کارت بمدعای
خواهد شد و پس بعد اگر خاک بدست گیری زر شود باید
که در نماز کاهلی نکنی و آنچه دست دهد صدقه دهی تا از همه بلاها
ایمن باشی و بمراد رسی بکوان شاء الله تعالی **فال موسی ع**

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ ای خداوند
فال بدان و آگاه باش که بشارت باد مر ترا بدولت
و راحت و سلامتی رسی که بطالع تو آمده است اما بعضی
بدخواهان بر تو حسد میبرند و شخصی از نزدیک ترا دوست
و نصیحت و پند او بشنو و غم مخور که امسال بر تو مبارک خواهد بود

و بشغل عمل خواهی رسید بسیار راحت یابی و غایب
بصحت و سلامت بتو رسد اما چنان مینماید که سوگند
خورده که کفاره آن بده تا بدولت آسوده گردد و دل بسیار غم و
اندوه خورده و اکنون که بود از تو خبر گذشت در شکم نشانی
داری آن نشان دولت است و عیاری از کسی بر دل خود
داشتی چون در دل تو کینه نیست همه نیک بینی و پیوسته
خوابهای آشفته می بینی و فراموش میکنی دل قوی دار که
بمراد رسی بگو ان شاء الله تعالی **فصل شعیب** قال الله
تعالی وینصرک الله نصرا عزیزا ای خداوند فال بدان
و آگاه باش که چنان مینماید که پیوسته خواهی که دو جمع
و راحت بسیار خواهی یافت و کارت بدلخواه خواهد شد

دار چهارپایان طالع نیکوست و بهر نسبت که داری بمراد خواهی
رسید ولیکن چند روز صبر کن که شتابی نکنی که بعضی مردمان با تو
دشمنی میکنند و کار ترا اشتباه میکنند و بدانچه دولت خواهد یافت بخشه
دست دهد صدقه بدهی تا خدای تعالی از جمله بلاها و آفت ها ایمن
گرداند و از زنی فرو مانده و ترک نیکی دل خویش دار
که مرادت حاصل شود و ترا فرزندی خواهد شد که قدم او بر مادر و پدر
مبارک خواهد شد و از آن فرزند راحت و جمعیت خواهی یافت
باید که راز خود با کسی نگوئی اما کار تو بالا گیرد و هر رنجی و زحمتی که
بر تو روی نموده خدای تعالی از تو بگرداند و در این مدت دلبری و
بهتر میکردی راست نباید و از این سبب سرگردانی یافتی
دل قوی دار که بمراد خود رسی اما دشمن بسیار داری می باید که

همیشه تعویذ بنام خدای تعالی با خود داری تا از بلاها بدگویان
بر تو بسته شود و بر دشمنان ظفر یابی بکوالت الله تعالی فال ادریس
قال الله تعالی و رفعناه مکانا علیا ای خداوند فال بدان
و آگاه باش که ترا دولت و عزت خواهد رسید و هر مرادی که
داری برسد و بیکن جای خواهی رفت شتاب مکن که
شخصی در کار تو بدی میکند و نهایت دل تو پاکست و از شغل
عمل بسیار فایده بتو خواهد رسید و قومی بر تو حسدی بر ند
و در قصد تو اند اما بر تو ظفر نیابند که تیر سی که همه کار تو بمراد خوا
بود و خاطر جمع دار و سفری در پیش مکن و اندیشه بد از کس
راحت و جمعیت بیابی و اندک غم بتو خواهد رسید اما
گذشت و صورت تو در نظر مردمان شیرین آید و در با
...ار

برداری تو باشند اما مانند خوی و تیزی و زود خشم میشوی و باز

385

صلح میکنی و دوستی ترا از جان و دل دوست میدارد و شب

و روز ترا دعای خیر میکند باید که از فرمان او سر نپیچی و در این

چند روز با کسی گفتگو مکنی که ستاره تو از برج نحس بیرون می آید

و در دولت و سعادت می آرد و یک سبزه رنگ به غمخوار تست

حاجتی که داری بدعا حاصل شود و نیکو ان شاء الله تعالی فصل

عیسی ع قال الله تعالی اِنّی مُتَوَفّیکَ وَ رافِعُکَ اِلَیَّ

خداوند فال بدان و آگاه باش که فالت نهایت خوبست

و از اندوه خلاص شوی و مقصود که در دل داشتی حاصل آید و

عمرت دراز باشد و کار بارت بدلخواه بر آید و دشمنان زیر دست

تو شوند و بر ایشان ظفر یابی که هر روز که ترا آید عزت و دولت

زیاده شود و یاران و همنشینان با تو یکدل شوند و تو یک

بخت و لطفی در پیش داری برو که منفعت و راحت و جمعیت

دست دهد و خدای تعالی از برکت مادر از جمیع بلاها در امان نگاه

دارد و کسی که زر داری بتو رسد و شادکامی دهد و دولت و

سعادت شغلی خواهی کرد که نهایت مفید و مبارک است

و دعا حاصل شود و بخت تو نیک خواهد بود و بد دشمنان

ظفر یابی و هر نیت که در دل داری بکن که برادری یک

انشاء الله تعالی فال محمد ص یا کان محمداً یا احد ای

فال بدان و آگاه باش که بشارت باد ترا که فتح و نصرت

بر دشمنان خواهی یافت و دولت و نعمت بسیار رس

کارت در عاقبت البته مرادت حاصل شود و



38b

دشمن داری مقهور شوند در کشف نشانی داری دلیل دولت

و موجب سعادت دو جهانی و عمرت دراز گردد و بسیار

مردمان قصد تو کرده اند و تهمت ها میکنند و بسته اند اما

حق تعالی ترا نگاه میدارد و شب و روز ترا دعا خیر میکنند

از برکت دعا او از همه آفتها و بلاها ایمن گشتی و نعمت

و جمعیت کلی بدست تو در آید و جاه و حشمت یابی و توانگر و عالی

همت گردی کارت نیکو شود و خدا تعالی ترا البلا مسند

سعادت نگاه دارد و تو رحیم و مهربان و ولی صبر کن و راز خود

با کس مگو که آفتاب دولت طالع آورد و از برکت دخیر بسیار

خواهی یافت و از غایب خبر خوب بتو رسد و روز شنبه

و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و روز جمعه در میان جنگ در

میان جنگ نروی تا بسلامت باشی بگوان ان الله تعالی

فصل ابراهیم ع قال الله تعالی قلنا یا نار کونی بردا و

سلاما علی ابراهیم ای خداوند فال این نیت که کرده

بغایت خوبست و نیک طالع قوت داری و از غم و اندوه شادمان

شوی و قومی بر تو حسد میبرند و در قصد تو میکوشند اما خدای

تعالی بفضل خود نگاه دارد و باید که در طاعت کوشی و بو

نام خدا تعالی با خود داری و دوستی داری تو او را میان

که ایشان می شوی و ترا فرزند مقبول و عاقل خدا تعالی

بدهد و در روزی بر تو بگشاید و درین مدت چشم زخمی رسید

است و از تو بخیر و از شر دشمن ایمن شدی و مردی

بالا و زنی که کردی ایشان هر دو بدی تو میخواهند و ان

را هیچ کار دیگر نیست الا که شب و روز ترا تباه سازد
وی باید که بنام خدای تعالی بباشی تا از بلاها در امان حق
تعالی باشی و ترا از شر ایشان نگاه دارد و ایشان را
آواره سازد و ترا بمقصود رساند و دل بر امیدی بسته
وسواس با آن داری باید که ایمن باشی که آن مراد تو
حاصل شود و روز جمعه بر تو مبارک باشد و در میان جنگ
و گفتگو برروی تا بسلامت باشی و خبر او درست بگو
انشاء الله تعالی **فصل اسمعیل ع** قال الله تعالی و فد
یناه بذبح عظیم ای خداوند فال ترا هیچ نسازد مگر آراستی
ترا همه کس دوست میدارند که راست عهد باشی و گناه
و رضاجوی مردم باشی در بلای رنجی رسیده بود اکنون

خبر و نشان تو پیدا است در پشت و پهلو نشانی داری آن
نشان نیک بختی است اما شخص کوتاه بالا بدی تو میکند خدا تعالی
از شر او باز دارد و مراد تو حاصل شود و هیچ غم مخور زنی ترا
روز و شب دعای خیر میکند و خدا تعالی از برکت دعای
آن زن نگاه دارد و از عمر شوی و میراث کلی بتو رسد
و آنچه بد بود در گذشت خاطر خود جمع دار و در این هفته با کس گفتگو
مکن و جای مرو و شتاب مشو تا چهار ماه ترا وصل خواهد شد و
خدا تعالی فرزندی مقبول بتو دهد که بسیار قدمش مبارک
باشد و از آن جمعیت بیابی و پیوسته نام خدا تعالی با خود دا
تا از جمله بلاها و آفت ها ایمن باشی باید که راز خود با کسی نگوی
سلامت و دولت آسوده شوی و دل خود با کسی مبند که هیچ

قدر و قیمت تو نمیداند ولیکن عاقبت کار بمراد خود

رسی بکوان شاء الله تعالی **فصل خضر ع** قال الله تعالی

انا فتحنا لک فتحاً مبیناً ای خداوند فال بشارت باد مر ترا

بدولت و سعادت و نعمت رسی یک کس با تو دوستی

دارد و دو دشمن نادان است و خاطر تر ا پیوسته آشفته ور نجور

میدارد و بد گوئی تو میکند و ترا میخواهد از حلال جدا سازد اما تو

آنچه مدعا طلب کردی بیالی جبر کن و زنهار راز خود با کس مگوی

تا مراد تو بدلخواه بر آید و با هیچ کس جنگ و گفتگو مکن و تندی و

تیزی منما با لسلامت باشی و روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک

باشد و از برای خواطر کسی غم نخوری و اگر کسی از تو دور مانده

باشد دیدار او بسلامت باز بینی و دل بدان امید که بسته

حاصل شود و حاجت ها روا گردد و بمراد خود برسی بکرم

الله تعالی فصل الیاس ع قال الله تعالی سلام علی الیاسین

ای خداوند فال بشارت باد مر ترا بدان و آگاه باش چنان

مینماید که طلب کاری میکنی و آنچه طلب میکنی تو رسد و

شادمان شوی اما بسبب شخصی رنجور خاطری که زبان و قولی

میکند و بدل اندیشه دیگر دارد و این کار بسته تو گشاده می

شود و سوی بی اختیار پیش تو می آید برو که راحت

است و نعمت بسیار بدست تو در آید و باز بسلامت

ازان سفر بوطن خود خواهی آمد اگر نیت پیوند داری مکن

که عاقبت پشیمان میشوی و خدا تعالی ترا حج نصیب کند

و زیارت حضرت پیغمبر صلعم نصیب تو شود و زنی بو

دعای خیر میکند و درازی عمر تو از خدای تعالی میخواهد حرمت

او را نگاه دارد در روز دوشنبه و پنجشنبه بر تو مبارک باشد

و کار که پیش گیری باسان برآید و روز جمعه و سه شنبه در

میان جنگ و گفتگو مروی تا در امان حق تعالی باشی و تندی

و تیزی مکن و صبر کن که کارت خواهد شد چون ماه نو شود

چیزی بدست تو آید که از آن خبر نداشته باشی و بمراد خود

برسی بخوان آنرا الله تعالی **فصل هابیل** قال الله تعالی لئن

بسطت الی یدک ای خداوند فال چنان مینماید که رنج بسیار

کشیدی و در تنگی گرفتار غم بودی حضرت حق سبحانه

تعالی ترا از آن رنج و تنگی و غم برهاند و نجات دهد و قومی بر تو

حیله و مکر عجب زنند و دشمنی با تو دارند هیچ غم مخور که خدای تعالی

تو ابر ایشان ظفر خواهد داد و ترا فرزندی خواهد بود که قدمش

بسیار بر مادر و پدر مبارک باشد و بسیار نعمت و جمعیت

بدست آوری و آنچه مدعاست بر آید و مرادت حاصل شود

و روز دوشنبه و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و همه کارت

بمراد خواهد شد انشاء الله تعالی **فصل ایوب** قال الله تعالی

ای خداوند فال بدان که چیزی از دست تو رفته است و بسیار

پریشانی و عاقبت کار خود نمیدانی تعجیل مکن و صبر کن در هر مراد

که در دل داری بدان مدعا برسد و درین مدت پریشانی

و سرگردان بودی و مدت مدید بر آمد اکنون راحت و نفع

و سعادت بتو روی آید و شادمان شوی و روز دوشنبه

و پنجشنبه بر تو مبارک است و کارت بمراد خواهد شد

مدت دور بمقصود رسے اگر نیت عقد و نکاح در دل داری

خود را تشویش مده و مکن که عاقبت پشیمان میشوی و ستاره

نحس در طالع توست عاقبت امر بصبر این کار بر آید و آنچه

طلب کرده بتو رسد ولیکن بسبب سختی کار تو گشاده

می شود و از بزرگی راحت و جمعیت بیابی و بمراد شود

بکوان شاء الله تعالی **فصل یونس** قال الله تعالی وَلَوْ اَنَّهُ کَانَ

مِنَ الْمُسَبِّحِیْنَ ای خداوند فال در میان تاریکی گرفتار شدی

شکر خدای تعالی بجا آری که از تاریکی بدر آی و از همه غم ها خلاص

شدی و عاقبت از این نیت خورم گردی و ترا از صاحب دولتی

راحت خواهد رسید و شادمان شوی بمراد خود رسے اما بدانکه

مردی و زنی بر تو حسد میبرند و بد گوی تو میکنند اما طالع تو قوت

360

داد و بر ایشان ظفر یابی و شخصی در تو اندیشه است و تو از و

شاد و خرم شوی و تو از و در خشم گیری دیگر باره صلح کنی و خدا تعالی

ترا فرزندی خواهد داد که صاحب دولت و جاه باشد و قدمش

بر مادر و پدر مبارک باشد و از آن فرزند برخوری و ترا انگشت نه

سازد و اگر یکچند پشیمان شوی و از او بمدعا خود رسی هرگز

غم مخور که از جمله غمها خلاص شوی و مرادت حاصل شود و

شخصی از غایب بتو رسد که آرزومند تست و دیدار او بسلامت

بینی و چشمت بدیدار او روشن شود زنی دعاگوی تست

و درازی عمر ترا از خدا تعالی میخواهد و دعای این زن بر تو مستجاب

است و بسبب او حال نیکو شود و کارت بالا گیرد و بر دشمنان

ظفر یابی و مرادت بدلخواه بر آید بلکه ان شاء الله تعالی فصل

یعقوب ع قال الله تعالی ویرث من آل یعقوب ای
خداوند فال چنان می‌نماید که بسیار غم و اندوه کشیدی و بیماری
تو در امیدواری خود برداشته اما حق تعالی بفضل و کرم خود ترا
نجات داده و در دولت بر تو گشاده گردانید شکر خدا تعالی
بجا آر که ترا از غمها خلاصی داد چنانچه که چشم یعقوب نابینا
شد از فرقت یوسف علیه السلام و در فتح و شادی بر تو
بسته و اکنون بشارت باد مر ترا که در روزی و خیر بر تو گشاد
گشت چنانچه چشم یعقوب بدیدار یوسف روشن گشت
و همچنان روشنای در کار تو پدید آید و آفتاب روی دارد
و از این شاد و خورم خواهی شد و بدولت و عزت خواهی
ماند بکوانت الله تعالی فصل یوسف ع قال الله تعالی لقد کان

نی   و اخوتہ ای خداوند فال بدان و آگاه باش که
قومی نان و نمک تو میخواهد و بر تو حسد میبرند اما بشارت باد
مر ترا که ظفر یابی اگرچه این زمان در خطرهٔ و در این چند روز
راحت و شادمانی بتو رسد هیچ غم مخور زیرا کسی با تو قول
و شرط کرده و خلاف وعده و شرط میکند و تو در دل عهد او بسته
دل نهاده اید و آنچه در دل داری بمدعا و دلخواه برآید و راز دل
خود با کس مگوی تا دلت آسوده شود و صبر پیشه خود
ساز و دولت و بزرگی بتو رسد و تفرقه و تشویش بخود
راه مده و شکری در پیش تو می آید اگرچه اندک غمی و بر پای
بتو میرسد و لیکن در آخر از سفر منفعت بسیار نعمت و جمعیت بدست
تو در آید و شادمان شوی و زنی و فرزند و دست و کار ترا ...

میکند اما غم مخور خدا تعالی ترا نگاه میدارد باید که پیوسته در طاعت

و خیرات باشی تا از همه بلاها و آفتها در امان حق تعالی باشی

و دعایی بصحت و سلامت بتو رسد خاطر خود را جمع دار

و غم و غصه را بخود راه مده که کارت بمدعا و آسان برآید و

خبری بتو رسد که بسیار شادمان شوی و بمراد دل برسی بگو

ان شاء الله تعالی تمت تمام شد فالنامه تصنیف حضرت امام جعفر صادق علیه

بسم الله الرحمن الرحیم سوره اذا جاء نصر الله این است

که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که با خود دارد بر اعدا مظفر و

منصور باشد و بهیچ آفتی مبتلا نشود و عقد اللسان حاسدان این

سوره اذا جا شود و خدا تعالی بنظر رحمت سوی آن بنده ببیند

و تاثیر ان و برای دفع بلیات با خود بدارد این باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا جاء	نصر الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی دین	الله
نصر الله	والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا
والفتح	ورایت	الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح
ورایت	الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد ربک
الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد ربک	واستغفره
یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد ربک	واستغفره	انه
فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد ربک	واستغفره	انه	کان
الله	افواجا	فسبح	بحمد ربک	واستغفره	انه	کان	توابا

بکبر سوره اخلاص حضرت پیغمبر فرمود هر که با خود دارد هر حاجتی که [illegible]

باشد این را شفیع آرد و آن بر او روز حشر گردد و هر که در ماه نو به بیند

آن ماه بر او با آسانی و خوش حال بگذرد و نور چشم او

بیفزاید و آتش دوزخ بر وی حرام گردد و اگر در جنگ همراه

داشته باشد مظفر و منصور و سلامت باز آید و هیچ چیزی بکار نکند

بسم الله الرحمن الرحیم

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	[illegible]	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	له	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

بسم الله الرحمن الرحيم

احکام نکاح وکسی که مرتکب این میشود واجب است براو

که پنج علم را بداند تا عقد او درست میشود ١ اول علم لغت تا معنی

لغوی واصطلاحی را فرق تواند کرد ٢ دوم علم صرف بجهت آنکه

موقوف شبه کلمه را بداند ٣ سیوم علم نحو بجهت صحت ترکیب ٤ چهارم

باشد که لازم عقد است دانستن انشائی بر عاقد لازم است

تا تمیز تواند کرد واز جمله انشا چیزی ٥ پنجم بر فرعات مسایل نکاح

که از دانستن آن لازم است مثل در صیغه عربی انکحت

مُوَکِّلَتی مِن مُوَکِّلِكَ عَلَی الصَّدَاقِ المَعلُو

معنی اینست که نکاح کردم وکیل کننده خود را از جراز وکی

کننده تو بر مهر معین و در قاعده صرف انکحت واحد متکلم است

از

از فعل ماضی از باب افعال وَزَوَّجتُ نیز واحد متکلم است از فعل

ماضی از باب تفعیل واین هردو متعدی اند که فاعل ومفعول میخواهند

وهردو موکل اسم فاعلند ومن حرف جراست علی نیز حرف جراست

وصداق وعلوم اسم اند بانکحتُ وَقَبِلتُ نیز واحد متکلم است

از فعل ماضی بحسب ترکیب فعل وفاعل است ومُوَکِّلَتِی مضاف است

است بیاء متکلم ویاء متکلم مضاف الیه است یعنی اضافه بادوست

وَمِن مُوَکِّلَکَ جار ومجرور است ومضاف بر کاف خطاب

وکاف خطاب مضاف الیه وعلی الصداق که جار ومجرور است

علی حرف جر است وعلی الصداق جار ومجرور بعلی یعنی کننده

صداق بحیث دخول علی است والمعلوم تمیز صداق واین

جمله ات متعلق بانکحت وقبلت فعل وفاعل است الکلی

جار و مجرور است مضاف است بیاء متکلم یاء متکلم مضاف الیه

متعلق بقلبت و این نیز جمله انشائیه در لغت از خود چیزی پیدا

کردن است و در اصطلاح انشائیت کلمی است که مجرد باشد

از زمان ثلثه ماضی حال و استقبال باشد یعنی بلخ الزمان است بجهة

آن جمیع عقود الصیغه ماضی قرار دادند از جهة آنکه ماضی و اگر اثبات

بان اگر بلفظ مستقبل میشود احتمال استقبال میشود و ماضی

در و داشت اگر از جمله خبریه میشود احتمال صدق و کذب داشته

و احتمال صدق و کذب ندارد بلکه صادق است اضرب و لا تضرب

و ضرب یضرب که جمله خبریه اند احتمال صدق و کذب هر دو دارد

اثبات اینجا بمعنی امر است و حکم اینجا بمعنی وقوع است و مجرد از

دلالت این زمان این معنی دارد که زمان معنی انیت که وگرچه کل

ان

385

این اثبات حکم در زمان واقع میشود واما زمان مسطور نیست

ومعنی اصطلاح در صیغهٔ عقد ونکاح آنست که شارع این لفظ را

قرار داده است بواسطه آنکه ولمس وتقبیل وجمیع تمتعات زوجه

بر زوج حلال می شود وبعوض این مهر وسکنات ونفقه ومراتب

حمل است بوجوب از زوج بر زوج نقل میکند بر زوجه قبلیت را

نیز وضع کرده برای قبول از زمان با مهر زوج بر زوجه بعوض تحلیل تمتعات

زوجه بر زوج پس زوج نسبت آنچه از و نقل میکند بزوجه منتقل

الیهاست نسبت بزوج بآنچه از زوجه باو نقل میکند منتقل الیه است

وآنچه از و بزوجه نقل میکند منتقل الیه است بباید دانست

که نکاح در لغت وطی کردن است ودر اصطلاح نکاح آن

عقد است که ایجاب وقبول است ولسبب ایجاب وقبول

زوج مالک وطی کردن زوجه میشود ابتدا یعنی اولاً بعضی گفته

اند نکاح یعنی وطی کردن است و مجاز به معنی لفظ ایجاب و قبول

است و بعضی عکس این گفته اند و بعضی حقیقت آن این

که در موضع خود مستعمل شود و بباید دانست که صیغهای عقد

در از جهت اخبار وضع کرده اند و شارع نقل کرده بانشار

آورده بواسطه هر دو امر یکی کذب و دیگری تسلسل و کذب

تسلسل هر دو باطل پس نقل کردن بانشار آمدن لازم بود

و فرق میان انشا آنست که مدلول انشا نفس آن

ثبوت است بالنفس ثبوت و انشا بر سه قسم می شود حالی

از آن نیست که مقارن استقبالی است با مقارن نفس یا

مقارن خضوع است اگر انشاء یعنی دلالت باستقبال امر است

والمقارن

مقارن بخضوع است پس انشاء درین هنگام یعنی سوال کردن
است واگر گویند که چرا دلالت را مفید بوضع کردند جواب
گوییم که بواسطه آنکه آخر از چیزی که دلالت مبطل است فعل میکند
و باید دانست که صیغه اَنْکَحْتُ نَفْسَ مُوَکِّلَتِي
بمثل مُوَکِّلِي در نه دو مفعولی است واین برخود واجب
است بباید دانست واز مفاعیل حاصل کدام مفعول مفعول
او مطلق است ومفعول به است ومفعول ثانی یعنی نکاح
کردم نفس وکیل کننده خود را که فلان از برای فلان
وکیل کننده فلان را گناه باشد بسم الله الرحمن الرحیم
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَحَلَّ النِّکَاحَ وندب الیه وحرم
الزِّنَا وَالسِّفَاحَ وتوعد عَلَيْهِ وَصَلٰوةُ عَلٰى سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

اما بعد از تحریر رساله و آنست که جمعی از برادران ایمانی و دوستان

روحانی مقرر التکلیف و تحریص نموده اند بر تحریر برای وضع عقود

نکاح و انواع تعبیرات آن بر وجهی که غایت احتیاط که در جمیع امور

مستحسن و مرغوب قدرست دران بر وجه اکمل مرعی بوده

باشد چون هر فردی مزید احتیاط را سزاوار بوده اجابت

التماس ایشان را لازم است چند کلمه درخور ادراک و فهم

خود لیس در حیز تحریر در آوردم عَلَى اللّٰهِ الْمُتَّكِلَانِ وَهُوَ

الْمُسْتَعَانُ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ ببایدی دانست که ظاهر اخبار و

اقوال اصحابه آنست که عقد دایم را بلفظ نکاح و تزویج هر دو

واقع میتوان ساخت ولیکن مشایخ ما رضوان الله علیهم بهر دو

لفظ

لفظ اجرای نمودند رعایت احتیاط والضا باید داشت مشهور

و مذکور عمل جمعی از افاضل که سعادت خدمت ایشان یافته 307

بودم این بود که لفظ نکاح و تزویج را هر دو مفعول ثانی متعدی

بکلمه من میساختند وکتب لغت متعدی بنفس وارد شد

و در قران مجید نیز نکاح در مواضع متعدده متعدی بنفس وارد شد

از انجمله قوله تعالی اُرِیدُ اَنْ اُنکِحَکَ اِحْدَی

زوجناکها بنتی تزویج در بعضی آیات متعدی بنفس وارد شد قوله تعالی

و در بعضی متعدی بباء هو قوله تعالی وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ

عِینٍ ولکن این شکسته بعد از تتبع در بسیاری

از اخبار دیدم که متعدی بمن وارد شده پس رعایت عادت

احتیاط مقتضی اینست که بجمع این وجوه ایراد نمایند ایضا در

آبائی که سابق ذکر یافت اسم مرد مقدم است بر اسم
زن و مشهور بر عکس پس رعایت هر دو بشود اولی احوط
خواهد بود و ایضا ظاهر به بسیاری از اخبار و قول اکثر اصحاب
آنست که باکره عاقله بالغه رضای دختر کافی است و اگر باکره نباشد
نیز رضای زن کافی است هر چند پدر وجد داشته باشد و ایضاً
باید دانست که مشهور میان علما آنست که صیغه جمیع عقود را قصد انشاء
واقع می باید ساخت مثلاً کسی که بلفظ انکحت می نماید اگر مراد او
این باشد که قبل از کلام نکاح واقع ساختم و باین کلام از آن
خبر میدهم آن خبر است و باین نحو نکاح واقع نمی شود و اگر مراد او
این باشد که بلفظ انکحت نکاح را واقع می سازم ایجاد آنست و آن
واین نکاح واقع می شود و هم چنین در جمیع عقود مثلاً بعت که
میکو

میگوید می باید که مراد این باشد که [عقد] بهمین لفظ بیعت واقع میسازم

368 بعد از تمهید این مقدمات بدانکه خالی ازاین نیست که یا وکیل مرد با

وکیل زن صیغه میگوید یا مرد با زن یا وکیل مرد با وکیل زن و در

هر صورت یا رضا ولی را رعایت باید کرد یا نه چنانکه ولی نداشته

یا اگر داشته باشد نباشد و ازین مجموع هشت صورت دارد بهم رسید

وایشها در صورتی است که شوهر و زن هر دو بالغ باشند و دختر نابالغ بر

عکس خالی ازاین است ولی طفل با بالغ صیغه میگوید یا با وکیل بالغ

و ازین پنج صورت با هشت صورت سابق سیزده صورت

حاصل میشود اول آنکه وکیل زن با وکیل مرد صیغه گوید و زن باکره

باشد و ولی حاضر داشته باشد درین صورت وکیل زن احتیاط

هم از جانب زن وکیل میشود و هم از جانب پدر و جد پدری وضمن میکنم

که محمد نام دارد وزن زینب او را وکیل میگوید انکحتُ

مُوَکِّلَکَ مُحَمَّداً مُوَکِّلَتِی زَیْنَبَ عَلَی صَدَاقِ خَمْسِینَ تُومَاناً

مَوْصُوفاً وکیل مرد گوید قَبِلْتُ النِّکَاحَ لِمُوَکِّلِی

مُحَمَّدٍ عَلَی الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

پس وکیل زن میگوید زَوَّجْتُ مُوَکِّلَکَ

مُوَکِّلَتِی بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد میگوید

قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ لِمُوَکِّلِی پس وکیل زن بگوید

زَوَّجْتُ مُوَکِّلَکَ بِمُوَکِّلَتِی عَلَی

مَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بگوید قَبِلْتُ لِمُوَکِّلِی عَلَی

مَهْرِ الْمَعْلُومِ پس وکیل زن بگوید زَوَّجْتُ

مُحَمَّداً زَیْنَبَ عَلَی الصَّدَاقِ الْمُعَیَّنِ الْمَوْصُوفِ

وکیل

وکیل مرد بگوید قبلت وکالة عن موکلی

وکیل زن بگوید انکحت نفس موکلتی زینب وکالة

عنها و عن ابیها و عن جدها من موکلک

محمد ابا الصداق

المعلوم وکیل مرد بگوید قبلت النکاح لموکلی

بالصداق المذکور وکیل زن بگوید زوجت بنت

موکلی من موکلک بالمهر المعلوم

وکیل مرد بگوید قبلت لموکلی وکیل زن بگوید

قبلت لموکلی دویم انکه مرد و زن خود صیغه بگویند

وزن ولی داشته باشد و باکره باشد زن میگوید زوجت

نفسی علی صداق خمسین تومانا موصوفا

مرد بگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِی عَلَی الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ زن

بگوید أَنْکَحْتُ نَفْسِی عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ مرد بگوید

قَبِلْتُ لِنَفْسِی زن بگوید زَوَّجْتُکَ نَفْسِی اَصَالَةً وَوَکَالَةً عَنْ اَبِی و جَدِّی بِالْمَهْرِ

الْمَعْلُومِ

مرد بگوید قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ لِنَفْسِی زن بگوید أَنْکَحْتُ نَفْسِی مِنْ

نَفْسِکَ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ ۵۵۵۵

۵۵۵۵۵۵ مرد بگوید قَبِلْتُ النِّکَاحَ لِنَفْسِی

زن بگوید زَوَّجْتُکَ نَفْسِی عَلَی الْمَهْرِ الْمَذْکُورِ

مرد بگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِی زن بگوید

....

مرد بگوید .... در بعضی صورت احتیاط آنست

که زن از جانب پدر یا جد پدری وکیل شود و باین نحو واقع سازد

واگر پدر صیغه را و شوهر گوید از جانب دختر وکیل شود و

بگوید زَوَّجتُكَ بِنتی زَینَبَ وَکالَةً عنها علی صداق

تومانًا موصوفًا جواب مرد در همه صورت

بنحویست که مذکور شد پس پدر دختر بگوید که اَنکَحتُ

بِنتی زَینَبَ مِنكَ وَکالَةً عَنها وولایَةً علیها

بِالمَهرِ المَعلُومِ بعد از جواب پدر باز بگوید

زَوَّجتُكَ بِنتی زَینَبَ عَلَی الصَّداقِ المُعَیَّنِ

المَعلُومِ مرد بگوید قَبِلتُ لِنَفسی عَلَی الصَّداقِ

المَعلُومِ سیوم آنکه وکیل زن صیغه بگوید و آن زن باکره نباشد

یا ولی نداشته بنحوی که در قسم اول گفتیم صیغهها را باید گفت

و وکالت پدر را از لفظ باید انداخت اگر چهار صیغه اول آن

سیم باین ختم کند ظاهر او پس است وکیل زن بگوید انکحت
وَزَوَّجْتُ نَفْسَ مُوَكِّلَتِي زَيْنَبَ مِنْ مُوَكِّلِكَ
مُحَمَّدٍ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بگوید قَبِلْتُ
النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ وَكَالَةً عَنْ مُوَكِّلِي مُحَمَّدٍ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ
چهارم آنکه زن با مرد صیغه و زن باکره نباشد و یا ولی پدر داشته باشد
درین صیغها نحویست که در قسم دویم مذکور شد الا صیغه سیوم که
تلفظ بان نباید کرد و قسم پنجم و ششم و هفتم و هشتم که مرکب از
اقسام مذکوره ایجاب را از قسم باید برداشت و قبول را از
قسم دیگر و در هر یک تفصیل موجب تطویلست نهم آنکه
هر دو صغیر باشند و بولایت عقد کنند ولی ایشان و ولی دختر
بگوید زَوَّجْتُ ابْنَكَ بِنْتِي وِلَايَةً عَلَى الصَّغَا ق

المعلوم

المعلوم ولی پسر بگوید قبلت لابنتی ولایة علی
الصداق المعلوم بار دیگر زوجت انکحت بگوید
بار دیگر باز زوجت نجابنی بنتی بگوید ولی دختر پس بگوید
انکحتک وزوجتک بنتی زینب من ابنک
محمد علی الصداق اثنا عشر تومانا قضیا
صاحبقرانیا ولی پسر بگوید قبلت النکاح والتزویج
لابنی و باقی صورتها از آنچه گفتیم معلوم می شود باید که کسی
که مرتکب وکالت از طرفین میشود عارف بقرینه باشد
که تمیز عددها و اعراب و سایر الفاظ از تلفظ تواند نمود و دیگر فصیح
لهجه خود نیز و قاری گروه باشد که ادای حروف از مخارج تواند
کرد و رعایت وقف و وصل در مواضع خود بکند و چون در این

زمانه در میان عجم الفاظ مشتبه که متعارف شده است مثل

محمد حسین و محمد علی ظاهرش آنست که رعایت قواعد ترکیب

در بیان نمودن محمد علی محمد حسین بفتح دال و یا و دال و

نون و اگر رعایت طور عرب نمود محمد علی بکسر دال و

یا تنوین هم بکند از احتیاط دور نیست و هر یک از مرد و زن که حاضر

باشند در وقت عقد اگر وکیل عوض اسم هذا بگوید و اشاره کند

بهتر است و باید که قبل از تمام صیغه ایجاب شروع بقبول

نکند و بعد از اتمام فاصله عرفی در میان واقع نشود باید که در هنگام

وکیل شدن با دو مرد عادل یا جمعی از شهود و تعریف باشند

که آن آن زن را بشناسد و بدانند که اوست که حرف میگویند

نه دیگری تا در وقت شهادت توانند شهادت داد باید که ز

دق

وقت وکیل شدن صیغه نقش تعیین مهر بکند که زر ناده سکه

است یا رایج ده نه دنگ و نیم است یا ده دنگی و باید که قبل از

372

شروع در صیغه خطبه مشتمل بر حمد و صلواة و تحریص بر نکاح و تبعید

بر سفاح بخواند و خطبهای منقول که در کلیتیه هست به یک را بخواند

خوب است و اگر اینها میسر نشود این دو کلمه که بخاطر رسیده است

آیت الحمد لله الذی خلق من الماء بشرا فجعله

نسبا و صهرا و کان علی کل شیء قدیرا و صلی الله

علی اشرف المرسلین محمد و اهل بیته

الذین اذهب الله عنهم الرجس

و طهرهم تطهیرا اما بعد فقال الله

تعالی و قوله الحق و انکحوا الایامی منکم

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَائِكُمْ

اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ تَنَاكَحُوا تَنَا

سَلُوا تَكْثُرُوا فَاِنِّي اُبَاهِي بِكُمُ الْاُمَمَ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ

وَلَوْ بِالسِّقْطِ وَالصَّلوٰةُ عَلَى اَشْرَفِ

الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ

الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

وبدانکه صیغه متعه تعین مدت و مبلغ شرط است پس وکیل

زن بگوید که مَتَّعْتُ نَفْسَ مُوَكِّلَتِي زَيْنَبَ

مِنْ مُوَكِّلِكَ مُحَمَّدٍ مِنَ الْاٰنِ اِلٰى طُلُوعِ الشَّمْسِ

بِاَرْبَعِ شَاهِيَاتٍ

وکیل

وکیل مرد بگوید قَبِلْتُ لِمُوَكِّلِي اگر وکیل زن بعد از تمهید

مدت مبلغ و تعیین هر دو بگوید مُتَّعْتُ نَفْسَ مُوَكِّلَتِي

مِنْ مُوَكِّلِكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ

بِالْمَبْلَغِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بگوید قَبِلْتُ لِمُوَكِّلِي

و اگر احتیاطا موافق مدلول احادیث کثیره در حین وکالت

بگوید بزن که ترا متعه میدهم بشرط آنکه تو از ان میراث نبری

و او از تو میراث نبرد و عده براری و طلب قسمت لیالی

چنانچه در نکاح دایمی می باشد ننمائی و توقع فرزند هم سا... نبوده

از او نداشته باشی در مدت فلان بمبلغ فلان و صیغه بابن

نحو بگوید زَوَّجْتُ نَفْسَ مُوَكِّلَكَ مُحَمَّداً

مُتْعَتَهُ شَهْراً طَامِلاً سِفَاحٍ عَلَى كِتَابِ اللهِ

وسهمه بنسبته على ان لا يرثه ولا يرثها وعلى

ان عليها العدة وكيل مرد بگويد قبلت على الشروط

المذكورة تمام خواهد بود واگر طرفين خود صيغه بگويند

زوجتك نفسي متعة وضميرها غايب

را بعنوان متكلم خواهد گفت رسقوف ديگر ظاهر است والله

الموفق لكل خير عتقه مولاه العبد المذنب

محمد باقر بن محمد تقي عفي عنهما بالنبي الطاهر المقدسين في

سنة ١٢١١ در صورتی كه زن مرد را وكيل خود كند كه بجهت

خودش متعه نمايد بدين نوع گويد متعت نفس موكلتي

لنفسي بالمبلغ المعلوم في مدت المذكور

بعد ازان گويد قبلت لنفسي فلانه اين صورتی كه

زن

زن با کسی متعه کند او را وکیل سازد از جانب خود خالی

از اشکال نیست و احتیاط افضل آنست کس دیگر را 374

وکیل سازد تا متعتش صحیح باشد و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس به

نزد تو بیارند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز

و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز

بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس

حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس

دعا کن آن زمان را که با او آمده اند آمین بگویند و این

دعا بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي اِلْفَهَا وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا

وَاَرْضِنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ

الّسِ اسلاف لحاتك بحب الحلال وتكن الحرام

ودر حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقولست که چون شب زفاف نزد عروس بروی

موی پیشانیش را بگیر و رو بقبله آور و بگو اَللّهُمَّ

بِاَمانَتِكَ اَخَذْتُها وَبِكَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْتُها

فَاِنْ قَضَیْتَ لی مِنْها وَلَداً فَاجْعَلْهُ مُبارَکاً

تَقِیّاً مِنْ شیعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَجْعَلِ الشَّیْطانَ

فیهِ شِرْکاً وَلا نَصیباً ودر حدیث دیگر از آنحضرت منقول

است که دست بر بالای پیشانی بگذار و بگو اَللّهُمَّ

عَلی کِتابِكَ تَزَوَّجْتُها وَفی اَمانَتِكَ

اَخَذْتُها وَبِکَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْتُ

فرجها

فَرْجَهَا فَإِنْ قُضِيَتْ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْءٌ فَاجْعَلْهُ

مُسْلِماً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَانٍ

راوی پرسید که فرزند چگونه شریک با شیطان می
شود فرمود که اگر در وقت جماع کردن نام خدا برند شیطان
دور میشود و اگر نام خدا نبرند و اگر خود با ذکر آن شخص داخل
میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه یکیست گفت
که بچه چیز میتوان دانست که در کسی شیطان شریک
شده است فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان
در و شریک نشده است فرمود که هر که دشمن ما بدست
شیطان در و شریک شده است و در روایت معتبره
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این

دعا بخواند در وقت زفاف بکلمات الله استحللت

فرجها وفی امانة الله اخذتها اللهم ان قضیت لی

فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا واجعله مسلما

ولا تجعل فیه شرکا للشیطان

ودر حدیث دیگر از ان حضرت منقول است که حضرت

شریک شدن شیطان در نطفه آدمی بیان کرده اند

ولیسار عظیم شمرند راوی گفت که چه باید کرد که این

واقع نشود فرمود که هر گاه اراده جماع داشته باشی این دعا

بخوان بسم الله الرحمن الرحیم

الذی لا اله الا هو بدیع السموات والارض

اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة

فلا

فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا
وَلَا حَظًّا وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا
مُصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ
ثَنَاؤُكَ و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که
شیطان شریک نشود بسم الله و پناه برد بخدا از شر شیطان
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که چون
کسی اراده جماع کند بگوید بسم الله و بالله اللهم جنبنی
الشیطان و جنب الشیطان ما رزقتنی
پس اگر فرزند بوجود آید شیطان هرگز باو
ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر منقول است که چون
اراده جماع کنی اینرا بخوان اللهم ارزقنی ولدا

واجعله لنا تقيّاً زكيّاً ليس فى خلقه زيادة ولا نقصان واجعل عاقبته الى خير

و در حديث معتبر ديگر منقولست كه مكروه است

جماع كردن ميان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و در وقت

فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن سرخى مغرب و

در روزيكه دران باد سياه يا باد زرد حادث شود و در

شب يا در روزيكه دران زلزله حادث شود والله كه اگر

كسى جماع كند درين اوقات پس او را فرزندى بهم رسد

نه بيند درين فرزند چيزى را كه دوست زيرا كه آيات غضب

الهى را سهل شمرده است از حضرت امير المومنين عليه السلام

منقولست كه هرگاه كسى را دردى در بدن بهم رسد يا

حرارت مزاجش غالب شود پس با زن جماع كند تا ساكن

شود

شود از حضرت صادق علیه السلام منقول است هر که در حال خضاب

با زن خود جماع کند فرزندی که بهم رسد مخنث خواهد بود حضرت

صادق علیه السلام هرگاه که بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع

میکردند وضو میساختند و در روایت دیگر منقول است اگر کسی

انگشتری با او باشد که بران نام خدا نقش کرده باشند جماع نکند

از ابو سعید خدری منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله

علیه و آله وصیت نمود بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه

که یا علی چون عروس آری و داخل خانه شود و کفش هایش

بکنی تا بنشیند و دستهایش را و پاهایش را بشوی و آن

آب را از در خانه تا انتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدای

هفتاد هزار نوع برکت را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع

رحمت بر تو فرستد کر بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت

گوشه از خانه باشد و منع کنی عروس را تا هفت روز از

خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش حضرت امیرالمؤمنین ع

گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله بچه سبب اورا منع کنم

از اینها فرمود زیرا که رحم بسبب اینها سرد و عقیم میشود و فرزند

نمی آورد و حصیریکه در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است از زنیکه

فرزند نمی آورد فرمود که یا علی جماع مکن در اول ماه و میان ماه

و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ را ه می یابد بآن زن و فرزندش

یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزند بهم رسد احول خواهد

بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود ایمن

نیست که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد

در آن

درانحالت که نظر کردن بفرج دران حالت باعث کوری فرزند
میشود یا علی بشهوت وخواهش زن دیگری بازن خود جماع
378 مکن که اگر فرزندی بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد یا علی هرکه جنب
بازن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند میترسم که آتش
از آسمانها بر هر دو نازل شود وبسوزاند ایشانرا یا علی جماع مکن
بازن خود مگر آنکه تو دستمالی را از برای خود داشته باشی و او هم
او دستمالی از برای خود داشته باشد هر دو خودرا بیک دستمال
پاک نکنید که دشمنی در میان شما پیدا شود آخر بجدائی می کشد
یا علی ایستاده بازن خود جماع مکن که از فعل خران است اگر فرزندی
بهم رسد مانند خران در رختخواب بول کند یا علی در شب
عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بهم رسد شر بسیار ازو بظهور آید

یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش
انگشت خواهد بود یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن اگر
فرزندی بوجود آید جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکرده
ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب جماع مکن آنکه پرده بیاویزی
اگر فرزندی بهم رسد همیشه در بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد
یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود
آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله
شود با او جماع مکنی بی وضو که اگر چنین کنی فرزندیکه بوجود آید کور
دل و بخیل باشد یا علی در نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد
عیبناک و یاور ظالمان و هلاک بسیاری از مردم بر دست او شود
یا علی بر پشت بام جماع مکن اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریا کننده

حامله [illegible] از شب ... یا علی در آخر شعبان

اهل

و صاحب بدعت باشد یا علی چون سفری بروی در آن شب

که بیرون میروی جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را

369 بناحق صرف کند و اسراف کنند کان برادر شیطان اند

و اگر سفری بروی که سه روز باشد جماع مکن که اگر فرزندی

بوجود آید یاور ظالمان باشد جماع مکن یا علی در شب دوشنبه

که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد

سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش را

از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب

پنجشنبه اگر فرزندی بوجود آید شیطان نزدیک او نه شود

تا پیر شود و خدا او را روزی کند سلامتی در دنیا و دین یا علی

اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی بهم خصلت و سخن گویا باشد

واگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی فرزندی بهم رسد از داناییان
مشهور باشد واگر جماع کنی در شب جمعه بعد از خفتن امید هست
که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع
مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که ساحر باشد و دنیا را
بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را بیاموز از من
چنانکه من از جبرئیل علیه السلام آموختم در احادیث معتبره وارد شده
است که سنت است که عروس در شب واقع شود و طعام
در چاشت پخته شود منقول است مکروه است جماع کردن
در روزیکه دیده آنروز آفتاب بگیرد و مکروهست در شبی که
دران شب ماه بگیرد و کراهیت دارد که مرد رو بقبله
جماع کند از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع نمیتواند

کرد فرمود که نه رو بقبله و نه پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع

نکند حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم نهی فرمود از انکه

کسی محتلم شده باشد از انکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر فرزندی

بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را حضرت رسول صلی

الله علیه واله وسلم فرمود که بحق آن خدای که جانم در قبضهٔ قدرت

اوست اگر شخصی با زن خود جماع کند و در ان شخص دیگر بیدار

باشد که ایشان را به بیند یا سخن و نفس ایشان بشنود فرزندی که

از ایشان بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد حضرت

امام زین العابدین علیه السلام چون مقاربت زنان میکردند

خدمتکاران را دور میکردند و درها را می بستند و پرده ها را می

انداختند از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی را

با زن خود عریان کند و باو نظر کند چون است فرمود که لذتی

ازاین بهتر می باشد حضرت رسول صلعم فرمود هر که در حیض

با زن خود جماع کند پس اگر فرزندی بهم رسد مبتلا شود

بخوره یا پیس پس ملامت نکند مگر خود را از حضرت رسول

صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون کسی خواهد با زن

خود جماع کند بر دویدن نزد او نرود بلکه اول با او خوش طبعی

بکند و بعد از آن جماع کند حضرت صادق علیه السلام فرمود

که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این

میشود که فرزند سقط شود و نزدیکست که اگر فرزندی بهم رسد

دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را که صرع میکند

اگر ذاتست که یا در اول ماه یا در میان یا در آخر ماه می باشد

دار

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را که در حول

در شب چهارشنبه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود

که هر که جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پس با خود قرار دهد

افتادن فرزند از شکم پیش از آنکه تمام شود تمت تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم خواص حروف تهجی نقلاً عن خط من قال

نقلته بخط سید المحدثین و اسوة المحققین حضرت نقابت

مرتبت میر کشاه علیه الرحمه الف هر کس بعد از نماز

بامداد پیش از آنکه سخن کند هزار بار بگوید او را چندان نعمت

جمع شود که حساب نتوان کرد و اگر هزار الف نویسد و با خود دارد

همین خاصیت دهد با چون کسی محبوس بود هر روز

یا لضد بار بگوید خلاص شود و اگر بنویسد و با خود دارد همین

با خ لو مار کی

فایده دارد ث اگر کسی بنویسد و با خود دارد در چشم
مردم عزیز گردد و اگر بخواندن او مداومت نماید هر روز هزار بار در
اقبال بروی گشاده گردد ث اگر کسی هزار و نهصد و شصت
بار بگوید از برای محبت خاصیت تمام دهد جیم اگر کسی
هر شب هزار بار بگوید بعد از نماز شب حضرت پیغمبر را در خواب
ساٹھ رات کی
ببیند و اگر بیمار بود بر قدحی نویسد و بشوید و بخورد شفا
یابد حا اگر کسی خواهد که قطع دشمن کند دویست بار
بگوید و بر مشت خاک دمد بر روی دشمن افشاند دوست
گردد خا اگر کسی خواهد که از غایب خبر یابد بعد از نماز
خفتن بر بالای بام رود و هفتاد بار بگوید و باد بر آن جانب
ستر بار کہی
دمد که غایب باشد خبرش بیاید و اگر نداند که کجاست

هفتاد

هفتاد و عدد بنویسید و در زیر سر نهد و در خواب ببیند
سنتر طوطی للهی

دال اگر کسی خواهد که ظالمی را از مقامی آواره کند بامداد

برخیزد و قبل از آنکه سخن گوید بر بالای بام رود و برابر آسمان

هفتاد بار بگوید آن ظالم از آنجا نقل کند و اگر هر روز هزار بار بگوید
سنتر بار کهی

بدولت رسد ذال اگر کسی ورد خود سازد دولت

از او زود انتقال کند و اگر هفتصد بار بر شیرینی خواند و بکسی

دهد در چشم خلایق عزیز گردد را اگر کسی دفینه دارد

و نیابد هفتصد بار در گوشت خروس سفید بگوید آن خروس

رود تا سر آن دفینه و اگر هفتصد عدد بنویسد و در گوشت

نهد و از گوشت بردارد و در میان قلعی بابندک نگاه نهد و

در زیر سر نهد دفینه را در خواب ببیند زا اگر کسی هر روز

و نام ما در او و نام خود و نام مادر او خود آنکس حاضر گردد

قاف اگر کسی هر روز چهار صد بار بگوید و بهر نیتی که خواهد حاجت
او را روا گردد و اگر خواهد که خواب کسی را ببندد دولیت
عدد بر کاغذی بنولید و در زیر سنگ گران کند بسته شود

کاف اگر کسی خواهد که از چشم خلق ناپدید شود در
وقت حاجت هفتصد بار بگوید حاجتش روا گردد و اگر بر
صفحه مس نقش کند از چشم زخم ایمن گردد لام اگر کسی
نزد کسی چیزی دارد و بدست نمی آید هفتاد بار بگوید طلب
بدست آید و اگر بر برگ زر بنولید و در جوی آب روان
در زیر سنگ کند در نظر خلق عزیز و شیرین گردد میم اگر
کسی در وقت نماز جمعه صد بار بگوید حضرت پیغمبر صلی الله

علیه

علیه وآله وسلم را در خواب ببیند واگر بر کرباس نوشته وبا
خود دارد هر جانوری که او را بگزد درد نکند واگر هر روز صد
و پنجاه بار بخواند زبان خلق از او بسته گردد نون اگر کسی
بعد از نماز بامداد هزار بار بگوید بهشت روزی او گردد واو
اگر کسی خواهد که روزی بر وی گشاده گردد هر روز هزار بار
بخواند روزی حلال یابد ها اگر کسی که از شر شیطان
ایمن گردد هر روز بعد از نماز بامداد هفتاد بار بگوید و در
هر نوبت لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید لا
اگر بر ساق پای نوشته تیز رو گردد یا در نوشتن حاجت
آن سهوی واقع شده از کتاب افتاده تمت الخواص
نامهای چهارده ۱۴ معصوم در یک بیت متن

کانهم یوم یرونها لم یلبسوا الا عشیة او
ضحیها اخرج بسهولة بسر علیّ بحق محمد و علی و
فاطمه و الحسن و الحسین و علی و جعفر و موسی و علی و
محمد و علی و الحسن و محمد المهدی صلوات الله و سلامه
علیه و علیهم اجمعین در ران به بندد و هر کاه طفل
بزاید زود واکند و الا نه غالب که اگر دیر می ماند
روده ها بر می آید والسلام مناجات منقبت

الهی بحق اعداد آن پنج تن :. که هستند فخر زمین و زمن
بحق تو ای حاوی آب و خاک :. بدان چارده نام معصوم پاک
بنور محمد چراغ رسل :. سر سروران سبز باغ سبل
بگلدسته روضه انما :. بسر و خرامنده لافتا

علی ولی شیر پروردگار ∴ سپهدار دین شاه دلدل سوار

امامی که بی بادهٔ مهر او ∴ نخیزد کسی از لحد سرخرو

بخاتون جنت که خیر النساست ∴ که جنت محبان او را رواست

بحق شهیدان خونین کفن ∴ گل باغ رضوان حسین و حسن

بخلق حسن افتخار زمن ∴ که خلقش حسن بود و نامش حسن

بخون حسین آنکه در کربلا ∴ بغروده بروی بلا بر بلا

بسجادهٔ زینت العابدین ∴ بباقر شناسای علم الیقین

محمد که همنام پیغمبر است ∴ که نعلین او عرش را زیور است

بجعفر گل روضهٔ اصطفا ∴ که افزود از صبح صادق صفا

بموسی کاظم و حالات او ∴ بقرب مقام و مقالات او

بقدر علی ابن موسی رضا ∴ شهید خراسان ظلم و جفا

چو در تنگنای لحد جا کنم :: دران وحشت آباد ماوا کنم

دران دم تو از لطف یاری دهی :: وزان مخشم رستگاری دهی

چو منکر نظر سوی حالم کنند :: ز حال گذشته سوالم کنند

در آندم بیادم ده آن پنج تن :: نبی و علی و حسین و حسن

دگر مادری معشر المومنین :: پناه بزرگان دنیا و دین

در آندم بدان پنج فرق رسل :: نبی و علی و دو سبط بتول

الهی الهی خطا کرده ام :: تو بر ما مگیر آنچه ما کرده ام

گنه کارم و عذر خواهم توی :: چه حاجت بپرسش گواهم توی

گنه کار بیچاره ابن حسام :: بلطف تو دارد امید تمام

مرا مایه بس گران داده :: بشهر غریبی فرستاده

کنم سود و سرمایه باز آورم :: که با دولت هر دو عالم برم

کنون

کنون آمدم کیسه پرداخته ∴ همه سود و سرمایه درباخته

ببخشای بر من که بیچاره‌ام ∴ گرفتار نفس ستمکاره‌ام

ببخشای جرم تو پوشیده دار ∴ که هم جرم بخشی و آمرزگار

کرم کن بحال تباه آمدم ∴ بدرگاه تو روسیاه آمدم

که زور آورد گر تو یاری دهی ∴ که گیرد چو تو رستگاری دهی

نکونیم بزرگی و جاهم ببخش ∴ فروماندگی و گناهم ببخش

نقدرم بجرم گناهم مگیر ∴ غنی را ترحم بود بر فقیر

الهی مرا در سر انجام کار ∴ زنیکان و در نیکبختان شمار

ز کسب حلالم بده توشهٔ ∴ که گیرم ز خلق جهان گوشهٔ

حلاوت بده از ذوق طاعت مرا ∴ غنی کن ز گنج قناعت مرا

الهی الهی الهی اله ∴ بروز قیامت کن عفو گناه

اگر دعوتم رد کنی ور قبول :: من و دست و دامان آل رسول

سپردم بتو مایهٔ خویش را :: تو دانی حساب کم و بیش را

چنان ساز مایل بعقبی مرا :: که نبود تمنای دنیا مرا

هزاران درود و هزاران سلام :: ز ما بر محمد علیه السلام

الهی هر آنکس که این خط نوشت :: عفو کن گناهش عطا کن بهشت

تمت تمام شد بیاض سرکار دولت مدار فیض آثار

نواب مستطاب معلی القاب عالی جناب

نواب علیمردان خان بهادر دام اقباله و اجلاله

بخط احقر العباد دفتر ما و من بنده جو کمن سوای

خط عربی بتاریخ یازدهم شوال المکرم سنه ۱۲۱۵

هجری نبویه صورت ترقیم یافت هو المستعان

برائی الحب

٢	٧	٦
٩	٥	١
٤	٣	٨

برائی هلاکی دشمن در قبر کهنه

٥	٢	٨
٩	٧	٤
١	٦	٣

یا در گور کهنه دفن کند

این نقش را از عوج ماه بر کف دست یا بر قرطاس

یا بر لوح بنج و یا هفت بار هر روز نوشته باشد 349

این است

تاویز درد سر

محمد ساره خلق
فلان بن فلان علی حر ...

بسم الله الرحمن الرحیم . بحق جبرائیل و میکائیل

و اسرافیل و عزرائیل و بحق عیسی و موسی بحق

لا اله الا الله محمد رسول الله تاویز ب

لا فتا الا علی لا سیف الا ذو الفقار صم بکم

عمی فهم لا یرجعون این آیت را بر سنگ جدید

یا بر نبات بخواند مطلوب را بخوراند بسم
الله الرحمن الرحیم صم بکم عمی فهم لا یرجعون
نوع دیگر برائی دفع درد که از فرج عورت خون
و آب برود و هیچ وجه نمیماند این آیت را و زیر او نوشته
در کمر عورت ببندد از این رنج خلاص یابد از
سوده است اینست یقلبهم افان مات
او قتل انقلبتم علی اعقابکم نوع دیگر از برائی
ماندن شکم عورت نوشته یکی در کمر عورت بندد و یکی نوشته
بخوراند و بنام سید جهان [illegible] بخش کند اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ بحق لا اله الا الله
و بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین یا حی یا قیوم

برحمتك يا ارحم الراحمين الهي بحرمت اين عزيمت
رباني فلاني شخص را شكم بماند بحق حسيني و مولاني فاطمة الزهرا
صلوات الله والسلام عليها تو عديگر هر كه اين اسم را
بر كوزه بنويسد و آسيب زده را بخوراند آسيب ديو
ببرد دفع شود لوز اثر القوي تو عديگر هر كه اين نقش را
نوشته در خانه نگاه دارد ان الله تعالى در ان خانه آفت رزق
نشود اين است

٧	٢	٩
٨	٦	٤
٣	١٠	٥

تو عديگر سورة الكوثر هفت دفعه بر سر شف نزد خوابيده
ببرد هر كه بند محبت شود تو عديگر اگر خواهي كه زن را در اختيار
خود كني اين تاويز را نوشته زير دندان خود نگاه داشته با زن

دو حکایت کند زن بی اختیار گردد و بتکلم در آید تا دیر اینست

لالالالا اعلان نوع دیگر اگر خواهی که زبان کسی را ببندد

این طلسم را بنویسد و در زیر سنگ گران بنهد تا زبانش بسته شود

اینست

٥	٣	ا	ا	٥	٤٤
٤	٤	سقصه	لهه	کهه	دی

نوع دیگر اگر خواهد که در

محبت خود کسی را بیقرار کند باید که این طلسم را بنویسد

بر نان گندم و پیش گربه سیاه اندازد تا او بخورد مقرر بیقرار

شده بتو بیاید لیکن ماه نو باشد روز مشتری اینست طلسم از این بزرگ

ںااااک طلم لالالا نوع دیگر هر که خواهد که کسی را بر خود

فریفته و عاشق گرداند هفت صد بار ع نوشته و بر شیرینی

خوانده مطلوب را بخوراند آزموده و مجرب است و یا برد است

خود به بندد نوع دیگر برای تب و لرزه اگر کسی را تب و لرزه

۸ ا ا د

هر روز بباید و هیچ نوع دفع نشود این دعا بنویسد و در گلو بندد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله شافی بسم الله کافی بسم الله الرحمن الرحیم

الوافی یا من الله بر و باذن الله و رسولک برحمتک یا ارحم

الراحمین نوع دیگر اگر عورت را حمل ی افتاده باشد

391

باید که این دعا بنویسد بر نان میده و خوردن دهد اگر حمل ها

نماند فردا قیامت حمل او در دامن باشد دعا اینست

قوس ص قوس سلام نحن کل قران طه نوع دیگر جهت محبت

این آیه را بر چیز خوردنی یا بر صندل یا بر عطر یا بر نان

بیست یکبار بنام طالب و مطلوب بخواند و او را

بدهد دیوانه او شود اما در میان خواندن سخن نکند

آیه اینست و من الناس من یتخذ من دون الله

أنداداً يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد

حباً لله ولو يرى الذين ظلموا إذ يرون العذاب

أن القوة لله جميعاً وأن الله شديد العذاب

تعویذ این نقش را برای قوة باه و امساک نوشته در کمر

بندد تا زمانیکه در پیش باشد منزل نشود و پس [illegible]

کند نقش را انوقت انزال شود مجرب است [illegible]

٨	٣	اع	٧٧	۴	٢	٢
٢	١٢	١٢	٢٢	۴٢	١٣	١٢٠
ط	ع	٨٢	٣٢	١٤	١٢	٢٢
ط	١٠٣		١١٥	١٢	ک	٥٠
ط	ک		١١٥	١٦٦	٣	ک

تعویذ این نقش را از قلم طالو بنویسد امساک بسیار شود

عدد	٩۴	٣٨٥٠	٥٦ ٩
٣۴٢	٢۴	٦٦	٨ ۴
٦٢	٢۴	١٨	٢٨
٢٦	٢٥	٨٥	٨٨

تعو

نوع دیگر برای محبت آزموده و مجرب است باید که نام خود

و نام محبوب خود بر هفت پارچه نان گندم این هفت

اسم را نوشته سگ سر سینه را بخوراند و اگر زن محبوب باشد

سگ ماده را بخوراند تا که سگ مرده شود محبت بزود

392

و مجرب اینست الصمد عبده مرقص حوراد ادوتا غدمد

نوع دیگر فلان بن فلان دامکر دبتما الهجرن

علا بغض فلان بن فلان این طلسم را بنویسد بر کاغذ

و بخوراند در میان دو کس عداوت بکند بخوراند اگر

زن باشد طلاق اگر کنیزک باشد بفروشد اینست

لا اوح الا و د عری ص ص سوم ٢ م

نسخه آتشک قرنفل ٥ ماشه مرچ سیاه ٥ ماشه رسکپور ٥ ماشه

زیره سفید　برگ تنبول　این همه ادویه‌ها را
۵ ماشه　۲۵ عدد

کوفته بر برگ تنبول را حل نموده شش گولی به بندد در زمانی

بخورد اگر ملائی نباشد در جغرات بوقت صبح بخورد

نوع دیگر برای سوزاک. بهون پهلی را گرفته در

آب بیندازد بوقت صبح این را آتش نموده قدری

شکر یا نباته بیندازد و بخورد سوزاک مطلق نماند

نوع دیگر ادویه لذت بیارد خون خروس سفید یعنی

مرغ همراه شهد بجوشاند بر قضیب طلا نماید چنان لذت

شود که هر دو بیهوش شوند نوع دیگر نسخه قوة باه و

امساک　افیون مصری　جند بیدستر　دارچینی قلمی
　۵ توله　۴ ماشه　۴ ماشه

سالب مصری　گل بابونه　زعفران　مستکی رومی
۴ ماشه　۴ ماشه　یک توله　۴ ماشه

فلفل

فلفل زنجبیل بی ریشه دانه فلفل کندر چند دار
۲ ماشه ۲ ماشه ۲ ماشه ۲ ماشه ۲ ماشه

هندی این همه ادویه را کوفته بیخته بعرق کیوڑا نم داده
تولہ

گولی بائی بقدر کنار جنگلی بسته ورق نقره پیچیده نگاه دارد

393

از یک حب تا دو حب شام بخورد نوعدیگر نسخه جهت

امساک وقوة باه ازموده است نوشته از بیاض حکیم جواهر
۳ ماشه

اسبند بیج بند اول جواهر را سائیده نگاه دارد
۵ ماشه ۷ ماشه

دیگر ادویه کوفته وبیخته سرمه ساز نموده دریارچه دربائی

بیختن نموده معه جواهر مذکور درشهد خالص انداخته

بموجب ... که گولی بندد برابر نخود گسری زیاده گولی

بسته نگاه دارد و پیش از جماع چهار گهڑی گولی بخورد

بعد جماع کند بدیر حاصل شود وقوة بماند نسخه دیگر جهت

مشقا قل مهری
بعد انمودن منی زیست هالب مصری
۶ ماشه   ا توله

بو زیدان بهمن سرخ تودری زرد تخم هلیون
۶ ماشه   ۶ ماشه   ۶ ماشه   ۶ ماشه

نبات هم را کوفته بیخته سفوف نمود خوراک ۷ ماشه
۲۰ توله

با شیر میش یا شیر بز یا شیر گاو هر قدر که خرم شود

وقت صبح بخورد از ترشی و بادی پرهیز نماید نوعدیگر

نسخه قوة باه زردی بیضه مرغ عرق پیاز نیم پاو
۵ عدد

عرق ادرک کنجد سفید موسلی سیاه
نیم پاو

اسکند ناگوری قدری جوز و جوتری ذدار چینی بسکه
نیم پاو   نیم پاو
نیم پاو

نیم اسار قوام نمودن ادویه بار امخلوت کرده

معجون سازد قدر دو توله وقت نهار همراه شیر پاو

کاو بخورد نسخه جهت خشک نمودن اب فرج عورت

وخیک وتنیکا مجو کلی انار بهنگری لیجون

۲۵ ۲۰ ۱۲ ۲۵

شیرکهور پوست اندرجو پارچه باریک این همه ادویه

۱۲ ... ۲ سار

جوکوب نموده درمیان سه انار آب جوش نماید وقتی

که نیم ایسار آب باقی ماند از آتش فرود آرد سرد کرده

پارچه مذکور بعد در او رنگ سازند او بچه که ماند جا

جوش کند و سرد نماید پارچه را باز رنگ نماید غرض

تا آب باقی ماند همین طور جوش داده سرد کرده پارچه را

رنگ سازد وقتی که آب آخر شود پارچه را خشک کرده

نگاه دارد چهار انگشت آن را گرفته درمیان فرج

نهد بعد دو گهری از فرج بیرون آورده مجامعت نماید

خوب جوش خواهد شد اگر زن حاجت کند تا از پارچه چهار انگشت

ذکر را دخول کرده باز کند از پارچه مذکور صاف کرده

در مجامعت گرم باشد بسیار خوش شود نوعدیگر منزل گیتا بیدن

بحورت کافور جوانه کچور هر دو را سائیده در
۲ درسیر ۶ درسیر

بسیر بنر حل کند که سرمه شود انوقت کار دو گهڑی پیشتر

بر صفحه سوراخ قضیب طلا کند بعد مشغول شود زن

انزال کند نوعدیگر برائی سیلابی منی سونٹھ
۲ درم

مصری هر دو را یکجا کرده مقدار بادام بخورد
۲ درم

برنج ساٹھی بی نمک خورده باشد دفع شود نوعدیگر

تخم هندار ایں سائیده از آب بر ذکر طلا کند واز

دست و پائی خود بمالد امساک خوب شود نوعدیگر

پهل بهٹ کٹائی در پارچه صفت کرده وآب او وعرق او

از

گرفته اور ابر برگ پان طلا گردد بعد دیگر بچسپانند

تا هفته دیگر دراز گردد و سخت شود نوع دیگر پشم اسپ

395

آورده زیر ران زن دود کنند بچه مرده از شکم

عورت بیرون آید نوع دیگر اگر یک عدد ماجو سائیده

بزن بدهد و بخوراند بچه مرده از شکم بیرون آید مجرب

است نوع دیگر گوکهرو بخور هر دو را سائیده بر قضیب

طلا کند تا هفته سخت شود و سطبر گردد مجرب است

۲ دام

نوع دیگر علاج ناسور بیارد موئی عورت اور اتباید

مانند سرمه اندکی آب انداز دو سائیده بر

ناسور نهد بکرم الهی فرصت شود نوع دیگر برای شکم

جاری که هیچ نوع بند نشود این دوا بخورد صحت یابد

سونف بریان سونٹھ بریان پوست
یک درم یک درم یک درم
شکر سفید همه را سائیده بخورد شکم روان
یک درم
بند شود مجرب است نوعدیگر برای قوت
باه و امساک بیر بہوٹی جوز بویه هر دو
را با مشک حل کرده بر بن طلا کند سیخ و
امساک آرد نسخه دیگر ذیق النفس طوطیا
شرب باریک طوطیا کرده شرب گداز کرده
قدری قدری مخلوط کنانیده دارد یک ریتی بخورد
نوعدیگر دهوتی آتشک شنگرف عقرقرحا
۲ توله ۲ توله
طوطیا خام هلیله زنگ اندرجو مائین جوز دکلان
۶ ماشه ۶ ماشه ۶ ماشه ۶ ماشه
چهال بیخ کنکهیا باریک نموده وزن کم مخلوط ساخته
۶ ماشه

چهار